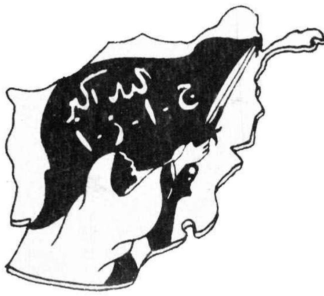


پیام زن

نشریه جمعیت انقلابی زنان افغانستان

شماره مسلسل ۴۳ جوزای ۱۳۷۵ـ جون ۱۹۹۶

نعره‌ی «هشت ثور سیاهتر از هفت ثور» بازهم در «حریم» خاینان بنیادگرا، پشاور طنین افکند

صفحه ۴









طلاق و وصلت بیحساب خاینان اخوانی از نابودی حتمی شان جلوگیری نمی‌تواند

دوستی می‌گفت:

در ملک ما اگر کسی بی‌شرمی را از حد می‌گذراند به او می‌گفتند تنبانش را خود به سرش بست. اما نمی‌دانم حدود بی‌شرمی خاینان اخوانی را چگونه باید سنجید وقتی آنان اصلاً تنبانی بر تن ندارند؟

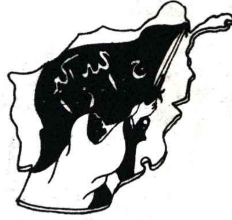
با آشتی احزاب خاین ربانی و گلبدین از یکسو حزب وحدت و طالبان از سوی دیگر، واقعاً جنایتکاران میهنفروش که سنگ «اسلام ناب محمدی» و «شریعت اسلامی» را شب و روز به سینه می‌کوبند و در باره آن کف بر دهان می‌آرند، برای هزار و یکمین بار ثابت ساختند که همانند حرفه‌ای بودن شان در تبهکاری و خیانت، در بی‌شرمی و تحمل عظیم‌ترین رسوایی‌های ننگ‌آور نیز همتا ندارند. ولی به راستی به قول آن دوست، از جنایتکارانی که شرم و عار و

بقیه در صفحه ۶



روزی که مردم ما برضد بنیادگرایان خاین برآشوبد، قاضی حسین رهبر جماعت اسلامی پاکستان هم دیگر خطبه خواندن عقدهای مکرر در مکرر عروسان کثیفش را با خود به گور خواهد برد.

شماره حاضر به ناگزیر حاوی عمدتاً
گزارشهاگردید بناءً ازکلیه دوستانی که به این مناسبت
نوشته‌هایشان از انتشار بازماند، پوزش می‌خواهیم.



پیام زن

نشریه جمعیت انقلابی زنان افغانستان

شماره مسلسل ۴۳ جوزای ۱۳۷۴ـ جون ۱۹۹۶

درین شماره:



پیام زن
نشریه جمعیت انقلابی زنان افغانستان
شماره مسلسل ۴۳ جوزای ۱۳۷۵ـ جون ۱۹۹۶

نعره‌ی «هشت ثور سیاهتر از هفت ثور» بازهم
در «حریم» خاینان بنیادگرا، پشاور طنین افکند

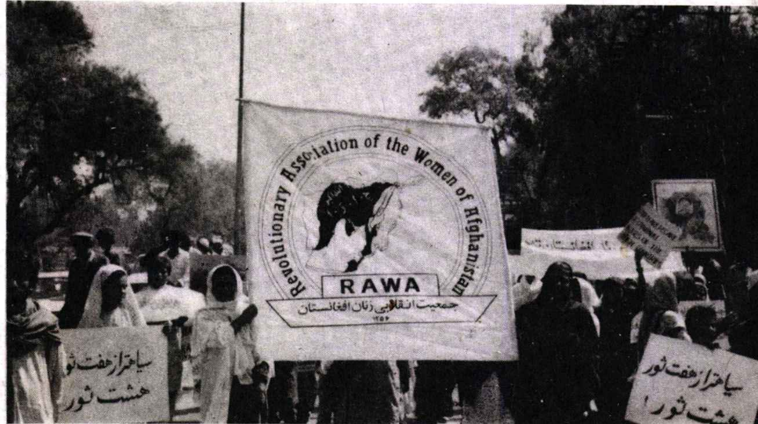
آدرس مکاتباتی:

RAWA
P.O.BOX 374,
QUETTA,
PAKISTAN

آدرس بانکی:

MS. A. ZAFAR
A/C NO. 12416 - 12
HABIB BANK LTD.
JINNAH ROAD BRANCH,
QUETTA - PAKISTAN

نعره‌ی «هشت‌ثور سیاهتر از هفت‌ثور»
باز هم در «حریم» خاینان بنیادگرا، پشاور طنین افکند







امسال نیز هشتم ثور روز یورش بنیادگرایان به کشور در شهر پشاور پاکستان طی راهپیمایی پر شکوهی توسط «ج.ا.ز.ا» محکوم گردید.

تظاهرات ساعت ۹:۳۰ قبل از ظهر از گوره قبرستان واقع یونیورستی رود پشاور آغاز یافت که در آن علاوه بر عده‌ای از اعضا و هواداران «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» تعداد قابل توجهی از زنان مهاجر مقیم پشاور، نمایندگان بعضی از سازمانهای پاکستانی هم شرکت داشتند. تعداد خبرنگارانی که در تظاهرات حضور داشتند بیشتر از هر سال دیگر بود.

یک ساعت قبل از شروع تظاهرات چند تن از اعضای «راوا» با موتر حامل لودسپیکر در محلات و مناطق افغان نشین شهر پشاور رفته و از آنان دعوت به عمل می‌آمد تا بخاطر تقبیح فاجعه هجوم بنیادگرایان در کشور و ابراز همبستگی با هموطنان ما بخصوص شهریان کابل در تظاهرات شرکت نمایند.

در پیشاپیش مظاهره آرم «راوا» حمل می‌شد. عکس مینا و تصاویری از سایر زنان شهید کشور، پلاکارت ها و پوسترهایی از ویرانی و تباهی شهر کابل، شعارهای آزادیخواهانه و ضد بنیادگرایی صفوف تظاهرات را نظم بخشیده بود.

مظاهره توسط سخنان افشاگرانه‌ی مستوره آغاز گردید و متعاقباً آدمکهای گلبدین، ربانی دوستم و سیاف منحیث جنایتکاران جنگی حلق آویز گردیدند. بعداً مظاهره با دادن شعارهای پرشور ضد بنیادگرایی، سخنرانیها، قرائت اعلامیه، دکلمه اشعار و خواندن سرودهای انقلابی ادامه یافت که مورد توجه هموطنان ما و پاکستانی‌ها قرار گرفت.

مظاهره‌کنندگان در نزدیک خانه فرهنگ ایران توقف کوتاهی داشتند و مداخله ایران در امور افغانستان و تقویت جیره‌خوارانش را محکوم کرده و دقایقی چند شعارهای «نفرین و مرگ بر اکبری»، «نفرین و مرگ بر خلیلی و دیگر چوچه سگان حقیر رژیم ایران» و «دستهای رژیم فاشیستی ایران از افغانستان کوتاه» را مکرراً سر دادند.

یکی از ریشسفیدان مهاجر افغان خواست تا برایش موقع داده شود درد دل خویش را بیان دارد. وی با دادن شعار مرگ بر ربانی، مرگ بر گلبدین، مرگ بر سیاف، مرگ بر مسعود، مرگ بر دوستم، مرگ بر خلیلی و مرگ به دشمنان افغانستان نفرت







بی‌پایانش را بیان نموده شهامت زنان تظاهرکننده را ستود.

چنانکه می‌دانیم تظاهرات موفق سال قبل «راوا» در شهر پشاور که قوله‌های میهنفروشان بنیادگرا را به آسمان بلند کرده بود و تمامی این خاینان توپچه های مطبوعاتی شان را با تشنج و هرزگی عجیبی علیه «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» براه انداخته و با هشدار ها و اخطارهای کودکانه و در عینحال اوباش منشانه‌ی شان می‌خواستند «راوا» را از براه انداختن همچو فعالیتهایی ضد بنیادگرایی در آینده بترسانند. اما امسال این اراذل خاین از دومین تظاهرات «راوا» در شهر پشاور که در واقع «مردانگی» آنان را به آزمایش گذاشت با سکوت مرگبار استقبال نموده، نزدیک آن نیامده (ما فکر می‌کردیم حتماً با عده‌ای از تروریستها و چاقوکشهای بنیادگرا از نوع «دانشجو» و غیره مواجه خواهیم شد) و بدینگونه ثابت ساختند که آنکه باید بترسد و می‌ترسد نه ما بلکه خود جنایت پیشگان اخوانی است؛ ثابت ساختند که تاکنون واقعاً کوس رسوایی این خاینان پلید در سراسر گیتی نواخته شده و بناءً با رذالت مآبی علیه تظاهرکنندگان راوایی جز آنکه بیشتر از پیش خود را عریانتر و بی‌آبروتر سازند، فایده دیگری نخواهد داشت.

بیجا نبود که عده‌ای از هموطنان ما با شور و شعف می‌گفتند: «این تظاهرات دیگر بکلی طلسم گلبدین و سایر اخوانیهایی بی‌ناموس را شکست و این تظاهرات «حریم» وطنفروشان بنیادگرا را پاره پاره کرد.»

تظاهرات در مطبوعات پاکستان بطرز کم سابقه‌ای انعکاس یافت و نیز گزارش آن و مصاحبه‌های سخنگویان «راوا» را در برنامه های فارسی و پشتوی رادیوی بی‌بی‌سی و صدای امریکا انتشار یافت.

در ختم مظاهره اعلامیه «راوا» به مناسبت هشتم ثور به زبان های دری، پشتو، اردو و انگلیسی پخش گردید. تظاهرات بعد از دو ساعت با شعار های پرشور در صدر پشاور پایان یافت.□



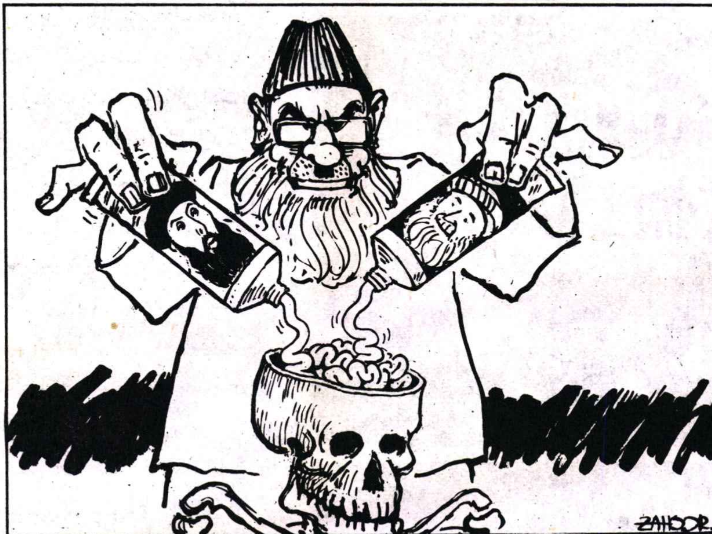
طلاق و وصلت بیحساب خاینان اخوانی ...

شرافت و مفاهیمی ازین قبیل را مدتهاست با نجاست خود آلوده اند چقدر جای شگفتی است که دیروز یکدیگر را «نامسلمان»، «یاغی»، «باغی»، «مباح الدم»، «کافر»، «قاتل»، «جاسوس بیگانه» و... می‌نامیدند و امروز ناگهان دست بر قرآن نهاده یکدیگر را «برادرجهادی» صدا زنند؟ این خاینان جهادی که غرق دریای خون و خیانت اند دیگر چه مانده که از طلاق دادنها و وصلت‌های پیهم خود خجالت بکشند؟ناز و کرشمه‌های اولیه‌ی سرکردگان باندهای جنایت‌پیشه (انکار «دیپلماتیک» وحدت‌های گلبدین و ربانی توسط به اصطلاح سخنگویان شان) بیشتر از آنکه بیانگر احساس سرافکندگی‌شان باشد، بخاطر «داغ» و «جالب» ساختن خبرهای مربوط بود.

نکته مهم اینست که اگر خاینان جهادی ولو با مفهوم «شرم» و «خجالت» و این‌چیزها بیگانه هم نمی‌بودند، از این بازیهای نفرت‌انگیز خود ابا نمی‌ورزیدند. زیرا تحکیم پایه‌های قدرت استبداد سیاه خونچکان شان در کشور بالاتر از هر چیز دیگری قرار دارد. اینان می‌دانند که هرچند هنوز با مقاومت سرتاسری بنیان‌کن مردم روبرو نشده اند، اینهمه سگ‌جنگی‌داخلی یکی از بزرگترین عوامل آب شدن شیر حاکمیت شان خواهد بود. از جانب دیگر چون هر کدام به قدرتهای معینی وابستگی دارند، هیچگاه قادر نیستند از رقصیدن به سرانگشت اربابان سرباز زنند: ایران ضمن داشتن گروههای مزدورش در جناح «دولت» و «اپوزیسیون» روی ربانی و احمدشاه‌مسعود سرمایه‌گذاری کرده و همینطور است فرانسه و برخی کشورهای دیگر اروپایی. امریکا که طالبان را از طریق پاکستان به میدان آورد، حالا علناً بر سر دوستم دست می‌کشد و با دالرش در آستانه خریدن باند خلیلی و هماغوش ساختن آن با طالبان است (هرچند احتمال ایفای نقش جاسوسی خلیلی برای ایران در میان طالبان را نمی‌توان نفی کرد.)

کشاندن باند گلبدین که در جنگ بین برادران بدترین بازنده بود، برای هر دو طرف فوق‌الذکر گلبدین بیشتر از آنکه از لحاظ نظامی واجد ارزش باشد، از لحاظ سیاسی برد محسوب می‌شد و این خاین با در نظرداشت کابوس سربه نیست شدن مزاری بدست طالبان، عجالتاً با گرفتن پوست پشک به رویش کاسه ربانی و مسعود را می‌لیسد (و در اینمورد نه این احتمال را که وی عمدتاً بخاطر جاسوسی برای پاکستان و امریکا و به اشاره این دو کشور خود را در قفس دشمن خونینش انداخته، می‌توان منتفی دانست. و نه این را که وی برای کشتن «استاد» و احمدشاه‌مسعود و متقابلاً آن دو برای زیربال کردن سر وی، زحمت اجرای اینهمه درامه های تهوع‌آور «آشتی» را بر خود هموار کرده باشند؟)

به استثنای نیرو ها و افراد طرفدار دموکراسی، همه گروههای تبهکار جهادی و روشنفکران پست وابسته به آنها و سازشکاران، نمایشهای بی‌شرمانه‌ی بین گلبدین ـ ربانی وغیره را با لحن رذیلانه‌ی آشنا، جدی گرفته و آن را بمثابه «روزنه امید»، «پایان برادرکشی بین قوتهای جهادی» و نظایرش جار می‌زنند. و این و آن انتقاد جهادی بر معاملات مذکور نیز مثل تأیید آن، سخت انزجارآور و آزاردهنده است.☆



تحولات «بین‌الجهادی» اخیر که پای کثیف دلالی قاضی‌حسین‌احمدها هم در آنها نمایان است، سلسله همان توطئه‌هایی بشمار می‌رود که جهت تداوم و تحکیم استیلای فاشیستی جنایتکاران اخوانی و برادران طالبی شان به ابتکار یا حمایت تمامی لاشخواران منطقه‌ای و جهانی بر ضد آزادی مردم و وطن ما در جریان است و هرگز کوچکترین سودی به حال توده‌های مجروح افغانستان نداشته و نه تنها به سگ‌جنگی ها پایان نمی‌دهد بلکه آن را به مراتب شدید و فاجعه‌بارتر خواهد گردانید.

طرح امریکا مبنی بر «منع صدور اسلحه به افغانستان» نیز بیشتر به «بعد از باد رفتن چهارزانو نشستن» می‌ماند تا اینکه اثری قابل توجه داشته باشد. سی‌آی‌ای به نوردیده های هفتگانه و بخصوص دردانه‌های خاین

بقیه در صفحه ۵۳

☆ ـ مثلاً طبق خبری در روزنامه «مسلم» (۲۱ می ۱۹۹۶) آقای مولوی یونس خان خالص به آن دلیل موافقتنامه گلبدین ـ ربانی را رد می‌کند که به گفته‌ی وقیحانه‌ی وی «دو رهبر افغان صرفاً می‌کوشند موقعیت خود را استحکام بخشیده و سایر احزاب جهادی را از قدرت دورنگهداشته و بنابرین آرزوهای اکثریت ملت افغانستان را نادیده انگارند و نیز هر دو رهبر مذکور جزئیات جریان اقدامات مشترک شان را در آینده برملا نمی‌سازند»! یعنی دل‌کشالی آقای مولوی فقط بخاطر آنست که مبادا آن دو دزد در تقسیم قدرتی خاینانه سهم وی را از یاد برده و نکند که برایش از گاو تنها غدود برسد.

گزارشهایی از افغانستانِ زیر چکمه های خاینان و جنایت پیشگان بنیادگرا

میترا - کابل

نرخ همکاری گلبدین با «دولت»

به تاریخ ۵ و ۶ حوت ۱۳۷۴ در ملاقات هاییکه بین داکتر عبدالرحمن و گلبدین در سروبی صورت گرفت بیش از یک هزار و یکصد ملیون (یک میلیارد و یکصد ملیون) افغانی جهت «ایجاد فضای حسن تفاهم و پیشبرد موفقانه مذاکرات» و غرض نیل به «سازش بین طرفین» از سوی «دولت اسلامی» برای گلبدین پرداخته شده است.

عده‌ای از مردم برآنند که اگر گلبدین وارد کابل شود درصورتیکه نتواند در از بین بردن مسعود پیشدستی کند، قبرش توسط مسعود کنده است وعده‌ای هم معتقدند که مسعود با کشاندن نفرتبار گلبدین بسوی «دولت» در واقع او را خنثی و بی‌ضرر و بی‌اهمیت‌تر ساخته و عجالتاً که با برادران قویتر طالبی و دوستمی مواجه است، علی‌الرغم شرم‌آور بودن قضیه او (گلبدین) را تحمل خواهد کرد.

دست مسعود در «انفجار» زیر ریش ربانی

به تاریخ ۲۶ دلو ۱۳۷۴ دو انفجار مهیب در یکی از انبارهای مهمات ارگ رخ داد که تلفات سنگین مالی و جانی ببار آورد. انفجار اول در حدود ساعت پنج عصر و دومی حوالی هفت شام صورت گرفت. قرار گزارش شاهدان عینی بیش از یک کندک ملیشه‌ی گارد خاص ربانی که اکثراً بدخشی بودند، در این حادثه جان دادند.

خسارات مالی این انفجار بی‌سابقه بود. تمام کلکین‌های ساختمان های داخل و اطراف ارگ شکسته و تعمیرهای هوتل کابل، افغانستان بانک، بانک ملی، وزارت مخابرات، وزارت مالیه، هوتل خیبر، وزارت معادن و صنایع، وزارت تعلیم و تربیه، شاروالی کابل، پشتنی تجارتی بانک، هوتل سپین زر و دهها آپارتمان در نواحی پل باغ عمومی شدیداً خساره‌مند گردیدند.

مردم کابل علت انفجار را عمدی و ناشی از تضاد بین ربانی و مسعود می‌دانند. تبصره ها چنین است که وقفه دو ساعته بین دو انفجار به این دلیل بوده که احتمال می‌رفت دو ساعت بعد از انفجار اول ربانی و حواریونش جهت دیدن محل حادثه بیایند و به این ترتیب همه را یکباره از بین ببرند.

بیشتر مردم همین احتمال تضاد ربانی - مسعود را قویتر می‌دانستند نسبت به این احتمال که طالبان تا زیر ریش ربانی نفوذ کرده و باعث انفجار شده باشند.

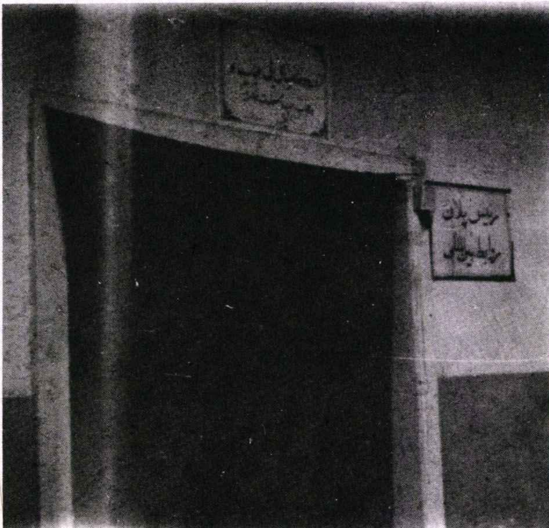
▫▫▫

سامعه - کابل

«از ورود خانمهای با حجاب و بد حجاب معذرت خواسته می‌شود»

در منزل چهارم وزارت معارف روی لوحه دفتر ریاست پلان و روابط بین‌المللی اعلانی با این مضمون نوشته شده است: «از ورود خانم های با حجاب و بد حجاب معذرت خواسته می‌شود.»

حمیدالله هاشم «رئیس پلان» پسرکی کاملاً بیسواد و بی‌دانش و عاری از معاشرت و تربیت است که به اساس رشته سمتی و تنظیمی با «وزیر» به این پست مقرر گردیده است. به گفته خودش فقط «خط خط کردن» (امضاً) را یاد دارد و بس. به این بیچاره کسی یاد داده که با نوشتن اعلان فوق فیصدی جهادی بودنش زیادتر معلوم می‌شود!



عکس از «پیام زن»

مارکیت غذای باسی

در مارکیت زیر زمینی محمد جان خان واټ بازار بسیار بزرگ بوجود آمده که در آن غذای باسی و پسمانده از قشله های عسکری، اماکن عمومی جهادیها و شفاخانه ها بفروش می‌رسد و مردم بینوای کابل بخاطر نجات جگرگوشه های خویش از گرسنگی، خریدارند.

▫▫▫

بشیراحمد ـ کابل

فرق بین توحش ضد زن طالبی و «دولتی»

مأموران زن در اثر برخورد ضد انسانی و ضد زن جهادی‌ها فشار بیشتر از مردها را متحمل می‌شوند. اگرچه مرد و زن هردو توسط سازمان‌های جاسوسی ـ مذهبی (امر بالمعروف و نهی از منکر) و ارشاد و دعوت (کورس عقیدتی سیاسی) مورد اهانت قرار می‌گیرند، ولی زنان بیشتر از مردان زیر عنوان بی‌حجابی، دست دادن و صحبت کردن با نامحرم و ده هااتهام دیگر از اینگونه متحمل عتاب و توهین جهادی ها می‌گردند.

در اکثر ادارات دولتی و موتر های مأموران جای مخصوص برای زنان در نظر گرفته شده است تا از معاشرت و مصافحه با مردان نامحرم دور باشند. موارد زیادی اتفاق افتیده که زنان در صورت عدم مراعات احکام نهی از منکر مورد سرزنش جهادی قرار گرفته‌اند. مثلاً روزی رئیس پشتنی تجارتی بانک بنام روح‌اله مطابق به برنامه سازمان جاسوسی امر بالمعروف و نهی از منکر به شعبات سرزده و زنهایی را که چادر رنگه بسر داشتند و یا تصادفاً در همان لحظه چادر از سر شان افتیده بود سه روزه کسر معاش کرد.

یک تن از کارمندان وزارت زراعت به اسم خالد فارغ رشته مالداری به تاریخ ۱۴ دلو ۱۳۷۴ با یکی از همکاران زن مربوط آن اداره احوال پرسی می‌نماید که توسط مصطفی جواد معین خدمات زراعت چند سیلی به رویش حواله می‌گردد. مصطفی جواد جهادی ناراضی گلبدینی که به باند ربانی پیوسته به این هم اکتفا ننموده به افراد مسلح خویش دستور داد تا فرد مذکور را لت‌وکوب کنند.

زنان در شعبات باید از خندیدن به صدای بلند حذر کنند، اگر مرد و زن هنگام احوالپرسی با هم دست بدهند تحت بازپرسی «شرعی و قانونی» قرار می‌گیرند.

معلم نثار احمد ـ کابل

«پدر مرا نفروش»

به تاریخ ۲۷ حمل ۱۳۷۵ ساعت ۸:۳۰ صبح پهلوی شفاخانه دندان واقع در پل باغ عمومی کابل متوجه مردی قد بلند و لاغر اندامی شدم که به دیوار تکیه زده و سه طفلش، دختر ۱۳ ساله پسر کلان ۹ ساله و پسر خورد ۷ ساله نیز پهلویش نشسته‌اند. با صدای بلند تکرار می‌کرد که «اطفالم را بخرید» بعد از لحظه‌ای دانستم که او می‌خواهد کودکانش را هر یک به قیمت سه لک افغانی بفروشد. پسر ۷ ساله اش در حالیکه بشدت می‌گریست، پای پدر را در بغل خود فشرده و با التماس می‌نالید و می‌گفت: «پدر مرا نفروش.»

اکنون دیگر دیدن این صحنه‌های هولناک در کابل چیزی نیست که کسی آنرا ندیده و یا باور نکند. فروش اطفال از فرط درماندگی و گرسنگی به امری عادی در زندگی مردم کابل بدل شده است.

فرید ـ کابل

دروازه هفته نامه خادی جهادی کابل تخته شد

«هفته نامه کابل» از جمله نشریه‌های است که پس از هجوم بنیادگرایان به شهر کابل آغاز به انتشار نموده و خود را کاذبانه و عوامفریبانه نشریه‌ای «بیطرف» معرفی می‌کرد. اما بعد از مدتی معلوم گردید که مصارف آن از طرف احمد شاه مسعود به وسیله تورن لطیف که عضو شورای نظار می‌باشد، پرداخته می‌شود.

«هفته نامه کابل» اکثر مطالبش را به نفع مسعود گزارش می‌داد و بعضاً فراکسیون «استاد» را هم انتقاد می‌کرد. موضوع وقتی شدت کسب نمود که مطلبی را پیرامون افتضاح سفارت کابل در دهلی به نشر سپرد که طی آن از بی‌ناموسی سلطان محمود دهدار که با «جنرال» فهیم خویشاوندی دارد دفاع نموده و تمام کاسه و کوزه را به سر ایشان جان عریف (که به جز چند مورد اختلاس، قوم و خویش بازی، شراب نوشی و شراب فروشی و غیره گناهی نداشته و در ضمن از اندیوال های قدیمی «استاد» و نماینده اش در سفارت

دهلی بود) شکسته که این به مزاج آقای ربانی خوش نیفتاد و فرمان توقیف فته نامه را صادر کرده به لوی څارنوال وظیفه داد تا فرمان را عملی نماید. ارسال چند مکتوب از سوی لوی څارنوالی جایی را نگرفت تا آنکه شخص څارنوال به دفتر هفته نامه رفته و استعلام را به رازق مأمون مدیر جریده (که از سرسپردگان رژیم پوشالی نجیب بوده و فعلاً به نوکری برای مسعود افتخار می‌نماید) تسلیم داد. رازق مأمون بسیار ساده لوحانه در استعلامیه مذکور نوشت: «موسس هفته نامه شخص احمد شاه مسعود می‌باشد، در این زمینه با وی تماس برقرار گردد. خودم رئیس جمهور را نمی‌شناسم.» لوی څارنوال دوباره نزد «استاد» رفته او را از جریان خبر کرد. وی هم با مسعود در جبل سراج تماس گرفته خواهش کرد که «امرش» را به زمین نیندازد. همان بود که مسعود رازق مأمون را خواسته برایش گفت «حالا که استاد یک ناز کرده برو هفته نامه را بسته کن برایت وظیفه دیگر می‌دهم» و به این ترتیب گلیم هفته نامه ای خادی جهادی چیده شد تا با نام و نشان دیگری به خیانت به مردم و خدمت مشتی وطنفروش اخوانی ادامه دهد.

قتل مادر و اختطاف دخترش

شام ۶ جدی ۱۳۷۴ در بلاک چهارم مکروریان سوم چند جهادی مسلح به آپارتمانی داخل شده مادر فامیل را به شکل بسیار فجیع به قتل می‌رسانند و دختر جوانش را با خود می‌برند. وقتی همسایه‌ها مطلع می‌گردند به باصطلاح پوسته امنیتی اطلاع می‌دهند. پوسته که خود مجری و شریک جرم اینگونه جنایتکاریست می‌گوید: «موضوع تحت تعقیب ما می‌باشد شما کار ندارید.»

▪▪▪

بشیراحمد ـ کابل

دزدی‌های احمد شاه احمدزی «صدراعظم سرپرست»

از خرپول های جهادی یکی هم احمدشاه احمدزی است که سرپرستی صدارت ربانی را دارد. او با پول وافریکه از باداران عربی خود می‌گیرد با استفاده از موقعیت «صدارت» جهادیش تا حال شش دربند تعمیر مجلل و یک نانوایی که توسط گاز کار می‌کند در ساحه وزیر اکبر خان مینه، شش نمبر رهایشی در خوشحال خان مینه، یک تعمیر ۵ منزله در مقابل تانک‌تیل شهرنو، تعمیر و هوتل افغان تور در شهرنو و ده نمره زمین تجارتی در نقاط مختلف شهر کابل خریداری، غصب یا تعدیل نموده است. جالب اینکه جناب به اصطلاح صدراعظم جهادی بخاطر اینکه خود را برای مردم فردی «خداجو» و «مسلمان واقعی» جلوه دهد و از طرفی هم در برابر باداران عربی خود خوش خدمتی و مزدوری‌اش را به اثبات رسانده و بیشتر بدست بیاورد، تاکنون دو باب مسجد را در دو نقطه شهرنو که فاصله چندانی از مسجد شیرپور ندارند، اعمار نموده است. قرار معلوم در هر دو مسجد بیشتر از صد ملیون افغانی مصرف نگردیده در حالیکه از مالکان عربی خویش حدود ششصد هزار دالر را برای اعمار آنها بدست آورده است، این نمونه‌ی خوبی از تجارت دینی جهادی‌ها بشمار می‌رود.

▪▪▪

حمیده عزیزی ـ کابل

قتل زن حامله و دو کودکش

در قوس ۱۳۷۴ ساعت ۱۱ صبح در منزل چهارم بلاک ۳۸ مکروریان که درست در مقابل قطعه ۳۰۲ جهادی موقعیت دارد تبهکاران مسلح جهادی داخل گردیده دو طفل و مادر شان را که حامله هم بود، خفه نموده تمام اموال منزل را به سرقت بردند. همه ای مردم، قطعه ۳۰۲ را مسئول این جنایت می‌دانستند. خبر جنایت جهادی مذکور به سرعت در تمام شهر پخش گردید اما مطبوعات مزدور به شمول «هفته نامه کابل» هیچ اشاره‌ای به آن نداشتند.

▪▪▪

بشیراحمد ـ کابل

چپاول جهادی

در وزارت شهرسازی و مربوطات آن در پهلوی سایر انواع سؤ استفاده توسط جهادی‌ها شیوه ضبط آپارتمان ها و خانه‌های شخصی بیشتر معمول است. آپارتمان های اشخاصی را که حتی قباله هم دارند و مالک آن بخاطر نجات خود و فامیلش از شر آدم کشان حرفه‌ای خانه را ترک و یا تسلیم یکی از اقارب خود نموده اما

گلبدین، ربانی او شریکان باید دجگړه ایزو جنایتکارانو او هیواد پلورونکو په نامه محاکمه شي!

جهادی‌های شهرداری و کارکنان جهادی آن در غیاب مالک، خانه رابه‌جهادی دیگر فروخته و یا توزیع نموده‌اند. در این نوع خیانت کریم‌خدام معین اداری، عنایت‌اله بلیغ رئیس اداری، انجنیر لطیف رئیس ارکان‌و آمر خاد عمدتاً دست دارند. این چپاول بعد از تکمیل اسناد «خرید وفروش» به امضای احمد شاه احمد زی به اصطلاح سرپرست صدارت، رسمیت داده می‌شود. در مکروریان کهنه و دیگر مکروریان ها آپارتمان های زیادی هستند که به این شیوه توسط جهادی ها فروخته شده و یا توزیع گردیده‌اند و در نتیجه بین مالک اصلی و غاصب جهادی جدال ودعوایی که نهایتش معلوم است، ادامه دارد.

بطور مثال در بلاک ۱۰۶، آپارتمان داکتر سخی مرجان را برای رئیس اسناد و ارتباط اطلاعات و کلتور و آپارتمان انجنیر عزیز سابق وزیر پلان و معاون صدارت را برای امرالدین سالک معاون تخنیکی وزارت شهرسازی توزیع کرده‌اند.

زمستان رفت و «دولت اسلامی» کماکان روسیاه ماند

اعمال وحشیانه‌ی فاشیست های بنیادگرا وقت و زمان نمی‌شناسد. در سرمای زمستان که بیش از ۹۰ فیصد شهروندان یک ملیونی کابل مواد مورد نیاز اولیه شان را نداشتند، بازار جنگ افروزی و کشتار بنیادگرایان با آتش راکت و بم و خمپاره بیش از پیش گرمتر گردیده‌بود. مسدود نمودن راه‌های اکمالاتی و باج گرفتن بی‌حساب ازکاروان موتر های حامل مواد خوراکی و سوخت، قیمت ها را بحدی بلندبرد که اکثریت مردم توان خرید را از دست دادند. قیمت یک سیر چوب بلوط به ۸۰۰۰ افغانی، یک بوجی زغال تا ۱۵۰۰۰۰ افغانی، یک گیلن تیل دیزل به بیش از ۲۵۰۰۰ افغانی و یک بوجی آرد تا قریب ۳۰۰۰۰۰ افغانی رسیده بود، مردم از ترس مردن در اثر سرما و قحطی، یا اجناس خانه شانرا بالای جهادی ها بفروش رسانیدند و یا قرض می‌نمودند تا مواد ضروری را بدست آورند. و خانواده‌هاییکه هیچ چیز و هیچ مدرکی نداشتند، یک یا بیشتر عزیزان شان را از فرط سردی یا گرسنگی از دست دادند.

اختلاس ماهوار ۴۵/۵ ملیون افغانی

انجنیر بسم‌اله مسکونه کوهستان معاون فنی و سرپرست خانه سازی و شهرسازی از باند جمعیت با دیگر دزدان جهادی معاشات ماهوار ۲۰۰۰ کارگر و کارمند را که فعلاً فقط ۷۰۰ نفر آن موجوداند حواله می‌گیرد که به این ترتیب‌از سال ۷۲ الی ۷۴ ماهوارمبلغ ۴۵/۵ ملیون‌افغانی رااختلاس نموده‌اند.

خسرو ـ کابل

سوزاندن انسان‌ها نوعی از اجرای «شریعت طالبی»

طالبان شهر کابل را از سمت جنوب به محاصره اقتصادی کشیده و به اهالی حومه جنوب هوشدار داده‌اند که هیچ فردی حق انتقال مواد خوراکه و سوختی را به داخل شهر ندارد. فردی که تیل مورد ضرورت فامیل خویشرا از منطقه ریشخور به طرف شهر انتقال می‌داد توسط طالبان توقیف گردیده و سرانجام به تاریخ ۲۴ حوت ۱۳۷۴ به جرم تخلف از فرمان «طلبه کرام» در محضر عام آتش زده شد.

خسرو ـ کابل

ملا ربانی برادر «استاد» ربانی

روز سوم حوت ۱۳۷۴ که مصادف با روز اول عید رمضان بود تعداد ۳۰ راکت از جانب «طلبه کرام» به عنوان عیدی بالای شهریان کابل فیر گردیده و به اینصورت به مردم کابل یاد دهانی کردند که ملا ربانی برادر «استاد» ربانی است.

▫▫▫

بشیراحمد ـ کابل

فروش فرزندان و خودکشی دستجمعی

قحطی در شهر کابل که مدت کوتاهی دوام کرد قیمت آرد فی بوجی صد کیلویی به ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار افغانی رسید. تعدادی از شهریان کابل که دیگر از وضع (فقر، گرسنگی، قیمتی، قحطی) بجان آمده بودند یا اطفال شانرا بفروش رسانیدند و یا دست به خودکشی زدند. چنانچه در یکی از مساجد خیرخانه شخصی فرزندانش را به مسجد آورده و از اهالی تقاضا نمود که دیگر قادر به اعاشه فرزندانش نیست، کمک و خیرات هم نخواسته فقط اظهار داشت که اطفالش را بخرند. یکی از جهادی ها با پول گزاف پسر

بقیه در صفحه (۳۲)

ارسالی ر. ی ـ پشاور

تظاهرات خونین مردم تالقان و کندز علیه «دولت» ربانی و مسعود

به تاریخ ۹ دلو ۱۳۷۴ در تالقان چندین دکان همزمان توسط جهادیهای مستقر در آنجا چور گردید، فردای آنروز (۱۰ دلو) تمام دکانداران معترض شهر، دستجمعی بطرف ولایت راهپیمایی می‌کنند. در جریان راهپیمایی اهالی خشمگین شهر با آنان پیوسته به ولایت حمله می‌برند. شیشه‌ها و پنجره‌های ولایت را با سنگ و چوب می‌شکنند و شعار های مرگ بر ربانی، مرگ بر مسعود و مرده باد دولت اسلامی را سر می‌دهند. والی از ترس در شعبه خویش پنهان شده و محافظانش فیرهای هوایی می‌کنند. بعداً تظاهرکنندگان به طرف بانک تخار حرکت کرده به آن هجوم می‌آورند اما با مقاومت محافظین مواجه می‌شوند. قوای مسلح «دولت» مردم را به محاصره کشیده و تیراندازی می‌کنند. تعدادی از اعتصاب کنندگان مسلح نیز فیر می‌نمایند که در این جریان چندین نفر کشته و زخمی می‌شوند. بالاخره تفنگداران جهادی موفق می‌شوند مردم را پراکنده نمایند.

متعاقب آن افراد امنیتی عده‌ای از دکانداران را حبس کرده مورد لت‌وکوب قرار می‌دهند و این گرفتاری‌ها چندین روز ادامه می‌یابد. چگونگی و جریان این تظاهرات نه در مطبوعات جهادی و نه در مطبوعات خارجی هیچگاه انعکاس نیافت.

در شهر کندز نیز دکانداران و مردم عادی شهر به علت غارت چندین دکان توسط جهادیها در روزهای عید رمضان، دست به اعتصاب زدند. آنان نزد والی کندز رفته و از وی خواستند تا به مسایل امنیتی شهر توجه کند. اما «والی صاحب» در پاسخ گفته بود: «امنیت خود تان مربوط به خود تان است و به ما هیچگونه ربطی ندارد.»! مردم به خشم آمده و دست به اعتصاب عمومی می‌زنند که آهسته آهسته شکل تظاهرات را به خود می‌گیرد ولی سرانجام تظاهرات مردم کندز نیز توسط جهادی‌ها سرکوب می‌گردد.

تظاهرات ولایات تخار و کندز جهادی‌های مستقر در این شهرها را بشدت دستپاچه می‌سازد و شخص مسعود به تاریخ ۵ حوت ۱۳۷۴ برای حل مسئله به ولایت تخار می‌آید. طیاره وی در قریه کوهستانی خطایان تالقان فرود آمده و یک روز بعد با حواریونش به مرکز تخار می‌آید. زمانیکه از موتر پایین می‌شود یکی از جهادی‌ها نعره تکبیر می‌گوید لیکن هیچکس وی را همراهی نمی‌کند. مردم شهر به آمدن مسعود اهمیت قایل نشده به استقبال وی نمی‌آیند.

در سالون ولایت که تمام قومندانان تخار و کندز جمع شده بودند مسعود گفت: «قومندانان! می‌دانید که اولین بار رژیم تره‌کی در همین ولایت سقوط کرد و روسها نیز قبل از اخراجشان در این منطقه سرنگون شدند. اگر شما توجه نداشته باشید، سقوط دولت اسلامی را هم در همینجا پیش بینی می‌کنم.»

بعداً افزود «ما پیروز می‌شویم زیرا کشورهای منطقه مثل هند، چین و اروپا و حتی روسیه پشتیبانی خویشرا از ما اعلام نموده‌اند. تمام نیروهای جهادی از جمله گلبدین همراه ماست. تنها دوستم و طالبان آنهم به تحریک پاکستان و امریکا در مقابل ما ایستاده‌اند که به زودی سرنگون خواهند شد. پاکستان و امریکا در این زمینه بیچاره شده و می‌شوند.» □

شرکت نماینده «راوا» درانجمن هیئت وکلای پشاور

نماینده «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» به تاریخ ۱۶ اپریل ۱۹۹۶ به دعوت (انجمن هیئت وکلای پشاور) سخنرانی‌ای در تالار آن انجمن داشت. «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» برای اولین بار فرصت یافت تا در انجمن مذکور برای دفاع از نظرات خود و افشای اعمال جنایتکاران بنیادگرا در افغانستان جهت روشن ساختن اذهان قانوندانان در مورد وضع واقعی در کشور، صحبت نماید.

جلسه سخنرانی ساعت ۱۰:۳۰ قبل از ظهر با شرکت ۱۵۰ وکیل و قانوندان و تعدادی از خبرنگاران آغاز گردیده و دونیم ساعت ادامه یافت.

در جریان سخنرانی افشاگرانه‌ی نماینده «راوا»، دو وکیل بنام های فداگل و اختر بلند با انگشت شمار همفکران شان بمثابه عوامل جماعت اسلامی قاضی حسین احمد و بنیادگرایان افغانی اعتراض نموده می‌خواستند با چیغ کشیدن و هیاهو سخنرانی نماینده «راوا» را برهم زنند، اما از سوی اکثریت وکیلان و رئیس انجمن آقای مسعودالرحمن مورد سرزنش قرار گرفته و حتی عده‌ای از قانوندانان خواهان اخراج آنان از سالون بودند.

متن کامل سخنرانی نماینده «راوا» که با کف زدن های ممتد حاضران مجلس استقبال می‌گردید در همین شماره به زبان پشتو درج گردیده است.

نماینده «راوا» بعد از ختم صحبتهایش مجدداً از قانوندانان هیاهوگر خواست اگر سوالی دارند مطرح نمایند. فداگل سوالی مطرح نمود که با توضیحات جامع نماینده «راوا» خاموش شد.

بعداً فداگل از رئیس انجمن پرسید که چرا «راوا» را برای سخنرانی دعوت نموده است و در آینده باید از همچو سخنرانی هاییکه هدفش تحقیر و زدن شخصیت «رهبران» افغان می‌باشد جلوگیری شود.

مسعودالرحمن در پاسخ گفت: «ما رسماً از سازمان ها و شخصیت های سیاسی جهت ایراد سخنرانی دعوت می‌نماییم. «راوا» نیز بنابه دعوت رسمی ما در این انجمن شرکت نموده و در آینده هم در فرصت‌های مناسب از ایشان دعوت خواهد شد ما از قاضی‌حسین‌احمد نیز دعوت کرده بودیم.»

فداگل در مقابل حرفهای نماینده «راوا» در مورد طرفداری خیانتکارانه‌ی جماعت اسلامی پاکستان از گلبدین و ربانی و غیره با وقاحت بی‌مانندی گفت: «ما (جماعت اسلامی) افتخار می‌کنیم که چنین رهبرانی را تربیه نموده‌ایم.» که با خنده حاضران مواجه شد.

فردای آن روز فداگل با همکاری جمعی دیگر از وکلای طرفدار جماعت اسلامی امضای ۴۵ وکیل را به منظور اقامه دعوا علیه مسعودالرحمن جمعآوری کردند که سایر وکیلان و حقوقدانان آن را فقط به استهزأ گرفتند.

متن سخنرانی نماینده «راوا» به دعوت انجمن هیئت وکلای پشاور در مطبوعات محلی انعکاس وسیعی داشت.□

د پيښور وکيلانو ټولنې ته د «راوا» د استازې د وينا بشپړ متن

قدرمند مسعود الرحمان ايدوکيټ،

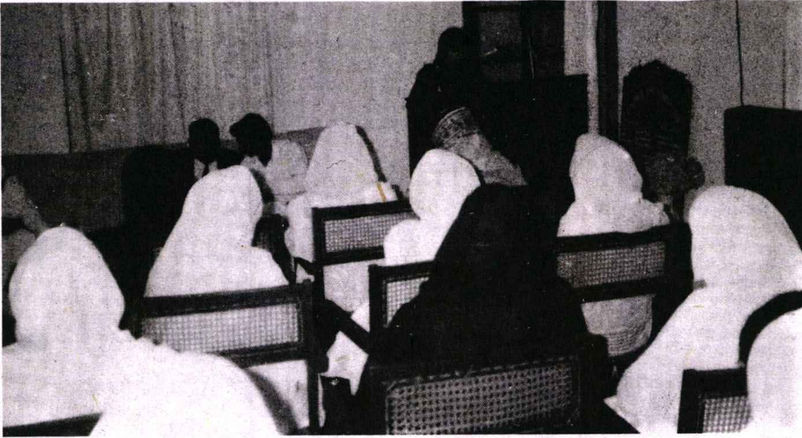
او نورو درنو حاضرينو وکيلانو صاحبانو،

د هر څه نه اول اجازه را کړئ‌څو د افغانستان د ښځو انقلابي جمعيت (راوا) له خوا دې درنې غونډې ته د رابللو له امله ځيله مننه وړاندې کړم. دا مننه دزړه له کومې او پېره له معنا ډکه ده، نه د ساده تشريفاتو له مخې.

تاسو د «راوا» په رابللو سره په حقيقت کې په يوې لويې دستور ماتونې لاس پورې کړې دی. ځکه دغه شان ټولنوته هغه کسان د ننوتلو لار مومي چې د رسميت تاپه پرې لګيدلې او يوه معلومه اندازه پيژندنه ولرې. د مثال په ډول تر کومه ځايه چې خبره په افغانستان او افغانانو پورې تړلې ده معمول چلن داسې وه او اوس هم دې چې اوس بايد ستاسو په وړاندې ګلبدين حکمتيار، برهان‌الدين رباني، رسول سياف او يا د دوی په شان نورو جنايتکارانو حضور لرلی ترڅو خپلې له وينو ډکې خولې او لستوڼو باندې بر غولې ايښودلو لپاره‌يې زمونږ د خلکو پر ضد سپکې سپورې او د پاکستاني‌عوامو د دوکه کولو لپاره‌يې تير ايستونکې خبرې په ژبې جارې کړې وای.

له تاسو څخه زمونږ مننه ځکه د زړه له کومې ده چې تاسو يوه داسې Organization ته د خبرو کولو بلنه ورکړې ده کوم چې دروسانوله کودتا راهيسې بيا زمونږ هيواد باندې د پوره قبضه‌کولوتر وخته يعنې د ۱۹۷۸ له لومړنيو مياشتو بيا دنجيب‌دګوډاګی‌دولت تر راپرځيدو پورې او په تيره بيا دې‌وروستيوخلورو کالو کې، د افغانستان د يواځينې آزادی غوښتونکې‌او جمهوريت غوښتونکې سازمان په څير ډير وحشيانه، له خيانته ډک او ډير سپک تورونه پرې لګول کيږي او حملې‌وربانډې کيږي. دښمن د «راوا» ولسې او برحقه غږ د چُپ کولواو يا کم له کمه تيټ ساتلو لپاره په هرې وسيلې لاس پورې کړې‌دی.

له تاسو څخه زمونږ شکریه ځکه له معنی ډکه او غیر تشریفاتی ده چی تاسی خپل نیک نیت څرګند کړی او له داسی سازمان څخه مو د رابللو جرأت کړی کوم چی د افغانستان د تاریخ ترټولو تیارو، ترټولو فاشیستی او ترټولو خونړیو شرایطوکی یی په داسی شرایطو کی چی دنړی په هیڅ یوه ګوټ کی او د هیڅ یوه اسلامی یا غیر اسلامی هیواد په تاریخ کی ساری نلری، د جمهوریت بیرغ اوچت ساتلی او بی‌له دی څخه چی دمزدورو پارټیو او رهبرانو له سپیتانی او لومپنانه تهدید او ترور څخه وویریږی، د افغانستان د خلکو او په سرکی د توربختو او د خوروږو



د «راوا» استازی د پیښور د وکیلانو ټولنی (PDBA) ته د وینا کولوپه حال کی

تروریستو تئوکراتانو په منګلو کی بندو ښځو د دفاع لپاره‌یی خپل آزادی غوښتونکی غږ په ملی او نړیوال کچ اوچت کړی‌دی.

او بیاهم زمونږ مننه د زړه له کومی ده ځکه چی زمونږ د آرګنائزیشن د قدرمنی لارښودی مینا په ګډون دری غړی د خاد او ګلبدین‌د خاین باند په لاس همدا د پا کستان‌کویټی کی په شهادت ورسیدل وژونکو ښکاره ډول په خپل لرځوونکی جنایت اقرار وکړ خوله دی امله‌چی‌د ګلبدین حزب له خپل ټول اثر رسوخ څخه کار واخیست او ډیری پیسی‌یی ولګولی د یوه بی‌وجدانه جج په حکم بری کړی شول. ناولی‌قاتلان په یو بل جرم ونیولی شول خو د ګلبدین‌ډله لګیاده شپه او ورځ هلی‌ځلی‌کوی څو دا ځل هم هغوی د قانون د ګرفت څخه راخلاص کړی.

هو! زمونږ دښمنان له هغو وینو څخه چی بهیولی یی دی هم ویریږی او په بی‌شرمی سره غواړی هغه تر پسو لاندی کړی. تاسو د داسی‌آرګانیزیشن د غړاوریدلو غوښتونکی یاست چی نه‌ستومانه کیدونکی‌مبارزه‌یی د ګلبدین او د ده د سیالو وروڼو د هغوتوطئو د لاری خند دی کوم چی غواړی د مینا او د هغی د دوومرستیالانودپا کووینو څخه راپورته شوو لمبو باندی خاوری‌واړوی.

بنسټپالی دفجیعواصلی عامل

قدرمنو دوستانو!

د پا کستان‌په ګډون ټولو هیوادونو کی کله کله د افغانستان په هکله او د هغو پارټیو او خاینو رهبرانو په بابله چی هغه هیوادیی د خپل بربریت د تیری اولوټمار هدف ګرځولی، دهغه په ښځو، نجونواوهلکانو څه چی په‌اویا کلنو میندو او پلرونو یی هم په تیره بیا په کابل کی له تیری او تجاوز څخه مخ ندی اړولی. او په اوسینو حالاتوکی یی لا د هغه د خاوری تمامیت هم له کلک خطر سره مخ کړی‌دی، خبری کیږی. نړیوال آژانسونه کله کله د هغه څه په هکله چی د افغانستان په ښځی او نارینه باندی تیریږی ظاهراً زړه‌خوږونکی او له اوښکوډکی خبری تبصری او تجزیی کوی او لیکلی‌مقالی او د بحران حل لاری یی په همدی پا کستان‌کی هم له شمیره‌وتلی دی. خو هغه څه چی وئیل او لیکل ئی پکار دی او له اوله‌بیاتر اوسه پوری تل او په هری برخی کی‌پټ ساتلی شوی او هرځل پری خوله چپه نیول شوی او نیول‌کیږی او په بهترین حالت‌کی یی په بی‌لکی‌او نیمګړی توګه یادونه کیږی هغه اصلی خبره او د خبری مضمون دی. یعنی افغانستان کی د دغو ټولوانسانی ضد فجیعو علت په وروستیو څلورو کلونوکی: د خوروږو بنسټپالو وا کمنی‌کوم چی د علم، کلچر، ثقافت، ښځی، جمهوریت او د اوسنی انسان د هر یوه منل شوی او معتبر ارزښت دښمن‌دی.

هو، د افغانستان د خلکو فریبکار او درواغجن اوښکی تویوونکی دوستان، په دغه دماشومتوب، له غرضه ډک او بیزاروونکی چلند سره یواځی او یواځی کابل او د هیواد نورو سیموکی د وا کمنوجنایتکارانو په ژرندی اوبه سپروی.

دپاکستان او د نړی د نورو هیوادونو الیکترانک اؤ پرنټ میډیا په‌هیوادکی د بنسټپالو پارټیو واکمنی ته‌چی د افغانستان د روانی فاجعی اصلی علت دی او دی ټکی ته چی یواځی د دی علت په له مینځه وړلو سره کیدای شی چی روانی چاری بدلون ومومی، هیڅ ګوته نه نیسی، ولی؟

ځکه چې: یا خو حتی دومره شعور او پوهه هم نلري چې دپیسوپه اصلي علت وپوهیږي او یا داچې غواړي د دغو ناولوغلیمانو کرکجنه څېره سینګار کړي تر څویي له هغوی سره د دوستی او خلکو سره د دښمني حق پر ځای کړي وي.

دا دردوونکې واقعیت په هیوادکې د ننه او هیواد څخه بهر افغاني خپرونوکې هم تر سترګو کیږي. د هغو مطبوعاتو شمیر هم کم ندی کوم چې په دې یا هغه خاین «War lord» پورې د ترلتوب له امله له یوه پلوه د اصلي علت له څیرلو او همدارنګه د اصلي علت د له مینځه وړلو له شعار څخه په راز راز کرغیړنواو تیرایستونکو پلمو ځان تیروي خوله بل لوري وینواو لمبوکې دکښیوتي افغانستان په اړه سیزوونکې ناري سوري هم وهي.

او په همدې حال کې «راوا» د رباني، ګلبدین او سیاف د پارټیو اوبې پته نوکرانو د ترټولو کلکو او کرغیړنو حملو هدف ګرځي ځکه چې «راوا» د لانجو ټول وجوهات او جرړې په پام کې نیسي او دا «اسلامي» پارټۍ، خاین بنسټپال «رهبران» او د دوی بهرني باداران د افغانستان او د افغانانو د تباهي اصلي ذمه وارګڼي او په خپلې مجلې «پیام زن» کې د جهادي خاینانو د رسواکولوپه ترڅ کې خلکد نظامي او سیاسي ځوا کپه څیر د هغوی له مینځه وړلوته رابولي. خو «راوا» له ۱۹۷۸ څخه تر اوسه یعنې د خپل پیدایښت له پیل څخه راپدیخوا په خپل ځان باندې د دښمن دغه راز بریدونه او حملې نیکمرغه ګڼي او هغه له خاینو بنسټپالو سره دخپلې روښانه، جنګیالۍ ولسي او نه پخلا کیدونکې تګ لارې ښکاره ثبوت بولي.

«راوا» په دې ترڅ کې چې بنسټپالي تر ټولو زیات وینې څښونکي، ترټولو رجعت پسند، ترټولو بې کلچره او تر ټولو انسان دښمنه ګڼي تل یې غوښتلي او غواړي چې د دغو پارټیو ټول چارواکې باید د کرغیړنو جنګي جنایتکارانو په څیر محاکمه او په کلکه سره سزا کړی شي. او د دغه وضعیت په پام کې لرل دې چې «راوا» د هر راز په اصطلاح حل لارې مخالفت کوي کومې چې بیاهم د فاشیستو پارټیو او د دوی دخاینو رهبرانو د واکمن پاتې کیدلو سبب ګرځي. مونږ خوخو ځلې ویلي دي هغه ځواکونه او دولتونه چې غواړي زمونږ له خلکو سره د دوستي په درواغجني پلمې د پارټیو خاین چارواکې لکه ګلبدین، رباني، سیاف، خلیلي، دوستم، مسعود او نور د «امیر» یا «پریزډنټ» یا «پرائم منسټر» په لقبونو سره زمونږ په خلکو راوتپي زمونږ د خلکو له بدخواهانو او دښمنانو پرته نور څه ندي.

د افغانستان د ستونځو دوه لارې

اوسنیو کرکیچنو شرایطو کې زمونږ د خلکو او هیواد په وړاندې یواځې دوه لارې پرانیستي ښکاري. چې یوه لارې د بنسټپالي وا کمنې ده کومه چې زمونږ د عزت، خاورې تمامیت، تاریخ، کلچر او سوکاله ژوند پوره بربادي او تباهي له ځانه سره راوړي او بله یې پرته له بنسټپالو هره ممکنه حل لاره ده. په دوهمې حل لارې کې هرراز کړاونه او ناخوالې هم که رامینځ ته شي بیا هم د اخوانیانو له توري وا کمنې څخه غوره ګڼل شي.

د ظاهرشاه راتګ د لویې جرګې رابلل کیدل او یا د بنسټپالو ترمینځ د سپیناني جګړو بندولو لپاره د ملګرو ملتونو د امن فوځ میشته کیدل د ټولو خامیئواو نیمګرتیاوو باوجود د بنسټپالو په پرتله زمونږ خلکو ته منلي دي ځکه خلک مجبور شوي دي د بد او بدترو څخه یو غوره کړي.

قدرمنو وکیلانو، تاسو پخپله سوچ وکړي د افغانستان جګړې کې ښکیلې ډلې ټپلې چې د دومره جنایتونو سربیره یې چارواکې لا هم یو بل ته «استاد» او «ورور» وایي کله د یو بل نسونه څیروي او مرې غوڅوي او کله بیا د یو بل له سر او مخ څخه ویني او زوې څټي او په ژبه یې پا کوي کومې چې په تیرو څلورو کالو کې د دوی د وا کمنې کارنامي ټولې له انسان وژنو، ورانولو، بې ناموسیو او سلګونو داسې نورو جنایتونو پرته بل څه نه دي، که چیرې وا کمن پاتې شي په خلکو او هیواد باندې به نور څه راولي؟ او پا کستان ته به د دوی د وا کمن کیدلو عواقب څه وي؟

د افغانستان د لانجې یواځینی حل لارې

زمونږ له نظره د افغانستان د لانجې د حل لاره یواځې د افغانستان د نیشنل او جمهوري قوتونو په یوموټي کیدلو او یووالي کې نغښتې ده، کوم چې به د بنسټپالو پرضد په غوڅه توګه خپله نه پخلا کیدونکې مبارزه پرمخ بیایي او زیار به او باسي ترڅو بنسټپالي په سر کې له فوجي اړخه شنډ کړي. دا مبارزه به داسې هراړخیزه وي چې هم به د بنسټپالو جرړې اوباسي او هم به په خپل مینځ کې د هغوی پلوې افکارو ته د سر اوچتولو موقع نه ورکوي. د جمهوري قوتونو یووالي او مبارزه به افغانستان کې د سولې، سوکالي او وروروالي ماحول برابره وي، د قومونو، مذهبونو او

پاتې په مخ (۵۸)

هشتم مارچ روز جهانی زن

بیایید برای مبارزه در راه دموکراسی و بر ضد فاشیزم اخوانی پیمان ببندیم

«جمعیت انقلابی زنان افغانستان» هشتم مارچ روز همبستگی جهانی زنان را طی محفلی همه‌ساله برگزار می‌نماید. امسال نیز این روز را در حالی تجلیل نمود که مردم و بخصوص زنان کشور ما در زیر بار ضد انسانی‌ترین ستم فاشیزم مذهبی بنیادگرایان درنده قرار دارند.

در این محفل علاوه بر اعضا و هواداران «راوا» تعدادی از زنان مهاجر مقیم پشاور، دوستان پاکستانی و خبرنگاران شرکت داشتند. محفل ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر آغاز یافت. محل مراسم با شعارهای ضد بنیادگرایی، عکسهای زنان شهید کشور و ویرانی کابل تزیین گردیده بود. در جریان محفل اشعار انقلابی دکلمه و سرودهای انقلابی توسط شاگردان مکاتب اجراء گردید که با استقبال گرم حاضران مواجه گردید. ضمناً نمایشنامه‌ای بسیار جذاب و برانگیزنده که بیانگر جنایت و خیانت اوباش بنیادگرا در کشور و بخصوص شهر کابل بود، تمثیل شد.

مقالات و سخنرانی‌هاییکه ایراد گردید، بیشتر روی مبارزه ضد بنیادگرایی و تئوکراسی تأکید داشتند. یک تن از اعضای «ج.ا.ز.ا» ضمن سخنانش گفت: «رهایی زن بدون درهم کوبیدن سلطه بنیادگرایان و نیروهای حافظ آنان، بدون ایجاد دولت دموکراتیک و مردمی سرابی است که رژیم های ارتجاعی می‌خواهند آنرا بخورد مردم و بخصوص زنان بدهند. به همین دلیل است که مبارزه برای کسب حقوق زن نتیجه بخش نمی‌تواند باشد تا زمانیکه بنیاد بی‌عدالتی و ستم از کشور ما برکنده نشود. زنان باید سازمان مستقل خویش را ایجاد نمایند تا با مسایل خاص خود خوبتر آگاهی حاصل نموده، تجربه انقلابی کسب کرده و خود آگاهی شان از چگونگی و راه رهایی شان ارتقا یابد. اما رهایی زنان بدون پیوند با مبارزه مشترک و فشرده زن و مرد غیر قابل تصور است. همانطوریکه مبارزه برای آزادی مردم ما از فاشیزم دینی امری مردانه یا زنانه نیست، مبارزه‌برای رهایی زنان هم نمی‌تواند مسئله‌ای کاملاً زنانه تلقی شود.» وی تاکیدنمود که «مبارزه علیه بنیادگرایی باید در صدر تمام برنامه‌های نظری وعملی قرار گیرد. بدون این مبارزه تأمین آزادی، دموکراسی و کسب حقوق زنان در شرایط فعلی کشور ناممکن است.»

متعاقباً یک تن دیگر از اعضای «ج.ا.ز.ا» در مورد نقش زنان و چگونگی امر پیشبرد مبارزه زنان چنین اظهار نمود: «حق چیزی نیست که داده شود، حق خود را باید گرفت. ولی این حق گرفتن آسان نیست، شهامت، مبارزه پیگیر و قربانی می‌خواهد. با برده‌باری پوچ، صبر و حوصله بیکران و غرق شدن در آرایش و زیور، این حق خویش را گرفته نمی‌توانیم.

کلماتی چون زن شکیبا، لطیف، جنس ظریف، سرخرو، عاجز،باحجاب و...فقط در قالب فرهنگ ستمکاران جا دارد،که ما را ضعیف و ناتوان می‌سازد و نمایانگر شکننده بودن شخصیت زن است که باید



تعداد شرکت کنندگان زن در مراسم امسال بسیار چشمگیر بود

از ریشه سوزانده شوند. ما باید معنای درست این کلمات را درک کنیم و علیه همه‌ی این با پنبه حلال کردن ها مبارزه نماییم. مبارزه آگاهی می‌طلبد و جهت رسیدن به دانش قبل از همه آموزش و سواد ضروریست تا مفاهیم و کلمات را بشناسیم و درک کنیم که کی هستیم و چه وظیفه داریم؟....

وظیفه زن نباید منحصر به بچه‌داری، مادر خوب شدن و یا زن با سلیقه بودن باشد، زن باید پرشور و فعال بوده و برای بهبود زندگی مردم و اصلاح جامعه مسئولانه سهم اداء کند. زنان آن گدی‌گک هایی نیستند که وظیفه شان خانه‌داری، آرایش و آویختن زیورات به سرو گردن و ماشین تولید مثل باشند و یا کنیزوار در خدمت مرد و شوهر بوده برده‌ی خواهشات مرد شمرده شوند.

مصایب زن افغان در شرایطی که کشور تحت حاکمیت اخوان خون‌آشام قرار دارد، با گذشت و خاموشی حل نمی‌شود، باید زنجیرهای تعصب و جهل را بشکنیم و با دستان رها و ذهن آگاه به مبارزه علیه متجاوزین بی‌ناموس و خواهر و مادر نشناس برویم.»

محفل با نمایش و فروش صنایع دستی و انتشارات «ج.ا.ز.ا» ساعت ۶:۳۰ شام ختم گردید.□



گروپ سرود «مکتب وطن»، پنج ترانه را به نورستانی، پشه‌ای، هزارگی، پشتو و فارسی اجراء کردند



شعله در نقش قومندان «آغاشیرین خونخوار» در حالی که سرانجام با گلوله مادری انتقامگیر به قتل می رسد



شعله و فروزان در حال اجرای نمایشنامه

بدون شرکت زنان هیچ انقلابی به پیروزی نمی‌رسد!

در شماره ۴۱ «پیام زن» گزارشی درباره قتل پسر ۲۰ ساله افغان بنام جابرنادری بوسیله نازیستهای آلمان آمده بودکه با توجه به آن دوستان شورای نویسندگان ماهنامه «واژه» شعری را برای ما فرستادند که آن را با امتنان فراوان در همین جا می‌آوریم.

همدردی

دوست من از چه کسی می‌نالی و شکایت به چه کس خواهی برد؟ به پلیس آلمان؟ به سازمان بی حقوق بشر!؟ تا چه کسی به یاریت برخیزد؟ تا چه شود؟ تا که جوان از دست رفته‌ات را باز یابی؟ آیا تو هنوز درک نکرده‌ای که یک آواره‌ای، که سرنوشت آوارگان به از این نیست و نخواهد بود؟

آنان که از خون تو هستند، از خون من هستند و همه ریشه در یک خاک داریم، با ما چنان کرده اند که در مقایسه چنگیز و تیمور را سفیران صلح عالم شناسانده اند! هم آنان که به آتشمان کشیدند و آوارگی را برایمان ارمغان آوردند. حال چه جای شکایت از بیگانه؟!

به خود آییم و از خود به شکایت برخیزیم که از ماست که برماست! شکایت از آنان که شیر هرزگی و خیانت را از پایین‌تنه‌ی کلنتن و میجر نوشیده اند، راه به جای نخواهد برد که خود نیز چنین اند و چنین می‌خواهند. من و تو گرچه از دو کشوریم اما گویی سرنوشتمان با یک قلم و به یک سیاق زده شده است. من نه مسلمانم اما اگر تو مسلمانی و معتقد به «مالناالانقاتل فی سبیل الله و قد اخرجنا من دیارنا و ابنائنا فلما کتب علیهم‌القتال» (سوره البقره آیه ۲۴۶) چه ایرانی و چه افغانی و ... تنها یک راه داریم:

باید سخن از قداست جنگ بگوییم و
خودگشتن
آزاد بودن
سخن از اشراف عشق
و تو را پاسخ مان سربی رنگ
دست بر ماشه، سر بر دیواره‌ی سنگر دود
چشم در تابش نور
پشت بر شب
انعکاس فریاد من و ما
راهگرد شهر من و ما
گلوله رقص‌کنان بر بستر سینه‌ی تو
حرمت خانه‌ی خود می‌طلبیم
ما شهروند سپیدپوش سرخ سینه‌ی شهر
تو دیو صفت آمده از شهر سیاه
ما به درون بودیم و
تو از بام به در آمده‌ای
سخن این است:
نعره‌ی سرخ گلوله
نفرت سخت سکوت
بوسه بر خاک
چاک برگسترده‌ی سینه‌ی تو
در سکوت میان شلیک دو تیر
از خانه به درت خواهیم کرد
جنگ را قداست
این سخن است
خانه بی تو
خاک بی تو
ورنه...
این پنجه توش ما
این فریاد و خروش ما
این هستی مستانه‌ی ما
این نعره‌ی خصمانه‌ی ما
این...
بغض گلوگیر تفنگ ما

سیاووش تهرانی
کپنهاگ ۲۲ـ۳ـ۱۹۹۶

د عبدالغنی خان په درناوی جوړ شوی سمینار کی د «راوا» ګډون

د ۱۹۹۶ کال د می په شپږمه (د ۱۳۷۵ کال د غوایی ۱۷) د پاکستان عوامی نیشنل پارټی (ANP) لخوا د پېښور په نشترهال کی د پښتو پیاوړی شاعر خان عبدالغنی خان په یاد یو سمینار جوړ شوی وو.

عبدالغنی خان غنی د پاچاخان (خان عبدالغفارخان) مشر زوی او د خان عبدالولی خان مشر ورور د پښتو ژبی تکړه شاعر، انځورګر، ادیب، مجسمه جوړونکی او سیاست پوه وو.

دی سمینار کی «د افغانستان د ښځو انقلابی جمعیت» (راوا) ته د بیګم نسیم ولی لخوا د ګډون بلنه ورکړ شوی وه.

سمینار د نژدی یو زرو کسانو په ګډون د سهار ۳۰:۹ بجی پیل او د ماښام نژدی یولس بجی پای ته ورسید چی ګڼ شمیر شاعرانو، ادیبانو، ژورنالیستانو او د ANP چاروا کواو کارکوونکو پکښی برخه اخیستلی وه.

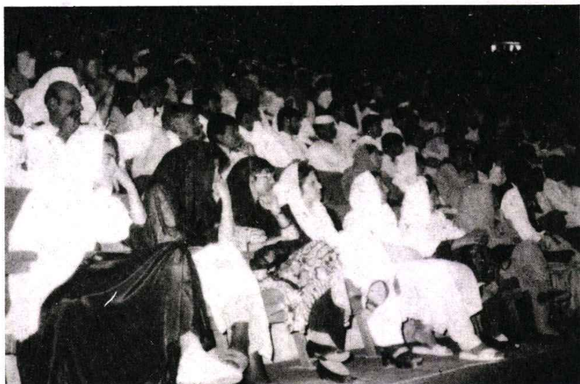
سمینار په دریو جلا جلا برخو کی جوړ شوی وو.

د لومړی برخی صدارت خان عبدالولی خان او انانسری یی فرید توفان (د ANP صوبایی جنرل سکرتر) کوله چی د بیګم نسیم ولی له لنډو خبرو وروسته بیا د غنی خان د ژوند د مختلفو اړخونو په هکله مضمونونه پکښی وړاندی کیدل. په دی برخی کی د «راوا» استازی صائمه کریم هم خپل مطلب ولوست چی د حاضرینو له دروند هرکلی سره مخامخ شو، د نوموړی مطلب بشپړ متن د «پیام زن» په همدی ګڼی کی خپور شوی دی. وروسته له دی چی د سمینار لومړی برخه د اجمل خټک له وینا سره پای ته ورسیدله، ګڼ شمیر برخه والو د صایمه کریم لخوا د وړاندی شوی مطلب ستایلو په ترڅ کی د «راوا» د مبارزی او دریځ ستاینه وکړه.

د پروګرام دویمه برخه ماسپښین په دریو بجو د اجمل خټک په صدارت او د سعداله جان برق (پښتو ډرامه لیکونکی او ادیب) په انانسری پیل شوه چی زیات شمیر شاعرانو د غنی خان د ژوند او فن په اړوند خپل شعرونه وړاندی کړل. په دی برخی کی د «راوا» غړی زهره د «قهر به اور شی» ترعنوان لاندی یو شعر وړاندی کړ چی د حاضرینو لخوا ورته تود هرکلی وویل شو. کله چی د «راوا» غړی خپل شعر ولوست پښتو شاعر اباسین یوسفزی پاڅید لومړی یی د «راوا» په ملاتړ خبری وکړی او بیایی خپل شعر د «راوا» په نوم وړاندی کړ.

د سمینار دریمه برخه د ماښام په اوه بجو پیل شوه چی شاه ولی، قمرګلی او ګلزارعالم د غنی خان شعرونه د موسیقی په څپو کی برخه والو ته وړاندی کړل. په دی برخی کی د «راوا» د «وطن لومړنی ښوونځی» د سرود ګروپ هم خپل دوه سرودونه (کابله انتقام شه او تانه لوګی کابله) وړاندی کړل چی د حاضرینو لخوا ورته ډیر تود هرکلی وویل شو. د سرودنو متن هم په همدی ګڼی کی خپور شوی دی.

د سمینار تر پای ته رسیدو وروسته د «راوا» استازو نمایندګانو له بیګم نسیم ولی، ژورنالیستانو او د ANP له غړو سره خو شیبی د دپیژندګلوی خبری اتری وکړی په دی وخت کی د «راوا» غړو ترلاسه شوی فرصت څخه ګټه واخیستله او د خاینو اخوانیانو په اړوند خپلی پیژندنی او غوڅ دریځ او پرتنګنظرانه اوارتجاعی ناسیونالیزم باندی د دموکراسی لپاره د مبارزی لومړیتوب باندی یی رڼا واچوله. □



په سمینار کی د «راوا» هیئت (لومړی لیکه)



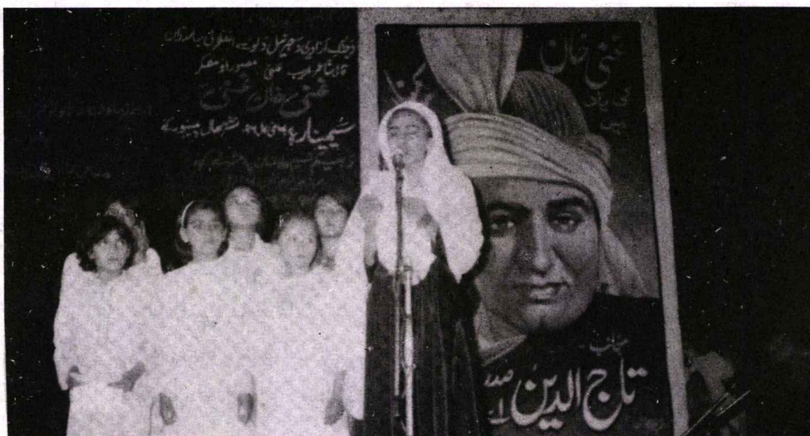
اباسین یوسفزی د «راوا» په نوم خپل سم له لاسه جوړ شوی شعر لولی

د «اتل» د شعر ځینی برخی چی د عبدالغنی‌خان په سمینار کی د زهری لخوا ورلندی شو

قهر به اور شی

خپلو پښو لاسونه وشکوه ځنځیر د اسارت
پاځیره توپان کړه
مات کړه ور
رنګ کړه دیوال
چپه کړه ځلی.
ای دردمندو زیارګاللو
میندو خویندو
زغمل پریږدی!

(...)
ښځـه:
لاهو شوی ده په سیند کی
ځان وژنی آزمایلی
تیزابونو ویلی کړی
رسی ګانو غرغړ کړی
له ډېرو لاندی شوی
په بریښنا له هوشه تلی
هم د اور تاو لمبو کی سوځیدلی
لوګی شوی
ایری شوی
ښځی هر څه شوی:
طلاق شوی کونډی شوی بوری شوی
یـــا
د یو سړی بستر کی
دری څلور
ګڼ زړی شوی
چا د خپل د عیش بزمونو
نڅاګری جوړی کړی
یا مستانو د سرو میو
شنی ساغری پکار کړی
چا د شمعی سوزیدو کی
تر سهار ستومانه کړی.
ای دردمندو، زیارګاللو
خویندو، میندو
زغمل پریږدی!
ښځـه:
چاکش کړی ده بازار ته
پټ‌پلورونکی
فاحشه
(یو بهاداره کالا)
وهرچا ته.
اخیستونکی ورکوی بیع
کالا واخلی واک پردی شی.
دا لحظه د ځنکندن او عزرائیل
معامله ده!
په مړاو شوندو
زهریله مسکا!
(...)



زهره در حال دکلمه شعر «قهر به اورشی»

د خان عبدالغنی خان سمینار ته د «راوا» داستازی د وینا متن

ښاغلی صدر صاحب، گرانو دوستانو او محترمو حاضرینو،

د هر څه نه مخکې پښتو د ټاټوبی آزادی غوښتونکی او ملی شاعر، د شعر او ادب د ټولو مینه‌والو شاعر، د خان‌عبدالغنی‌خان سپیڅلی روح ته درود او تهنیت وایو او په دی غونډه کی د هغه په یادولو سره یی خاطری لمانځو.

د دی درنی غونډی د جوړونکو نه چی «د افغانستان د ښځو انقلابی جمعیت» (راوا) ته یی وخت ورکړ څو د وینو او اور له ټاټوبی، د تپی او سوځیدلی افغانستان څخه د هنر او د هغه اصالت او د پرگنو هنرمندانو او د هغوی د رسالتونو په اړوند څو کلمی‌څرگندی کړی، د زړه له کومی مننه کوم.

هیله‌مند یو څو په راتلونکی کی وکولای شو لا اغیزمن، زوړ او هر اړخیزه قدمونه د مرستو او یومخیتوب په‌لوری په کلتوری برخو کی چی زمونږ ترمنځ گډی اړیکی لری او په ځانگړی توگه سیاسی همکاری چی زمونږ د سازمان لپاره د ټولو نه ډیرارزښت لری اوچت کړو او پدی توگه ځان د یو بل له مشکلاتو او ستونځو نه خبر او د هغوی د لری کولو په لاره کی یو موټی عمل وکړو.

زمونږ له نظره شعر یوه ادبی ښکارنده ده چی د هنر د ټولو ډولونو په څوکه کی لکه ځلانده گوهر ځلیږی. په ځانگړی توگه زمونږ په هیواد کی چی د زرگونو کالونو راهیسی په ډول ډول حالاتو او شرایطو کی زمزمه شوی، غمونه، غصی، خوښی میړانی او پهلوانی ټول د شعر په ښشپړ او زړه‌راښکوونکی غږ کی انگروزه شوی او شاعر د اندیشی، احساس، خیال او ژبی په مرسته د خپل طبیعت، د خپلی ټولنی او د خپلو خلکو ډیری نازکی ناویلی سپرلی دی. او نن ورځ چی مونږه د پخوا نه ډیری خپاندی او ستونځمنی نړی کی اوسیږو، دا دنده د شعر او شاعرانو لپاره هم غوره شوی او باید په کلکه ورته پاملرنه وکړی.

قدرمنو حاضرینو،

په داسی اوضاع کی شاعر باید د زمان د پاسه ودریږی، د ښکارندو دننه ننوځی، د ټولو گډوډیو پرضد جنگ ته پاځیږی، د بی‌عدالتی په مقابل کی غږ پورته کړی او د تورتم او بدمرغیو لپاره د رڼاگورت شی. او که داسی ونکړی نو خپل رسالت ته خیانت کوی.

په داسی اوضاع کی د گل او بلبل، د زلفو او سنبل ویل د بی‌دردو او بی احساسو شاعرانو کار دی چی د خپلو خلکو او ټولنی نه رټل شوی دی. د دا رنگه شعرونو ویل د موهوماتو په نړی کی بوختیدل او خلکو ته خیانت دی. شاعر څرگندونه کوی او فرمان ورکوی. شاعر هم د ټولنی قاضی دی او هم څیړونکی او سپړونکی، هم پلټونکی او هم فرمان ورکوونکی.

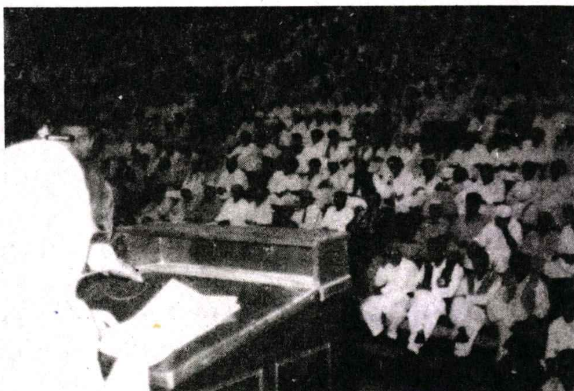
څرنگه چی زمونږ په وطن کی شعر د هنر د نورو ډولونو په نسبت زری ریښی لری شاعر هم د خپل پړاو د ټولو هنرمندانو په پرتله ډیر لوی او غټ رسالت لری.

محترمو،

زمونږ له نظره **شعر یوه وسیله ده نه هدف، یوه وسیله، د اندیشو، هدفونو او کړنلارو د څرگندونی لپاره او د هغه هدفونو په خدمت کی چی شاعر یی په خپل ضمیر کی روزی.** او څرنگه چی دا اندیشی او هدفونه په مختلفو ټولنو کی ډول ډول دی شعر هم په خپلو ډولونو کارول کیږی.شعر په یوی ټولنه کی د شاعر ځای فکرونه، هدفونه او شخصیت ټا کی.دردمند او احساس‌لرونکی شاعر تل د خپلو خلکو کړاونه وایی او په خپل شعر کی امر ورکوی چی باید د هر ډول بی‌عدالتی، ظلم او زبیښلو په وړاندی پاځیږی.

خو ځینی ادب‌پوهان او سپړونکی د شعر څخه یواړخیزه، سرسری او شنډ درک لری هغوی یواځی شعر د ژبی او څرگندونی د ځرنگوالی له اړخه څیړی. ځینی شعر د کلماتو په پوښ کی دا رنگه تاووی چی د شعر مضمون، اصالت او رسالت په بشپړه توگه له پامه غورځوی او د خلکو له سترگو یی پټ ساتی. هم داسی‌ده چی شعر نشی کولای‌په خپلی‌دندی عمل وکړی.اوداد شعر او په ټولنه کی‌د هغه له چلند سره نه بخښل‌کیدونکی خیانت دی.

د هغه هنر چی دردونه غږوی او هغه هنر چی په دردونو



د «راوا» استازی د وینا په حال کی

برغولي ږدي ترمنځ د وينو د سين واټن وجود لري. په ډيري خواشيني سره بايد وويل شي چې زموږ په هيواد کې د روسانو د ځوارلس کلن تيري په پړاو کې فرهنګي تيري کتاري سره د وا کمن او خيانت په خدمت کې لويدلو سره خيانت وشو او اوس چې څلور کاله د بنسټپالو د نيمګړي وا کمنۍ ځخه تيريږي، نه يوازې دا چې هنر ته خيانت کيږي بلکه هنرمندان په دا ګه سره ټوټه ټوټه کوي او هنر د لوټماري، تيري، وژنو او خرافاتو په خدمت کې کاروي.

د يادونې وړ ده، هغه روشنفکرانو او هنرمندانو چې د روسانو د تيري په دوران او وروسته بيا د ګوډا ګي رژيم د حا کميت په دوران کې ځه خيانت هنر او خلکو ته کړي وو، شايد چې د دغو خيانتونو سربيره هم تاريخ بخښلي وي، خو کله چې همدا هنرمندان او په ځانګړي توګه شاعران خپل ځان په ډيري آسانۍ او رذالت توب سره بنسټپالو، داسې جنايتکارو او وروسته پاتې کسانو ته خرڅوي او هنر او شعر د هغوی په خدمت کې کاروي نو په يقين سره ويلی شم چې نه به تاريخ او نه به خلک هيڅکله دوی ونه بخښي. د مثال په ډول شهنوازتني او نور د هغوی د خيانتونو او جنايتونو سره شايد چې تاريخ بخښلي وي خو کله چې هغه د ګلبدين په شان ويني ځښونکی انسان سره يو ځای شو، نه به تاريخ هغه وبخښي او نه د بخښلو وړ دی.

درنو دوستانو،

د شعر له مضمون ځخه دی چې موږ د هغه ښه والي، بدوالي او شنډوالي په پخې يا خامې ژبې او کلماتو کې پيدا کوو او د هغه له مخې د شاعر فکر، هدف او دنده پيژنو. ځرنګه چې طبيعت د خپلو قوانينو سره انساني دنيا ته ننوځي، همدارنګه شاعر هم د خپلو شعرونو سره په پنځ او ټولنه کې ننوځي او په دې توګه خپله ټولنه اړوي. **کله چې شعر د خلکو لپاره وويل شي نو په مادي ځواک بدليږي، خلک په خوځښت راولي او د زور زياتيو په مقابل کې پورته کيږي او له همدې کبله ده چې د خلکو خواخوږي شاعران تل د ديکتاتورانو او زورورو د رټلو او غندلو لاندې راځي او په مقابل کې مداح، غوړه‌مال او پتي‌خوړونکي شاعران تل د ځواکمنو د ملاتړ او خوښې سره مخامخ کيږي.**

دوستانو،

«د افغانستان د ښځو انقلابي جمعيت» هنر او په اجتماع کې د هغه ارزښتنا که نقش ته ډير په درنه سترګه ګوري. زموږ د سازمان لارښودي او ښست ايښودونکي په خپله شعر ويلې او د شعر او هنر ارزښتندي به يې خپلو لاريانو ته په ګوته کوله. هغه شاعر او هنرمند چې د خلکو دردونه وايي، تل ترتله يې نوم ژوندي پاتې کيږي.

خو که زموږ سازمان د يوې خوا د هغه هنر په ضد په کلکه او غوځه توګه مبارزه کوي چې د ظالمو، وطن‌پلورونکو او پرديو‌ا که حا کمانو په خدمت کې دی، له‌بلې خوا د هغه هنر او هنرمندانو په مقابل کې چې د ټولنې د واقعياتو، ظلمونو او بې‌عدالتيو په مقابل کې شنډ، بې‌هدفه او مبتذل دريځ لري هم په غوځه توګه مبارزه کوي. ځکه چې د دوی خيانت هم د وطن‌پلورونکو او خاينو هنرمندانو ځخه کم ندی.

خان عبدالغني‌خان هغه شاعر، مجسمه‌جوړونکی، اديب او انځورګر چې موږ دلته د هغه د يادولو لپاره راغونډ شوي‌يو، يو احساس‌لرونکی شاعر وو. هغه د کلماتو آهنګ د دردونو سره يو ځای کړ او ځوا کمن، په‌تيره بيا هغوی يې چې د دين ځخه په ريا او دوکې غلط کار اخلي په کلکه سره برېنډه کړل. موږ د دې احساس‌لرونکي شاعر د کلماتو آواز اوس په خپل هيواد کې تجربه کووا‌و ګورو چې ځرنګه طالب، اخواني، وهابي او سيافي د مذهب او دين تر نامه لاندې لوټول کوي، په ښځو تيري کوي او ويني تويوي. د غني‌خان شعر د ډير وخت نه د دې دين‌والاوو د ناولو ځيرو نه پردې لرې کړې وي او دا د رښتيا او ميني خورا ښه محک ګڼل کيږي چې د دې احساس‌لرونکی شاعر په شعر کې کارل شوي دي.

زموږ له نظره **هر هغه ادبيات چې يوازې د لوی‌پاله ناسيوناليزم يعنی د هغه ناسيوناليزم په خدمت کې وي چې يوازې د يو مليت حاکميت او برتري غواړي د خپل مترقيتوب او انقلابيتوب ځخه لري کيږي. او په يو بيکاره شي بدليږي.** زموږ ويره هم دا ده چې زمونږه هغه دوستان چې هغوی په اصطلاح ناسيوناليستي غوښتنې لري. د پښتو او پښتونولې ترنامه لاندې ګلبدين داسې رټل شوی انسان ته بهايي بهايي ونه‌وايي او هغه ته د دوستۍ لاس ورنکړي چې دا به بيا هم زموږ له نظره نه‌بخښل کيدونکی خيانت وي.

د غني‌خان داسې شاعرانو ځخه زموږ يادول او دا رنګه وياندو ته زموږ درنښت او درناوی به يوازې په دې کې نه‌وي چې د هغوی د هديرې ترڅنګ کښينو او اوښکې توی کړو او يا يې په‌زړه‌پوري کلماتو ياد وکړو. زموږ له نظره د دې رښتين‌پالو شاعرانو ښه ورپادګلوی به دا وي چې د هغوی د انديښو جوهر تبليغ کړو او د هغوی د شعرونو او هنر نيمګړې تکې بې‌پروا او پرته د دې نه چې د هغوی د شاعرانه او هنرمندانه شخصيت ځنې ځه کم کړي، په رښتينوالي سره ځرګند کړو ترڅو د نورو هغو شاعرانو او ويونکو لپاره لارښوونه وه‌اوسي چې د شعر او ادب په لار کې قدمونه اخلي.

په درناوی.

متن سرودهاییکه توسط گروپ سرود «مکتب وطن» در سمینار عبدالغنی‌خان اجراء گردید

تا نه لوګی کابله

ځما د مینی کلا ستا له برجونه لوګی
ځما ښایسته کابله ستا له ټیو نه لوګی

ګناه دی څه ده وایه پرتا یرغل چی کوی
دا د ګولیو باران پرتا غوبل چی کوی
ستا د شهید د سلګو او پرهارو نه لوګی

کابله وایه راته یرغلګران څه غواړی
لومړی روسانو لوټ کړی ګلبدینیان څه غواړی
د آزادی مرچله ستا له لمبو نه لوګی

د استعمار نوکران پرتا نادودی کوی
دا د پردو ټټوان ستا په سر لوبی کوی
ستا د خپلواکو بچو روستو سلګو نه لوګی

تا به آزاد کړو آخر د غلیمانو ځنی
د دی بی‌واکه پردو د غلامانو ځنی
ته‌یی غلبیل غلبیل کړی ستا له سوړونه لوګی

کابله جار دی شمه غلیم دی نه بخښمه
د آزادی تر ورځی ستا له غیر نه تښتمه
د مقاومت سنګره ستا ودریدو نه لوګی

کابله انتقام شه

ای کابله اورشه اخوانیان له ځانه وشړه
په ژوند چی د کړی لوبی دا وحشیان له ځانه وشړه

اخوان چی په مشری کی ګلبدین د غلامی سمبول
د خلکو په قتلو کی دا وحشی د بلواکی سمبول
خاینه بی‌وطنه رهبران له ځانه وشړه

راکټ او د بمونو ورول په کابلیانو ستا
ټوټه ټوټه ځانونه د ځلمیانو میړنیانو ستا
سیلی د انتقام شه دا لیوان له ځانه وشړه

دا ستا د آزادی، دموکراسی او مقاومت هدف
د ولس د خپلواکی د سوکالی او شرافت هدف
د پاک ایران عربو چوپړان له ځانه وشړه



سرودهایی گروپ سرود «مکتب وطن» با استقبال گرم و کف‌زدن‌های ممتد حضار در سمینار (ANP) روبرو گردید

پیام زن و خوانندگان

حمید انوری ـ امریکا،

نامه، مطلب «داکتر جاوید، از قهار عاصی تا سمنک پزی از سمنک پزی تا کجا؟»، ۲۰ دالر و بریده هایی از نشریات افغانی مقیم امریکا را با سپاس فراوان گرفتیم. شماره های درخواستی «پیام زن» و مواد درخواستی را همراه با نامه جداگانه‌ای برایتان فرستادیم. امیدواریم از دریافت آن اطمینان دهید. از مطلب ارسالی تان حتماً استفاده خواهد شد.

* * *

هارون ـ هالند،

با تشکر از نامه تان. شماره ۴۲ «پیام زن» و نامه جداگانه‌ای ارسال شد. آرزومندیم همانگونه که نوشته اید با ارسال مطالب و گزارشها به همکاری تان ادامه دهید.

* * *

خاینان اخوانی و زنان

شکیلا علی ـ اسلام آباد،

با سپاس فراوان نامه‌ی شما راگرفتیم اما مبلغ ۲۰ روپیه بین پاکت نبود. بهرصورت نشریه انگلیسی راکه خواسته بودید فرستادیم.

امید است گزارش سفر ها به کابل و یا شهرهای دیگر را برای «پیام زن» بفرستید تا بیشتر و بهتر در افشای خاینان بنیادگرا سهمی اداء کرده باشید. قسمتی از نامه‌ی شما:

«.... ظلم و وحشیگری را که بنیادگرایان علیه مردم بیگناه کابل بخصوص زنان بیوه و بیدفاع روا می‌دارند، در صفحات مختلف مجله "پیام زن" تحت عناوین مختلف کمتر افشاء شده اند. من بچشم خود دیدم که از زنان کارمند در دفاتر دولتی بمثابه کنیزان زرخرید استفاده می‌شود و شخصی کاملاً بیسواد بالای زن تحصیل کرده فرمایش‌های شخصی خود را انجام می‌دهد و می‌گوید که من در رشته ملایی تحصیلات خود را در فلان کالج اسلام آباد به پایان رسانیده‌ام! در حالیکه تمام عمرش عقب گاو و خر سپری شده است، اکنون منحیث آمر یکی از شعب انستیتوت متوسط تعلیمات طبی کار می‌کند. رذالت، بی‌وجدانی و بی‌ناموسی آنقدر است که قلم از تحریر آن عاجز است....»

* * *

بدریه کمال ـ دهلی جدید،

از دریافت نامه پرمحبت تان متشکریم. «پیام زن» مرتباً برایتان ارسال خواهد شد. با توجه به مشکل شما، هر زمانی که مقدور بود قیمت و هزینه پستی آنرا برای ما بفرستید. امیدواریم بازهم از شما نامه دریافت کنیم.

* * *

الحاج عبدالرحیم ـ پشاور،

از علاقمندی و ابراز احساسات گرم تان ممنونیم. «پیام زن» منبعد بصورت منظم به آدرس تان در امریکا ارسال خواهد شد. در رابطه با چگونگی پرداخت مصارف آن نامه جداگانه‌ای ارسال شد.

* * *

ننگیالی ـ کابل،

د «اخوان ته» په نوم ستاسو شعر مو ترلاسه کړ چې ځینې برخې یې په لاندې ډول خپرې شوې:

نام و ننګ ځینې تېر شوې په ډالر او په کلدار یې
په پردو دې ځان خرڅ کړی تیت فطرته بې‌ایمان یې
د نړۍ‌په تاریخو کې، ثبت دې ستا تور عملونه
لوی دښمن د پرګنو یې بې‌ضمیره بې‌وجدان یې
افغانان په تا شرمیږي نړیوال درته حیران دي
د تاریخ حکم وهلی محکوم شوې په زیران یې

* * *

دولت نوروزی از شورای ملی مقاومت ایران ـ پاریس،

از نامه شما متشکریم. پاسخ آن توسط فاکس به آدرس تان ارسال گردید.

* * *

مسلمانی اخوان خاین

مسلم قاسمی ـ پشاور،

ضمن نامه‌ای می‌نویسد:

«من از اینکه شما توانسته اید ۸ مارچ روز جهانی زن را به صد مشقت و تنگدستی برگزار کنید و برای زنان کشورما به ثبوت برسانید که باید در بدست گرفتن حقوق خود متحد شوند بسیار قدردانی می‌کنم. این محفل نشاندهنده‌ی زحمات شما بود. در اینطور محافل تنها افرادی با مشت های گره خورده گرد می آیند که می خواهند علیه بنیادگرایان پست و بی‌ناموس عهد ببندند و برای هموطنان ما به اثبات برسانند که تا آخرین رمق حیات برضد این وطنفروشان مبارزه کنند و آنها را از قدرت خود بلرزه در آورند.

ولی یک صحنه که مرا زیاد رنج داد و واقعاً هرکسی که یک ذره احساس هم داشته باشد ازین صحنه به شور آمده وادار می‌شود که از مبارزه علیه این مشت خایینین که می خواهند بر وطن ما حکمروایی کنند، دست نکشد. منظورم صحنه‌ای بود که اطفال مکتب بخاطر پیشبرد علم و ارتقای سطح آگاهی شاگردان اعانه جمع می‌کردند. این هر افغان باوجدان را باید تا پای مرگ وادارد که بخاطر پیشرفت علم و بدست آوردن دموکراسی تا هر اندازه که می تواند مبارزه خود را علیه خایینین به ملت فراموش نکند.

من سوالاتی دارم که باید بکنم. می خواستم این سوالات را از طریق رادیوی بی.بی.سی ازین مشت خاینین در زمینه اسلام بکنم ولی بعداً پشیمان شدم چون بی.بی.سی هم این سوالات را بشکل دلخواه انعکاس نمی دهد. بعداً متوجه شدم که باید به "پیام زن" بنویسم چون بهترین منعکس کننده آلام ما افغانها می باشد.

ازین مشت خاین باید پرسید که آیا می توانید زنان کشور ما را تا ابد در چهاردیواری خانه زندانی کنید و نگذارید که بخاطر حقوق خود برزمند؟ این غیرممکن است چون تاریخ به پیش می رود.

آیا این را می دانند که در اسلام گفته شده که زن و مرد بخاطر بدست آوردن علم جدوجهد کنند ولو در چین باشد؟ آیا این رواج جنایتکارانه که زن باید خرید و فروش شود در کدام آیت از قرآنکریم آمده است؟ آیا این اعمال زنان را از اسلام متنفر نمی سازد؟ آیا خود شما در آخرین تحلیل مردم را مجبور نخواهید ساخت که حتی اسلام را ترک گفته و به کفر بپیوندند؟ مسلمانی شما همین است که باید اینقدر آدمکشی کنید، زنان و اطفال را آزار دهید و از تعلیم باز دارید؟»

* * *

شیرشاه همدرد ـ پیښور،

ستاسو له رالیږل شوی گزارش او شعر څخه ډیره مننه. د مطالبو د زیات والی له امله مو د شعر چاپ ۴۴ گنی ته پریښودو. اوگزارش څخه مو په همدی گنی کی استفاده وشوه. هیله ده چی خپله همکاری روانه وساتی.

* * *

بنیادگرایان و قلمزنان خودفروخته

و ـ پشاور،

از نامه پرلطف تان تشکر. واقعاً یگانه وظیفه این نوع افراد که نظرات و مواضع شانرا همچو دستکش عوض می‌کنند، همان پوشاندن ماهیت ارتجاعی بنیادگرایان و چاپلوسی و شیرین‌زبانی در مقابل آنان است تا از ترور و تهدیدهای شان درامان بمانند. چون نمی توان از آن نشریات معلوم‌الحال که شما نام برده اید انتظار داشت که انعکاس دهنده خواست های مردم باشند، بنابر آن شکوه نمودن از هم پیک شدن ناشران آنها با پرچمی‌ها و خلقی‌ها و یا هم‌کلوخ شدن شان با بنیادگرایان هم جا ندارد زیرا ماهیت و در نتیجه سرنوشت جنایتکاران خاین از روشنفکران چاکر پیشه‌ی آنان جدا نیست.

* * *

ح. آلفونه از گاهنامه «واژه» ـ دانمارک،

سلامهای صمیمانه ما را بپذیرید. با تشکر فراوان شعر سیاووش تهرانی تحت عنوان «همدردی» راکه فرستاده بودید در همین شماره جا دادیم.

ضمیمه‌ی «خیرخواهی مردم افغانستان یا مشاطه گری رژیم ایران؟» همراه با نامه جداگانه‌ای برایتان ارسال گردید.

* * *

زمان ـ تهران،

از نامه و شعر ارسالی تان متشکریم. احساسات ضد بنیادگرایی و ضد ارتجاعی تانرا می‌ستاییم. ولی مهمتر این است که در مبارزه علیه خاینان به مردم باید فعال و پیگیر بود. از گزارشها و اشعار حتماً استفاده خواهیم کرد.

منبعد نشریات ما را از طریق آدرس جدید تان دریافت خواهید نمود. به امید ادامه همکاری های تان.

* * *

بیشرمی «رئیس» ملک سلیمان

ف. زیرک ـ کویته،

می‌نویسند:

«نشریه "پیام زن" را مطالعه نمودم و این اولین نامه است که خدمت شما ارسال می‌کنم امید آنرا نشر کنید زیرا هویت پلید یکی از جهادی‌های بی‌ناموس را نشان می‌دهد:

یکی از رؤسای جهادی بنام ملک سلیمان که فعلاً منحیث به اصطلاح رئیس اقوام و قبایل در کابل ایفای وظیفه می‌کند در حالیکه دارای پسران جوان و خانم است، یک زن بی‌بضاعت را بنام زیبا بنت سلیمان علی که دو پسر و عروس هم دارد به عقد نکاح خود در می آورد. فامیل این "رئیس صاحب" فعلاً در ولایت غزنی بسر می‌برد. این فرد مربوط حرکت اسلامی محسنی بوده و در حویلی مربوط ریاست امور ملیت های وزارت اقوام و قبایل سکونت دارد. وی با استفاده از نفوذیکه در "دولت" دارد خانم مذکور را در دو جای (در وزارت تجارت و وزارت امور سرحدات) شامل وظیفه نموده است.»

خواهر گرامی، از ارسال گزارش و نامه متشکریم. باید یادآور شویم که اینگونه جنایات را از جهادی های «رئیس»شده چون ملک سلیمان تا کاسه‌لیسان کوچکتر از او فراوان مرتکب شده اند و بر ماست که در مقابل هرگونه مفاسد این خاینان آرام نه‌نشسته، تا حد ممکن آنان را افشاء نموده و جهت واژگونی شان مبارزه کنیم. بازهم بما بنویسید.

* * *

ب. سباوون ـ ناروی،

زمونږ له خوا هم سلامونه او نیکی هیلی ومنی. د «پیام زن» گڼه له ځانگړی لیک سره ستاسو په پتی درواستول شوه، هیله ده چی تر لاسه کړی به مو وی.

* * *

رونا رودباری از «حزب اسلامی مبارزین ملی افغانستان» ـ پشاور،

از نامه صمیمانه تان ممنونیم. همانطوریکه شما هم متذکر شده اید نقاط مشترک بین ما و شماکم نیست. امیدواریم بیشتر ما را با سیاستها و مواضع سازمان تان آشنا سازید و اگر نشریاتی داشته باشید از ارسال آنها به ما دریغ نورزید.

* * *

با ما مکاتبه کنید:

RAWA
P.O.BOX 374
QUETTA
PAKISTAN

شاپور امینی از مرکز تحقیق و تنویر افکار ـ لندن،

از دریافت نامه و بروشور فعالیت های کانون تان متشکریم. از امر تبادل نشریات استقبال نموده «پیام زن» را مرتباً ارسال خواهیم نمود.

* * *

د حاجي محمد حسن گلبدیني بې ناموسي

حاجي سرفراز ـ کوهاټ،

د «پیام زن» مجله ستاسو د کوهاټ په پتې استول کیږي او که وغواړې سعودي عربستان ته به یې هم دروا‌ستوو، بیه او پوستي مصارف یې زمونږ په بانکي پتې راواستوئ. او دا هم ستاسو د لیک خیني برخې:

«مونږ د دموکراسي او عدالت خوښونکي یو او هرې قرباني ته تیار یو. ما په خپله تیر کال ولیدل چې د خوګیانو قوماندان چې حاجي محمدحسن نومیږي او اسلامي حزب پورې تعلق لري کله چې د درونټې د ورکشاپ مسئول وو هره شپه به د خلکو کورونو ته ور ختو او زنانهؤ سره به یې بې عزتي کوله تر څو چې له یوې هندوی سره ونیول شو او له جلال آباد څخه وتښتیده»

* * *

حزب دموکرات کردستان ایران ـ فرانسه،

با سپاس فراوان کارت تبریکی سال نو را گرفتیم.

* * *

زریر قدوس ـ آلمان،

از نامه مملو از احساسات گرم تان نسبت به کار ما متشکریم. مطابق خواست تان سه شماره اخیر «پیام زن» را با نامه جداگانه‌ای در مورد چگونگی پرداخت هزینه آن فرستادیم. خوشحال می‌شویم اگر چنانچه گفته اید نظرات و انتقادات تان را با ما در میان بگذارید.

* * *

گل حسن سعید ـ صوبه سرحد،

ستاسو ګڼ شمیر لیکونه د نوي کال مبارکي او اختر مبارکي کارت مو تر لاسه کړل ډیره مننه. د «پیام زن» ګڼه له ځانګړې لیک سره ستاسو په پتې دروا‌ستول شوه هیله ده تر لاسه کړې به مو وي او داهم ستاسو د لیک او شعر څو ټکي له لږ لاس وهنې سره:

«د خپل وطن په ښځو، ځوانانو او سپین ږیرو او بوډۍ ښځو مې ډیر زړه خوږیږي چې کله د دوي خوار او زار حالاتو ته نظر کړم. په خدای مې قسم چې هر ځل اوبه اوبه شم خو په یواځې ځان هیڅ نشم کولی. نه خو د ظالم سر غوڅولی شم، او نه د مظلومانو اوښکې وربا کولی شم، خو یواځې یوه لار راته پاتې ده، هغه داچې د ستاسو په شان تنظیم د نظریاتو ملاتړ او ملګرتیا په خپل ګوډ مات قلم وکړم او بس.

زما په فکر شاعر د قوم ترجمان دی ... مقصد مې د خط او خال، ګل او سنبل، زلفې او بورا د شاعرۍ نه ندی ځکه اوس وخت د داسې اشعارو ویلو او خپرولو دی چې د هیوادوالو او خوار افغانستان غمیزه پکې زمزمه شوی وی.»

«زما د ملک په تاریخونو ولې اور ولګید؟
په سوله ایزو سمبولونو ولې اور ولګید؟
آسمانه اوس هم ستالمن په وینو سره ښکاریږي
راغې سپرلي په چمنونو ولې اور ولګید؟
زه دا منم چې انقلاب ګنې لمبې خوروي
خشاک سوزیږي په کندرو ولې اور ولګید؟»
که داخوان په خوی بوی پوه شي سعید
تپوس به نکړي چې کابل ته ولې اور ولګید؟

* * *

کارد در دل سفارتچی جهادی

شریفه م. ـ اسلام آباد

باتشکر متن کامل نامه‌ای تانرا می‌آوریم:

«مسئولین محترم مجله "پیام زن"،

با درود های فراوان خواستم نامه‌ای برایتان بنویسم تا در صورت امکان آنرا چاپ نمایید زیرا "پیام زن" را یگانه نشریه‌ای می‌شناسم که شهامت و سیاست انتشار چنین مطالبی افشاگرانه ضد جنایتکاران جهادی را دارد.

چندی پیش کاری داشتم در به اصطلاح سفارت افغانستان در اسلام آباد وقتی کسی به آنجا می‌رود در اولین نگاه از چهره تمامی مراجعین آن کینه بی‌پایان نسبت به کارکنان سفارت را می‌بیند. یکی با طنز و دیگری با عصبانیت انزجار شانرا از سفارت چپان جهادی تبارز می‌دهند و از نفهمی و جهالت آنان شاکی اند. ولی "دیپلمات"های محترم گویی اصلاً گوش ندارند و یا به گفته‌ی مردم ما تلخه ندارند در غیر آن اگر در مقابل هرکدام از مراجعین که آنانرا تمسخر می‌کنند، عکس‌العملی نشان دهند باید شرمیده و فوری استعفاء دهند. حالا برای تان چند برخورد مراجعین را نسبت به کارکنان سفارت می‌نویسم تا همه به حقارت و دنائت این دلقکان و نفرت مردم ما از آنان پی ببرند:

ـ یکی از افراد سفارت کسی را بنام صدا زد و کاغذ های مربوطش را با بی تربیتی برایش انداخت و گفت "کار تو در اینجا نمی‌شود". آن شخص که بسیار عصبانی به نظر می‌رسید گفت "این جهادی‌گری هایت را در اینجا نکو اینجا پاکستان است فهمیدی، کابل نیست".

ـ شخصی با مکتوبی که سفارت خواستار آن بود، آمده بود. مکتوب به انگلیسی نوشته شده بود و آن شخص مکرراً اصرار می‌ورزید که همه چیزهایی که خواسته بودید در مکتوب درج است یکبار بخوانید می‌فهمید. سفارتچی بیسواد می‌گفت که نه این صحیح نیست. جوانی از بین مراجعین خطاب به آن شخص گفت "کاکا یک ترجمان همراهت می آوردی اینها کجا انگلیسی می‌دانند خدا می‌داند که سرآشپز از کجا آمده در اینجا و برای ما در سفارت نشسته".

ـ زن میانسالی که پتلون و جمپر پوشیده بود اما حجاب مورد پسند غداران جهادی را بسر نداشت هرچند دقیقه بعد می‌رفت و به سفارتچی می‌گفت "گوش کو برادر اگر از این بیشتر دیر شود مرا از وظیفه می‌کشند." بالاخره فردی بنام مولوی صاحب یعنی آدم اصلی از اتاقش بیرون شد. زن خطاب به او گفت

"مولوی صاحب بخدا قسم است که مرا از کار می‌کشند." مولوی با تمسخر جواب داد "خوب است که از کار بکشند. شما زن ها بیرون می‌روید و با این سر و وضع بی‌حجاب کار هم می‌کنید." زن گفت "اگر کار نکنم فامیلم را کی نان بدهد." مولوی صاحب گفت "نان خدا می‌دهد." زن گفت "هی هی مولوی صاحب خودت نفهمیدی نان را خدا بدست خود نمی‌دهد. خدا سر من مهربان شده که کار یافتم معاش می‌گیرم و فامیلم را نان می‌دهم." مولوی صاحب که بی‌منطقی اشرا برویش نمی آورد ادامه داد "کار خو می‌کنی باز در سفارت اسلامی به همین سر و وضع می آیی؟" زن دید که با نوکرک حقیر رهبران جهادی مواجه است با عصبانیت و صدای بلند گفت: "اینه همی طور آمدیم که دلت بترکد" و مولوی صاحب که شاید چون خود را زیر سایه تفنگ برادران نمی‌دید، از "استدلال" بیشتر ابا ورزیده و پاسپورت زن را برایش داد.

- سالخورده‌ای با پسرش برای اجرای کاری آمده بود و چون سفارتچی اصلاً نمی‌فهمید او چه می‌گوید و چه می‌خواهد فقط تکرار می‌کرد که "این کاغذات صحیح نیست". پسر مرد آمد و گفت: "ببین من برایت می‌گویم که این کاغذها صحیح است به این دلیل و ..." ولی سفارتچی بازهم نمی‌فهمید که نمی‌فهمید. مرد به عذر و زاری شروع کرد "بچه‌ام کاغذها صحیح است کار مرا بکو که بسیار گرمی است و ایستاده هم شده نمی توانم". وقتی پسرش بی‌اعتنایی سفارتچی را دید گفت "بیا بیا بابه تو هم همراه دو پیسه آدم گپ می‌زنی. بیا که بریم گمش کو حیف وقت ما که پیش ای رقم آدمها تیر شود."

این بود چشمدیدهای قریب یکساعته‌ی من از "سفارت کبرای دولت اسلامی و جهادی و انقلابی افغانستان"».

* * *

گدیه نژاد - جاغوری،

متقابلاً سلامهای گرم ما را بپذیرید. نامه‌ای حاکی از احساسات ضد بنیادگرایی شما را با عکس و یک مطلب دریافت نمودیم.

امید همکاری تانرا با ارسال گزارشها و فوتوهایی حاکی از درد و رنج مردم ما زیر سلطه‌ی وحشیانه بنیادگرایان گوناگون، ادامه دهید.

* * *

محمد عظیم - کویته،

تا حال دو نامه از شما دریافت نموده‌ایم. نمی‌دانیم آدرسهای نشریاتی را که خواسته اید و در نامه‌ای آنها را برایتان نوشته بودیم چرا تاکنون نگرفته اید. بهتر دیدیم تا آدرس های را در همین صفحه بیاوریم. با دریافت رسید بانکی پرداخت هزینه پستی و قیمت شماره های «پیام زن»، سایر نشریات درخواستی را نیز برایتان خواهیم فرستاد.

به امید همکاری های بیشتر تان.

«کمونیست»
CDCRI
Box 70445
10725 Stokholm
Sweden

«همبستگی»
Hambastegi
Box 240
129 02 Hägersten
Sweden

«شورا»
Showra
BP 18
59430 Auvers Sur Oise
France

«حقوق بشر»
Liga/Iran
P.O.Box 150 825
D-10670 Berlin
Germany

جریده «وفا» و تظاهرات «راوا»

قسیم - پشاور،

طی نامه‌ای می‌نویسند:

«در شماره ۱۶-۱۷ (۱۰ ثور ۱۳۷۵) "وفا" هفته نامه "نویسندگان آزاد افغانستان" گزارش مختصری از تظاهرات پرشکوه "جمعیت انقلابی زنان افغانستان" در شهر پشاور بچاپ رسیده بدون اشاره به "راوا" که تظاهرات را براه انداخته بود. من فکر می‌کنم عدم ذکر نام "راوا" در گزارش به هیچ صورت اتفاقی نبوده بلکه عمداً صورت می‌گیرد.

آیا "وفا" بخاطر شرم از سیاست سازشکارانه‌اش در مقابل بنیادگرایان اینکار را می‌کند یا از ترس اینکه مبادا آوردن نام "راوا" موجب شود که تروریستهای اخوانی اتحادیه را برسر نویسندگان "وفا" خراب کنند؟

می‌خواهم گلوی "اتحادیه نویسندگان آزاد افغانستان" را فشرده و بار بار از آنان بپرسم که چرا نام "جمعیت انقلابی زنان افغانستان" این یگانه سازمان رزمنده و آشتی ناپذیر با خاینان اخوانی را در خبر نیاوردید. چرا؟؟»

نامه شما را آوردیم ولی جواب سوال تانرا موکول می‌کنیم به خوانندگان و نیز به کارکنان «وفا» تا چه بنویسند و چه توضیحی ارائه دارند.

* * *

میر اسلم خان آفریدی مرکزی صدر «تحریک اتحاد قبائل» - صوبه سرحد،

زمونږ له خوا هم نیکی هیلی او تاوده سلامونه ومنئ.

مونږ هم ستاسو په شان فکر کوو چی اوبه په ډانگی نه بیلیږی کومه کورنۍ جگړه او تباهی چی دپردیو گوډاگیانو بنسټپالو ډلو ټپلو افغانستان کی د اسلام تر نامه لاندی پیل کړی نه یواځی دصوبه سرحد دپښتنو په شان دوستان چی دنړۍ ټول باوجدانه او بااحساسه انسانان یی خواشینی کریدی مونږ په داسی حال کی چی افغانستان کی د جنگ جگړی ختمولو په لارکی ستاسو هلوځلو ته دقدر په سترگه گورو، په دی باور یو چی «د افغانانو تاریخی توره، غیرت او ننگ ناموس» به هغه وخت خوندی پاتی شی چی دغه جگړه‌ماری او جنگ ته لمن وهونکی بنسټپالی ډلی «دخاورو سره خاوری» شی. او که داسی اونشی د لیوانو ترمنځ پخلاینه او دسولی رامنځ ته کول به له رمی سره سخت ظلم وی.

* * *

شرکت زنان سرکاری در مجامع جهانی

حنیفه روستایی - کانادا،

نامه شما را متأسفانه خیلی دیرتر از آن گرفتیم که بتوانیم برایتان در تهیه مطالب برای ۸ مارچ سهمی اداء کنیم.

در پیشبرد فعالیتهای بعدی تان جهت برگزاری تظاهرات، سمینارها، کنفرانس و گردهمآیی ها به منظور آگاهی دادن زنان و افشای بنیادگرایان خاین، جانی، ضد علم، ضد زن و ضد دموکراسی آرزوی موفقیت نموده دراینمورد در حد امکانات خود از همکاری با شما دریغ نخواهیم کرد. اینک پاسخ مختصر به سوالات تان:

- روز جهانی زن در سال ۱۹۱۰ به پیشنهاد «کلارازتکین» یکی از رهبران

جنبش انقلابی آلمان در دومین کنفرانس بین‌المللی زنان سوسیالیست منعقده کپنهاگن پیشنهاد گردید که از مبارزات درخشان زنان کارگر در سال های ۱۸۵۷ و سالهای متعاقب آن در صنایع امریکا و بخصوص مبارزات گسترده زنان در سال ۱۹۱۰ در نیویارک الهام گرفته بود، از آنروز تقریباً ۸۵ سال می‌گذرد. این روز برای اولین بار در ۱۹ مارچ ۱۹۱۱ برگزار شد و در سال ۱۹۱۳ روز جهانی زن به هشتم مارچ تبدیل شد که همه ساله دراکثر کشورهای جهان ازطرف دولتها، احزاب، سازمانها و گروهها به اشکال و با مواضع مختلف برگزار گردیده است.

● در سالهای حکومتهای دست‌نشانده و ارتجاعی ماقبل آن زنانی سرکاری و اشراف در این و آن گردهمآیی شرکت داشته اند که چون هیچگاه و در هیچ موردی از مردم و بخصوص زنان رنجکشیده و پرعذاب ما نمایندگی نمی‌کردند، بناءً ذکر سالها و سایر جزئیات آن چه ارزشی خواهد داشت؟

● عدم شرکت زنان کشورما در کنفرانس پیکنگ اولین اقدام بنیادگرایان به منظور دور نگهداشتن زنان از چنین کنفرانسها و یا اقدام ضد زن شان نبوده و آخرین آن هم نخواهد بود. بنیادگرایان ماهیتاً خاینانه ترین سیاست ها و مواضع را نسبت به زنان دارند.

آنان نه‌تنها ضد آزادی زنان بلکه دشمن قسم‌خورده‌ی هرگونه آزادی و ارزش های انسانی امروزی نیز می‌باشند. ازینرو فرستادن زنان از جانب بنیادگرایان و بخصوص «دولت» ربانی اگر صورت هم بگیرد برای زنان ما پوچ و فاقد هرگونه ارزش است.

● برای دریافت پاسخ سؤال آخر تان رجوع کنید به شماره های «پیام زن» بخصوص شماره های بعد از حاکمیت بنیادگرایان درکابل.

* * *

فرشته کریمی از انجمن بین‌المللی حقوق انسانی زن AIDHF ـ پاریس

از نامه و کارت دعوت شما بسیار متشکریم. متأسفیم که در گردهمایی ۹ مارچ در پاریس نتوانستیم شرکت کنیم. امیدواریم همیشه با ما در تماس باشید.

* * *

بیژن نامور از هیأت تحریریه مجله «پر» ـ امریکا،

از نامه پرلطف و گرم تان ممنونیم. شماره های قبلی نشریه را مرتب اما با پست زمینی برایتان فرستاده‌ایم ولی شماره ۴۲ را با پست هوایی فرستادیم که امید دریافت کرده باشید.

* * *

پریشان داودزی ـ پیښور،

زمونږ سلامونه او نیکی پیرزوینی هم ومنئ‌ږ د افغانستان د ښځو دمبارزی په هکله ستاسو کتاب جوړولو د اقدام هرکلی کوو او خوړمره مرسته مو چی له لاسه وه شی هغه به نه سپموو.

د «پیام زن» اردو شماری کی هم ستاسو همکاری ته د قدر په سترگه گورو. هیله ده خپل لیکونه به جاری وساتی.

* * *

سید هادی ـ کویته،

با سلام مقابل از دریافت نامه و چند نکته انتقادی تان ممنونیم. انتقاد تانرا در مورد گزارش «فروتن» در رابطه جنایات جهادی ها در یکاولنگ که در شماره ۴۲ «پیام زن» نشر شده، مبنی بر اینکه از تمام خاینان منطقه یادآوری نکرده و فقط به افشای جنایات علی یار و مقدسی اکتفا نموده در شماره آینده چاپ می‌کنیم. خوشحال خواهیم شد اگر شما نیز گزارشهای موثق و چشمدید های خود را از جانیانی که نام برده اید برای ما بفرستید تا در شماره های بعدی مورد استفاده قرار گیرند.

* * *

راضیه ـ شبرغان،

«خواهران راوایی گزارشی راکه حاکی از درد و رنج ما زنان و دختران شبرغان است، فرستادم تا در نشریه ما چاپ گردد و فریاد ما راکه جگر را می‌سوزاند به گوش جهانیان برسانید. اگر ممکن باشد گزارشم رابه کنفرانس های حقوق بشر که کشور های استعماری براه می‌اندازند نیز تقدیم نمایید.»

خواهر عزیز، گزارش ارسالی تان در همین شماره درج گردید تا به سمع کسانیکه گوش شنوا دارند برسد. امید همکاری تانرا با ما ادامه دهید.

* * *

رحیمه ـ فرانسه،

با تشکر فراوان عکس هایی راکه از جریان فروش صنایع دستی و انتشارات «راوا» در جین (فرانسه) فرستاده بودید دریافت کردیم. برای کار شما و سایر دوستان عزیز آنجا، ارج بسیار قایلیم. امیدواریم اینگونه فعالیتهای تان را وسیعتر ساخته و نگذارید جو آنکشور را نیز بنیادگرایان خاین برای هموطنان ما مسموم سازند. دو عکس ارسالی را در همین صفحه ملاحظه می‌کنید. منتظر رسیدن گزارش فعالیتهای تان هستیم.

* * *





د.ف. ـ هالند،

با تشکر از نامه‌های پرلطف شماکه رسید بانکی ۳۰ فلورن هالندی را همراه داشت، دریافت نمودیم. «پیام زن» را بعد از این نیز بطور منظم دریافت خواهید داشت.



شهلا دهدادی ـ مزارشریف،

«خواهران و دست اندرکاران نشریه "پیام زن"، من نشریه را که افشاگر خیانت و جنایت اخوان است، بدست آوردم. تمام آنرا به دقت مطالعه کردم و خود را در مبارزه دموکراس خواهانه، آزادی طلبانه و عدالت انسانی آن شریک میدانم. قبول دارید یا نه من خود را عضو "جمعیت انقلابی زنان افغانستان" می دانم.

چند گزارش از واقعیات تلخ زندگی اهالی مزار ارسال داشته‌ام امید در بخش گزارش ها جا یابند.»

خواهر عزیز، خوشحالیم از اینکه «پیام زن» بدسترس تان قرارگرفته و آنرا پسندیده اید. ما هم متقابلاً دست مبارز شما را به گرمی فشرده برایتان موفقیت آرزو می‌کنیم. گزارش های ارسالی شما در همین شماره به نشر رسید. به امید همکاری های بعدی تان.



س. ر. دهدادی ـ مزارشریف،

در نامه خویش می‌نویسند:

«امروز مردم افغانستان از دست جهادی ها و اوباشان خادی دوستم بجان رسیده اند. مردم ما مزدوران رنگارنگ را در مدت ۱۸ سال از اشغال کشور تا وضع ناگوار فعلی تجربه کرده‌اند. هر فردیکه از جهادی ها و خادی های دوستمی طرفداری می‌کند در واقع به ذلت و خواری تن داده و جنایت آنانرا مشروعیت می‌بخشد. مردم ما باید دست بهم داده و سایه شوم کرگس های جهادی و خادی را مشترکاً از سر راه خود بردارند. مرگ تدریجی گرسنگی و قیمتی مردم را تهدید می‌کند. منازل شان چوروچپاول گردیده گروگانگیری، جنگ های قومی و تنظیمی وطن و ملت ما را به تباهی سوق داده است. ما صدای اعتراض خویش از این وضع را از داخل افغانستان ویران بلند می‌کنیم. غیر از "پیام زن" نشریه‌ای را که درد های ما را انعکاس دهد سراغ نداشته و نمی‌یابیم. این نشریه صدای ما را به گوش جهانیان و مردم آزادی خواه جهان برساند. تا کسانیکه از حقوق بشر دم می‌زنند از خواب بیدار شده فکری درباره ماکنند تا از بند جهادی های دوستمی و سایر جنایتکاران رها گردیم.»

دوست عزیز، تجربه چند سال کشور ما نشان دهنده آنست که هیچ مرجع و مؤسسه‌ای نمی‌تواند ارمغان دهنده و ضامن صلح و آرامش در کشور ما باشد. آزادی و آرامش واقعی را فقط با دستان خود و با اتکاء به ملت سوگوار خویش بدست آورده می‌توانیم و بس. به امید همکاری های بیشتر تان.



استاد خلیلی و «استاد» ربانی

حصان ـ پشاور،

سلامهای ما را نیز بپذیرید. قسمت هایی از شعر «ویران شار» راکه به استقبال از «نوروز آزادگان» خلیلی سروده‌اید، منتشر ساختیم، با این تذکرکه کاش این شعر را به استقبال از شعر شاعر دیگری می‌سرودید نه آقای خلیلی که در زمان حیاتش در خدمت یکی از این سرباند های خاین یعنی ربانی قرار داشت و پس از مرگش پسر او مسعودخلیلی جای خالی پدر را در دستگاه جنایت‌پیشه ربانی پر نموده.

به امید دریافت مطالب دیگری از شما.

حصان، پشاور

ویـران شـار

گـویید بـه اسـتاد خـلیلی کـه بـیاید — ز آرامگـهی نـاز دمـی سـر بکـشاید
یک شـام دریـن کـلبه‌ی ویـران بـپاید — وز غـصه دهـها مـرثیه و نـوحه سـراید

کاین بیوطنان سوخت در و بام وطن وای
ای وای وطن وای

اوضاع وطن گشته بسی بی‌سرو سامان — مـلت هـمه آواره وکشـور شـده ویـران
یک شـهر پـر از نـاله و غـوغای یـتیمان — هرکوچه و پس‌کوچه پراز شیون وافـغان

نه مرده کفن دارد و نه زنده چپن وای
ای وای وطن وای

این بی‌خردان را هدف وغایه تباهیست — کار هـمگی هـرزگی و هـرزه درایـیست
بـر جـنگ کـنونی تـو نـفرین الهـیست — نـقش قـدم شـوم تـو آفـات سـماییست

بر مسند قدرت نگرد زاغ و زغن وای
ای وای وطن وای

ای ملت آزاده چه شـد مـلک و زمـینت — درد تـو هـویدا بـود از چـین جـبینت
کس نیست نهد گوش بـه آوای حـزینت — هشدارکـه دشـمن بـنشسته بـه کـمینت

تا بازکشد از تن این مرده کفن وای
ای وای وطن وای

«قرآن خـدا را بـه تـه‌ی پـاشنه سـودند» — رنگ از رخ اسـلامیت خـویش زدودنـد
ما را هـمه بـی‌عزت و بـی‌چاره نـمودند — «آثـار گـران قـدر تـرا جـمله ربـودند»

خر مهره شده هم طبق در عدن وای
ای وای وطن وای

نه علم بکـار آیـدت امـروز نـه فـرهنگ — نه‌عزت ونه‌حرمت ونه(تاج ونه اورنگ)
با حیله‌ی اسـلامیت و خـدعه و نـیرنگ — هریک زپی غـارت مـا بسـته کـمر تـنگ

نفرین به چنین بازوی زنجیر شکن وای
ای وای وطن وای

انجنیر اردلان «ز» ـ مردان،

ستاسو استول شوی لیک او «زمونږ د ژوند یو انځور» تر نامه لاندې ادبي ټوټې رارسېدلې. چې یو له دوی څخه په همدې ګڼه کې چاپ ته وسپارله. ډېره مننه. هیله ده چې په راتلونکې کې هم داسې نورې ادبي ټوټې د بنسټپالو جنایتونه، بې ناموسي، هیوادپلورنه او نور په کې انځور شوي وي راولېږئ.

زمونږ د ژوند یو انځور

داسې معلومېده، چې سهار ډېره وختي راغلی وه
وچې شوندې ولاړه وه
یوه ښکلې ماشومه یې په غېږ کې درلوده
داسې ښکارېده
لکه چې دګلونو غنچه یې د خپل تېر د پاسه ایښې وي
د کاغذ یوه پاڼه یې د ګوتو په څوکو کې نیولې وه
او له حیا به یې مځکې ته کتل
کله به څو قدمه راوړاندې شوه
دروازه به یې په خپلو خوارو وچو لاسونو ټینګه ونیوله
خو کله چې به یې د دروازې د ساتونکی،
دارونکې سترګې ولیدلې
نو بیا به څو قدمه په شا شوه
ډېره ستړې او ستومانه شوه
له پښو یې ساه ووته نو دوه درې قدمه وړاندې
د دیوال خواته په ځاورو کې کښېناسته
سرېې د ماشوم د سر دپاسه کېښود
او سترګې یې پټې کړې
څو شیبې لاټرې شوې نه وې چې دروازه خلاصه شوه
د تورو ښیښو موټر راښکاره شو
او سپاهې سلامې شو
په منډه راپاځېده
د موټر ښیښو ته یې خپل کاغذ ونوراوه
خو سپاهي ټیلوهله!
په مځکه وغورځېده
له سر څخه یې د وینو لښتې په بهېدو شو او په مخ یې دوړې پرېوتې
د ګلونو غنچه په ژړا شوه
او د کمیشنر صاحب موټر ولاړ!

* * *

فیاض پور ـ سویس،

از ابراز علاقمندی تان نسبت به «پیام زن» ممنونیم. شماره ۴۲ را همراه با نامه جداگانه‌ای در مورد چگونگی پرداخت هزینه آن ارسال نمودیم. امیدواریم همیشه با ما در ارتباط باشید.

* * *

طارق ـ کویټه،

ستاسو د نوي کال مبارکي او وړاندیزونو څخه ډېره مننه. د «پیام زن» مجلې له ځانګړې لیک سره دراستول شوی، هیله ده بیه به یې د «راوا» بانکي پتې کې وسپارئ. ستاسو رااستولې ګزارش په همدې ګڼه کې خپور شو.

* * *

چاپ تصاویر زنان مبارز سایر کشورها و عدم استفاده از مقوله‌های اسلامی

ایمل ـ کنر،

در نامه خود می‌نویسند:

«مضامین مجله شما واقعاً قابل ستایش اند و یگانه سپر آهنین در مقابل بنیادگرایان در کشور تلقی می‌گردد. خدا کند به اصولی که فعلاً اختیار کرده اید برای همیش پابند باشید و پشت پرده کدام سازشی نباشد»

و سپس سؤال های شانرا بطور خلاصه چنین مطرح می‌کنند:

● شما جهت تشویق زنان هموطن ما به چاپ تصاویر زن های بیگانه و قهرمانی‌ها و مبارزات انقلابی اجنبی ها می‌پردازید ولی از قهرمانی‌ها و مبارزات انقلابی زنان کشور ما چیزی نمی‌گویید. آیا چشم پوشی از آن به دلیل پشتون بودن آنان (ملالی، زرغونه و ...) است یا چطور؟

● «پیام زن» در مورد حقوق زنان از مقوله های اسلامی استفاده نمی‌کند که این سبب می‌شود مردم بیسواد در اثر تلقین «ملا صاحبان» شما را کمونیست خطاب نمایند. لطفاً بخاطر رفع و دفع تبلیغات دشمنان دموکراسی و آزادی بخصوص بنیادگرایان از این کار دریغ نکنید.

دوست عزیز،

● با مراجعه به شماره های «پیام زن» درخواهید یافت که نه تنها از زنان قهرمان افغان نام برده‌ایم که از فراوان زنان گم‌نامی که حتی حرفی برضد دشمنان ما بزبان آورده اند تذکر داده‌ایم و در حدیکه جا داشته دلاوری و قهرمانی های شانرا برای سرمشق به زنان در بند و مبارز ما برجسته ساخته‌ایم. برای مؤثر بودن مبارزه زنان برضد دشمنان علم، دموکراسی و بخصوص آزادی زن لازمست که نه تنها از زنان افغان بلکه از فراوان زنان انقلابی سایر کشورها هم باید آموخت. که در راه مبارزه برای رهایی، قهرمانی ها نموده و یا جان باخته اند.

● ما برآنیم که باید جنایات نیروهای ارتجاعی و وابسته را افشا نمود، ماهیت

عمیقاً ضد انسانی، ضد دموکراتیک و ضد زن بنیادگرایان را برملا نموده و زنان را برمبنای ارزش های دموکراسی و انقلابی برای کسب حقوق شان آگاه و بسیج نمود. ما هرگز نمی‌خواهیم مانند بنیادگرایان مردم را با سؤاستفاده از مقدسات شان فریب دهیم. اینرا دیگر فرد فرد مردم کشور ما فهمیده اند که بنیادگرایان از هر قماش، گلبدینی، وهابی، طالبی، خمینیست و ... جز رسیدن به اهداف شوم شان که همان برپا نمودن حاکمیت سیاه بنیادگرایی و خدمت به اربابانشان هست، هدفی ندارند و در اینراه عقاید و مقدسات مردم را به بازی گرفته و می‌گیرند. از قرآن خوردن سران باند های ارتجاعی در خانه کعبه گرفته تا اتحاد هایی دوستم ـ ربانی، گلبدین ـ دوستم و گلبدین ـ ربانی یا طالبی ـ وحدتی و غیره و غیره نیز همه مؤید آنست که اینان بنام اسلام و با چپ و راست آوردن آیات و احادیث تنها مردم را فریب می‌دهند و بس. چنانچه بارها گفته‌ایم مردم ما قرنهاست دین اسلام را پذیرفته اند و ضرورتی به، به اصطلاح رهبران دینی، آنهم از نوع خاینان و جانیانی نظیر قیادی های میهنفروش فعلی ندارند.

۵ شماره درخواستی «پیام زن» برایتان ارسال شد. بهای آنرا از طریق آدرس بانکی ما پرداخته رسیدش را بما بفرستید.

* * *

شورای نویسندگان «راه آینده» ـ آلمان،

با تشکر از دریافت ماهنامه «راه آینده» آرزومندیم مرتباً آنرا ارسال دارید. نامه جداگانه‌ای برایتان ارسال شد.

* * *

بهاء قایل نشدن به احمدشاه مسعود

عاقله روشن ـ اسلام آباد،

ضمن نامه‌ی خویش می‌نویسند:

«احترامات مرا بپذیرید. در شماره ۴۲ حوت ۱۳۷۴ مجله "پیام زن" زیر کلیشه‌ی پیام زن و خوانندگان صفحه ۴۸، نامه همیشره سهیلا از اسلام آباد را تحت عنوان "بها قایل شدن به احمدشاه مسعود" خواندم.

واقعاً آوردن نام مسعود این به اصطلاح شیر پنجشیر در پهلوی سایر رهبران قاتل چون ربانی، گلبدین، سیاف، خلیلی، اکبری، طالبان، دوستم و غیره، بها قایل شدن به این شخص نبوده بلکه نیاوردن آن گناه هم خواهد بود، زیرا جرم او اگر بیشتر ازین جانیان نباشد، کم هم نیست و آرزوی ملت ما اینست که روزی او نیز در پهلوی سایر رهبران قاتل در پای میز محاکمه عدالت مردم کشانیده شده به کیفر اعمالش برسد.

ضمناً این دوبیتی ها را که مناسب حال دوجانی یعنی گلبدین و مسعود است سروده و ارسال نمودم امید است بعد از اصلاحات چاپ نمایید.»

ز جورت کلب الدین آواره گشتم — بـه مـلک دگران بیچاره گشتم
به هر دروازه رفتم بهر گدایی — شوی رسوا که من دیوانه گشتم

زدست ظـلم مسعود ستمکار — شده کابل به صدها غم گرفتار
بـه غـیر مردم پنجشیر و یاران — نـدارد در نـظر این مرد مکار

* * *

فرحت ـ پشاور،

از دریافت کارتون و ترجمه قسمتی از گزارش عفو بین‌الملل که در مورد «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» و شهید مینا بود، سپاسگزاریم. کارتون را در همین صفحه آوردیم.



* * *

ضمناً با سپاس فراوان گزارشهای دوستان ذیل را در صفحات گزارشهای این شماره گنجاندیم:

میترا ـ کابل، سامعه ـ کابل، بشیراحمد ـ کابل، فرید ـ کابل، حمیده عزیزی ـ کابل، خسرو ـ کابل، صالح ـ کابل، ف.غ.ع. ـ کابل، ق.روف ـ کابل، ا.ز. ـ پکتیا، ر.ی ـ پشاور، ا.ظاهر ـ شیندند، سیداحمد ـ هرات، عباس رضایی ـ هرات، ت.ل. ـ هرات، م.قادری ـ فراه، محبوب ـ شبرغان، نبیله ـ جاغوری، ع.ن. ـ فراه، راضیه ـ شبرغان، مقسوم ـ مزار، شهلا ـ مزار، شفیقه ـ شبرغان، ا.ر. ـ شبرغان، فرزان ـ پروان، جمشید ـ پروان، حمید ـ مزار، ب.ر. ـ جلال آباد، آسیه ـ مزار، فاطمه ـ مزار، ق.ر. ـ شبرغان، زهره ـ جوزجان، هما ـ جوزجان، انیس ـ پشاور، فیروز ـ لغمان، ا.ن. ـ لغمان، ه.ن. ـ کابل، طارق ـ کویته، شیرشاه همدرد ـ پشاور، حیات‌اله کنزی.

* * *

چون این شماره اساساً به گزارشها اختصاص یافته بناءً جواب نسبتاً مفصل به نامه‌های شفیقه صبوری و میترا از اسلام آباد به شماره بعدی موکول گردید.

کمک های رسیده

غیر از دوستانی که از دریافت کمکهای مالی شان طی جواب به نامه هایشان یادآوری گردید از دریافت وجوه ارسالی این دوستان نیز با سپاس فراوان اطمینان می‌دهیم:

رحیمه پویا از فرانسه	۴۰۰	فرانک
انجنیر احمداله پوپل از مونشن	۲۰۰	مارک
شاداب پوپل از مونشن	۱۵۰	رر
صبور زمانی از برلین	۳۱۵	رر
امین اله از آلمان	۵۰	رر
کمال الدین هاشمی از سویس	۱۰۰	رر
انجنیر شریف از آلمان	۲۷۰	رر
مسعود و منصور از هانور آلمان	۱۰۰	رر
رابعه از هانور	۵۰	رر
سهیلا از هانور	۵۰	رر
وسیمه از هانور	۲۰	رر
نسیمه از هانور	۲۰	رر
Frau Margot Oppuku از دوسلدورف آلمان	۵۰	رر

با تشکر از مراجع فرستنده

نشریات رسیده

آذرخش - ماهنامه مستقل ملی و دموکراتیک، ناشر افکار انتقادی، سیاسی و اجتماعی، شماره های ۵ - ۷، دلو، حوت ۱۳۷۴ و حمل ۱۳۷۵

آرش - ماهنامه فرهنگی، اجتماعی و ورزشی، شماره ۵۳، ۵۴، آذر و بهمن ۱۳۷۴

آفتاب - نشریه‌ی فرهنگی، اجتماعی و ادبی، شماره ۱۶، اسفند ۱۳۷۴

آیینه افغانستان - ماهنامه‌ی مستقل، ملی و غیر حزبی، شماره ۵۹، جنوری ۱۹۹۶

اتحاد کار - ارگان مرکزی سازمان اتحاد فداییان خلق ایران، شماره های ۲۲ الی ۲۴، بهمن و اسفند ۱۳۷۴ و فروردین ۱۳۷۵

افغان ملت - په اروپا کی د افغان تولنپال ولسواک گوند خپرونه، د ۱۳۷۴کال دکب میاشتی، ۴۴او د ۱۳۷۵ وری میاشتی ۴۵او ۴۶

انترناسیونال - نشریه حزب کمونیست کارگری ایران، شماره ۲۰، فروردین ۱۳۷۵

انقلاب اسلامی در هجرت - شماره های ۳۷۷، ۳۷۹ - ۳۸۳، ۱۹۹۶

بلوچی - ماهنامه‌ای به زبان بلوچی از کویته، شماره های ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۹۹۶

پَر - از انتشارات بنیاد فرهنگی پر، شماره های ۱۲۲ - ۱۲۴، اسفند ۱۳۷۴، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵

پَگاه - نشریه اجتماعی، فرهنگی و ادبی، شماره ۱۳، حمل ۱۳۷۵

پلوشه - پښتو میاشتیزه خپرونه، کراچی، د ۱۹۹۶کال ۷۳گنه

پیوند - از انتشارات انجمن مهاجرین و پناهندگان ایرانی، شماره ۱۹، مارچ ۱۹۹۶

تعاون - نشریه مرکز تعاون افغانستان، شماره ۶ دلو و حوت ۱۳۷۴

جفاکش - انسانی حقوق اور مزدوروں کا ترجمان، ماهنامه‌ای به زبان اردو، شماره ۴ اپریل ۱۹۹۶

خپلواکی (آزادی) - نشریه مرکزی سازمان ملی ودموکراتیک آوارگان افغان، شماره ۲۶، جدی ۱۳۷۴

دعوت - اسلامی، خپلواکه، ملی، سیاسی، علمی او فرهنگی خپرونه، پرله پسی ۵۷ - ۵۸ گڼی، د ۱۳۷۴کال د سلواغی او کب میاشتی

راه آینده - در دفاع از مارکسیزم و سوسیالیزم، شماره ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۵

رنگین - نشریه‌ی برنامه‌ی تلویزیونی رنگین، شماره ۱، جدی ۱۳۷۴

روزگارنو - نشریه‌ای در خدمت آزادی و حق حاکمیت ملت ایران، شماره های ۱۶۷ الی ۱۷۰، جدی - حوت ۱۳۷۴ و حمل ۱۳۷۵

فرهنگ - ارگان نشراتی کانون فرهنگی سیدجمال‌الدین افغان، شماره ۱، جدی ۱۳۷۴

کارگر امروز - نشریه انترناسیونالیستی کارگری، شماره ۵۵، شهریور ۱۳۷۴

کارگر تبعیدی - ارگان انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی، شماره ۳۳، آذر ۱۳۷۴

کارگرسوسیالیست - ضمیمه، ویژه نامه سالگرد روز جهانی زن، مارچ ۱۹۹۶

کوردستان - ارگان کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران، شماره های ۲۲۵، ۲۳۰، بهمن و شهریور ۱۳۷۴

لارد - ماهنامه‌ای به زبان اردو، ملتان، شماره ۱، جنوری ۱۹۹۶

مزدور جدوجهد - نوجوانوں اور محنت‌کشوں کا سوشلست رساله، نشریه اردو، شماره ۶۹، مارچ ۱۹۹۶

مشعل - شهید کشمیر ایڈیشن، به زبان اردو، شماره ۳۶، فبروری، مارچ ۱۹۹۶

میهن - شماره ۵ جدی و دلو ۱۳۷۴

نبرد خلق - ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، شماره های ۱۲۹الی ۱۳۱، فروردین و اریبهشت ۱۳۷۵

ندای رهایی - نشریه انجمن دموکراتیک زنان مبارز ایران(هلند)، شماره۳، مارچ ۱۹۹۶

نوای صلح - شماره‌های ۱ و ۲، دلو ۱۳۷۴

نوکین دور - ماهنامه اردو، شماره‌های ۱۲، ۱۹۹۵ و ۱، ۲، ۱۹۹۶

همبستگی - نشریه فدراسیون سراسری شورای پناهندگان و مهاجرین ایرانی، شماره ۶۰، دسامبر ۱۹۹۶

ما نیمه‌ی دیگری نیستیم - گرد آورنده و ترجمه سرور - تورنتو

با یک قدم سفری طولانی آغاز شد! - گزارش‌های پکن، ویراستار مریم متین دفتری

○ ○ ○

Afghan News *- Published monthly by Jamiat-i-Islami-Afghanistan, Vol.12, No.1 - 3, 1996*

ACBAR *- News summary, Feb., Mar. 1996*

ARIC Bulletin *- ACBAR Resource and Information Center, No.2,3 Feb.Mar. 1996*

News and Views *- Women's Envirnoment & Development Organization, Vol.8 No.*

News sheet *- Vol. VII, No. 3 & 4, 1995*

Women Envision *- Isis International, No.30, Feb. 1996*

Weekly Human Rights *- Islamabad, No. 18 & 19 Jan, Feb 1996*

سایر اسناد

- **جمهوری اسلامی مردگان را هم شلاق می‌زند** - از جنبش روشنفکری ایران، اسفند ۱۳۷۴
- **انتخاب مجلس! تحریم یا تلاش** - از جنبش روشنفکری ایران
- **خاتون عجم** - کتاب اردو، نویسنده داکتر صابر آفاقی
- **عورت اورْ انقلاب** - نویسنده قربان‌علی
- **کیا کرنا چاهیے** - نویسنده قربان‌علی
- **آغاز کهان سے کیا جائے** - قربان‌علی
- **کشمیر اقوام متحده کی امانت مین دینے کا سوال؟** - قربان‌علی

گزارشهایی از افغانستانِ....

و دخترش را خریداری می‌نماید.

فامیل دیگری در قسمت ۵۰۰ فامیلی خیرخانه اعضای فامیلش را یک یک در چاهی انداخت تا بدانوسیله از مرگ تدریجی و یا فروش خود به جهادی‌ها برای همیش نجات یابد.

جبهه فروشی برادران جهادی

در پهلوی انواع تجارت جهادی یکی هم خرید و فروش جبهات است که از ابتدای سگ جنگی جهادی‌ها تا هنوز ادامه دارد. زمانیکه چهارآسیاب در میزان ۱۳۷۴ بدست طالبان افتید، دولت ربانی پوپل نام یکی از قومندانان مربوط باند سیاف را زیر عنوان فروشنده جبهات چهارآسیاب دستگیر نمود.

قومندان پوپل زیر شکنجه برادران اعتراف نمود که گل‌حیدر قومندان عمومی جبهه چهارآسیاب نیز در فروش جبهه چهارآسیاب شریکش بوده است. گل‌حیدر شخص قابل اعتماد مسعود بود که بعد از این واقعه مورد غضب اربابش قرار می‌گیرد و مسئولیت قومندانی‌اش سلب می‌شود. قرار معلوم مبلغ یک صد هزار دالر در فروش جبهه چهارآسیاب با طالبان معامله گردیده بود که از جمله سهمی کوچکی برای گل‌حیدر نیز رسیده. بعداً مسعود یکی دیگر از برادران قابل اعتمادش بنام بسم‌اله را که سابق قومندان گارنیزیون بگرام بود به عوض گل‌حیدر تعیین نمود. با آنهم گل‌حیدرخان که خانه قبلی جنرال بابه جان واقع حصه اول خیرخانه را به مبلغ ۲۰۰۰ لک افغانی خریداری کرده با خاطر جمعی و در رفاه کامل زندگی می‌کند.

ماسترپلان کابل و لاشخواران جهادی

از زمانیکه جهادی‌ها قدرت دولت را غصب کردند، ماسترپلان شهر کابل دستخوش تغییرات پی در پی گردیده است. روزی نیست که جهادی‌ای بخاطر تعدیل ساحات سبز و عام‌المنفعه مانند کودکستان، مکتب، کلنیک و غیره به نمرات تجارتی و رهایشی به ریاست (پما) که مسئولیت پروژه سازی شهری و تعمیراتی را دارد مراجعه نکند. اکثراً قومندانان و اشخاصیکه در رده‌های بالایی «دولت» قرار دارند این گروه را شامل می‌شوند. بیشترین امر و دستور تعدیل را سردسته شان ربانی برای حواریون خویش اهدا نموده است. تاکنون تعدیلاتی که در نمرات ماستر پلان صورت گرفته برای انجنیر ایوب «وزیر» آب و برق، قومندان آغا شیرین سالنگی، قومندان انور دنگر، کریم خدام معین وزارت شهرسازی، اکبری رئیس حزب وحدت، فهیم رئیس خاد، احمد شاه احمد زی، یونس‌قانونی، آمر انور، معاون فقیر آمرحوزه پولیس و ده‌ها رهزن دیگر.

اعاده «حیثیت» از دزدی کارآزموده

فیض‌الرحمن وثیق یکی از جهادی‌های با سابقه خلقی در سال ۱۳۷۲ رئیس اداری وزارت اطلاعات و فرهنگ بود که در اثر بالا شدن بوی اختلاس، رشوت، بی ناموسی و جنایت های بی‌شمار دیگر از وظیفه برطرف شد. اما در نیمه سال ۱۳۷۴ هرج و مرج فراوان بر سر چوکی وزارت میان دلجو حسینی که مسعود و یونس قانونی از وی دفاع می‌کردند و والاجان وثیق که ربانی طرفدارش بود، بوقوع پیوست تا که بالاخره والاجان بر حریف پیروز شد. در این گیرودار فیض‌الرحمن دزد نیز بامر فوق‌العاده ربانی مجدداً چوکی رئیس اداری آن وزارت را قاپید. این بار چوروچپاول اساسی شروع شد، در قدم اول ۳۵۰ ملیون افغانی را از درک خریداری چوب محروقات از خزانه کشیدند که از جمله این مقدار فقط ۵۰ ملیون آنرا چوب خریدند و متباقی را همین رئیس، والاجان وثیق «وزیر»، خواجه آمر محاسبه و حفیظ منصور یکتن دیگر از کارمندان بین خود تقسیم نمودند. آنها چوب را فی سیر ۵۰۰۰ افغانی خریداری نمودند که قیمت آنرا به حساب فی سیر ۸۰۰۰ افغانی مجرایی گرفتند.

تا لوث اخوان از کشور بطور اساسی پاک نشده، مردم ما هرگز روی آسایش و بهروزی را نخواهند دید!

والاجان وثیق و «زن خوانده»اش

در پهلوی صدها خصال جهادی ها یکی هم به عقد درآوردن زن های متعدد است. مخصوصاً آن سردسته گان و قومندانان تنظیم ها که کبرسن به آنان اجازه عیاشی دراز مدت نمی‌دهد می‌خواهند از فرصت کم استفاده اعظمی کنند و این است که عطش شهوت شرم‌آور شان را با داشتن یک و یا

دو زن فرو نشانده نمی‌بینند و به ازدواجهای دیگر رو می‌آورند. قبلاً یونس‌خالص، آصف محسنی، عبدالحی‌الهی، قومندان ناصر، کریم خدام و ده‌ها قیادی و قومندان بدنام و بی‌نام دیگر به این عمل کثیف مبادرت ورزیده‌اند. در این اواخر والاجان وثیق وزیر اطلاعات و فرهنگ شوق گرفتن زن باسواد و شهری را نموده و یک دختر به سن و سال دخترش بنام فریبا از همان وزارت را زن خوانده با او «پیمان عشق» بسته است. همه مأمورین با استهزا آن دختر را زن وزیر صاحب خطاب می‌کنند، وزیرک بی‌وجدان شهوت پرست بخاطر اثبات «عشق»اش به معشوق یک زن بیوه بیچاره را که پیاده یکی از دفاتر بود به جرم گفتگو با فریبا خانم از وظیفه منفک نموده است.

«آیا در زمان حضرت محمد(ص) برق وجود داشت؟»

یکی از قومندانان جهادی در مجلسی فردی را که از اوضاع و بخصوص از کمبود برق و ضرورت آن می‌نالید چنین سرزنش کرد: «مردم به ناحق از نبودن برق شکایت دارند. آیا در زمان حضرت محمد(ص) برق وجود داشت...؟» شخص مخاطب بدون معطلی جواب داد که «قومندان صاحب در زمان حضرت محمد(ص) پیجارو هم وجود نداشت، جنراتور هم وجود نداشت، چرا هر کدام تان در داشتن و استفاده از آن با یکدیگر رقابت می‌کنید. مگر همین حالا کدام تان در خانه جنراتور ندارید و هر شب فلم ویدیویی نمی‌بینید؟ کدام وزیر، رئیس و قومندان پیدا می‌شود که جنراتور نداشته و هر شب خانه‌اش چراغان نباشد، بگذریم از اینکه صدایش چقدر باعث اذیت همسایه‌ها می‌شود؟» جهادی کودن که هیچ جواب نداشت با شرمساری موضوع صحبت را تغییر داد. آخ که دنیاگویی کر و کور است که نمی دانند در افغانستان چه اراذلی در چه سطحی از جهالت و وحشت قدرت را در دست گرفته اند.

«جهادیها دزد و محتکراند»

چند تن از مأموران دولت که در روزهای قحطی برای خریداری یک سیر آرد سرگردان بودند در نزدیک فروشگاه افغان به فردی برخوردند که فی سیر آرد را مبلغ ۳۰۰۰۰ افغانی می‌فروشد، یکی از مأموران که با دست بطرف ارگ ربانی اشاره می‌کرد گفت: «چرا این جهادی‌ها از احتکار و قیمت فروشی جلوگیری نمی‌کنند.» و بجان آمده‌ی دیگری گفت: «ای برادر اینها خود شان دزد و محتکراند، مگر این حالتی که بالای من و تو آمده عامل آن کیست، عده‌ی شان راه ها را می‌گیرند و عده دیگر احتکار و قیمت فروشی می‌کنند، بناءً از دزد و محتکر چگونه می توان کمک خواست؟»

فرید ـ کابل

اختلافات احمد شاه مسعود و یونس قانونی

احمد شاه مسعود قبلاً شخصی را بنام نواز به حیث رئیس تعمیرات وزارت دفاع تعیین نموده بود که به مثابه‌گماشته خاص وی گزارش های وزارت دفاع را روزمره به او می‌رساند.

درین اواخر یونس قانونی که بعنوان رئیس امور سیاسی و سرپرست وزارت دفاع کار می‌کند دگروال شاه آقا را بحیث معاون وزیر دفاع در امور ساختمانی مقرر می‌کند. نواز می‌خواهد حواله ۶۰۰ میلیون افغانی را طی مراحلی از بانک تحویل گیرد، اما دگروال صاحب که از این معامله چیزی عایدش نمی‌شد از اجرای آن سرباز می‌زند. زمانیکه قانونی اطلاع می‌یابد فوراً نواز را خلع صلاحیت نموده خانه نشین می‌سازد. نواز نیز بیکار ننشسته مسعود را از مسئله مطلع می‌سازد و اظهار می‌دارد که «۶۰۰ میلیون افغانی توسط قانونی و شاه آقا اختلاس می‌شد که من با اجرای آن مخالفت کردم و به همین جرم مرا خانه نشین ساختند.»

احمد شاه مسعود عصبانی شده مکتوب برکناری قانونی را از پست وزارت می‌نویسد. اما با پا درمیانی چند تن از سرکردگان شورای نظار، به دلیل درگیری های آن شورا با برادران سایر تنظیم های جهادی از برطرفی قانونی صرفنظر نموده در عوض شاه‌آقا را جواب می‌دهد.

زمانیکه قانونی خبر می‌شود می‌گوید: «اگر من وزیر دفاع هستم معاونم شاه آقا است در غیر آن هر دو نخواهیم بود.»

قانونی به بهانه مریضی خانمش به هندوستان سفر نموده و مدتی به وظیفه خویش حاضر نمی‌گردد. مسعود برایش خبر داد که اگر به وظیفه‌اش حاضر نگردد شخص دیگری را بجایش مقرر خواهد کرد. قانونی پوست پشک بروی کشیده دوباره به وظیفه خود بازگشت ولی اختلافات شان همانطور لاینحل باقی مانده است.

امتیازات و فساد مأموران جهادی

در مقابل وضعیت مأموران پایین رتبه‌ی غیر جهادی، وضع زندگی مشتی از ماموران عالی رتبه جهادی و غیر جهادی که در خدمت آنان‌اند روز به روز بهتر می‌شود. از جهادی‌های بی‌سواد و جاهلی که پست های مهم را اشغال نموده‌اند تا پیاده دفتر جهادی همه از تمام امکانات برخوردارند. معاش هر وزیر ماهانه بیش از ۵۰۰۰۰۰ افغانی بوده و اکثر وزرای جهادی ۳۰۰۰۰۰ افغانی را بابت کرایه خانه و ۲۰۰۰۰۰ افغانی به عنوان مصرف تیل موتر، معاش بادیگاردها (اصلاً دو یا سه نفر اند ولی آنان ۵ تا ۱۰ نفر لست می‌دهند) و... اخذ می‌نمایند. معاش معینان و رؤسای جهادی نیز به تفاوت کمی به همین ترتیب اجراء می‌گردد. آنان این مبلغ را بصورت ثابت و «قانونی» دریافت می‌دارند، حساب پولهای کلانی که از درک رشوه ستانی و ده‌ها نوع دزدی دیگر بدست می آورند به خود شان معلوم است.

فروش تیل وسایط نقلیه «دولتی»

بازار فروش تیل از وسایط نقلیه دولتی نیز بسیار رونق دارد، و قومندانان جهادی لوای ۳۱۵ در این نوع تجارت پیشتازند، موترهای تانک پر از تیل توسط قومندانان جهادی به بازار غرض فروش برآمده بل مصرف آنرا بنام اجرای فلان و بهمان کار درست کرده به حساب مصارف لوا درج می‌کنند. و از اینطریق روزانه پول هنگفتی «حق و حلال» به جیب قومندانان جهادی سرازیر می‌شود.

کورسها جهت «مسلمان سازی» مأموران

«دولت» اسلامی برای تجدید آموزش اسلامی و از «نو مسلمان ساختن» مردم بخصوص مأموران، به تقلید از رژیم ایران کورس های عقیدتی ـ سیاسی را ایجاد کرده تا معلمان این کورس ها عقاید بنیادگرایی، تعبدی و غیر علمی را که هیچ ربطی به زندگی و تخفیف آلام مردم ندارد جبراً بر آنان تحمیل کنند. در ابتدا در هر اداره یک اتاق برای نماز خواندن افتتاح شد که در اوایل وزرا و رؤسا و دیگر آمرین نیز به وقت معین به نماز خواندن می‌رفتند. ولی از زمانی که بوی جهادی‌ها بالا گرفت جهادی‌های کلان از رفتن به مسجد اباء می‌ورزند.

کورسها که از وضو گرفتن و نماز خواندن شروع گردید در واقع توهینی بود به مأموران مسلمان که در طول عمر خویش همه روزه پنج بار نماز را بجا آورده‌اند و از اینرو مورد تنفر آنان قرار گرفته تحریم گردید. وقتی جهادی‌ها دیدند که ماموران مطابق تقسیم اوقات به کورس‌ها حاضر نمی‌شوند، به غیر حاضر کردن، کسر معاش، تأدیب نامه، اخطارنامه و بالاخره انفکاک از وظیفه اقدام کردند تا مأموران «نامسلمان» را از نو «مسلمان» سازند. یکی از مأموران گفت «من بخاطری به این کورسها می‌روم که بیشتر به حماقت و سخافت ارشادات بنیادگرایی آگاه شوم. از طرف دیگر چاره ندارم اگر این بی‌ناموسها منفکم سازند چطور کنم؟»

دزدی شرعی و قانونی

چند مثال از میدان هوایی خواجه رواش:

جهادی های میدان هوایی تمام سامان آلات فالتوی طیارات را دزدیده در دکان های معین بازار عرضه می‌کنند. در موقع ضرورت که پرسونل تخنیکی به قومندان مربوط مراجعه می‌کنند وی دکانی را که پرزه ها را در آنجا برای فروش گذاشته آدرس می‌دهد. سپس هیئت مربوط به آنجا رفته و پرزه مورد نیاز را خریداری و بعد نیز قیمت آنرا دو یا سه چند بیشتر در اسناد و بل خریداری درج می‌کند.

به همین ترتیب در لوای ۲۱۹، جهادیهای که مسئولیت حفاظت از موترها را دارند پرزه‌جات مهم وسایط را کشیده به بازار عرضه کرده‌اند که در موقع ضرورت دوباره از همان بازار خریداری می‌شود. در این اواخر که بوی این نوع حیله جهادی بسیار بالا گرفت، مسعود به طور نمایشی دکانهای پرزه فروشی شهر آراء را محاصره و مقداری پرزه‌جات موترهای دولتی را از آنها مصادره کرد. همچنان بتاریخ ۱۲ و ۱۳ دلو ۱۳۷۴ بعد از محاصره و تلاشی تمام کانتینرهای پرزه فروشی و خانه های مسکونی واقع تایمنی مقداری از پرزه‌جات را در کانتینرها «کشف» کرده و عده‌ای از پرزه فروشان را هم بطور نمایشی چند روزی زندانی ساخت.

د بنسټپالی فاشیزم ضد مبارزی پر ته د آزادی او دموکراسی لپاره مبارزه کول خوشی او بی‌معنی خبری دی!


نعش یکی از قربانیان توحش بنیادگرایی
که از یکی از گورهای دستجمعی پوهنتون کابل بیرون کشیده شد

این اواخر اکثر دزدیها از طرف روز صورت می‌گیرد، زیرا عده‌ای از اهالی کابل از ترس دزدی، آدمکشی و بی‌ناموسی جهادیها یک میل سلاح برای خود تهیه کرده که با آن شبها پهره می‌کنند و چون هنگام روز اکثر مردان از خانه بیرون می‌روند، دزدان از موقع استفاده کرده به خانه ها می‌ریزند. اگر کسی در خانه بود و مقاومت نشان داد حتماً به قتل می‌رسد و در غیر آن با بستن دست و پای یا قفل کردن او در یکی از اتاقها، با خاطر آرام به غارت خانه می‌پردازند.

چون اموال و اجناس قیمتی مردم تمام شده و چیزهای باقیمانده چندان به درد فرزندان اصیل «انقلاب اسلامی» نمی‌خورد بناءً دزدان مذکور از دستبرد به برخی برادران خویش نیز دریغ نمی‌کنند. زده شدن منزل یکی از آمرین امنیتی در وزیراکبرخان مینه و هم زده شدن منزل اسحق گوهری «وزیر» انکشاف دهات در قلعه نجاری خیرخانه در اواسط ماه دلو ۱۳۷۴ از خیانت برادران به یکدیگر بشمار می‌رود.

دزدان جهادی در وزارت داخله

در وزارت داخله حاجی قره بیک سرپرست و حاجی نعیم‌اله پیژندوال، برای تهیه روغنیات مورد ضرورت این وزارت با فخرالدین خان از پنجشیر فی بیرل ۱۲ لک افغانی قرار داد بستند اما در اسناد خریداری روغنیات قیمت هر بیرل را ۱۸۱ لک افغانی درج کردند که در نتیجه ملیاردها افغانی «حق و حلال» به کیسه قره‌بیک و شرکا می‌ریزد.

معاش یک جهادی «پاک نفس»

یکی از برادران «پاک نفس» شخصی است بنام سید نعمان راسخ رئیس تحقیق در لوی ثارنوالی که ماهوار مبلغ دو ملیون و ۳۴۰۰۰ افغانی معاش می‌گیرد. وی معاش ۱۵ نفر را زیر نام بادیگارد، مبلغ سه لک افغانی را بنام کرایه خانه و مبلغ ۳۳۴۰۰۰ افغانی را بنام حق‌الزحمه کورس های عقیدتی سیاسی ماهانه به جیب می‌زند.

تغییر زمان دزدیهای جهادی

دزدی و بی‌ناموسی در سرلوحه برنامه های جهادی ها قرار گرفته و از بالا تا پایین به اشکال مختلف (علنی و غیر علنی) بان مشغول‌اند هیچ روزی نیست که ده‌ها نوع حادثه جنایی در شهر کابل اتفاق نیافتد، خصوصاً سرقت توسط باند های مسلح جهادی آنقدر زیاد شده که شب و روز نمی‌شناسد. در

ارمغان جهادی: تباهی اخلاقی نوجوانان

پسران خورد سال هفت ساله و بالاتر از آن به جای مکتب رفتن و درس و تعلیم، یا در کوچه‌ها ولگردی می‌کنند یا گدایی و دستفروشی. آن کودکانی که در این سن و سال با پول سروکار یافته‌اند اکثراً به سگرت، نصوار، و حتی چرس معتاد گردیده‌اند. تعداد زیادی از آنان در اثر فقر، جنگ و تیره‌بختی های دیگر توسط مقامات مختلف نظامی و امنیتی جلب شده و سلاح بر دوش در محیط نظامی جهادی بر علاوه اعتیاد به مواد مخدر از لحاظ اخلاقی هم برباد می‌روند.

شیوه‌ی جدید دزدی جهادیها

نوعی دیگر از دزدی جهادیها عبارتست از سازش بین قومندان و معتمد معاش. معتمد بعد از اینکه پول معاشات را از بانک می‌گیرد برای مدتی ناپدید می‌شود. و پس از گذشت چند ماه به بهانه اینکه در این مدت اختطاف شده بود و یا اینکه پول را از نزدش دزدیدند و خودش را لت‌وکوب کرده و مدتی در شفاخانه بستری بود و غیره، دوباره به وظیفه‌اش برمی‌گردد و به این ترتیب مبلغ هنگفتی از معاشات مأموران بین معتمد و قومندان و

مسئولان مربوطه تقسیم می‌شود از جمله این نوع دزدان جهادی داد خداباور قومندان قوای هوایی است که معتمد معاش نیز تعیین شده بود، وی مبلغ ۱۰ملیون افغانی معاش پرسونل را از بانک گرفته فرار نمود اما بعد از ۴ الی ۵ ماه دوباره سر وظیفه‌اش برگشت که فعلاً هم بطور عادی بکار خود ادامه می‌دهد.

دزدی میرانجام‌الدین از باند سیاف

در اوایل سال ۱۳۷۴ بازرسی‌ای از کارهای قومندان مدافعه هوایی میرانجام‌الدین از باند سیاف توسط ریاست امور سیاسی و امنیت ملی صورت گرفت، در جریان بازرسی آن معلوم شد که حدود ۵۰۰۰ لیتر تیل بدون سند از قوا بیرون شده و همچنان نام یک تعداد افرادایکه وجود خارجی ندارند دربست دایره مرکز ثبت گردیده و معاش ماهوار شان بطور منظم بوسیله معتمد اخذ و به جیب میرانجام‌الدین و دیگر دزدان واریز گردیده است. چون قومندان موصوف از باند سیاف است بخاطر اجتناب از ایجاد کشیدگی بین ربانی و سیاف، از افشا و تنبیه ولو ظاهری وی صرفنظر گردیده و دزد مذکور کماکان به وظیفه خویش ادامه می‌دهد.

دزدی‌های ملالبیب و قدیر فطرت

شخصی بنام لبیب که در رادیو تلویزیون نیز وظیفه تبلیغ امور دینی را دارد و از نزدیکان قدیر فطرت سرپرست بانک مرکزی است براساس امر وی زیر نام ترمیم مسجد، در بانک مرکزی حساب جاری باز می‌کند. امر فوق‌العاده رئیس سرپرست، صلاحیت برداشت تا پنج ملیون افغانی از حساب مذکور را در اختیار ملا لبیب قرار داده است. لبیب که مسئول تدریس ارشاد و دعوت یا کورس عقیدتی سیاسی در بانک ملی نیز هست بر علاوه استفاده‌جویی‌های زیادی که تاکنون از درک ترمیم مسجد کرده است مبلغ ۱۰۸۰۰۰ افغانی ماهانه بنام تدریس علوم دینی می‌چاپد. هرگاه مأموران بانک ملی در ساعات درسی وی حاضر نشوند بدون توجه به عذر شان مورد تحقیر و توهین قرار می‌گیرند.

دو ملیون افغانی در بشقاب شیرینی

نذیر نام مدیر امنیت بانک مرکزی مبالغ هنگفتی را بنام فیصدی کمیشن از قرار دادها و مساعدت ها در بدل امضایش در چک می‌رباید. او پول های زده شده را به دالر و تلا تبدیل کرده به دوحه، شیخ‌نشین های عرب، انتقال می‌دهد.

نذیر خان با وجود متاهل بودن در این اواخر با یکی از کارمندان بانک مرکزی نیز ازدواج کرد. کسانیکه در محفل شیرینی خوریش حاضر بودند گفتند که این رهزن جهادی در بشقاب شیرینی فامیل عروس مبلغ ۲ ملیون افغانی گذاشت.

ارمغان جهادی: فزونی گدایان و فواحش

یکی از پیامد های جگرخراش سلطه‌ای جهادی، فزونی بیسابقه‌ای گدایان و فواحش در شهر کابل است. اکثر گدایان را کودکان خورد سال و زنان تشکیل می‌دهند. زنان جوان که در اثر راکت پرانی‌های خاینان مختلف خانه و کاشانه و یا سرپرست خویش را از دست داده‌اند بخاطر بدست آوردن لقمه نانی جهت اعاشه کودکان شان در چنگ جهادی ها می‌افتند. سازمان های خیریه باید حتماً توسط مراجع دولتی نظارت و کنترل گردند تا مواد امدادی از این طریق برای به اصطلاح مستحقین رسانیده شود، اینکه در خورد و برد مواد کمکی، جهادی‌ها چه نقشی دارند نیاز به توضیح نیست ولی رذالت اینان تنها منحصر به چپاول مواد نیست بلکه به اشکال و بهانه های مختلف زنان بینوای جنگ زده را به فساد می‌کشانند. اگر دولت پوشالی گذشته با ایجاد بیکاری و فقر و سیاست های مزدورمنشانه موجب گسترش فحشا شده بود اکنون جهادی‌ها هزاران بار بیشتر و بیشتر از آنان در ایجاد و دامن زدن فحشا و مصایب دیگر نقش دارند.

فلم‌های هندی غذای روحی جهادیان

سینما ها و نشریات تلویزیون همه در خدمت پخش فرهنگ جهادی است. چند سینمایی که در شهر فعال است فقط همان فلم‌های ماورای ارتجاعی و مبتذل هندی را به خورد مردم می‌دهند. ولی تماشاچیان این فلمها همه ولگردان جهادی و آنانی‌اند که از خط اول جنگ برگشته‌اند و به اصطلاح خود شان «بخاطر رفع خستگی جنگ باید فلم عشقی پر از ناچ هندی» ببینند تا برای نوکری به پلیدترین عناصر و انجام جنایت و شناعت «تجدید نیرو» کنند.

در وزارت صحیه جهادی

در فاکولته طب جای معیار های قانونی قبلی را فرمان و رشوه گرفته است. فقط فرمان و رشوت می‌تواند یک داکتر عادی را به صفت استاد به پوهنځی طب معرفی کند.

ریاست قوانین وزارت صحت عامه که از جمله ریاست های انتفاعی است از طرف «وزیر» به افراد خوش معامله و قابل اعتماد اجاره داده می‌شود چرا که نمایندگان این ریاست هر روز در شهر گشت‌وگذار نموده

دواخانه‌ها را به بهانه‌ی داشتن ادویه تقلبی و قاچاقی و یا غیر قانونی بودن و جواز نداشتن و غیره جریمه کرده و پول‌های سرشاری بدست می آورند که به جای بودجه دولتی به بودجه وزیر و شرکا تعلق می‌گیرد.

بخش امور فارمیسی به اجاره داکتر حسام‌الدین حسام از ولایت پروان درآمده که در گذشته داکترک بی‌چیزی بود اما امروز از برکت روابطش با مسعود و کنترل بر انحصار ادویه میلیاردر شده است. او وقتی به هند غرض تورید ادویه به هند می‌رود در هوتل های درجه یک اقامت می‌کند که بل آنها به دالر پرداخته می‌شود.

«وزیر» صحیه که برکت خسر بودن پسر ربانی را نیز دارد از ماه سنبله سال ۱۳۷۴ تا اخیر جدی در لندن بود. وی همراه با فامیلش بخاطر شرکت در عروسی دخترش به لندن رفته بود اما طبق سنت جهادی سفر خود را جنبه رسمی داده و جمعاً ۴۵۰۰۰ دالر سفریه دریافت کرد.

معین این وزارت داکتر سحر از ۵ ماه به اینطرف بنابر اختلافات بین برادران قهر کرده و به بهانه مریضی گاهی در هند و گاهی در کابل بسر می‌برد.

رئیس ارتباط خارجه داکتر زلمی از پنجشیر هر سال یکبار زیر عنوان بورس های مختلف به امریکا می‌رود و از درک اخذ سفریه دالری نه یک داکتر بلکه یک تاجر تمام عیار گردیده است.

رئیس نشرات که اکثراً در غیاب «وزیر» از امور آن وزارت سرپرستی می‌کند در این اواخر بورس لندن گرفته بود اما معلوم نشد که بخاطر کدام لقمه چربتر از نیمه راه یعنی دهلی به کابل برگشت.

▫▫▫

صالح ـ کابل

«غرور افغانی» وزیرکی جهادی

تاجری افغان مقیم جاپان به نام صدیقی ۲۰ ملیون افغانی را غرض مساعدت به ساکنین بی‌بضاعت کابل به سکرتر دوم سفارت افغانستان در جاپان تحویل داد تا به مستحقین توزیع گردد.

سکرتر مذکور بعد از مواصلت به کشور به مشورت ژورنالیستی به نام استاد رفعت تصمیم گرفت پول را برای مریضان داخل بستر در شفاخانه جمهوریت کابل توزیع کند. به تاریخ ۲۷ حوت ۱۳۷۴ سکرتر جهت توزیع پول همراه با رفعت به شفاخانه جمهوریت رفتند در این اثنا بارکزی «وزیر» جهادی صحت عامه که اتفاقاً به شفاخانه آمده بود از جریان مطلع می‌گردد. وی رفعت را خواسته در مورد چگونگی مسئله طالب معلومات می‌شود.

رفعت می‌گوید: «پولی را که یکی از تجار کشور فرستاده، برای مریضان توزیع می‌کنیم.» آقای بارکزی گفت: «آیا ریاست شفاخانه و وزارت را در جریان گذاشته‌اید؟ هیچگونه اعانه بدون اطلاع قبلی وزارت نباید توزیع شود.»

رفعت در جواب وزیر می‌گوید: «این پول شخصی تاجر است به وزارت مربوط نمی‌شود. اگر این پول هم به وزارت واگذار می‌شد، مانند سایر بودجه دولتی مربوط به وزارت حیف و میل می‌گردید.»

وزیرک به خشم آمده و در برابر داکتران و مریضان به رفعت حمله‌ور شده با یاری بادیگاردهایش لت‌وکوب نموده گفت: «تو مرا متهم به حیف و میل نمودن پول می‌کنی. من با فامیلم در انگلستان با غرور افغانی زندگی می‌کردم و همین حالا هم آنان در لندن زندگی آبرومندانه را به سر می‌آرند، من اصلاً به پول ضرورت ندارم حتی چوکی و پست وزارت را حکومت اسلامی بزور برایم داده است.»

ولی وزیرک بی‌شعور نمی‌دانست که در خدمت حاکمیتی آنچنان خاین و خونخوار درآمدن آنهم بعنوان «وزیر» هر گونه آبرو و عزت و شخصیتش را برباد می‌دهد. ضرب و شتم رفعت نام هم نشاندهنده اولین فرومایگی‌های جهادی است که وزیرک لندنی فرا گرفته است.

> **اینان که کنون تکیه بر اورنگ زدند**
> **در هر قدمی نغمه‌ی خون رنگ زدند**
> **تاریخ نویسان جهان با خط زرد**
> **بر تارک هر یک ورق ننگ زدند**
>
> دُردی

▫▫▫

ف. غ. ع ـ کابل

از خرس موی کندن

امیر جان که شاگرد تنبل بود و سالهای سال پایدو یکی از هوتل های کابل و شاگردان دیگر او را به نام امیرک صدا می‌کردند. اکنون به برکت «انقلاب شکوهمند اسلامی» ملبس به لباس پلنگی، پکول و مجهز به آله مخابره گردیده است.

امیرک موزه چرمی اشراکه پارگی داشت نزد پینه‌دوز (موچی) برد، موچی اجوره آنرا مبلغ ۱۸۰۰ افغانی گفت. امیرک بخانه رفت و موزه را توسط شخصی برای ترمیم فرستاد، پینه دوز پس از ترمیم مبلغ ۳۰۰ افغانی اجوره گرفت. ترمیم موزه مورد پسند امیرک قرارگرفت اماوقتی دانست که اجوره آن فقط ۳۰۰ افغانی شده به خشم آمده و به بدوبیراه گفتن پرداخت.

خواهر بزرگش که ناظر جریان بود. به او گفت: «برادر جان قهر نشو، این مردم بیچاره از دست تان چه زجری بود که نکشیدند. شما کاری نکردید که کسی دل خوش داشته باشد، هر چه کشت کردید همان را درو می‌کنید.»

..ظاهر ـ شیندند

منطق «والی»ای وحشی

به تاریخ ۲ دلو ۱۳۷۴ در جاده شهر نو ولایت هرات زن جوانی با موتر طالبان تصادم کرد طالبان موتر سوار بدون اینکه کوچکترین اعتنایی بکنند محل را ترک گفتند. مردم زن را به شفاخانه انتقال داده که دراثر نبودن دوا و داکتر بعد از یک ساعت جان سپرد. سپس عده ای جسد را جهت استغاثه نزد «والی» بردند. «والی صاحب» رو به مردم کرده گفت: «ما نگفتیم که زنان حق گشت و گذار را بیرون از خانه ندارند؟ چرا از خانه بیرون می‌شوند؟ مقتول اگر مرد می‌بود به مشکل تان رسیدگی می‌کردیم.»

ف.غ.ع ـ کابل

پکولدار و «حرف زشت»

ساعت پنج عصر ۳۰ قوس ۱۳۷۴ سرویس «ملی‌بس» از فروشگاه به سمت مکروریان و قلعه زمانخان در حرکت بود که صدایی آهسته و نرم شنیده شد: «برادر از پهلوی زنان کمی پستر بیا.» جوانیکه این جمله را گفته بود پیراهن و تنبان ژنده به تن و ظاهر روستایی داشت. ولی شخص مخاطب وی که جهادی‌ای ریشو با پکول و لباس پلنگی بود رو به جوان کرده و غضب‌آلود با چشمهای برآمده گفت: «مه خو زن‌هاره نمی‌خورم.» جوان با آرامی گفت: «تو که خورده نمی‌توانی.» این جمله «غیرت» رهزن پکولدار را تحریک کرد و به روی جوان پرید. جوان نیز به حالت دفاع از خود برخاست. اکثر راکبین سرویس که پکولدار بودند، ۶ ـ ۷ تای آن با مشت و لگد به جان جوان بیچاره افتادند. سرویس مقابل بلاک ۹ توقف کرد. پکولداران وحشی با ضربه های سنگین و مرگبار او را از داخل سرویس به پیاده‌رو پرتاب کردند و آنقدر با نوک بوت به سر و تنه‌اش کوبیدند که خونی غلیظ سر و صورتش را پوشاند.

چند نفر سواری موتر گفتند: «بزنید، بکشید تا غیر از شما کسی درین ملک زنده نماند. خانه های ما را سوختاندید، پیر و جوان و طفل را با توپ و راکت کشتید، اموال ما را در پیش چشم ما به جبر و زور بردید، هر چه از دست تان پوره بود بما کردید. آخر ظلم هم حد دارد!»

یکی از جهادی ها در حالیکه پکولشرا در دست گرفته بود تهدید کنان غرید: «هر کس که بما حرف زشت بگوید جزایش همین است.» چند دقیقه بعد سلاحداران دیگر از داخل بلاک ها آمده، دریور سرویس و مردم را با تهدید از محل حادثه دور ساختند.

▫▫▫

ق. روف ـ کابل

جنایت به سبک «شورای نظار»

به تاریخ ۵ میزان ۱۳۷۴ پسر شانزده ساله‌ای بنام ذبیح اله از سرک اول قلعه فتح اله توسط گروپی از شورای نظار اختطاف گردید. رباینذگان طی پانزده شب سه بار با فامیل وی تلفنی ارتباط گرفته و مبلغ هفتصد لک افغانی مطالبه می‌نمایند. فامیل موصوف هنوز سرگردان تهیه پول بودند که خاینان درنده‌ی نظاری بعد از شب پانزدهم پسرک را پترول زده می‌سوزانند و سپس به خانواده وی اطلاع می‌دهند که جسد پسر شانرا از منطقه‌ی هودخیل تسلیم شوند. فامیل درمانده پسر زغال شده‌ی خود را گرفته دفن می‌نماید.

▫▫▫

ا. ز ـ پکتیا

یکبار نماز برای خدا دوبار برای طالبان

حوالی ۴ عصر وارد حومه شهر قندهار شدیم. نزدیک شهر ریسمان آبی رنگ روی سرک انداخته شده بود. موتر توقف کرد، چند طالب آمدند و از تمام مسافران خواستند تا نماز عصر را بخوانند. همه نماز خواندند و موتر حرکت کرد. هنوز فاصله‌ای را طی نکرده بودیم که باز چند طالب مسلح موتر را توقف داد یکی از آنان آمده گفت: «وقت نماز است.» دریور مظلومانه گفت: «برادر، ما نماز خوانده‌ایم اجازه بده حرکت کنیم.» اما طالب قهرمان با چوب محکم به صورت دریور کوبیده و غرید: «پایین شو نماز بخوان!» همه چاره ای نداشتند جز اینکه برای دومین بار نماز بخوانیم. به همین قسم آنروز لااقل سه بار نماز عصر را اداء کردیم. مسافران می‌گفتند: «نمی دانیم با چه جانورانی گیر آمده‌ایم.»

جنایت بنام «شریعت»

بلند گوهای طالبان روزپنجشنبه ۱۹ دلو ۱۳۷۴ در شهر خوست اعلام کردند که «فرداروز جمعه ابراهیم مطابق شریعت محمدی قصاص می‌گردد.»

ساعت ۹ بجه قبل از ظهر روز جمعه اهالی شهر بعد از تلاشی بدنی در حویلی بزرگ که برای اجرای حکم اعدام در نظر گرفته شده بود و از چهار سمت توسط طالبان تفنگدار محافظت می‌شد گرد آمدند. قبل از اجرای



آقایان تانک چلان طالبی به سوی کی اینچنین فرعونانه و تهدیدآمیز می‌نگرند؟

عمل چند طالب در مورد شریعت محمدی و توصیف و تعریف خود شان (طالبان) صحبت کردند. حوالی ۱۲ ظهر دوسیه متهم چنین خوانده شد: «ابراهیم باشنده ولایت کندز با چهار نفر از همدستان خویش موتری را از منطقه کوهات پاکستان کرایه گرفته جانب میرانشاه حرکت نمود. در مسیر راه دریور را با چادر خفه کرده و موتر را به مبلغ ۱۵۰۰۰۰ کلدار در شهر خوست بفروش رسانید. بعد از سپری شدن دو سال سرانجام توسط طالبان بیدار ولایت نیمروز دستگیر گردیده و طبق قانون و شریعت محمدی محکوم به قصاص شده است.» بعداً از پدر مقتول که پاکستانی بود، خواستند تا صحبت نماید. وی گفت: «ابراهیم در خانه من بزرگ شده و مثل اولاد خویش از وی سرپرستی نمودم. پسرم را کشته هرگز وی را نمی‌بخشم.» مضمون دوسیه و گفتار پدر مقتول هیچگونه ربطی با هم نداشتند. موضوع مبهم بود. شاهد عینی وجود نداشت و راجع به سه نفر از همدستان ابراهیم هم چیزی گفته نشد، متعاقب آن متهم را از موتر به زمین انداختند. چشمها و دستها و پاهایش بسته بود. با صدای سوزان فریاد می‌کرد و می‌خواست چیزی بگوید ولی از ترس «مجریان شریعت محمدی» کسی حاضر نشد از وی بپرسد چه می‌خواهد و چه گفتنی دارد جلادان طالبی روی ابراهیم را بطرف قبله کردند و کلاشنکوف را بدست پاکستانی دادند. ضربه صورت گرفت شاجور خالی شد مگر محکوم جان نداد. پاکستانی وحشت زده پا به فرار گذاشت. او را دوباره آوردند و ۳۰ مرمی دیگر را به مغز و جسم زخمی ابراهیم ضربه کرد. بعد از چند دقیقه جسد را در موتر انداخته به جایی نامعلوم بردند. مردم درمانده، با سکوت مالامال از نفرت نسبت به جنایاتیکه زیر پرده عقاید مقدس شان صورت می‌گیرد، پراکنده شدند. بعضی ها بین هم می‌گفتند که طالبان مثل تمامی برادران خاین شان حاضر اند ملتی را بخاطر خوشی اربابان شان قربانی کنند چه رسد به کشتن عده‌ای.

▫▫▫

ر. ی ـ پشاور

رئیس «دموکراتیزه» دارالانشای جمعیت اسلامی

دانشیار رئیس دارالانشا جمعیت ربانی به تاریخ ۶ حمل ۱۳۷۵ از طریق تلویزیون در مورد جلسه‌ی مقدمات کنفرانس بین‌المللی که جهت توسعه افغانستان در ۱۵ جولای ۱۹۹۶ دایر می‌گردد سخنرانی نموده گفت: «انتقاد از دولت‌های گذشته پوک و بی‌مفهوم است و بدرد ما نمی‌خورد. ما به انتقاداتی ضرورت داریم که از وضع موجود باشد.»

در این جلسه وی که آجندای کنفرانس مذکور را به صورت مفصل خوانده اظهار کرد: «کسانیکه در مورد آجندا مقاله می‌نویسند باید تحصیلات عالی داشته و در رشته‌ی متخصص باشند.»

در مورد ماده اول آجندا که نوسازی تعلیم و تربیه بود چنین گفت: «مضامین و کتاب فعلی بدرد تعلیم و تربیه وطن ما نمی‌خورد، کتابهای جدید نیاز است که باید از پنج کشور ایران، مصر، هند، انگلستان و فرانسه مدل گرفته شوند.»

در آجندای مذکور از «دموکراتیزه کردن سیاست، دموکراتیزه کردن مطبوعات، دموکراتیزه کردن اقتصاد» و غیره سخن رفته بود. در مورد این همه «دموکراتیزه» بازی، دوستان نزدیک رئیس صاحب متذکر شدند که وی نه تنها مفهوم دموکراتیزه که معنی هیچ جمله‌ای از متنی را که در تلویزیون خواند، نمی‌فهمد و نه به آن معتقد است.

▫▫▫

سیداحمد ـ هرات

آدم کشی عبدالمنان نیازی

به تاریخ ۲۰ عقرب ۱۳۷۴ عبدالمنان نیازی با چند تویوتای پر از طالب به قریه کبرزان هجوم آورده و خود نیازی یکی از ناراضیان طالب را در محضر عام آنقدر شلاق زد تا جان داد و بعد جسدش را با خود بردند.

▫▫▫

عباس رضایی ـ هرات

نرخ مواد ارتزاقی در شهر هرات

جوزای ۱۳۷۵

تیل خاک	۱۸ لیتر	۱۰۰۰۰۰	افغانی
پترول	رر	۱۰۰۰۰۰	رر
دیزل	رر	۷۵۰۰۰	رر
چوب	۴ کیلو	۲۸۰۰	رر
برنج	رر	۱۵۰۰۰	رر
شلغم	رر	۴۰۰۰	رر
چای	فی کیلو	۳۳۰۰۰	رر
گوشت گوسفند	رر	۲۳۰۰۰	رر
گوشت گاو	رر	۱۵۰۰۰	رر
لوبیا	رر	۶۵۰۰	رر
کچالو	رر	۴۵۰۰	رر
روغن	رر	۱۲۰۰۰	رر
بوره و دشلمه	رر	۷۵۰۰	رر
سیب	رر	۸۰۰۰	رر
نخود	رر	۹۰۰۰	رر
نان (۳۰۰ گرام)	یک قرص	۸۰۰	رر
آرد پاکستانی	۱۰۰ کیلو	۲۶۵۰۰۰	رر
نان هوتل	فی خوراک	۶۰۰۰	رر
اجوره کارگر	روزانه	۹۰۰۰	رر
بایسکل چینی	یک عراده	۱۰۰۰۰۰۰	رر
صابون	فی کلچه	۳۰۰۰	رر
کود کیمیاوی	۵۰ کیلو	۱۶۵۰۰۰	رر
سمنت	یک کیسه	۴۰۰۰۰	رر

ت. ل ـ هرات

در هرات زیر چکمه‌های «تحریک طلبه»

طالبان به بسیار مشکل به حاکمیت شان در هرات ادامه می‌دهند و مناسباتشان با مردم شهر و ۸ ناحیه حومه آن نسبت به ۱۳ ولسوالی به مراتب بدتر است. گرفتن رشوه فوق‌العاده رواج یافته و گاهی هم به بهانه‌های مختلف مردم را خلع مالکیت می‌کنند. منازل به نام پالیدن سلاح و اثاث بیت‌المال تلاشی می‌گردد. شکنجه و لت‌وکوب اهالی نه تنها در ماموریتهای حوزه، قومندانی حارندوی امنیت ملی و دیگر شعب دولتی بلکه در ملأ عام با کیبل قفل بایسکل و میله تفنگ به شکل بسیار وحشیانه انجام می‌گیرد. همه خصوصاً زنان و جوانان با هرزه‌ترین زبانها توهین و تحقیر می‌شوند.

اداره‌ی «امربالمعروف و نهی عن‌المنکر» از طریق پروگرام یکساعته رادیویی هر شام مکرراً اخطار می‌دهد که در صورت عدم مراعات حجاب زنان و ریش گذاشتن مردان به خلافکاران جزای سنگین داده خواهد شد. زنان به هیچ عنوان حق بیرون برآمدن از خانه را ندارند مگر اینکه عذر موجه شرعی مثل رفتن نزد قاضی را داشته باشند. این «ریفورم» های طالبی نه تنها با استقبال مواجه نشده بلکه بر تعداد زنانیکه جهت خرید و فروش و گدایی می‌آیند، افزود گردیده است و برخی‌ها که قبلاً ریش داشتند به عنوان ابراز انزجار و مخالفت با طالبان ریش شان را تراشیده‌اند. مردم بزور واداشته می‌شوند تا خصوصاً روز های جمعه به مساجد بروند. اما تعداد نمازگزاران نیز تقلیل یافته و مردم اغلب در منازل شان و یا در مسجد پل رنگینه که امام آن پسر مولوی میراحمد و مخالف طالبان است، نماز می‌خوانند.

طالبان قهرمان با کتاب، مکتب و معلم، ورزش و موسیقی خصومت می‌ورزند. در کتاب فروشی ها تنها کتاب‌های با عناوین «منظره‌ی مرگ»، «فالبینی»، «گلزار تعویذات»، «نماز کامل» ونظایر آنها به چشم می‌خورد. جالب اینکه طالبان خود دنبال کتب به زبان پشتو می‌گردند. سخن زدن به زبان دری با طالبان تقریباً جرم تلقی شده و آنرا توهین بخود می‌دانند. داشتن تلویزیون چه که حتی آنتن آن سه ماه حبس و ۳۰۰۰۰۰افغانی جریمه دارد.

سرقت خانه‌ها، مارکیت ها و مغازه ها بطور وسیعی معمول گردیده است. واقعات ذیل تنها، گوشه‌ای کوچک از این سرقت ها را نشان می‌دهد.

شام ۴ دلو ۱۳۷۴ در زلمی مارکیت، مارکیت هندوها، کاروانسرای زردو سرای دختر وزیر تعداد زیاد مغازه‌ها دزدیده می‌شوند. جالب اینست که طالبان در سرای زرد و زلمی مارکیت به حد کافی محافظین مسلح داشتند. تمام مغازه داران پنجم دلو دست به اعتصاب زدند که هیچ فایده‌ای نداشت.

شب ۶ دلو ۱۳۷۴ دزدانی با جرثقیل، کانتینر ۱۲ متره ملکیت صوفی گلزار و خسرو ساکن محله عربها را با محموله آن که یازده تن مغز پسته بود به سرقت بردند.

بتاریخ ۸ دلو ۱۳۷۴ در منطقه مسکونی بکرآباد افراد مسلح به منزلی هجوم برده و با ترساندن اعضای خانه ۵۱ لک افغانی وجه نقد و مقداری تلا را برده‌اند. حین دزدی، جهادی مسلح به یکی از زنان خانه

اشاره می‌کند تا چوری دستش را نیز به آنان بسپارد. زن بیچاره چوری را به آسانی کشیده نمی‌تواند بعد خود دزد می‌خواهد چوری را بزور و فشار بیرون آورد که برادر زن مداخله نموده اما رهزن جهادی چار کارد در پشت و ران وی فرو می‌کند.

بتاریخ ۲۹ جدی ۱۳۷۴ یک تعداد افراد مسلح هنگام آفتاب نشست به سرای سلطان خان که محل پرزه فروشی موتر و واتر پمپ بوده داخل می‌شوند و بعد از ختم قیود شبگردی تمام اموال موجود در آن را با خود می‌برند. عرض حال پرزه فروشان نزد «والی» ملایار محمد آخوند هیچ دردی را دوا نمی‌کند. جناب «والی» آنان را فقط به مدارا و حوصله مندی بیشتر ارشاد می‌دارد.

▫▫▫

ا. ظاهر ـ شیندند

مرگ بهتر از زندگی زیر سلطه‌ی طالبان

به تاریخ ۲۲ سنبله ۱۳۷۴ در چوک زغالی بازار شیندند سه طالب مسلح داماد غفورِ مسگر راکه در اثر شکنجه توان راه رفتن را از دست داده بود، توسط کراچی دستی به جای دیگر حمل می‌کردند، وقتی طالب بچه‌ها کراچی دستی را جهت خرید سگرت برای لحظه‌ای توقف می‌دهند. غفور از فرصت استفاده نموده از برادرش که به فاصله‌ای وی را همراهی می‌کرد چاقو خواسته و بلافاصله آنرا باز کرد تا به شکم خود فرو برد که برادرش مانع می‌شود وقتی طالبان محافظ متوجه شدند، فوراً جسم نیمه جان غفور را دوباره زیر مشت و لگد می‌گیرند. غفور با صدای بلند فریاد می‌زد که «از این زندگی، مرگ بهتر است. اینان بزور از من اعتراف می‌گیرند تا بگویم سلاح دارم، در حالیکه سلاح را نمی‌شناسم.»

مدرک عایداتی طالبان

به تاریخ ۲۸ حمل ۱۳۷۴ عزیز فقیر قومندان حزب اسلامی زنی پنجاه ساله مشهور به مادر فضل احمد را از قریه کاه ولسوالی شیندند اختطاف نموده و به مبلغ ۹ لک افغانی بالای پیرمردی هفتاد ساله به نام جمعه خان بفروش می‌رساند. زن درمانده در همان شب اول خود را از طبقه دوم منزل جمعه خان به کوچه می‌اندازد که پای راستش می‌شکند. در اثرناله‌های وی همسایه ها از جریان آگاه‌می‌شوندو موضوع رابه صاحب زاده‌ایوب جان «قومندان عمومی» اطلاع می‌دهند. قومندان خاین عزیز فقیر را خواسته برایش می‌گوید: «خوب کردی خرج خود را پیدا کردی.» مردم گیج و پریشان تبصره کرده می‌گفتند: «باید به کفن کش قدیم خدا بیامرز بگوییم.»

اختطاف زنان به سبک طالبی

به تاریخ ۲۰ عقرب ۱۳۷۴ در سرک زاولی ولسوالی شیندند پنج طالب مسلح یک زن و مرد رابه زور سوار موتر می‌کردند. مرد خوش بود و زن که لباس ژنده به تن داشت فریاد می‌زد «آی مردم من نمی‌خواهم.» طالبان در حالیکه دشنام های رکیک نثارش می‌کردند به دریور دستور دادند که «بطرف محکمه حرکت کن.» بعد معلوم گردید که زن بیچاره را از علاقه داری فرسی حدود ۲۰۰ کیلو متر دور تراز شیندند اختطاف نموده به محکمه می‌برند تا قاضی صاحب نکاح وی را با یکی از طالب بچه‌ها عقد کند.

وظیفه مقدس طالبان

طالبان در سرک ها و بازار شهر شیندند با قیچی و چوب در کمین نوجوانان بین ۱۰ و ۱۸ سال، می‌نشینند که اگر موی سر کسی رسیده باشد فوراً توسط قیچی به شکل مسخره‌ای از یک گوش تا گوش دیگر و از پیشانی تا عقب سرش کوچه می‌سازند و با خنده های بلند به تمسخرش می‌پردازند. اگر ریش تراشیده‌ی را گیر آورند با قنداق تفنگ و چوب لت و کوبش می‌کنند. آنان به همه سلمانی های شهر دستور داده‌اند که دیگر نه ریش کسی را بتراشند و نه اصلاح نمایند.

▫▫▫

عباس رضایی ـ هرات

واکنش مقابل قیچی کردن موی

پس از قیچی شدن موی چند جوان توسط طالبان در احراری مارکیت، مردم عکس‌العمل فوری و شدید از خود نشان دادند تا آنکه «دولتمداران» طالبی از روی ناگزیری رفقای قیچی بدست شانرا عوامل بیگانه دانسته از طریق رادیو و روزنامه «اتفاق اسلام» (یگانه روزنامه مجاز) عمل آنانرا تقبیح کردند. اکنون اکثر جوانان بعنوان نشان دادن یکنوع واکنش و مقاومت در برابر طالبان، با موهای دراز، بدون ریش و سرلچ گشت و گذار می‌کنند.

تنها با مبارزه آشتی ناپذیر با بنیادگرایان است که می‌توان از استقلال کشور دفاع کرد!

عباس رضایی ـ هرات

طالبان در برابر خشم مردم

به تاریخ ۴ حوت در شرق بازار مسگران شهر هرات مقابل کوچه زغالی جیپ روسی حامل ۶ طالب مسلح با موتر سایکلی حامل دو نفر تصادم نمود. راننده و فرد دیگر که شاگرد قناد پسر مرزا اُدرانی بود شدیداً زخمی شدند. طالبان جیپ سوار بدون کوچکترین توجهی به زخمی‌ها می‌خواستند فوراً منطقه را ترک نمایند، اما مردم مانع شده زخمی ها را به نزدیک‌ترین شفاخانه شهر انتقال دادند. موتر طالبان را مردم خشمگین با دستان خویش بلند کرده به روی دیگر انداخته و آنرا آتش زدند. طالبان با فیرهای هوایی توانستند از چنگ اهالی خشمگین نجات یافته به سوی قومندانی حارندوی فرار نمایند. آنان بعد از مدتی همراه با عده بیشتری از طالبان حارندوی آمده و شماری از دکانداران و مردم منطقه را با خود بردند. دکانداران تا رهایی اسرا چند روز پیهم دست به اعتصاب زدند.

عباس رضایی ـ هرات

هراتِ در چنگ طالبان

در ولایت هرات قیمتی و قحطی مانند سایر ولایات بیداد می‌کند. قیمت مواد غذایی و سایر نیازهای اولیه زندگی روز بروز بالا می‌رود. بعد از مسلط شدن طالبان دراین ولایت تنهانرخ عراده‌جات، زمین و خانه پایین آمده است.

تلویزیون غیر فعال بوده و رادیو از ساعت ۷ تا ۸ شام گزارشهای محلی، اعلانات و ابلاغیه های «دولتی» را پخش می‌کند. اکثر وسایط نقلیه خصوصاً تویوتاها به بهانه های مختلف ضبط گردیده تردد عراده جات در شهر به کمترین حد ممکن رسیده است. پس از غروب، نسبت نبودن برق و وضع قیود شبگردی از ساعت ۹ شب، شهر در تاریکی و سکوت فرو می‌رود. مکاتب و کارگاهها بسته شده‌اند. زنان بیشماری با برقع های آبی و چادر نمازهای سیاه به خریداری و گدایی می‌پردازند.

طالبان در موتر های خویش جهت شنواندن کاست‌های تبلیغی، لودسپیکرهای بزرگ نصب نموده‌اند که از صبح تا شام با گشت وگذار لاینقطع شان مردم منطقه را شدیداً بطور تحمل ناپذیری اذیت می‌کنند.

▫▫▫

سیداحمد ـ هرات

رشوه در «امارت» طالبی

رشوه ستانی که در زمان امارت اسماعیل خان در ولایت هرات به حداعلی رسیده بود بعد از تسلط طالبان مدتی بصورت نمایشی کم گردید. ولی حالا مجدداً اوج گرفته است. تنها در شعبه پاسپورت ولایت هرات روزانه ملیونها افغانی بعنوان رشوه دست بدست می‌شود.

▫▫▫

م. قادری ـ فراه

در آرزوی رو سیاه شدن و مجازات خود طالبان

طالبان به تاریخ ۲۸ قوس ۱۳۷۴ در مرکز فراه روی یکی از طلبه‌های قریه شیوان را به جرم رشوه ستانی سیاه کرده و دور تا دور شهر گشتاندند. اما فردای آنروز رئیس محکمه فراه این عمل را خلاف شریعت اسلام دانست. این مسئله دعوا و جاروجنجال‌های بسیاری بدنبال داشته و تضادهای شدیدی را بین طالبان فراه، قندهار (گروپ ملاعمر) و طالبان رئیس باغران بوجود آورد.

و این در حالیست که مردم برای رسیدن روزی لحظه شماری می‌کنند که طالبان رابخاطر اینهمه اعمال شرم‌آور و ضدانسانی شان بدست خود بسختی مجازات نمایند.»

▫▫▫

ر. ی ـ پشاور

دو جوال سرگین و فطر روزه

روز دوم عید رمضان (حوت ۱۳۷۴) خانمی از قریه قره‌بای شهر تالقان که شوهرش جهت مزدوری به ایران رفته و با دختر و دو پسرش تنها زندگی می‌کرد. دخترک زخمی خویشرا جهت تداوی به شفاخانه تالقان آورده بود.

داکتران برایش نسخه می‌دهند تا از بازار تهیه نماید. زیرا در شفاخانه تالقان دوا وجود ندارد. زن که در بساط چیزی جز دو جوال سرگین ندارد، می‌خواهد آنها را فروخته و با پولش دوا بخرد ولی فکر می‌کند که اگر سرگین را به فرد معمولی بدهد شاید پولش را دریافت نکند پس تصمیم می‌گیرد آن را به ملای مسجد بفروشد چرا که ملا صاحب خیانت نمی‌کند.

بناءً جوال ها را به خانه ملا می‌فرستد ولی در عوض تنها جوال های خالی را دریافت می‌نماید با این پیام ملا که: «چون تو امسال فطر روزه را ندادی این دو جوال سرگین در فطر روزه حساب شدند.»

زن بیچاره در شفاخانه با آواز بلند می‌گریست و می‌گفت: «چه خاک به سر کنم جوان و زیبا هم نیستم که فاحشگی کنم. دخترکم تلف می‌شود.» در شفاخانه مریضان به زن درمانده کمک کردند تا برای طفلش دوا بخرد.

▪▪▪

محبوب ـ شبرغان

سگ جنگی پسران غفار پهلوان

غفار پهلوان قومندان عمومی کوهستان سنگ‌چارک می‌خواست حاکمیت سیاسی و نظامی خویش را در منطقه سر پل توسعه بدهد که با مخالفت شدید «عبدال چریک» قومندان سرپل مواجه شد. در نتیجه جنگ شدیدی در ماه جدی ۱۳۷۴ میان عبدال و ستار پسر بزرگ غفار پهلوان درگرفت که موجب خسارات جانی و مالی فراوانی گردید.

عبدالستار پسر غفار پهلوان بجای برادرش عبدالقهار (که توسط عبدالرحیم قومندان در جوزای ۱۳۷۴ به قتل رسید) به حیث قومندان فرقه ۵۱۰ سنگ چارک منصوب گردید که در جنایت و بی‌ناموسی از سایر جهادی ها و خادی‌های شبرغان دست کم ندارد.

▪▪▪

ع. ن ـ فراه

خود سوزی دو زن در زیر سلطه‌ی طالبان

ازدواج های تحمیلی همیشه باعث ایجاد مشکلات بین فامیل‌ها و مخصوصاً رنجهای جهنمی برای دختران می‌گردد. که حق انتخاب آزادانه شوهر را ندارند. خدیجه دختر تحویلدار محمدایوب مسکونه قریه دارآباد ولایت فراه در سن کودکی توسط پدرش به میرویس مسکونه همان قریه داده شده بود. بعد از عروسی ناسازگاری های جدی بین زن و شوهر بوجود آمد. میرویس که پسری قمار باز و عیاش بود، همیشه خدیجه را زیر فشارهای روانی و جسمی قرار می‌داد. تا اینکه یکماه قبل زیورات خدیجه را بزور گرفته می‌فروشد و پولش را در قمار می‌بازد و ستمگریهای وحشیانه بر زن افزایش می‌یابد. خدیجه که هیچ مرجعی دادخواهی را در شرایط طالب زدگی سراغ نمی‌تواند دیگر تاب نیاورده برسرش تیل ریخته و خود را آتش می‌زند و جان می‌دهد.

دومین حادثه سه ماه قبل در همین قریه رخ داد. شیراحمد نام مسکونه قریه دارآباد دختر کم سنش زهرا را در قریه دزک ولایت فراه به عقد پسری درآورد و در عوض خواهر وی را به پسرش گرفت. زهرا که از همان ابتدا با این ازدواج راضی نبود و عروسیش هم بزور و تهدید صورت گرفت، یک بار از قریه شوهر به خانه پدر آمد ولی دوباره با تهدید لت وکوب بخانه شوهر حواله شد تا اینکه دیگر تحملش سرآمده با ریختن یک گیلن تیل برسرش خود را آتش زد و نرسیده به زابل ایران در راه جان سپرد.

▪▪▪

راضیه ـ شبرغان

به تاریخ ۱۰ جدی ۱۳۷۴ «دگر جنرال» غوث‌الدین قومندان قریه عرب خانه شبرغان زن برادر مقتولش را با ضربه کلاشنکوف از بین می‌برد.

برادر غوث‌الدین یکی از پرچمی های بلند رتبه بود که در جریان جنگ مقاومت به قتل رسید و زن و دخترش بی‌سرپرست ماند. چون غوث‌الدین قومندان قریه عرب خانه که سابق شترچران بود از اعاشه و سرپرستی بازماندگان برادرش ابا ورزید. دُرملامحمدرسول‌مسئولیت آنانراخودبدوش می‌گیرد تا اینکه نواسه‌اش بزرگ شده به سن ازدواج می‌رسد و او را با پسری که از اقارب لعل محمد قومندان لوای ۷۰ مکانیزه حیرتان است، نامزد می‌کند.

نبیله ـ جاغوری

سگ جنگی «نصر» و «نهضت»

نهضتی های جاغوری که از پسمانده‌های آیت‌اله منتظری هستند بعد از کشت و خون فراوان با همپالکان نصری (حزب وحدت مزاری) شان بالاخره در منطقه تبرغنک واقع زردکوه پایگاه گرفته نصریها را توسط موسفیدان منطقه برای صلح و آشتی در روزهای عید رمضان می‌خواهند. از جانب نصریها صابری تبرغنک مسئول مالی نصر در منطقه همراه با رحیمی از علودال ـ یکی از قومندانان معروف نصریها روز یکشنبه جهت مذاکرات براه می‌افتند. اما وقتی در پای سفیدکوه می‌رسند با کمین نهضتی‌ها مواجه گردیده صابری با برادرش و رحیمی با دو نفر از محافظانش کشته می‌شوند.

روز بعد از این حادثه نصری‌ها حکم جهاد را اعلام نموده پنج نفر نهضتی را بقتل می‌رسانند. سلسله این سگ جنگی مزدوران بیگانه هنوز هم قطع نشده است.

خنجری بر حنجره‌ی دژخیمان



فروغ فرخزاد (۱۳۱۳ - ۱۳۴۵)

فروغ فرخزاد

آیه‌های زمینی

آنگاه
خورشید سرد شد
و برکت از زمین ها رفت

و سبزه ها به صحرا ها خشکیدند
و ماهیان به دریاها خشکیدند
و خاک مردگانش را
زان پس به خود نپذیرفت

شب در تمام پنجره های پریده رنگ
مانند یک تصور مشکوک
پیوسته در تراکم و طغیان بود

و راههای ادامهٔ خود را
در تیرگی رها کردند

دیگر کسی به عشق نیندیشید
دیگر کسی به فتح نیندیشید
و هیچکس
دیگر به هیچ چیز نیندیشید

در غارهای تنهائی
بیهودگی به دنیا آمد
خون بوی بنگ و افیون میداد
زنهای باردار

نوزادهای بی‌سر زائیدند
وگاهواره ها از شرم
به گورها پناه آوردند

چه روزگار تلخ و سیاهی
نان، نیروی شگفت رسالت را
مغلوب کرده بود
پیغمبران گرسنه و مفلوک
از وعده گاههای الهی گریختند
و بره های گمشده
دیگر صدای هی هی چوپانی را
در بهت دشتها نشنیدند

در دیدگان آینه ها گوئی
حرکات و رنگها و تصاویر
وارونه منعکس میگشت
و بر فراز سر دلقکان پست
و چهرهٔ وقیح فواحش
یک هالهٔ مقدس نورانی
مانند چتر مشتعلی میسوخت

مرداب های الکل
با آن بخار های گس مسموم
انبوه بی تحرک روشنفکران را
به ژرفنای خویش کشیدند
و موشهای موذی
اوراق زرنگار کتب را
در گنجه های کهنه جویدند

خورشید مرده بود
خورشید مرده بود، و فردا
در ذهن کودکان
مفهوم گنگ گمشده‌ای داشت
آنها غرابت این لفظ کهنه را
در مشق های خود
با لکهٔ درشت سیاهی
تصویر مینمودند

بیچاره مردم،
گروه ساقط مردم
دلمرده و تکیده و مبهوت
در زیر بار شوم جسدها شان
از غربتی به غربت دیگر میرفتند
و میل دردناک جنایت
در دستهایشان متورم میشد

گاهی جرقه‌ای، جرقهٔ ناچیزی
این اجتماع ساکت بیجان را
یکباره از درون متلاشی میکرد
آنها به هم هجوم میآوردند
مردان گلوی یکدیگر را
با کارد میدریدند
و در میان بستری از خون
با دختران نابالغ
همخوابه میشدند

آنها غریق وحشت خود بودند
و حس ترسناک گنهکاری
ارواح کور و کودنشان را
مفلوج کرده بود

پیوسته در مراسم اعدام
وقتی طناب دار
چشمان پر تشنج محکومی را
از کاسه با فشار به بیرون میریخت
آنها به خود فرو میرفتند
و از تصور شهوتناکی
اعصاب پیر و خسته شان تیر میکشید

اما همیشه در حواشی میدان ها
این جانیان کوچک را میدیدی
که ایستاده اند
و خیره گشته اند
به ریزش مداوم فواره های آب

□ □

شاید هنوز هم
در پشت چشم های له شده، در عمق انجماد
یک چیز نیم زندهٔ مغشوش
برجای مانده بود
که در تلاش بی‌رمقش میخواست
ایمان بیاورد به پاکی آواز آبها
شاید، ولی چه خالی بی پایان
خورشید مرده بود
و هیچکس نمیدانست
که نام آن کبوتر غمگین
کز قلبها گریخته، ایمانست

□ □

آه، ای صدای زندانی
آیا شکوه یأس تو هرگز
از هیچ سوی این شب منفور
نقبی بسوی نور نخواهد زد؟
آه، ای صدای زندانی
ای آخرین صدای صداها...



خوشا روزی که مردم ما لاش لت و پار شده‌ی کلیه سرکردگان خاین بنیادگرا را بسان این قربانی خودکامگی شان، برسر کوچه و بازار آویزان ببینند!

عکس از نشریه «عفو بین‌الملل»

در اوایل جدی ۱۳۷۴ قرار بود که محفل عروسی برپا شود. دُرملا نزد قومندان غوث‌الدین جهت دعوت در عروسی برادر زاده‌اش می‌رود. اماغوث‌الدین می‌گوید: «من برادر زاده دارم چرا از اول مرا خبر نکردی؟ من با این عروسی موافق نیستم.»

غوث‌الدین در شب عروسی، دختر را به کمک افراد خویش به خانه خود آورده و او را به خواهر زاده‌اش میرویس پسر فیض محمد دکاندار عقد می‌نماید. ولی دختر که مخالف ازدواج بوده مقاومت می‌نماید. فردای آن نامزد دختر، قومندان لعل محمد را از موضوع آگاه می‌سازد. شب افراد مسلح وی خانه میرویس را محاصره کرده دختر را به خانه نامزدش باز می‌گردانند. بعد از آن غوث‌الدین به خانه دُرملا پدرکلان دختر یورش برده‌وپس از لت‌وکوب وی، خانم برادر خود را گرفته و در باغ شاهمرانقل با ضرب ۳۰ مرمی کلاشنکوف به قتل می‌رساند. جسد زن تیره‌بخت مدت یک‌شبانه روز در حیاط باغ مانده و کسی از ترس غوث جنایتکار جرأت برداشتن و تدفینش را نداشت.

▫▫▫

مقسوم ـ مزار

چپاول به سبک دوستمی‌ها

برق مورد ضرورت ولایت بلخ توسط ازبکستان تأمین می‌گردد اما از مدتی به اینسو نواحی متعدد شهر تاریک بوده و ریاست برشنا چنین وانمود می‌کند که گویا کیبل های زیرزمینی استهلاک شده و دیگر قابل استفاده نیستند و باید آنها را تجدید کرد که به این منظور از هر خانه مبلغ ۵۰۰۰۰ افغانی بنام خریداری کیبل ها جمعآوری کردند. رئیس برشنا یکی از افراد نزدیک رسول پهلوان می‌باشد که پول جمعآوری شده را خود حیف و میل کرده و قطع برق همانطور ادامه دارد.

باز شدن شاهراه سالنگ به روی ترافیک مدرک بزرگ عایداتی را برای دوستم و پهلوانان مربوطش فراهم نموده است. آنان مقرراتی وضع کرده‌اند که به اساس آن تاجران و مسافران کابل به مزار مجازاند فقط در روزهای یکشنبه و چهارشنبه مسافرت نمایند. آنان اموال و اجناس‌خویش را از کابل تا منطقه «چهار مغزک» در سالنگ شمالی، انتقال می‌دهند و از منطقه چهار مغزک تا «تخته سنگ» که خط اول جبهه میان دوستم و «دولت» ربانی را تشکیل می‌دهد همه از ماین ضد پرسونل و ضد تانک فرش گردیده است. تاجران مجبوراند بخاطر انتقال کالای خویش کراچی دستی داشته باشند. قیمت یک عراده کراچی دستی ۳۰۰۰۰۰ افغانی است. پوسته‌های دوستم بنام راه داری از هر نفر ۵۰۰۰ افغانی و از فی عراده کراچی ۴۰۰۰۰ و گاهی تا ۸۰۰۰۰ افغانی اخذ می‌کنند. این مبلغ را باید به بیش از ده پوسته‌ایکه در این فاصله ۵ کیلو متری جابجا شده‌اند بطور جداگانه پرداخت. اگر مسافری از ولایات شمال به کابل سفرمی‌نماید هفته یکبار آنهم فقط در روز پنجشنبه اجازه عبور دارد. کسانیکه می‌خواهند در سایر روزهای هفته مسافرت نمایند باید از کمیته بلخ اجازه عبور گرفته و ۳۰۰۰۰۰ افغانی به قومندانی سالنگ ها حق‌العبور بپردازند.

▫▫▫

شهلا ـ مزار

در امارت پرامن و رفاه الحاج دوستم‌بای

مردم در سراسر شهر مزار از لحاظ امنیت شدیداً در خوف و خطر ریختن دزدان جهادی به خانه های شان زندگی می‌نمایند.

افسران، سربازان، مأموران، معلمان و سایر کارمندان دهدادی معاش ندارند. از زمان حاکمیت دوستمی ها اکثریت آنان دارونداز خویش را به قیمت بسیار ناچیز بفروش رسانیده‌اند تا زندگی بخورونمیر خانواده شان را تأمین نمایند. خریداران اجناس فامیل ها فقط قومندانان و دستیاران جنایتکار آنان می‌باشند. مردم که از اعمال دوستمی ها و جهادی ها نا امید شده و نیروی سالم دیگری را هم که نجات‌دهنده شان باشد نمی‌بینند از ناگزیری چشم به محمود میستیری بسته اند.

فقر و پریشانی و بخصوص بیسوادی دامن‌گیر همه است. جوانان و نوجوانان به علت محدودیت های اقتصادی و مقررات دوستمی از درس و تعلیم محروم اند. شمولیت در مکاتب عالی بدون رشوه و واسطه ممکن نیست. دوستم امر نموده که بدون موافقت وی هیچ فردی حق شامل شدن در پوهنتون بلخ را ندارد. آنانیکه امر دوستم را دارند مبلغ ۳ لک افغانی و آنانکه امر ندارند مبلغ ۶ لک افغانی حق‌الشمول می‌پردازند. سرقت منازل و اختطاف بچه و دختر نوجوان در شهر مزار امری معمول و روزانه است.

مثلاً به تاریخ ۳ عقرب ۱۳۷۴ پسر شانزده ساله‌ای توسط افراد شورای هماهنگی دوستم ربوده می‌شود. رایندگان از پدرش که مالک هوتل البرز است مبلغ ۳۰ لک افغانی جهت رهایی وی خواستار می‌شوند. اما پسر موفق به فرار شده و به کمک یک دریور تکسی به خانه برمی‌گردد. دریور مبلغ دو لک افغانی انعام می‌گیرد. پسرک در مدت زندانی بودنش نزد جهادی های شرفباخته مورد تجاوز جنسی و لت‌وکوب قرار گرفته بود.

▫▫▫

شفیقه ــ شبرغان

قصر هرزه گیهای الحاج ستر جنرال

دوستم جهت عیاشی و خوشگذرانی خویش قصری را در بندر اندخوی در ساحه دهها جریب زمین با داشتن حوض آبیازی و چمن به مصرف ملیونها افغانی اعمار نموده است. عیاشی یکی از امراض علاج ناپذیر «رهبر جنبش ملی و اسلامی» می‌باشد. او به وسیله دلالان خود به نام‌های نظام و بچه جمال هزاره، برای خوشگذرانی و هرزه‌گی زنان را از شبرغان و مزار به قصر می‌آورد، تا حق برادری مجددی و «سترجنرال» وی بودن، و نیز حق متحد بودن با گلبدین را اداء نموده باشد!

کارمندان جاروکش

کارگران و انجینران اکثر موسسات مزار کاملاً بیکاراند. تنها هنگامیکه مهمانان دوستم از ترکیه، ازبکستان و ترکمنستان به شهر شبرغان بیایند، برای جاروب کردن جاده‌های قیرریزی شده به کار گرفته می‌شوند. ازینرو بسیاری از آنان موسسات را ترک گفته و به کارهای شخصی و روز مزدی اشتغال می‌ورزند.

سگ زرد برادر شغال

قادر برادر دوستم که سالها در خارج از کشور بسر برده به درخواست لالایش به وطن آمده و بحیث قومندان فرقه ۵۳ پیاده شبرغان مقرر گردیده است. وی با رنگ و بوی گرفتن از لالایش، در جنایتکاری و ستم پیشگی نظیر ندارد. ضمناً آقای قادربای افسران و کارمندان غیر ازبک فرقه را تحت انواع فشار قرار می‌دهد تا مجبور به ترک شغل شده و بجای آنان ازبک ها را مقرر کند.

رهزنان وحشی و پایپ های گاز شبرغان

تصدی های دولتی شبرغان بین قومندانان دوستم تقسیم گردیده و هر قومندان می‌تواند اموال دولتی را با پرسونل مربوط آن برای استفاده شخصی خود بکار گیرد. تمام مواد و مصالح تصدی‌ها بفروش می‌رسد و یا در ساختن قصر قومندان آب می‌شود. در تصدی نفت و گاز شبرغان پایپ های فلزی ضد زنگ بسیار قیمتی وجود دارد که مخصوص برمه نمودن چاه‌های نفت و گازاند ولی قومندانان دانشمند دوستم از آنها برای اعمار ساختمانها، زیرخانه‌ها و لین دوانی برق منازل شان استفاده می‌کنند.

▫▫▫

ا. ر ــ شبرغان

نرخ مواد اولیه در شهر شبرغان

۱۸ حوت ۱۳۷۴

برنج اعلی	هفت کیلو	۱۶۰۰۰	افغانی
برنج متوسط	رر	۱۲۰۰۰	رر
آرد	رر	۱۱۰۰۰	رر
گندم ملل متحد	رر	۸۰۰۰	رر
گندم وطنی	رر	۱۰۰۰۰	رر
کچالو	فی کیلو	۱۳۰۰	رر
پیاز	رر	۲۵۰۰	رر
روغن	رر	۱۳۰۰۰	رر
گوشت گوسفند	رر	۱۰۰۰۰	رر
گوشت گاو	رر	۸۰۰۰	رر
گوشت شتر	رر	۷۰۰۰	رر
بوره	رر	۶۲۰۰	رر
چای سیاه	رر	۱۴۰۰۰	رر
چای سبز	رر	۱۲۰۰۰	رر
نخود	رر	۴۰۰۰	رر
لوبیا	رر	۶۰۰۰	رر
ماش	رر	۳۰۰۰	رر
دیزل	فی گیلن	۱۰۰۰۰	رر
گوگرد	فی‌درجن	۱۸۰۰	رر
نمک	فی خریطه	۳۰۰	رر
پالک	فی دسته	۶۰۰	رر

فرزان ـ پروان

انجنیران روسی دستگاه اسکاد درپنجشیر را فعال کردند

دستگاه اسکاد که در کابل مستقر بود و بعد از سقوط دولت پوشالی غیر فعال گردیده بود توسط شورای نظار به ولسوالی رخه پنجشیر انتقال و در دره دزدان ناحیه دشتک جابجا گردید. اما در این اواخر دستگاه مذکور به کمک انجنیران روسی دوباره فعال و قابل استفاده گردیده است.

▫▫▫

جمشید ـ پروان

باجگیری در سالنگ

دره سالنگ در اثر سگ جنگی های پهلوانان جانی دوستمی و دزدان جمعیت هستی و زیبایی اش را از دست داده و امروز به محل باجگیری پردرآمد جهادی و خادی مبدل گردیده است.

دوستمی ها و صوفی پاینده که بر این گذرگاه حاکمیت دارند، مانند گرگان گرسنه دهن باز کرده اند که مسافران نگون بخت بایدپول های گزاف در آنها بریزند. جنرال امام الدین قومندان جبهه خنجان در مقابل پول امر عبور می‌دهد و قلیچ پهلوان دست های مسافران دارنده‌ی امر را مهر نموده از هر کدام دو نیم لک افغانی می‌گیرد. آنانیکه پول ندارند با برخورد نهایت زشت ورذیلانه دوباره‌رجعت‌داده می‌شوند. قومندانان مستقر بی‌پرده‌اعتراف می‌نمایند: «معاش نداریم و خرج خود را از همین طریق بدست می آوریم.»

▫▫▫

شهلا ـ مزار

اختطاف آمر اعاشه توسط «برادران جهادی»اش

بتاریخ ۱۰ حمل سال ۱۳۷۴ یکی از قومندانان دوستم با همکاری حزب وحدت، آمر اعاشه فرقه ۱۸ را به بهانه اینکه قومندان فرقه او راخواسته است، از خانه‌اش کشیده با خود می‌برند. متعاقباً در یک کاست آوازش را ثبت نموده به فامیلش می‌دهند و طالب دو هزار لک افغانی می‌شوند. خانم آمر مذکور تمام زیورات و خانه خویش را بفروش رسانیده پول مطالبه شده را به دزدان و برادران «جهادی» هم مسلک شوهرش تسلیم می‌نماید.

▫▫▫

زمونږ خلک د «جهادیانو» د ټولو ظلمونو جنایتونو او بی‌ناموسیو پای یواځې د سیاسی ډگر څخه د هغوی له منځه وړلو کی وینی!

حمید ـ مزار

میانجی‌گری ایران بین مزدورانش

از اول تا ۲۸ جدی بین طرفداران سید محقق از جناح مزاری و حاجی احمدی از جناح اکبری حزب وحدت جنگ سختی در ولسوالی چمتال ولایت بلخ صورت گرفت که باعث هلاکت دهها نفر از هر دو جانب گردیده سرانجام با میانجی‌گری نماینده‌ای از بادار مشترک شان، ایران پایان یافت. بعد به تاریخ ۲۹ جدی در غند و قرارگاه حزب وحدت خیرات ترتیب داده شده و به یکعده توزیع گردید به این فکر خام که شاید جنایتکاریها و درنده خویی‌های شان را مردم با یک شکم نان فراموش خواهند کرد.

و اینک یاور شیطان!

مدیر عبدالخالق که اصلاً از ولسوالی جاغوری ولایت غزنی می‌باشد و فعلاً در سید آباد مزار زندگی می‌کند بعد از تقریباً ۱۹ سال به دیدن اقارب در زادگاهش رفت. او در بازگشت از ولایت غزنی یک پایه تلویزیون خریداری می‌کند اما زمانیکه از دکان خارج می‌شود، طالبان مسلح متوجه شده فوراً وی را تلاشی کرده و بانک نوت‌های هزار افغانیگی چاپ جنبش دوستم را از نزدش ضبط و خودش را مورد لت‌وکوب قرار داده به اتهام جاسوس دوستم بودن تلویزیون را در گردنش آویخته در شهر می‌گردانند و جار می‌زنند که این شخص صندوقچه شیطان را خریده از یاوران شیطان و جاسوس دوستم می‌باشد!

▫▫▫

ب. ر ـ جلال آباد

خالصی‌ها و طالبان

جبرائیل نام به تاریخ ۲۷ جدی ۱۳۷۴ برادر خود، شایسته بازخان قومندان مشهور مولوی خالص را جهت حل مناقشه مردم خدران با طالبان به شهر پشاور پاکستان می‌خواهد. جبرائیل قبلاً به برادرش اطلاع داده بود که امکان درگیری مردم خدران و طالبان وجود دارد. طالبان در ابتدا اعلان نمودند که سلاح مردم خدران را نخواهند گرفت. اما فعلاً جهت خلع سلاح نمودن مردم خدران پافشاری دارند.

شایسته بازخان از قول مولوی خالص به برادرش مشوره می‌دهد که اگر طالبان در امر خویش جدی باشند باید با آنان سازش نمود. من طرح و فیصله جدید ندارم و ضمناً خود از نزدیک با نماینده طالبان در پشاور ملاقات کرده شما را در جریان خواهم گذاشت.

ب. ر ـ جلال آباد

تأسیس لانه تروریزم جهانی در جلال آباد

به تاریخ ۲۸ جدی ۱۳۷٤ وزیر تعلیمات عالی و مسئول امنیت عربستان سعودی جهت تأسیس پوهنتون اسلامی در مرکز ولایت ننگرهار به این ولایت سفر نمود. در ابتدا قرار بود پوهنتون مذکور را در ولایت هرات اعمار نمایند اما به علت اشغال آن توسط طالبان از آن منصرف شدند. این پوهنتون که توسط عربستان سعودی و کمک مالی کشورهای عربی ساخته می‌شود یقیناً بصورت بزرگترین مرکز تروریزم بین‌المللی و تربیت بنیادگرایان درخواهد آمد. نظیر این پوهنتون یکی هم در اسلام آباد پاکستان وجود دارد که نصیراله بابر وزیر داخله پاکستان، آنرا رسماً جایگاه تربیت تروریست های بنیادگرا خواند.

آسیه ـ مزار

وقتی خاینی دوستمی اعدام می‌شود

در منطقه هرخ ولسوالی شولگره ولایت بلخ مردم که از ظلم و ستم، جریمه‌های نقدی، تجاوز و کشتار یکی از قومندانان گروپ اکه‌یاسین دوستمی بنام امام‌الدین به ستوه آمده بودند تصمیم گرفتند تا آن جنایتکار را به جزای اعمالش برسانند که بتاریخ ۲۲ سنبله ۱۳۷۴ مردم آنجا به اتفاق لطیف یکی از بادیگاردهای امام‌الدین در مسیر راه بازار هرخ به رگبار ماشیندار بسته شده بقتل رسید. ولی بعد از این حادثه، دوستمی‌ها بالای لطیف، فامیل و اقاربش یورش برده ۲۰ نفر را که اکثر شان زنان و حتی اطفال گهواره‌ای بودند، به قتل می‌رسانند.

حسن کله میده و «ناموس و شرف» دوستمی‌ها

شب اول قوس سال گذشته دوستم پیروزیهای خود را در دره صوف ولایت سمنگان از طریق تلویزیون بلخ به معرض نمایش گذاشت که در آن چهره هایی مثل مجید روزی، اکه‌یاسین، شیرعرب، حاجی احمدی و جنایتکاران حزب اسلامی نیز بچشم می‌خوردند. در نمایش یکی از افراد حاجی احمدی مشهور به قومندان میرحسن در گفتار تلویزیونیش ضمن صحبت از شرف و ناموس، خود را «مدافع منافع حقوق هموطنان» خواند! لیکن او خاینی است که در چوروچپاول، موتر دزدی، اختطاف و قتل در شهرمزار بین پیر و جوان و مرد و زن شهرت دارد و همه او را بنام میرحسن کله‌میده می‌شناسند، او چندین دریور بیچاره مزار را در دشت شور بقتل رسانده و وسایط نقلیه شانرا فروخته است، زنان و دختران بیشماری را ربوده و مورد تجاوز قرارداده است. کودکان را اختطاف و از فامیلهایشان پول گرفته است.

روز ۱۱ عقرب ۱۳۷۴

شخصی بنام فاروق که تاجر بود و در شوروی سابق رفت‌وآمد داشت همین که از موتر پایین می‌شود، در پیش دروازه منزلش توسط مرد مسلحی بقتل رسید. و آقای دوستم‌بای همه شب از طریق تلویزیون بلخ اعلام می‌دارد که تاجران ملی می توانند آزادانه بکار خویش ادامه داده و مصدر خدمت به هموطنان گردند!

چشم کشیدن برادران

بعد از شکست ماه عقرب سال گذشته‌ی دوستم که طی آن دهها نفر بدست باند ربانی اسیر و صدها نفر خلع سلاح شدند، افراد دوستم بتاریخ ۲۲ عقرب چشمان رحمت‌اله جمعیتی (از ولسوالی چمتال) را کشیدند تا خشم و قهر شانرا تبارز داده باشند.

▫▫▫

فاطمه ـ مزار

سگ جنگی دوستمی ها با جمعیت

روز ۲۶ عقرب ۱۳۷۴ دوستم بخاطر افزایش نیروی خود از ولایات فاریاب، جوزجان و بلخ جوانان را جبراً احضار نموده به جبهات جنگ دره صوف فرستاد تا گوشت دم توپ سگ جنگی‌هایش باهمپالکان جهادیش گردند.

درین جنگ شدید که افراد شورای هماهنگی و خود دوستم با به اصطلاح قوماندانان مثل مجید روزی، اکه‌یاسین، شیرعرب و حاجی احمدی شرکت داشتند، چند قریه از چنگ دزدان جهادی ربانی بدست چپاولگران دوستم افتاد.

در پوسته اول که بدست دوستمی‌ها افتاد، ۵ نفر در اثر انفجار ماین‌های باند جمعیت ربانی به سرکردگی عطا کشته و چندین نفر زخمی گردیدند.

قرار گزارش به تعداد تابوت هایی که در دستگاه نجاری کود و برق ساخته می‌شوند، همه روزه افزود می‌گردد. این تابوتها به جبهه جنگ دره صوف فرستاده می‌شوند و در آنها اجساد قوماندانان دوستم جا می‌گیرند، اجساد سربازان طعمه لاشخواران گردیده و به فامیل‌های شان سپرده نمی‌شوند.

سربازان می‌گویند: «ما مردم بیچاره از دست گرسنگی و فقر قربانی جنگهای بی‌مفهوم امارت خواهی و قدرت طلبی این وحشیان می‌باشیم. این غارتگران بیگانه پرست از سادگی و بیچارگی ما بخاطر اهداف وطنفروشانه شان استفاده می‌کنند. این قدرت را ما به پهلوان ها داده‌ایم.»

▫▫▫

فرزان ـ پروان

فرق امارت طالبی و نظاری

احمد شاه مسعود و سایر گردانندگان ولایت پروان مدعی اند که این ولایت را نمونه ساخته و بعداً آنرا اساس قرار داده در سایر ولایات کشور اداره های نظیرش را بوجود می آرند. بدین منظور تحت سرپرستی والی آنجا کمیسیونی تشکیل گردیده متشکل از مولوی‌ها و متنفذین «جهادی». برکناری، تقرر و کشتن کارمندان و یا تبعید و کشتن اهالی ولایت از جمله صلاحیت های آن است. کمیسیون در بدو ایجادش مستوفی و شاروال را به دلیل اینکه نظاری نبودند برکنار نموده و بجای آنان نظاری هایی را که به دغل‌بازی و رشوه‌ستانی مشهوراند گماشتند. دریکی از جلسات کمیسیون که شنبه‌ها دایر می‌شود وقتی والی از مدیر کوپراتیف ها گزارش خواست، وی ساده لوحانه اظهار داشت «کار وجود ندارد و همچنان زمینه کار مهیا نیست بنابران گزارش ندارم»، والی برآشفته گفت: «از همین حالا رخصت هستی باروبستره‌ات را جمع کن ما به انسان های بیکاره مثل شما احتیاج نداریم.»

کمیسیون مقررات «نمونه» ذیل را فیصله نموده است:

تمام دکانداران مکلف اند ظهرها دکانهای خویش را بسته به نماز



نیروهای باند خاین گلبدین از چهار آسیاب با راکت انداز، مناطق مسکونی شهر کابل را هدف قرار داده‌اند (می ۱۹۹۴)

عکس از نشریه «عفو بین‌الملل»

جماعت حاضر شوند. در صورت عدم رعایت مطابق قانون کمیسیون جریمه نقدی یا جنسی می‌شوند. دکانداران از اجرای این مقرره سرپیچی کرده دست به اعتصاب زدند تا آنکه احمد شاه مسعود مجبور گردید امر کند که برای مدتی رفتن و نرفتن آنان به مسجد نادیده گرفته شود.

در هر کوچه محتسبی مقرر شده تا باشندگان ساحه مربوط را وادار به ادای پنج وقت نماز جماعت سازند. هر کسی که به نماز حاضر نشود محتسب حق دارد وی را لت و کوب و یا جریمه کند.

هیچ زن بدون محرم شرعی خود حق گشت و گذار در شهر را ندارد.اگر خلاف آن عمل گردد به زن و محرم شرعی وی جزای سنگین داده‌خواهدشد.

مسعود و قتل ۸۵ روشنفکر پنجشیری

در زمان جنگ ضد روسی، در منطقه تحت تسلط احمد شاه مسعود در پنجشیر ۸۵ نفر از معلمان، انجنیران، مأموران و شخصیت های ملی تحت عناوین گوناگون به قتل رسیدند. که عامل همه این جنایات شخص مسعود

می‌باشد ولی وی بخاطر یکه خودرا «دموکرات» بنمایاند مدعی می‌شود که «من هیچگونه نقشی در قتل آنان نداشته‌ام. کشتار روشنفکران کار ملاها می‌باشد.»

▫▫▫

ق. ر ـ شبرغان

جشن پنج روزه‌ی ختنه سوری پسران دوستم

جشن ختنه سوری دو پسر رشید دوستم روز ۹ حوت ۱۳۷۴ در چمن جشن شهر شبرغان آغاز گردید. از قومندانان ولایات فاریاب، جوزجان، سرپل و سمنگان و همچنان از کشتی‌گیران ازبکستان و ترکمنستان در این جشن دعوت به عمل آمده بود.

در ۵۱ دیگ هرکدام با ظرفیت ۶سیر برنج مدت دو روز برای مردم نان داده شد. چمن چراغان شده‌بود، مسابقات‌بزکشی وکشتی‌گیری انجام‌یافت که برای برندگان، تلا و چپن تحفه داده می‌شد. پهلوان ازبکستانی که پهلوان شبرغانی‌را مغلوب ساخت، مقدارزیادی تلاز طرف شخص دوستم دریافت نمود. دو روز در هوتل شبرغان برای خوانین وبای های مزار، جوزجان و شبرغان‌محفل گرفته شده بهترین نان و چپن توزیع شد که هر یک از اشراف مذکورمتقابلاً چندرأس گوسفند را به عنوان تحفه به دوستم تحویل می‌دادند.

در سه منزل دوستم واقع بندر اندخوی، بندر آقچه و در جوار شفاخانه ملکی شبرغان جشن زنانه برپا بود. دوستم از زنان مهمان در منزل سومی خویش شخصاً پذیرایی می‌کرد و می‌گفت: «بخورید، ساعت تیری کنید، برقصید این «توی» خود شماست.» برای هر زنی که رقص می‌کرد ۱۰۰ لک افغانی پاداش داده شد. وحید صابری، امیرجان صبوری، جواد غازی‌یار، محمود کامن، مسعود خیبر، خیرمحمد چاوش، داود چاوش، شیرمحمد غزنوی و سخی شبرغانی در جشن ختنه سوری که پنج روز ادامه داشت هنر نمایی می‌کردند. جشن ارجمندان دوستم که مانند تمام برادران بنیادگرای خاین و جنایتکارش عقده های حقارت دیرینه‌ی وی را به نمایش می‌گذاشت، دو شنبه ۱۴ حوت پایان یافت.

▫▫▫

شفیقه ـ شبرغان

کلاه‌گذاری و جنایت جنرالان دوستمی

در جوزای ۱۳۷۴ دگر جنرال میر هاشم قومندان کندک محاربوی به همدستی تورن جنرال صادق قومندان عمومی شبرغان یک عراده موتر عسکری را به دو نفر یکی از ملیت هزاره و دیگری پنجشیری به مبلغ ۷۵۰ لک افغانی بفروش می‌رسانند. بعداً افراد خود آنان موتر را متوقف کرده خواهان اسناد آن می‌شوند. چون سندی وجود نداشت هر دو را به جرم دزدی به دشت سلطان کوت برده هزاره را بعد از گرفتن پول رها می‌کنند و پنجشیری را چون پول نداشت به قتل می‌رسانند.

▫▫▫

زهره ـ جوزجان

«جنبش» واقعاً «ملی و اسلامی»

سال گذشته دوستم به مؤسسات هدایت داد که راپور با تعلق مذهبی و ملیتی تمام پرسونل شانرا به دفتر «جنبش اسلامی ملی» بدهند. بعد وی براساس گزارشهای مذکور به اخراج و اضافه بست نمودن پشتون ها و تاجکها پرداخته و بتدریج تقریباً تمام پرسونل مؤسسات متشکل از طرفداران قومندانان جنبشی گردید.

در تصدی های جوزجان بجز از ملیت ازبک (آنهم از طرفداران جنبش) کس دیگری شامل کار شده نمی‌تواند. شرابخوری، فحشأ، قمار، دزدی و قتل و غارت از عادت های اصلی این افراد است که نشان «ملی و اسلامی» در پس و پیش خود می‌بندند.

هرباریکه محمود میستیری به شبرغان و مزار میآید دوستم بخاطر فریفتن و جلب او جملاتی را که از کارمل آموخته نثارش می‌کند و برایش قالین و قالینچه های گرانبها تحفه می‌دهد.

زهره ـ جوزجان

از جنایات قومندان دوستمی

در ماه عقرب ۱۳۷۴ زن جوانی که در مکتب خدیجه در جوزجان معلم بود، هنگام رخصتی طرف خانه‌اش می‌رفت که یکی از دایی های خویشاوند دوستم با قومندان و چند نفر مسلح جلوش را گرفته از او می‌خواهند تا سوار جیپ شود و خواست قومندان بی‌ناموس را برآورده سازد، اما زن برویش تف انداخته و دشنام می‌دهد. قومندان وحشی و جاهل فوراً با تفنگچه‌اش زن را بقتل می‌رساند و شب هنگام بخانه وی هجوم برده اعضای فامیلش را با خود می‌برد تا راز جهادی‌اش افشأ نشود. تاکنون از زنده و مرده فامیل سیاه‌بخت اطلاعی نیست.

ستم، بی‌ناموسی و فساد دوستمی‌ها

کارگران، کارمندان دولتی، معلمان و سربازان «جنبش ملی اسلامی» شمال معاش ندارند و ازنیمه دوم سال ۱۳۷۲ و سال ۱۳۷۳ بطور کامل به آنان معاشی تأدیه نگردیده است. صرفاً از سال ۱۳۷۴ بعد از چاپ بانک نوتهای جعلی جنبش معاش پنج ماه آنان داده شد و متباقی معاش سال ۷۴ و سالهای گذشته پرداخت نشده است.

گروههای اجتماعی نامبرده با وضع فلاکتباری زندگی نموده و با فروش اشیا و لوازم منزل شان روز و شب خود را می‌گذرانند. پولهای جعلی به دالر تبدیل شده روز بروز قیمت ها افزایش یافته است.

ارمغان انقلاب اسلامی: گدایی معلمان

معلمانی‌که در قصبات زندگی‌دارند، نان خشک گدایی می‌کنند. چمن‌گل معلمی که با وضع نهایت بد اقتصادی روبرو است، هنگام رخصتی مکتب از منزل قریه‌دار قریه «اوره میش» پوچاق های خربوزه را با چند پارچه نان که از چاشت بجا مانده بود، به بهانه اینکه «به گوسفند خود می‌دهم» بخانه آورده و با اطفالش شب را با همان توته‌های نان و خربوزه سپری می‌کنند.

تفرجگاه رهزنی نوبدوران رسیده

دوستم در چمن شبرغان تفریحگاهی ساخته است که درآن حوضی با یک اسب و چاپ‌انداز دیده می‌شود. از دهن اسب، آب فواره زده به حوض می‌ریزد. هنگامیکه مردم‌رنجدیده شبرغان ازکنار این‌تفریحگاه می‌گذرند احساس نفرت شان نسبت به دوستم‌بای چندین برابر می‌گردد. آنان می‌گویند که ما بجای اسب و تفریحگاه،نان، کار و زندگی بدون بیم و وحشت می‌خواهیم. ما از گرسنگی می‌میریم و آنان از خون و اشک ما برای خود زندگی مجلل با قصرهای پرشکوه برپا می‌سازند.

محبوب ـ شبرغان

مرگ و تحقیر به جای مواد ارتزاقی

قیمت اجناس و مواد ارتزاقی به صورت سرسام‌آور بالا رفته و روزانه در نوسان می‌باشد. فامیل‌های بیشماری وجود دارند که ماه ها میوه و گوشت را به دهن نزده‌اند. چیزیکه در شمال افغانستان بسیار فراوان و در دو قدمی همه کس قرار دارد، مرگ و تحقیر انسانست.

▫▫▫

محبوب ـ شبرغان

نرخ مواد ارتزاقی در ولایت بلخ

روغن	۱۴ کیلو	۱۲۰۰۰۰	افغانی
برنج	۷ کیلو	۱۴۰۰۰	رر
آرد	فی سیر	۸۰۰۰	رر
کچالو	رر	۷۰۰۰	رر
پیاز	رر	۱۰۰۰۰	رر
بوره	فی‌کیلو	۵۲۰۰	رر
گوشت	رر	۷۰۰۰	رر
ماش	رر	۲۰۰۰	رر
نخود	رر	۳۰۰۰	رر
لوبیا	رر	۴۰۰۰	رر
چای سیاه	رر	۷۵۰۰	رر
چای سبز	رر	۸۰۰۰	رر
صابون کالا	فی کلچه	۲۸۰۰	رر
شمع	فی دانه	۴۵۰	رر

هما ـ جوزجان

از کلمات حقار الحاج دوستم: «کارد را بتدریج به استخوان مردم برسانید»

در اوایل قوس ۱۳۷۴ جنرال دوستم طی خطاب به پهلوانان و قومندانان خود گفت: «کارد ستم و جنایت را یکباره به استخوان مردم نرسانید. شما در زندگی خود روی موتر های تیز رفتار را ندیده بودید و از خیرات جنبش ملی و اسلامی هر کدام صاحب موتر های شخصی، آپارتمان‌ها و پول شدید.»

▫▫▫

انیس ـ پشاور

دزدی گلبدینی ها از کیسه‌ی ارباب

عده‌ای عربستانی که چند بوجی پول را غرض خریداری جهادی‌های معین و تقویه بنیه مالی مزدوران شان در دارالایتام جلال آباد جابجا نموده بودند. در شب اول عید با حمله قومندان گلبدینی، معلم عزیز معاون گمرک ننگرهار مواجه شدند. در جریان درگیری یک تن از محافظان و یک گلبدینی کشته شده و بوجی های پول بدست عزیز گلبدینی افتید.

استقبال از حاجی زمان در نماز عید

روز اول عید رمضان مردم جلال آباد جهت ادای نماز عید در مسجد جامع سفید گرد آمده بودند. ساعت ۸:۳۰ حاجی زمان نیز به مسجد آمده‌می‌خواست در صف اول قرار گیرد که یکی از ریش سفیدان محل به آواز بلند او را مخاطب قرار داده گفت: «زمانه ریره دی ایسی، پکول دی په سرکری، حاجی ئی، او پاتک دی اچولی د خدای نه نه ویریری، مظلومان حوروی او ملک دی په بل مخ چپه کر» حاجی زمان کلمه‌ای هم نتوانست در جواب به زبان بیاورد. بعد از ختم نماز عده زیادی از نمازگزاران پیرمرد مذکور را مورد تحسین قرار داده شهامتش را ستودند.

آدم ربایان از مریضان هم دریغ نمی‌کنند

دراوایل قوس ۱۳۷۴ حاجی امین‌گل توسط افرادگلبدین اختطاف گردیده ومدت ۴۵ روز لادرک بود.بعداً رابایندگان مبلغ ۳۰۰لک افغانی جهت رهایی وی مطالبه می‌کنند. امین‌گل که بعد از پرداخت مبلغ مذکور توسط فامیلش آزاد شده می‌گوید: «رابایندگان همه ریشدار بودند که با وجود مریضی سینه بغل، کهولت و ضعف جسمانی شدیداً مورد لت‌وکوب شان قرار گرفتم.»



طلاق و وصلت بیحساب خاینان اخوانی...

بنیادگرایش زیرنام درهم شکستن به اصطلاح کمونیزم، آنقدر پول داده که قادر اند تا سالهای متمادی دیگر هم اسلحه مورد نیاز برای حل تضادهای درونی، «برادرکشی»های جهادی شان و کشتار و سرکوب مردم را از بازار بی‌در و پیکر اینسوی مرز خریداری کنند.

آقای میستیری نماینده ملل متحد هم که مجاهدتهایش برای‌بخیه‌زدن دژخیمان اخوانی به یکدیگر به منظور «امارت» مشترک و «برادرانه» بر ملت افغانستان، به جایی نمی‌رسد ناگزیر از استعفاء می‌شود.

پس قضیه همان است که بود: تا زمانی که افغانستان از نکبت سلطه‌ی رهزنان بنیادگرا از هر قماشش رهایی نیافته، مردم ما روی آرامش و نیکبختی رانخواهند دید. ولی آگاهی مردم ماولو بنیادگرایان بخاطرارعاب آنان،بیشتر ازین خود رابنام «اسلام» و «شریعت» پاره پاره کنند، روز تا روز بالا می‌رود. **اکثریت مردم بیشتر از آن از دست جنایت‌پیشگان جهادی ستم دیده‌اند که بشود آنان را با قرآن خوردن‌ها و چپ و راست رجعت دادن به آیت وحدیث، فریب داد.**

قدرت وپشتیبانی مالکان خارجی اخوان گذرا است. کشور ما آبستن توفانهای عظیمی برضد خاینان بنیادگرا و دستیاران پلید شان می‌باشد. بر نیروهای طرفدار دموکراسی است تا زمان فرا رسیدن این توفان راکوتاه وکوتاهتر سازند.□



ماگفتیم که قهر و ناز این زوج نفرین شده اعتبار ندارد. امروز که «متحد» شده اند به منظور بریدن گلوی یکدیگر در آینده است و این دور طلاق و وصلت جهادی تا نابودی هردو و سایر برادران همجنس به دست توانای مردم ادامه خواهد داشت.

فیروز ـ لغمان

د لغمان د بیله او موساخیلو کلي کې دوو وسله‌والو کسانو په خپلې مور جنسي تیري وکړ

د ۱۳۷۵ کال د وري په ۲۲ نیټه یوې پنځوس کلنې کونډې ښځې د بیله او موساخیلو په کلي کې د دوو ډېر بخولو لیاره لرګي او بوټي راټولول چې د دې مسلحو رضاعي زامنو متین او شمس ولیدله او د بوسو ورکولو په پلمه یې کوټې ته دننه ایستله او سم له لاسه یې په تجاوز لاس پورې کړ. خوارکې کونډې هرڅو مره نارې او چیغې ووهلې چې «متین‌جانه، شمس‌جانه ما تاسو ته شیدې درکړې دي، زه ستاسې موریم په ما تیرې مه کوئ» فایده یې ونکړه. ترڅو چې دواړه جهادیان له خپل ناولي عمل څخه فارغ شول او بیا یې ښځه ووژله.

په دې پېښې چې ټول کلي‌وال خبر شول د ګلبدین د امنیت کسانو ته یې راپور ورکړ. هغوی دواړه بې‌ناموسان ونیول او بیا یې د ۴۰ لکه افغانیو په بدل کې بیرته خوشې کړل.

لغمان ته د ګلبدین له راتلو وروسته دا دریمه ښځه ده چې له جنسي تیري وروسته وژل کیږي.

ا. ن ـ لغمان

«لغمان ته بلا راغلې ده»

د لغمان ولایت مرکز ته نږدې کلي کې یو دهقان اوسیږي چې د خپلو «بیبا کانه» کړو وړو له کبله ډیر مشهور دی. پخوا د والي حسن خان ګردیزي په وخت کې د دولت د سړک جوړولو نقشه د نوموړي په ځمکه راغله، هغه حسن‌خان ته ورغی او وه‌یې ویل: «ترڅو زه ژوندی یم دا سړک به زما په پټي کې تیرنشي. زه پوهیږم چې تاسو د کلي هغو دوو خانانو لمسولي یې او هغوی غواړي چې زما د ځمکې په سر موټرو کې تګ‌راتګ وکړي، خو دا کار به ونشي، ته ما وپیژنه!» والي پوښتنه وکړه چې «ته ما پیژنې؟» دهقان وویل «نه، کوم‌ده تذکره دی، د کوم ځای څخه یې چې اوس په مونږ باندې حکومت کوې؟» د ده د ټینګار او نه‌ویریدونکو خبرو نتیجه دا شوه چې دولت خپله د سړک نقشه بدله کړه.

لغمان ته د ګلبدین په راتګ سره نوموړی دهقان چې اوس ډیر ضعیف او سپین‌ږیری شوی هم دی، پاخیږي او د لغمان مرکز ته نږدې ټولو سیمو کې خلکو ته په ډاګه‌وایي چې: «ای خلکو! زمونږ وطن ته بلا راغلې ده. نور ټول ځایونه‌یې ویجاړ او خلک یې تباه کړیدي اوس وار زمونږ راراسیدلی دی. پاخیږئ! دا بلا ګلبدین دی...» وروسته د ګلبدین ساتندویه سپیان رسیږي او نوموړی دهقان نیسي. له ډیرو ربړولو او وهلو وروسته‌یې یوه خوا مخ توروي، په خره باندې‌یې چپه سپروي او په ښار کې‌یې‌ګرځوي. په دې ترڅ کې دی هغو کسانو ته چې د ده تماشا یې کوله وایي: «هیڅ پروا نلري. دوی کولای شي ما باندې هر څه وکړي، وه‌مې وهي یا مې ووژني، خو ما خپله وظیفه ترسره کړیده. خلک مې خبر کړي او د دوی پر ضد د پاڅون ناره مې ټولو اوریدلې ده.»

تر دې پیښې وروسته د کلي سپین‌ږیري ګلبدین ته ورځي او وایي هغه د لغمان نازولی دی له والي حسن‌خان سره هم د مقاومت تاریخ لري که یې له بنده خوشې نکړې ډیره به درته درنه پریوځي او په دې توګه ګلبدین مجبوروي چې له څو ورځو وروسته یې خوشې کړي.

▫▫▫

هـ. ن ـ کابل

په کابل کې د «اخواني شریعت» پلوشې

کله‌چې په کابل کې د لاسپوڅي رژیم له پرځیدو وروسته اخواني توره وریځ خپره شوه د کابل ښاریان تر پخوا لا زیات او دا ځل د بنسټپالو ډلو د قدرت غوښتنې د بدمستیو په اور کې لاهو شول د خلکو ټولې شتمنې، کورونه، دوکانونه، ناموس او عفت د دغو ځناورو په لاس چور او چپاول شول او همدا وجه هم ده چې نن د دوی په لیکه کې هیڅ یو پاکاو شریف انسان نه لیدل کیږي او یواځې هغه کسان چې ځان په پیسو پلوري او یا

د پخوانی رژیم بقایا چی د خپلی بی‌غیرتی د ونی سیوری یی غنیمت گڼلی دی، د دوی په شاوخوا راټول شوی دی.

د کابل د خلکو اقتصادی توان دومره کمزوری شوی چی عام خلک یی یواځی د یوی مړی وچی‌ډوډی د موندلو په فکر کی شپی ورځی تیروی کتغ هم که ومومی نو پرته له تشی پیاوی، ټیپرو (شلغم) یا گازرو نور څه نه موندل کیږی. کچالو هم نن سبا د غوښی په بیه پلورل کیږی او رانیول یی گران کار دی. غوښه خو بی‌له «جهادی ورونو» نور هیڅوک هم نشی خوړلای. کار نشته غله هم اوس هڅه کوی چی د شپی لخوا دومره څوک ونه‌څوروی، کوم ځای یی چی په نخښه کړی وی د ورځی له خوا یی لوټوی. ځکه دوی ټول یا پخپله د امنیتی حوزو ساتونکی او یا یی نژدی انډیوالان دی چی هغوی ته هم «حق» ورکوی. که څوک د خپل کور د غلا کیدو په هکله اطلاع ورکړی، په ځواب کی ورته ویل کیږی چی: «ته غل او مال پیدا کړه بیا مونږ خبر کړه، ترهغی چی غل او مال دی نه‌وی موندلی بیا مراجعه مکوه». هر څوک مجبور دی چی خپل امنیت پخپله وساتی خو که له چا سره وسله ولیدی شوه او یایی ډزی وکړی ځواب به یی د مجاهدو غلو په وړاندی پخپله وایی.

دولتی مامورین هم د گذاری‌له مخی په دوه ډلو ویشل کیږی‌لومړی ډله یی هغه جهادی مامورین دی چی کابل یی د جنگی «غنیمت» په ډول نیولی دوی ته ټول ښار «غنیمت»، نارینه غلامان او ښځی کنیزانی ښکاری. قصابان هڅه کوی د دوی استوگنځی ته نژدی دوکان جوړ کړی ځکه که هره ورځ یو څاروی راوه‌نه‌نیسی نو له نیمایی خو کم ورته شرم ښکاری کله چی د میوه‌پلورونکو دوکان ته د خپلو تورو شیشو په موټرو کی ورشی او ودریږی له سیر او چارک څخه کوچنی‌خبره نکوی. د بیی پوښتنه هم نکوی خو کله چی میوه راونیسی بیا د پیسو بنډل دوکاندار ته گذار کړی او بی له دی چی پاتی پیسو اخیستلو ته ودریږی خپل موټر ته په داسی ډول وروخیژی په ډیری لاس تیر کړی او د موټر اکسلیټرکښی‌کاږی چی حتی د پخوانیو ډیرو ناولو اشرافو مخ هم سپینوی. دا ډله مامورین اکثره‌دری او خلور ښځی لری خو ځینی یی چی ځان ته «روشنفکر» وایی او یا ډیر سپین ډیری وی یواځی په دوو ښځو بسنه کوی. دوی ته د ضرورت په وخت کی دولتی مامورین هم له‌ شخصی نوکران ښکاریږی د میلمنو د راتگ او یا ځینی نورو کارو په وخت کی یی له جسمی قوت څخه گټه اخلی.

دوهمه ډله عام مامورین دی چی په عمومی ډول د اتیا زروافغانیو شاوخوا میاشتنی تنخواه باندی چیچلی گزاره کوی چی د اوسنی نرخ په حساب څلور بوجی اوړه تری جوړیږی. دا ډله دولتی مامورین او ښوونکی اکثراً د واټونو په غاړه تیل، لرگی، سکاره، سگرت، گوړه، ټیپر او داسی نورشیان خرڅوی څه چی گټی‌یوه اندازه‌یی پولیسو ته د سیمی د «حق التسلط» په نامه ورکوی او که نه نو هم وهل کیږی او هم‌یی مال چور کوی. اسلامی «دولت» دوی ته د ژمی په سر کی د لرگیو د بیی په نوم د میاشتی ۸۰۰۰۰ افغانیو مرستی اعلان هم وکړ چی ځینو ته یی د یوی میاشتی او ځینو ته د دوه میاشتو پیسی ورسیدی خو اکثروته هیڅ هم ورنکړی شول.

په دفترونو کی د کار اجراء خو لا څه چی د لاربښوونی لپاره هم که پیاده ته یوڅه پیسی ورنکړی خبره هم نه درسره کوی. مالیی وزارت د نورو وزارتونو او مؤسساتو د معاش او مصارفو د تخصیص په اجراء کی دومره بهانی لټوی ترڅو چی مقابل لوری له اونیو، اونیو سرگردانی وروسته وپوهیږی چی بی‌له «رشوت» څخه چاره نشته. له دی وضعی څخه وزیران هم لا تر دوو سپوږمو شوی دی خو څرنگه چی خوله یی له اوبو ډکه ده څه ویلای نشی. که څه ووایی پخپله رسوا کیږی.

زنان اولین قربانیان آسان خاینان «جهادی» بوده اند، بر آنان است که اولین خنجرهای کاری در قلب دشمن باشند!

اسلامی «دولت» د مرغومی د میاشتی په لومړیو کی اعلان وکړ چی د دی میاشتی له اتمی نیټی څخه به د اسلامی «دولت» د عالی شورا له تصمیم سره سم د کابل ښاریانو ته د مساعدت په توگه د دوه ملیاردو افغانیو په بیه له نظامی ثابتو ذخیرو څخه خوراکی‌مواد ورکوی. خو دا خبره هم د جبل‌السراج مقاماتو ونه‌منله‌او د اسلامی «دولت» عالی شورایی خلکو ته دروغجنه کړه.

د نجیب د گوډاگی‌دولت له نسکوریدو وروسته چی مجاهدین کابل ته راغلل خلک ډیر ورته خوشحاله وو او د دوی دوستی یی ځان ته د فخر وړ خبره گڼله خو اوس له دی تنظیمونو او

په تیره بیا اخوانیانو څخه دومره کرکه لري او په دوستي کولو يې شرمیږي چې په خلقیانو او پرچمیانو هم نه شرمیدل.

د ۱۳۷۴ کال د مرغومي په نولسمه نیټه د اوبو او بریښنا وزارت هدایت ورکړ چې د سهار لخوا دې ټول مامورین مخکې د حاضرۍ له امضاء کولو سره یو ځای راټول شي ترڅو په هغې غونډې کې چې دوی به پام کې نیولې وه برخه واخلي. نو ځکه ټول مامورین چې انجنیران، تخنیکران او نور فني کسان دي یوځای سره راټول شول چې د دوی په وړاندې د جمعیتي ملایانو او اخوانیانو غوبل جوړ شو هر یو به چې پاڅید، دومره خبرې یې کولې چې خپلو ملګرو به یې هم په اسویلي ایستلو او لاس موښلو شروع وکړه. په پای کې یې دا ورځ د اوبو او بریښنا د انستیتوت د «بیا مسلمانولو ورځ» ونوموله او اعلان یې وکړ چې له دې وروسته هرې هفتې کې یوه ورځ باید ټول بې له دې چې کوم عذر او بهانه یې ومنل شي دغو عقیدتي درسونو ته حاضر شي. ددې درسونو لړۍ چې د لمانځه او اوداسه ترتیب د روژې مکروهات، د جنابت غسل، د قضای حاجت طریقې او داسې نور تدریس کیږي همغسې دوام لري.

▫▫▫

هـ ن ـ کابل

د کابل د اوسیدونکو «دولتي» ضد مظاهره

د کابل یو شمیر اوسیدونکو له مرګ څخه د خلاصون لپاره ځان ته د چارآسیاب څخه په بایسکل باندې خوراکي مواد راوړل، خو دولت چې د طالبانو د ټانکونو له ناڅاپي برید څخه ویریده او هم یې په خپلو قوماندانانو باور نه درلود چې خپل ځان په طالبانو نه پلورې د چارآسیاب ـ کابل د لویې لارې د سنګ نوشتې په سیمې کې یې لویې لویې ډبرې له غره څخه پر سړک راوغورځولې او ماینونه یې هم ښخ کړل چې څوک تګ راتګ ونشي کولای خو د راډیو او نورو تبلیغاتو په وسیله یې د لارې د بندولو پړه پر طالبانو اچوله کله چې خلک د «دولت» په دوه مخي توب وپوهیدل هماغه وو چې د سلواغې په یولسمه نیټه د پنځه سوه بایسکل سپرو شاوخوا کسانو د ارګ مخې ته یوه مظاهره جوړه کړه چې په دولسمه نیټه دا شمیر یو زر کسانو ته چې ډیرو یې له ځان سره تبرګي، بیلونه، کوتک او نور داسې شیان هم راوړي وو، ورسید د هغوی شعارونه داسې وو:

«ـ د کابل خلک له لوږې مه وژنئ!

ـ مونږ ډوډۍ غواړو!

ـ ټولې لارې باید خلاصې شي!».

دا مظاهره د «جهادي» سرې وژونکو د کلک غبرګون په نتیجه کې پای ته ورسیده.

▫▫▫

طارق ـ کویټه

طالبي پریکړه لیک

د طالبانو اسلامي شورا په خپلې غونډې کې چې د ۱۳۷۴ کال د کب په ۲۵ نیټه کندهار کې جوړه شوه لاندې تاریخي پریکړې کړې دي:

۱ـ ټول هغه کسان چې ږیرې یې تر قبضې لنډې وي د قشله جدید په نوې جوړ شوی مجلس کې باید یوه میاشت بندیان شي تر څو یې ږیرې شرعي اندازې ته ورسیږي.

۲ـ هر طالب باید له خپل ځان سره د خاصې ټوکر وګرځوي تر څو د هغو کسانو ږیرې معلومې کړي چې په قیچي یې وهلې وي. که د چا د ږیرې ویښتان تر ټوکر ووتل نو معلومه ده چې په قیچي یې وهلې دي او ۲۰ ورځې د بند جزا به تیروي.

۳ـ د کندهار ښار ښځې په هیڅ ډول نشي کولای چې دا کترته د ناروغیو د علاج لپاره ورشي. که چیرې نارینه دا کترښځه وکتله د دو شپو بند او وهلو ټکولو سزا به تیروي. تر اوسه پورې درې دا کتران په نوموړې « ګناه» نیول شوي او بې عزته شوي دي.

همدا راز په غونډه کې وویل شو چې د کندهار د ښار ټول خلک مردار خواره دي او دا بې له وهلو ټکولو څخه نه اصلاح کیږي.

▫▫▫

شیرشاه همدرد ـ پیښور

د ټایر پنچریدل او د طالبانو عقل

څو موده وړاندې له ګردیز څخه خوست ته راتلم په یوه فلاینګ کوچ کې کښیناستم، نیمه لار مو نه وه وهلې چې د فلاینګ کوچ ورستنی ټایر پنچر شو. د ژمي واورې پرتې وې او موټروان د ټایر په بدلولو بوخت شو چې څو کسه طالبان راورسیدل له موټروان څخه یې ډیر په قهر وپوښتل چې د موټر ټایر ولې پنچر شو هغه چوپه خوله پاتې شو ځکه د طالبانو په خوی بوی بلد وو چې له دوی سره د دلیل ویلو پای څه وي بیا یوه ځوانکي طالب د ننه موټر ته راوکتل او وئې ویل چې په دې موټر کې حتمي کوم پلیت (ناولې) سړی ناست دی ځکه یې ټایر پنچر شو. د موټر آخرې سیټ ته ورغی او د ټایر د پاسه په سیټ ناست سړي ته یې د ښکته کیدو اشاره وکړه سپین ږیرې سړي خپل څادر راواخیستو او ښکته شو یوه طالب ترې پوښتنه وکړه چې وایه زنا دې کړې او که لواطت چې پلیت په موټر کې ناست یې؟ خدای وشرمولې او ستا

د سیټ لاندې ټایرېې پنچر کړو، ژر شه او د هغه بند اوبو کې غسل وکړه تر څو پاکشې او خدای پاکدرباندې کوم بل غضب نازل نه کړي.سپین ږیرې یې د ټوپک په زور په اوبو کې ولمباوه او بیایې موټر ته د تللو اجازه ورکړه.

د موټر سپرلیو د طالبانو له ویرې هیڅ هم په خوله نشو ویلای خو د دوی له تللو سره یې په زاړه کفن‌کښ شکرونه ایستل.

▫▫▫

فیروز ـ لغمان

د جهادیانو پر ضد دننګرهار لیسې د زده کوونکو مظاهره

د روان کال د غوایي په دویمه نیټه د ننګرهار لیسې زده کوونکو د «جهادیانو» پر ضد یوه لویه مظاهره وکړه. دوی غوښتل چې د لیسې استادانو ته باید د دوی د زیار ایستلو او ښوونو په بدل کې په خپل وخت معاش ورکړل شي.دوی له جهادي قومندانانو او د ننګرهار ولایت‌له چارواکوڅخه غوښتنه کوله چې‌له دریواو خلورو ښځوکولو څخه صرف نظرشي‌او د لویو قصرونو او بلډنګونو جوړولو څخه لاس واخلي‌او زمونږاستادانو ته معاش ورکړي.

دننګرهار ولایت د تعلیم او تربیې رئیس چې د دوی د برحقې غوښتنې ځواب نه درلود خپله بې منطقې یې داسې بیان کړه: «دا حق غوښتل د کمونیستانو کار دی. زمونږ مجاهدین دومره سپین سترګې ندې چې خپل حق وغواړي».

مظاهره د جهادیانو پر ضد شعارونو ورکولو سره پای ته ورسیده.

▫▫▫

حیات‌اله کنړی

جهادي پاټکونه

په ۱۹۹۶/۲/۱۲ له کنړڅخه جلال آباد ته تللې وم تقریباً ۲۵ ـ ۳۰ جهادي پاټکونه د لارې په اوږدو کې لګیدلي وو.د پاټکیانو سلوک له خلکو سره د غلواو وحشي ځناورونه هم ناوړه دی اوځینې یې هم دومره کوچني دي چې اوس باید د کلاشنکوف پر ځای مکتب کې کتاب‌او قلم سره بوخت وای اویایې په کورکې دلوبوشیان په لاس کې‌لوبولای.

کله‌چې‌ته پاټکونوکې ماشومان یانورکلي‌وال خلک هم د مسافرانو د لوټولو لپاره کښیني پره یې په خپله د هغوی‌په غاړه نده ځکه هر یو یې کور او ماشومان لري چې هغوی هم ډوډۍ او جامې ورڅخه غواړي د هوسا او سوکاله ژوند شرایط بنسټپالو ډلو ورڅخه اخیستي او هغه هیوادپلورې چې د ټوپک په زور وا کمنې‌ته هم رسیدلې په خپله بې‌له ناروا جګړو، انسان وژنو، بې‌ناموسي او پاټک جوړولو بل کار نلري ځکه ځیني عام خلک هم له بدې ورځې خپلي سیمې کې پاټکونه جوړوي. د دې ټولو ناخوالو او بدمرغیو حساب به له هغو خاینو هیوادپلورو سره کیږي چې د دین او مذهب په نوم‌یې دغه خونړي توري تیارې شپې په خلکو باندې تپلې دي.

په ۱۹۹۶/۲/۱۵ جلال‌آباد کې د سره‌صلیب کسانو غوښتل چې ځیني مواد معیوبینو باندې وویشي، خو وروسته د څو دقیقو څخه د وسله‌والو جهادیانو لخواورباندې حمله کیږي او ټول مواد او شیان یې تالاکوي.

▫▫▫

هـ.ن ـ کابل

جهادي پوستي د بریښنا لینونه غلاکوي

اوس چې د کابل په «اسلامي جمهوریت» کې غلا، داړه‌ماري، سړي وژني او نور د معروف او امنیت، سولې او انساني سلوک د منکر مفهوم غوره کړي د دغې اداري لوی او کوچني ټول د خپل وس او اختیار په اندازه غلا ګانې‌کوي لکه چې د اوبو او بریښنا وزارت له څه مودې راهیسې وعدې کوي چې سبا یا بل سبا به بریښنا ټول ښار ته توزیع شي خو کله چې سبا شي لکه د «یاځوځ او ماځوځ» سورې کړې غر بیا د بریښنا د پایو په سر هیڅ هم نه وي پاتې او ټول لینونه غلا شوي وي. که نوکریوال او مسئولین وټا کل‌شول هم کومه فایده یې‌ونکړه تر دې چې د نوموړي وزارت ګودامونه تش شول او د تایمنۍ له سیمې څخه‌یې د ۱۵۰۰۰/۰ ولټه لینونه پرانیستل او د عمومي لینونو یعني د ۱۱۰۰۰۰ ولټه پرځای یې وتړل. خو په دې وروستیو ورځو کې چې د لین مسئول ګروپ د لین ساتلو په نیت ګزمه کوي ګوري چې په یوی فاصلې کې لین پر ځمکه پروت دی. او د برق سلیټرونه هم چې په ماشینداړو ویشتل شوي پر ځمکه پراته دي. کله چې ګزمه‌وال د برق لین ساتونکي امنیتي پوستي څخه پوښتنه کوي چې لین چا غورځولی؟ هغوی په ځواب کې وایي چې که یو من لین په ۳۰۰۰۰ افغانیو رانیسي خوښه مو او که نه له لین سره کار مه‌لرئ. له هرې خوا څخه چې راغلي یاستي بیرته په هغې لارې لاړشي او شاته هم ونه ګوری.او که من په ۳۰۰۰۰ افغاني موافقه لرئ نو لین بیرته پایو ته پورته کړي.

▫▫▫

د پیښور وکیلانو ټولنې...

سیمو تر مینځ دښمنۍ‌ګانې او د کلاشنکوف کلچر برلاسی به په سوله‌ایز ډول پای ته رسوی کومې چې ناولو بنسټپالو ورته په بې ساری ډول وده ورکړی ده. خو بنسټپالان که کلاشنکوف ځخه سیوا شی او یا ډالر وراونه‌رسیږی دوی به پخپله هم د سیاسی ژوند د ترسره کولو توان اونه‌لری.

دا حل لاره او مبارزه به له هغو تنګ نظرانه او توبوتو سره ډیر ډیر توپیر ولری کوم چې صرف د ژبنی او قومی اړیکو په بنیاد یوه ورځ زیږ مخو هیواد پلورو ته ورور وایی او بله ورځ د تور مخو اخوانیانو اوښکو پا کولوسره هم د انسانیت عام اصول تر پښو لاندی کوی او هم ژبه او قام شرموی.

«پیام زن» ولی دومره «شدیده» لهجه لری؟

«راوا» او په ځانګړی توګه پرتمینی مجلې «پیام زن» ته یی سپوری ستغی او بدرد ویل کیږی چې ولی دومره «شدیده» او «بی‌ادبانه» او... لهجه لری. د پاکستان‌مطبوعاتو کی زمونږ دوستان ښه پوه دی چی څرنګه د «راوا» لیکنی او اعلامیی د همدی «بدی لهجی» په پلمه له خپریدلو ځخه پاتی کیږی. دغه راز مطبوعات خو به زمونږ د خاینو «War lords» د مرضی مطابق لیکنو په خپرولو او یا د داسی لیکنو چې خیانتکارو بنسټپالو سره د جوړ جاړی او یا تسلیم طلبی بوی ترینه پورته کیږی په خپرولو عادت شوی وی خو بیا هم مونږ به هیڅکله او په هیڅ قیمت د خپلو انقلابی اصولو او جدوجهد ځخه په شا نه شو. مونږ به هیڅکله د خلکو قاتل او خاین ته «عظیم رهنما» او «جهادی قیادت» اؤ نه وایو. مونږ به هیڅکله د افغانستان ورانوونکی او په ځلورو وروستیو کالو کی د لس ها وو



د وکیلانو ټولنی ځخه بهر د خپرونو میز چی د ډیری پاملرنی وړ وګرځید

زرو بی‌ګناه هیوادوالو دوینو تویوونکی فرښتی اونه بولو او نه یواځی داچی د خپل هیواد سرنوشت د دغه یو موټی خاینو په ارادی پوری تړلی نه بولو، په کلکه هم په دی باوریو چی هغوی یواځی او یواځی د صحرایی محا کمی وړ دی او بس. که د بنسټپالو پر ضد زمونږ دا نه‌پخلا کیدونکی دریځ د ښمن او د هغه د سپیو لیونی غصه راپاروی ده، باور لرو چی زمونږ د زخمی او بربنډو پرګنو او د پاکستان‌په ګډون د ټولی نړی‌د آزادی غوښتونکو له ټینګ ملاتړ ځخه بی‌برخی ندی.

بنسټپالی ځوک دی؟

قدرمنو دوستانو،

له هغو کتوونکو تورونو ځخه چی پر مونږ لګیږی یو هم دادی چی هیواد پلوری پارتی باید د «بنسټپالی» په اصطلاح ونه‌نوموو او داځکه چی ښه مسلمان بنسټپالی دی او له بل لوری دا اصطلاح غربیانو او امریکاییانو جوړه کړی ده!

خو مونږ د خپلو وار وار ځوابونو په ترځ کی څرګنده کړیده چی «بنسټپالی» یا فندمنتالیزم په یوی داسی اصطلاح بدله شویده چی خپل منفرد سیاسی‌او اجتماعی مفهوم‌لری چی ټاکل شوی‌کسان، که مسلمان وی‌او که غیرمسلمان د خپل عمل‌او رویی په‌اساس پری یادولی شی.

بنسټپال هغو کسانو او رجعت پسنده ډلوته ویل کیږی کوم چی ددین او مذهب په نوم د اقتدار د ترلاسه کولو د پاره په ترور، فاشیزم، ښځی ضد او جمهوریت ضد عملونو لاس پوری کوی‌او له دموکراسی ځخه د ناوړه ګټی اخیستنی په خوا خواکی‌له زور وا که‌او استبدادی ځوا کونوسره په همکاری بوه لګوی،خلک له دینی او مذهبی پلوه په مخالفو ډلو ویشی او د مختلفوملتونو تر مینځ نفرت پیدا کوی. له دی امله به هیڅ یو امن پسنداو انسان دوست مسلمان ځان ته بنیادپرست اؤ نه وائی بنیادپرست‌هم هندو مذهبه دی هم یهود مذهبه او عیسوی مذهبه‌او مسلمان مذهبه چی د وروستیو ځلورو کالونو د تاریخ‌په ګواهی وروستی ډول یی تر ټولو زیات شیطانی او خونړی ډول دی.

لویدیځ او امریکا هم د خپلو ګټو له کرکی د بنیادپرستی مخالفت کوی او کله کله ددوی بنسټپالی ضد مبارزه دومره بی بنسټه او ملنډیزه وی چی د سکول ماشوم ته یی هم پوهیدل ګران نه وی. دبیلګی په ډول د ایران،

سعودي عربستان او خليج هيوادونو له منځني پيړنيزو بنسټپالو څخه د امريكا او ځيني غربي هيوادونو دفاع كول ددغه نړيوال پاور ضديت له بنسټپالي سره په ترخې ملنډې بدلوي. او همدارنګه ټول نړيوال خلک په دي پوهيږي چي څرنګه همدى سى آى اى او لويديځ زمونږ دخلكو له كركي‌سره سره افغانى بنسټپاله پارټيې‌په خپل ټول توان سره له سره تر پايه مسلح او مجهزى كړى او دهغوى ناولي «رهبران»‌يې لكه دخپلو نازولو بچيانو (blue eyed boys) په شان د اتلانو په څيرو پرسول. نو ځكه دا نيوكه چي دبنسټپالي اصطلاح د لويديځ له وارداتو څخه ده يواځې د ريشخندولو ارزښت لرى. كه دا خبره سمه ده چي مونږ شرقيان سره له دى چي دغرب د تمدن په پياوړى كيدواو پرمختګ كې مو تاريخى ونډه لرلى ده، ددوى له علم او تكنولوژى څخه ګټه اخلو، دا يوه اصطلاح هم بايد زمونږ په غيرت باندى بده اونه‌لګيږى خپل‌ځان د غرب ضد ښودلو په پلمه دغه شان حساسيت ښودل مخكي ترهرڅه زمونږ د خپل لنډ او متكور فكر ښكارندوى ګرځي او څپيره يى زمونږ په خپل مخ باندى لګيږى. آيا بجلۍ، تلويزيون، تيلفون، او كامپيوتر دغرب په نوم ندى راجستر شوى؟ نو ولي له هغو څخه د ګټې اخيستنې په موقع نه غيرتي كيږو؟زمونږ جنايتكاره بنسټپالي له يوى خوا په ټول توان نارى سورى وهى چي د اسلام پلويان او دكمونيزم او تمدن په خلاف دى خوله بل لورى د اقتدار او چوكى هوس دومره سرسام كړى او دومره له خلكو سيوا او اصول خرڅوونكى دى چي له خلقى او پرچمى هيوادپلورو، بدكاره مليشو لكه رشيد دوستم او د هند په شان هيوادونو سره چي لستونى يى زمونږ د خلكو په وينو سره دى هم له يولاس كيدو څخه مخ نه اړوى او د خداى په كور كى د دوى قسم او قرآن خوړل هم له هيڅا څخه پټ ندى همدا شان دوى دومره بى‌شرمه دى چي تر پرونه يى په داسى حال كى چي د يوبل مرى غوڅولى په ثبوت او ګواه باندى يى يوبل د دغه او هغه دولت جاسوسان او مزدوران ثابتول خو نن بى له هيڅ شرمه يوبل ته د پيوستون لاس وركوى. له طالبانو سره د خليلى دباندې يو موټي كيدل،له شهنواز تڼى سره د ګلبدين كودتا، او بيا له رشيد دوستم سره لومړى د ربانى او بيا د ګلبدين يؤ كيدل ددى خبرى ترټولو رسوا بيلګى ګڼل كيږى. پرته له توضيح څخه هم څرګنده ده چي د دغو ګوډا ګيانود ټولو خندنيو او عجيبو يؤ كيدلو يو علت هم په بيلابيلو بهرنيو هيوادونو پورى ددوى پوره تړلتوب او زمونږ په ټوټى ټوټى هيواد كى ددغو هيوادونو دروڼل لرلو د رقابت انعكاس دى. د طالبى او ګلبدين ډوله وطني بنسټپالو ددرواغو او ريا كارى څرګندولو لپاره دا نوى خبر يواځې هم كافى دى چي د هغه له مخى له ۱۰۰۰ څخه زياتو په اصطلاح دينى عالمانو او طالبانو قندهار كى د ربانى په خلاف دجهاد فتوى وركړه په داسى حال كى چي تر پرونه يى د مسلمان په ضد جهاد ته د كفر په سترګه كتل. له انتظاره لرى خبره نده چي بياهم ربانى او باند يى «دينى ورونه» وبولي او خپل د مرګ حكم د كوم‌بل سيال پرضد اعلام كړى. دپيام وړ خبره داده چي دا فتوى ګانى‌هغه څوك صادروى كوم چي سكول «د دوزخ‌دروازه»، راډيو «د شيطان ډبه» او دفوټبال لوبه حرامه بولي او غواړى چي ښځه‌له خپلو ګلبدينى، سيافى، او برهان‌الدينى ورونو څخه هم بدترواو درنو منځنى پيړى ايزو دغلامى ځنځيرونو كى تړلى وساتى.

سياسى تجزيه نګاران ددى خبرونو په بنياد اوږدى او سره ورى ليكنى كوى خولكه چي مو مخكى هم وويل تقريباً ټولى يى داسى دى چي ته به وايې قسم يى كړى زمونږ د ربړيدلو خلكو دګټو او هيلو د خوندى ساتلو په نيت د فتوى وركوونكو او جګړى كى‌ښكيلو خواوو ماهيت رسوا نكړى او داسى وښيئى چي ګوا كې د افغانستان په سلو كى ۹۹ كسانو ته همدا پارټى‌او ددوى وينى‌څښونكى‌بى ښكرونو او بى‌لكۍ‌رهبران منلى دى او پرځاى اوغوره‌ده چي مقدرات يى ددغو خاينو مزدورانو په لاس‌كى‌وه‌اوسى.

سكيولاريزم د دين ضد لاره نده

مونږ په دى باور يو چي د دغه راز فتواګانو د ختميدلو او هر مخالف باندى د كفر د ډانګي ګزارولو يواځينى لار په سكيولاريستى سيستم كى موندل كيداى شى. سكيولاريزم د دين ضد لاره نده او يواځې غواړى دين دى معنوى چارى او حكومت دى دنيايى چارى سرته اورسوى.

تاريخ او تجربى هم ښودلى ده چي ټولو سكيولر هيوادونو كى نه يواځې دا چي خلك له دين څخه ليرى شوى ندى چي دين يى لا د قدر وړ او درونډ ګرځيدلى او دا ځكه چي د مذهب په نوم د خلقو تر منځه نفرت، فرقه واريت او فساد هم ختم شويدى. كه غربى نړۍ‌ته هم يو نظر واچووه جوته كيږى چي د سكيولاريزم له بركته‌يى د علم او كلچرد پرمختګ په خوا خوا كى د كليسا ګانواو نمانځل‌ځايونو ګنبزى‌هم له مينځه نه دى تللى كه د غربى تهذيب وفساداو بربنډ والى خبره هم راواخلو نو بيا ګورو چي د اسلام‌د ټيكه دارانو بى‌ناموسى او رذالتونه هم زمونږ په هيواد كى اوهم نورو هيوادونوكى د دوى په پرتله په څو څو ځله ډير او پراخه دى.

كه‌كشمير كى د هندى فوجيانو جنايتونو او يا د هندو مذهبه بنسټپالو پارټيو كرغيړنو او بيزاروونكو كړو وړو ته وګورو هم

په راګه‌کېږي چې اصل علت يې له سکيولاريزم څخه لېرې کېدلو او بنسټپالۍ کې پروت دی. هماغه رنګه چې د جهاديانو فجايع د اسلام د دين نوم نشي بدولی هماغه شان چې د پېپل او مزدور ترنامه لاندې د روسانو او ګوډا ګيانو فجايع د زيارايستونکو مبارزې پورې اړه نلري همدارنګه هم د ځانګړو پارټيو جنايتونه او فساد د سکيولاريزم د بد ګڼلو دليل نشي ګڼل کېدای.

له سکيولاريزم سره يوازې هغه رجعت پسنده‌او وروسته پاتې بنسټپال ملايان مخالفت کوي چې پوهېږي په دموکراسۍ اوانسانی ژوندکې د دوی په شان کېږو مکوړو ته د ودې کولو ځای نه پاتې کېږي.

جنګي جنايتکاران که «مهم شخصيتونه»

دوستانو،

زمونږ خلک ترهغه وخته چې ګوري د دوی نارينه او ښځينه بچيان د بې‌پټه جهاديانو لخوا تښتول کېږي او يا تيري ورباندې کېږي،او د اويا کلنوميندو او پلرونو عزت او پاکي‌هم ددغو خروړو له خوا خوندي پاتې نشوه، کور او شته‌يې په اور کې وسوځيدل او خپل نور عزيزان ګوري چې دبدن غوښې يې د راکټونوپه چودلو سره ديوالو پورې ونښتې او يا دسپيو دخوراګ وګرځيدې. او ترهغه وخته چې ګوري ګران هيواد يې څرنګه ديوي بې‌ارزښته نانځکې په څېر د وحشي خنځيرانو په لاس کې لويدلی توټې توټې او ناولی کېږي، داسې يو وژونکې درد باندې اخته کېږي چې وصف يې نشي کېدای خو کله چې ګوري د دغو ټولو بې شرافتيو، خيانتونو او بربادېو عوامل يعنې له ګلبدين او رباني نيولې بيا تر سياف او خليلي او طالبانو او مجددي پورې د ايران او پاکستان دهيوادونو له خوا «د افغانستان د رهبرانو» په څېر رابلل کېږي او د «ډېرو مهمو اشخاصو» (VIP) په ډول هرکلي ورته ويل کېږي. نو زمونږ په خلکو باندې داسې درد او عذاب خوريږي چې په زخم باندې مالګه دوړول او يا داسې نورو کلماتو باندې خو هيڅکله د هغه بيان نشي کېدای. او نه هم هيڅ يو شعر کولای شي چې د دغه حالت څرګندونه وکړي. او دا درد هغه وخت غبرګ کېږي چې ګورو دپاکستان‌پرنټ هيڅ يو جمهوريت پسند قوت يا قلم‌وال، سره له دې چې يوه اندازه آزادي ګاني هم لري - کوم شي چې په ايران کې وجود نلري - زمونږ غمځپلو خلکو پورې د دغه لوې او نه بخښونکې سپکاوي پرضد نه راپاڅيږي او يا شايد هم خپلې کوچنې او تيريدونکې ملي ګټې به ديوه آزادي غوښتونکې‌ملت په تحقير او توهين غوره ګڼي.

د هر هيواد په تاريخ کې توري او دردوونکې دورې ترسترګو کېږي‌چې نشو کولای هغه خونړي او ويرونکې دوره ديوه منطقي

ليد له اړخه دهغه هيواد دخلکو د اکثريت‌هيلې او ارادې وبولو.

نه ښايي چې افغانستان کې د آزادۍ ضد، جمهوريت ضد او ښځو دحقوقو ضد ډلو ټپلو شته‌والي په ماشومتوب سره دخلکو هيلې او آرزوګانې وبلل شي. زمونږ خلک کولای شي د ټولو هيوادو نو دخلکو په شان له آزادۍ او دموکراسۍ څخه خوند واخلي او پرمخ ولاړ شي. آيا په پاکستان کې دلس کلنې مارشل لا واکمنې رامينځ ته کيدل او دوام موندل له خپلو ټولو خونړيو پيښو سره چې د جمهوريت او آزادۍ سرغوځيدل هم ورسره دي، د پاکستان داکثريت خلکو يا دپاکستاني آزادي غوښتونکو ځواکونو غوښتنې بلل کيدلای شي؟ که‌څوک‌داسې يو مسخره حکم هم وکړي کيدای شي چې هغه ربښتيني پاکستاني وګڼل شي؟ آيا دغه شانته سړي به پاکستان ته ترټولو لوی‌سپکاوی نه وي کړي؟

د پاکستاني پرګنو لخوا د بنسټپالۍ رټل

د تاريخ په تيرو ۵۰ کالونو کې د پاکستان‌دخلکو غوځ اکثريت، په هيڅ دوري او هيڅ کال کې بنسټپالو او رجعت پسندو ملايانو ته ووټ ندی ورکړي او تل يې هغوی له سياسي واکمنۍ‌څخه لیرې ساتلي دي. اوس، داځه وجه ده چې پاکستانی‌مختلفو حکومتونو يو په بل پسې شرم يو خوا غورځولي او له ۱۶ کالو را په دې خوا تېنګار کوي چې خپل رټل شوی او افغاني بنسټپال ورونه او



د پاکستان‌اسلامي جماعت پورې تړلی فدا ګل‌او انيوالان‌يې چې هځه‌يې کوله، د خپلو وطني تروريستو هم‌مسلکانو په وکالت د «راوا» د استازې د وينا کولو ميتينګ ګوډ کړي

مذهبی رجعت‌پسندان په هر ډول توطئې او دوکې چې وی زمونږ په افغانستان راوتپی. دومره چې پخپله همدا بنسټپالې ډلې هم په ملنډو وایې چې پاکستان‌خپل ځان له اسلامی حکومت څخه لیری ساتي خو زمونږ لپاره اسلامی حکومت غواړي.

آیا د دموکراسی او عدالت واقعاً پلوی کسانو او ځوا کونوکومه شیبه په دې خبری سوچ کړی او دخپلو په څنځیرونو کې ښکیلو افغانی ورونو او خویندو په ګټې غوڅې فیصلې ته رسیدلي دي؟ آیا مونږ ددې خبرې حق نلرو چې خپله دا هیله د پاکستان‌له یوی تر تولو پوهی او تر تولو با اهمیته روشن خیالې ټولنې یعنې‌حقوق پوهانو او ایدوکیټانو ټولنې څخه ولرو؟ کومه چې باید د خپل هیواد دولتي مقامات پرې‌نږدی څو د پاکستان‌د رسمی میلمنو په توګه دخاینو بنسټپالو درابللو او یا د افغانی دموکراسی ضد ځوا کونود پلوی کولو په بنسټ د افغانستان د ملت سپکاوی‌وکړي.

د پاکستان‌وکیلانو څخه زمونږ غوښتنه

مونږ فکر کوو چې کولای شو او باید خپله دا غوښتنه د پاکستان دوکیلانو ټولنې څخه ولرو. مونږ دا غوښتنه د پشاور ډسټرکټ بار ایسوسی‌ایشن‌او نورو باخبره روښن خیالانو څخه لرو، لکه څرنګه چې تل یې د پاکستانی‌رجعت پسندو ملایانو او بنسټپالو په ټېټر دنه منلو څېپړه ګذار کړی او خپل اوچت او اغیزمن غږ یې د فاشیستو رژیمونو او پوځیانو پرضد اوچت کړی دی، چې پری نږدی دولتونه یې افغانستان کې د دموکراسی او ښځې حقوقو خلاف د ډېرو ناولو دښمنانو وا کمنی‌ته د رسیدلو په لارکې ټول انسانی او آزادی غوښتونکی ارزښتونه او ضوابط تر پښو لاندی کړي. **دا د پاکستان د دموکراسی غوښتونکو روښن خیالانو ذمه‌داری ده چې که نشی کولای خپل دولتونه، چې د دموکرات اوسیدلو ادعاګانی هم لری، د افغانستان د دموکراتو او بنسټپالی ضد ځواکونو ملاتړ ته وهڅوی، کم له کمه باید دومره زور واچوی چې دولت‌یې بی‌غرضه پاتی شی‌او افغانستان‌کی د رجعت‌پسندی له عصارو سره په هیڅ نوم او هیڅ راز مرسته ونکړي.**

پرېږدې‌چې زمونږ ملت باندې د دولتونو د تنګنظری چلند څخه جوړ شوی زخم باندی ددغی کوچنی پټی اینبودلو افتخار د پاکستان‌شریفو وکیلانو او حقوق پوهانو ته ورپه برخه شي.

ښاغلی محترم مسعود الرحمان خان، قدرمنو حاضرینو،

مونږ د افغانستان د باخبرو ښځو د مضبوط آرګنائزیشن په څېر چې دلومړی ځل لپاره مو په شپاړس کلنی مودی کی له تاسو سره دلیدلو موقع ترلاسه کړی ده طبعاً دهغه څه په هکله چې زمونږ خلک یې شپه او ورځ دبنسټپالو د تر ټولو وحشتنا کواو تر ټولو انسانی ضد جنایاتو له مخی په خپل ځان باندی آزمایی دومره چې د کشمیر او بوسنیا له فجیعو سره مقایسه کیدای هم نشی، ډیر څه دویلو لپاره لرو خو له بده مرغه دوخت د کموالی له امله نشوای چې زمونږ په خلکو او په خاصه توګه ښځو باندی د جهادی زورزیاتی ډیری نوری څندی رابرسیره کړو.

نو، اجازه را کړی‌له وخت څخه په ګټې اخیستلو سره ستاسو کلکه‌پاملرنه زمونږ د شهیدې رهبری مینا د وژونکو کیس ته چې دا اوس اوس په سپریم کورټ کی پروت دی راواړوم ترڅو دغو جاسوسانو دهشت‌ګردو ته دحبس‌دوام پرځای د پهانسی‌حکم وغوښتل شی. مونږ هیله لرو د NWFP ټول آزادی غوښتونکی او عدل پسند ایدوکیټان به د ګلبدین د حزب په لاس د سپیڅلی او قهرمانی ښځی دوینو دترپښو لاندی کیدلو په خلاف د هر راز قانونی لارو چارو په کارولو سره خپله ونډه تر سره کړي.

زه له ټولو برخه‌والو څخه چې زما دخبرو په اوریدلو سره یې تکلیف وګاله یوځل بیا مننه کوم او غواړم خپلی خبری په دغو شعارونو پای ته ورسوم. □

مړه دی وی افغانستان او نورو هیوادونو کی خاین بنسټپالی!
تل دی وی افغانستان او ټولو هیوادونو کی آزادی، دموکراسی او ټولنیز عدالت!

متن اعلامیه «راوا» که در جریان تظاهرات به زبانهای پشتو، دری، انگلیسی و اردو وسیعاً پخش شد.



فاجعه آفرینان ۷ و ۸ ثور را فقط با مبارزه قاطع می‌توان به زباله‌دان سپرد

امروز چهار سال از جباریت سیاه فاشیستهای مذهبی می‌گذرد. در این مدت مردم ما روزگار تلخ‌تر و سیاهتری در مقایسه با حاکمیت ۱۴ ساله وطنفروشان خلق و پرچم دیده اند.

جناحهای درگیر جنگ چه از جنس اخوانی و وهابی و یا وحدتی و طالبی هر کدام با امکانات سرشار مالی و نظامی باداران خارجی خود توانسته اند تنور جنگ های کثیف قومی و مذهبی در افغانستان را داغ نگهدارند. اینان بدون دالر و سلاح محکوم به آب شدن و نیستی اند. بطور مثال اگر امروز گلبدین و دسته‌اش دم راست می‌کند و حاشیه‌نشین شده نه به خاطر آنست که وی تغییر ماهیت داده و یا از آدمکشی و شرارت سیر آمده و توبه کرده، بلکه عمدتاً بخاطر آنست که جریان تبدیل شدن به کاغذتشناب بادارانش را از سر می‌گذراند.

این روزها باز هم شاهد عشوه گری های این نیروهای خاین و وطنفروش بخاطر «صلح و وحدت» با یکدیگر می‌باشیم. گلبدین و ربانی این دو جانی مکار و رسوا می‌خواهند به وصال برسند؛ طالبان با حزب وحدت خلیلی در حجله می‌نشینند؛ ربانی به طالبان چشمک می‌زند و دوستم خود را به امریکا می‌رساند تا بیشتر دل بادار حریفان را برباید.

ولی امید بستن به تلاشها برای قطع جنگ و جور آمد نیروهایی که حیات و ممات شان بسته به کمکهای خارجی بوده و هیچ پایه‌ای مردمی ندارند، خام فکری‌ای بیش نیست، زیرا:

- اینان به همان سادگی‌ای که عهد می‌بندند به همان سادگی آن را می‌شکنند. پیمان شکنی های اینان در حضور باداران پاکستانی، عربی و ایرانی و پا نهادن شان بر سر قسم و قرآن در مکه را هنوز مردم فراموش نکرده اند.
- مالکان اینان بسادگی نمی‌توانند بین خود جور بیایند تا در نتیجه مزدوران هم به آشتی‌ای دراز مدت دست یابند.
- هر سردسته و همدستان نزدیکش لذت قدرت، چوکی، پول، امارت منطقوی وغیره را چشیده و حاضر اند حتی خون خود را بخاطر حفظ امتیازات غصب شده بریزند.

این خاینان توقع دارند که هروقت میل کردند و خاکباد «صلح» را براه انداختند، مردم باید خوش باشند و نذر بدهند. اما نمی‌دانند که تاریخ وطن ما موجوداتی منفورتر وکثیفتر از آنان را بخود ندیده است. نمی‌دانند که بر هر طفل مکتبی ما هم روشن است که وقتی خاینان در شرایط پراکندگی و شکم‌دراندن یکدیگر تا این حد مرتکب جنایت و هرزگی شوند وای به روزی که متحد شوند و گله‌وار بجان مردم بیافتند. مردم ما آسودگی و نجات خود را نه در آشتی این درندگان، بلکه در فنای کامل شان می‌بینند.

سازمان ملل‌متحد هم تا حال غیر از اینکه به مردم افغانستان امید کاذب بیآفریند، نقش دیگری نداشته و تلاشهای آن محکوم به شکست است زیرا علاوه بر در نظر نگرفتن نصف نفوس کشور و انکار از نقش نیروهای دموکراتیک، مداخلات وسیع کشور های خارجی را محکوم نکرده و خواستار به محاکمه کشیده شدن امیران جهادی به مثابه جنایتکاران جنگی نمی‌باشد.

سازمان کشور های اسلامی (OIC) هم نمی‌تواند کوچکترین اقدامی برای صلح و حل قضیه افغانستان بکند زیرا زنجیر هر یک از امیران جهادی راکشوری از آن بدست دارد که بخاطر تأمین منافع خود آنان را می‌جنگاند.

ربانی و شرکاء با دامن زدن مذبوحانه به احساسات ناسیونالیستی افغانی بر ضد مداخلات پاکستانی ها می‌خواهند بر سلطه‌ی پر خون و خیانت خود پرده بکشند. ولی آیاکسانی که سلول سلول بدن شان در گرو دیگران باشد و داغ نابخشودنی خیانتها را نسبت به میهن و مردم ما در پیشانی داشته باشند، حق دارند از ناسیونالیزم و وطنپرستی صحبت کنند؟

آواز بشدت کاذب و کریه «ناسیونالیستی» و «ضد پاکستانی» ربانی و شرکاء که خود را زیرپای ایران و هند و فرانسه و روسیه انداخته اند، نه هرگز بخاطر منافع کشور مان، بلکه صرفاً و صرفاً بخاطر زدن حریفان طالبی و گلبدینی و منحرف ساختن توجه مردم ما مسلخی بنام افغانستان می باشد.

مردم افغانستان برای لحظه‌ای هم فریب و ذلت جنگیدن بر ضد پاکستان را در سپاه خاینان و تبهکاران پلیدی چون ربانی و شرکاء نخواهند پذیرفت. فقط با گذشتن از نعش ربانی و گلبدین و سایر گرگان خاین اخوانی است که مردم ما قادر خواهند بود به دفع مداخله هر کشور خارجی‌ای بپردازند.

طالبان در قندهار به نمایش دیگری دست زدند. آنان جلسه‌ای از چند صد نفر را بنام «علمای کرام» ترتیب دادند و ضمن اعلام ملاعمر نام به عنوان «امیرالمؤمنین»، برادر «جهادی و دینی و قیادی» خود «استاد ربانی» را «مباح الدم» نامیده و علیه وی حتی اعلان «جهاد» دادند. لیکن آقایان طالب از یاد می برند که میهنفروشان پرچمی و خلقی هم به زور برچه و پول از اینگونه جلسات دایر کردند اما نجات نیافتند و همینطور ربانی و شرکاء و گلبدین و جنایتکاران دیگر نیز می توانند صدها ملا و مولوی خود فروخته راگرد هم آورند تا این و آن به اصطلاح فتوای مورد پسند شان را صادر کنند. مگر مسخره بازی «شورای اهل حل و عقد» ربانی و همدستان، از محکومیت ابدی وی و «دولت»اش بین مردم ما ذره‌ای کاست؟ ملا عمرخان باید بداند تا زمانی که بر دالر و کلاشنکوف تکیه دارد می تواند هر نمایشی بخواهد اجراء کند و خود را آقای جهان یا هر چیزی دیگری بنامد. لیکن مطمئن باشد که به هیچوجه نخواهد توانست عمر دموکراسی ستیزی، زن ستیزی و استبداد سیاه قرون وسطائیش را طولانی سازد.

حکم تاریخ چنین است که حاکمیت مشتی عناصر دالری و کلاشنکوفی تا مغز استخوان مرتجع و وابسته به قدرتهای خارجی چه از شلاق و گلوله کار بگیرند، چه از شیادی و نیرنگ و چه مشتی روشنفکران سازشکار و تسلیم‌طلب به آنان خوش خدمتی کنند، چند صباحی بیش نبوده و سرنوشتی بهتر از تره کی، امین، ببرک و نجیب نخواهند داشت.

«جمعیت انقلابی زنان افغانستان» هماهنگ با توده ها این نیروها را به مثابه دشمنان اصلی و سوگند خورده مردم تشخیص داده و بدون کوچکترین ملاحظه کاری و با قبول مرگ و مورد تهدید و توطئه و فحاشی های رذیلانه قرار گرفتن، خود را وقف مبارزه در برابر جنایتکاران اخوانی و نیل به آزادی و دموکراسی‌ای واقعی نموده است.

دور نیست روزی که طناب انتقام مردم ما بر گردن فاجعه آفرینان ۷ و ۸ ثور گره خورده و کابوس این دو روز سیاه و سیاهتر برای همیشه از ذهن ملت ما رخت بربندد.

مرگ بر بنیادگرایان و صاحبان خارجی شان!
برقرار باد وحدت نیروهای دموکراتیک و انقلابی افغانستان!
زنده باد آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی!

جمعیت انقلابی زنان افغانستان

۸ ثور ۱۳۷۵ ـ ۲۷ اپریل ۱۹۹۶

RAWA, P.O.BOX 374, QUETTA - PAKISTAN

د مارچ اتمه



د خاینو اخوانی بنسټپالو او د دوی د طالبی ورونو د راپرځولو په لوری سره ونمانځو!

سږکال هم د مارچ اتمه، د ښځې نړیواله ورځ په داسې حال کې نمانځو چې زمونږ خلک او په خاصه توګه ښځې، د داړونکو بنسټپالو او د دوی دیې ارزښته مزدورانو په څنځیروکې لاس او پښې وهي او په ډیرې بې شرمۍ سره هیوادکې د تمدن او فرهنګ وروستي پاتې شوني تر پښو لاندې او ورانیږي. که په تیروکلونوکې پرچمي او خلقي هیواد پلورونکي د «سوسیالیزم» او «خلق» د څیرې لاندې د خلکو د ځان او مال په لوټولو لګیا وو، په وروستیو څلوروکالونوکې ډول ډول بدذاتي بنسټپالان د دین او مذهب تر نوم لاندې په هر رازکیدونکي رذالت او جنایت بوخت دي.

که څه هم جهادي خاینانو یو ځل بیا د «سولې» انګولا ایستل پیل کړي دي خو نه د «دولت» لوری او نه د دوی اپوزیسیون یو هم نه یواځې د خپل جهادي وروړګلوي جګړو د بندولو نیت نلري چې شپه او ورځ د یو بل دیوې مړیکولو لپاره نقشې اوباسي. د طالبانو ماورای ارتجاعي ډله هم چې د «جهادي» سپیتاني جګړوکې یې له خپلو اخواني او وهابي «ورونو» څخه میدان ګټلی، د هغوی په شان او په ځینو برخوکې تر هغوی هم لابدتر له علم، فرهنګ او د ښځو له حقوقو سره دښمني کوي، د تعلیمي مؤسسو دروازې یې عملاً تړلې او ښځه‌یې په ډیرې بې شرمۍ او څرګنده دکور بندي، د نارینه کنیزه او دچړچو وسیله بللې ده.

د پاکستان دولت د دموکراسۍ په ادعاکولو سره له یوې خوا د افغانستان چاروکې د لاس نه وهنې او د افغانستان او پاکستان د ملتونو د پیوستون او ملاتړ خبرې کوي خو له بلې خوا اوس چې له خاین رباني او ونډه والو سره‌یې کنبیوتي دي د افغانستان د خلکو نورو ډیرو ناولو دښمنانو لکه ګلبدین ته د «رهبرانو» او «ډیرو مهمو خلکو» په څیر میلمستیا ورکوي او هرکلي ورته وایي او غواړي په هره بیه چې وي هغوی زمونږ په خلکو وتپي. د پاکستان دولت د جنایتکاره اخواني بانډونو د سرغنو په درناوي او ښه ایسولو سره یواځې زمونږ د خلکو کرکه خپل ځان ته ګټي.

که د پاکستان دولت په رښتیا سره غواړي زمونږ د خلکو د دوست په شان چلند وکړي باید د بنسټپالانو د پالنې په اړه د ایران، سعودي عربستان او نورو فاشیستي مذهبي دولتونو سره یو لاس کیدو څخه ځان وژغوري او هڅه وکړي چې د ملګرو ملتونو مؤسسې په همکارۍ سره ټول وطني اخواني او طالبي سر غندویان د ډیرو ناولو جنګي جنایتکارانو په څیر دمحاکمې میز شاته راولي. ترڅو چې وطني جنایتکاره بنسټپالان محاکمې او غرغرې ته رانه وستل شي د هاګ په نړیواله محکمې کې د بوسنیا سربي جنګي جنایتکارانو روانه محاکمه به زمونږ د خلکو په پام کې له یوې ملنډیزې ښکاروني پرته بل څه نه‌وي.

د هیڅ یوه جنګي جنایتکار جنایتونه د نړۍ په هیڅ یوه ګوټ کې لکه د افغانستان خاینو اخواني جنایتونو په شان زیات ترهنده او تور ندي.

په صحیح توګه ویل کیږي چې نړۍ، د بنسټپالو په بندکې پروت افغانستان له یاده ایستلی دی. اما د هغه څه په هکله چې د دې سیمې په ښځو تیر شوي او تیریږي دا له یاده ایستل لا زیات اوکلک دي. د نړۍ په هیڅ یوه جګړې ځپلې ګوټ کې دومره ډیرو ښځو باندې په ځناور توب تیری ندی شوی چې افغانستان کې د مریضو او خروړو جهادیانو له خوا شوی دی. د ښځو د ځان وژنې شمیر له دې ویرې چې د بې ناموسه اخوانیانو په منګلو کې ونه لویږي د نړۍ په هیڅ یوه ګوټ کې هم افغانستان سره نشي مقایسه کیدلای.

په دې وروستیو وختونوکې د رباني «دولت» د دې لپاره چې خپل او د خپلو «ورونو» جنایتونه پټ وساتي په نوي تیرایستنې لاس پورې کړي او هغه دا چې ځینې ځان پلورونکي او خاینې ښځې لکه قدریه یزدان پرست، آمنه افضلي او جمیله بلخي یې

سینګار، او میدان ته ایستلی ترڅو له جهادی بی ناموسیو څخه ځان په ټپه منکر کړی او یا هغه دخپلو شرف بایلودو «ورونو» د یوی کوچنی ډلګکی‌کار وښیئی. خو د عفوی بین‌الملل سازمان وروستی سند سره له دی چی د افغانستان ښځو باندی د واکمن وحشت یوه کوچنی څنده ښکاره کوی، د دغو سرکاری ښځو په اوربوز باندی کلکه لته شمیرل کیږی. زمونږ آزادی غوښتونکی رنځېدلی ښځی هماغه شان چی د بدنامه جهادی«تورسرو» ځای د دوی د خاینو او تروریستو څښتنانو تر څنګ ګنی، د هغو سازشکاره ښځو خبرو او تبلیغاتو ته هم د یو خچنی اهمیت نه‌ورکوی چی د «دولتی» سپو «مل تیا» کوی او یا غواړی له خپلی چادری او پوړنی سره ځان د «جهادی رهبرانو» د پښو لاندی وغورځوی تر څو ډیری وژنی او بی ناموسی ونکړی!

په اوسنی حال کی تر ټولو ترهنده او لویه ناروا په ښځو باندی د اخوانی او طالبی ارتجاع واکمنی له لوری ده چی ځان یی د اسلام او شریعت تر پیرړی پردی لاندی پټ کړی دی. له دی امله پرته د منځنیو پیړیو د دغی خونړی واکمنی د ځنځیرونو له شلولو، آزادی او نیکمرغی ته د هغوی رسیدل هیڅ امکان نلری.

د نړی‌زیاتره هیوادونو ښځی د پراخه ټولنیزی آزادی له هیلو او سترو علمی او فرهنګی مستقبل سره د یو ویشتمی پیړی هرکلی ته درومی. خو زمونږ په بدمرغه افغانستان کی، ښځی او نارینه د «مکتبی» بنسټپالو له طاعون څخه لا خلاص شوی ندی چی د هغوی د مدرسه‌یی «ورونو» په لومه کی را ښکیل کیږی.

خو تاریخ د مذهبی یا غیر مذهبی په شاتلونکو، آزادی وژونکو او فاشیستانو په ارادی تګ نه کوی. د آزادی غوښتونکو پرګنو اراده د تاریخ له پر مختلونکی حرکت سره سمون لری. د هیواد خپلواکی غوښتونکی او دموکراتیک ځواکونه به ژر یا ځند د میلیونونو له ځانه تیرو ښځو او نارینه‌وو په ملاتړ پاڅیږی او له خپلی سپیڅلی خاوری څخه به اخوانی او طالبی نوغی لیری کړی. تر هغه وخته د ټولو پوهو ښځو دنده ده په هری لاری چی امکان ولری د فاشیستی کړو وړو په ضد مقاومت وکړی او پری نږدی تر څو خاین دښمن، هر راز چی وی، ځان د خیر په غونډی ناست ووینی.

خویندو،

تر هغه وخته چی زمونږ هیواد د بنسټپالی ناولتیا څخه پاک شوی نه وی، هماغه راز چی د اختر او نوروز ښادی نلرو او جنایت کاره اخوان زمونږ خلک له هری بلی خوشحالی څخه هم بی برخی کړی دی، بنایی چی د مارچ اتمه د ښځی نړیوالی ورځی نمانځنه یواځی د اخوان او ونډه‌لرونکو او خارجی خاوندانو ضد مبارزی په زور اچونی سره ترسره کړو.

مړه دی وی هر راز بنسټپالی!

ژوندی دی وی د مارچ اتمه د ښځی د پیوستون نړیواله ورځ!

ځپانده دی وی مذهبی فاشیزم ضد مبارزه افغانستان او ټولی نړی کښی!

د افغانستان د ښځو انقلابی جمعیت

د۱۹۹۶ کال د مارچ اتمه ـ د ۱۳۷۴ کال دکب اوولسمه

RAWA, P.O.Box 374, Quetta - Pakistan

حرفهای دو چوچه اخوانی علیه سخنرانی نماینده «راوا» در انجمن هیئت وکلای پشاور که ارزش هیچ تبصره‌ای را ندارند

جواد همیم:

«صایمه کریم سنجیده گپ بزند»

از اظهارات ضد مجاهدین خودداری ورزد اگر نه خود مسئول وضع خواهند بود

پشاور (خبر وحدت) ـ منشی مرکزی انجمن طلبه‌ی نهضت اسلامی، جاوید احمد جواد همیم طی بیانیه‌ای گفته است بنیادگرایان کسانی اند که بر ضد ارتش روس مبارزه مسلحانه را آغاز کرده و ملت غیور افغانستان را بر آن واداشت تا برای افتخارات دینی و دفاع از کشور جهاد نماید.

وی گفت که صایمه کریم از صحبت های بی‌مورد خودداری نماید زیراکه در افغانستان نظام اسلامی کاملاً پیاده شده و جایی برای سکیولاریزم وجود ندارد.

او گفت که صایمه کریم سنجیده صحبت نموده از اظهارات نادرست علیه اسلام و مجاهدین خودداری نماید. وی علاوه کرد که اسلام حقوق زن را بطور کامل و بیشتر از تمام مذاهب دیگر در نظر گرفته است. او افزود که صایمه کریم و رفقایش در محدوده‌ی خویش بمانند و از اظهارات نادرست خودداری ورزند در غیرآن خود مسئول خرابی اوضاع خواهند بود. □

صائمه کریم دې خلهٔ سمه خوزوې، جواد همیم

[redacted]



پېښور (وحدت خبر) دانجمن طلباء نهضت اسلامی مرکزی صدر جاوید احمد جواد همیم په یو بیان کښې وئیلی دی چې بنیاد گران هغه خلق دی چاچې د روسی فوځ خلاف ئې وسله واله مبارزه پیل کړه. او د افغانستان غیور ملت ئې دې ته وهڅاوه چې د خپل دینی عزت او وطن د دفاع دپاره جهاد وکړی. ده ووېل چې صائمه کریم دې هسې بې ځایه خبرې نهٔ کوی ځکه چې افغانستان کښې د سیکولرازم دپاره هیڅ ځای نشته او هلته پوره اسلامی نظام چلیږی. ده ووېل چې صائمه کریم دې خله سمه خوزوی او داسلام او مجاهدینو خلاف دې غلط بیانونه نهٔ ورکوی ده زیاته کړه چې اسلام ښځو ته خپل پوره حقوق ورکړی دی چې د دنیا هیڅ بل مذهب دومره نهٔ دی ورکړی. ده زیاته کړه چې صائمه کریم او د هغې ملګرې دې په خپل دائره کښې اوسیږی کنې غلط بیانونو ورکولو نه دې ډډه وکړی. د حالاتو د خرابیدو ذمه واره به ئې خپله وی.



همتیار:

«رد اظهارات اخیر رهبر جمعیت زنان»

باید در آینده از ایراد همچو بیانیه ها خودداری ورزند

پشاور (پ ر) ـ انجنیر حزب‌الله همت یار نطاق سیاسی تنظیم محصلان در حوزه‌ی بورد حضرت عبدالرحمن بن عوف واقع پشاور گفته است که همه‌ی ملت قیام ملی نموده تنظیم های جهادی و طالبان را دور هم بنشانند.

وی دیروز گفت اگر چنین نمیشود پس به ملت فرصت داده شود که خود مسایل کشور شان را حل نمایند.

او اظهارات اخیر رهبر جمعیت زنان را رد نموده گفت که ایشان باید در آینده از ایراد همچو بیانیه‌ها خودداری ورزند. □

د جمعیت زنان د مشرې د وروستی څرګندونو غندنه

[redacted]



پېښور (پ ر) په پېښور کښې د تنظیم محصلان د حضرت عبدالرحمان بن عوف د بورډ د حوزې سیاسی ویاند انجنیر حزب الله همت یار وئیلی دی چې الفغان بحران هغه وخت حل کیدے شی. چې ټول ملت ملی پاڅون وکړی او د جهادی تنظیمونه او طالبان سره خپلو کښې کښینوی. پرون یو بیان کښې ده ووئیل چې که داسې نهٔ کیږی نو بیا دې ملت ته موقع ورکړے شی. چې پخپله د خپل هیواد د شخړه حل کړی. ده د جمعیت زنانهٔ د مشرې د وروستی څرکندونو غندنه وکړه او ووې وئیل چې هغه باید راتلونکې کښې داسې بیانونونه ډډه وکړی.



فعالیتهای «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» و مطبوعات پاکستان

«فرنتیرپست»، ۲۸ اپریل ۱۹۹۶

زنان و اطفال افغان تظاهراتی اعتراضی‌ای در شهر براه انداختند

ملل متحد بخاطر «امید آفرینی کاذب» مورد انتقاد قرار گرفت

پشاور (پی‌پی‌آی) ـ حدود ۳۰۰ زن و طفل افغان بروز شنبه در پشاور تظاهراتی علیه خونریزی جاری در افغانستان براه انداختند.

در تظاهرات که به مناسبت چهارمین سالگرد غصب قدرت توسط مجاهدین در کابل توسط «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا) مقیم پاکستان سازمان داده شده بود، یتیمان، بیوه‌ها و معیوبین جنگ داخلی افغانستان شرکت داشتند.

زنان در حالیکه شعار می‌دادند، گروههای درگیر افغان را بخاطر کشتار مردم افغانستان در اثر مبارزه قدرت محکوم کردند.

از پاکستان، ایران، عربستان سعودی و هند درمیان کشور های خارجی‌ای نامبرده شدکه جنگ داخلی در افغانستان را عمداً دامن می‌زنند.

در ورقه‌ای که توسط «راوا» توزیع شد آمده بود که حاکمیت جهادی‌ها «بدتر از رژیم کمونیستی» که در ۱۹۹۲ در نتیجه‌ی جهاد (جنگ‌مقدس) به رهبری امریکا علیه اشغال افغانستان توسط شوروی ساقط گردید، می‌باشد.

سازمان ملل نیز بخاطر ایجاد امید کاذب برای مردم افغانستان مورد انتقاد قرار گرفت. مساعی سازمان ملل محکوم به شکست است زیرا با وجود نادیده گرفتن نصف جمعیت کشور و رد نقش نیروهای دموکراتیک، جرأت ندارد تا رهبران جهادی را بمثابه جنایتکاران جنگی به محاکمه کشاند. در ورقه همچنان اظهار تأسف شده بود که سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) بخاطر اعاده صلح و حل مسئله‌ی افغانستان اقداماتی اتخاذ نمی‌تواند، زیرا بعضی اعضای آن «نوکرانی» در میدان دارند که بخاطر منافع مغرضانه‌ی باداران شان می‌جنگند.

پولیس راهپیمایی دو کیلومتری را تا مرکز شهر، جاییکه تظاهرکنندگان وادار به متفرق شدن گردیدند، همراهی نمود. □

The Frontier Post

28 APRIL 1996

Afghan women, children stage protest rally in city

UN flayed for 'false hope'

PESHAWAR (PPI) About 300 Afghan women and children demonstrated here Saturday [against] the continuing bloodshed ...

Pakistan, Iran, Saudi Arabia, Russia and India were named among the foreign countries allegedly fuelling the civil war in Afghanistan.

A leaflet distributed by RAWA ... the Afghan Mujahedeen's ... "worse than the ... was ...

... spite ignoring half of the population of the country and rejecting the democratic forces role, it does not dare to bring to justice the Jihadi leaders as war criminals, it added. It was further deplored that the Organisation of Islamic Conference (OIC) could not take any measures for peace and solution of the Afghan problem ... some of its members ... in the gro...



Afghan women and children hanging effigies of mujahideen leaders during a protest rally here on Saturday.

«نیشن»، ۲۸ اپریل ۱۹۹۶

«راوا» در پشاور راهپیمایی‌ای بر ضد طالبان برگزار نمود

پشاور ـ به ارتباط چهارمین سال سیاهروز سلطه مجاهدین بر افغانستان، صدها زن، پسر و دختر افغان تظاهراتی را صبح روز شنبه در پشاور برگزار کردند.

تظاهرات که توسط «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» سازمان داده شده بود بوسیله تعداد زیادی از بیوه‌ها، یتیمان پسر و دختر و معیوبین همرایی می‌شد. مظاهره کنندگان که در خانه‌ای واقع در دیفنس کالونی، پشاور جمع شده بودند به راهپیمایی پرداختند. مظاهره‌کنندگان بعد از مارش در یونیورستی رود، حیات ایونیو، خیبر رود، سرسید رود وغیره در مقابل پریس کلب پشاور بعد از قرائت اعلامیه‌ای متفرق گردیدند.

مظاهره کنندگان پرچم‌ها، پلاکارت‌ها و تصاویری از اطفال جنگ زده و رهبر شهید کشورکمال را حمل می‌کردند و علیه رهبران مجاهدین و طالبان شعار می‌دادند. «طالبان جاهلان اند، مجاهدین قاتلان اند. ربانی، سیاف وگلبدین جاسوسان پاکستان و ایران اند. ایران، پاکستان و عربستان سعودی مسئول ویرانی افغانستان و قتل افغانها اند. کشورهای خارجی مسئول مسلط ساختن مجاهدین و طالبان بر افغانستان اند» شعارهایی عمده‌ای بودند که در طول دوساعت راه پیمایی داده می‌شدند. این اولین مظاهره‌ای از نوع خود در شهر پشاور بود.

از دیفنس‌کالونی تا پشاورکلب، تظاهر کنندگان در نقاط مختلف بوسیله زنانی که در موتری نشسته بودند مورد خطاب قرار گرفتند. آنان به زبانهای اردو، پشتو و دری سخنرانی کردند تا توجه مجامع جهانی را به نقض وسیع حقوق بشر بوسیله مجاهدین و طالبان در مناطق تحت کنترول شان، جلب کنند. عضوی از «راوا» ادعا کرد که کشورهای همسایه، گروه‌های درگیر را به جنگ باهم ترغیب نموده، مسئول بی‌ثباتی و عدم امنیت روزافزون در کشور جنگ زده اند. او به مشکلات اقتصادی زنان افغانستان نیز روشنی انداخت که در اثر جنگ و درگیریها در کشور شان به سراسر جهان پراکنده شده اند. وی تأکید ورزید که «راوا» برای حفظ حقوق زنان و بنیاد یک ساخت دموکراتیک در افغانستان به مبارزه ادامه خواهد داد. به مظاهره‌کنندگان اجازه داده نشد تا از مقابل قنسلگری امریکا واقع در اسلامیه رود عبور کنند. مسیر مظاهره بسوی خیبر رود منحرف گردید و اکثر مظاهره‌کنندگان با رسیدن در مقابل خانه‌ی فرهنگ ایران در سرسید رود، حدود ۱۰ دقیقه شعارهایی علیه دولت ایران دادند. مظاهره کنندگان ایران را بخاطر ادامه جنگ و ویرانی در افغانستان مسئول قلمداد کرده حاکمین آنرا بخاطر کمک به ربانی و سایر رهبران درگیر در جنگهای جاری افغانستان شدیداً مورد انتقاد قرار دادند.

قبل از پراکنده شدن در مقابل پشاور کلب، اعلامیه‌ای بزبان پشتو خوانده شد که در آن به اهداف تظاهرات روز شنبه روشنی انداخته شده بود. آنان گفتند که حالا افغانستان جائیکه ساکنین درمانده و بخصوص زنان و اطفال در معرض بدترین ستمها و بی‌عدالتی‌ها قرار می‌گیرند بوسیله کشورهای جهان نادیده گرفته می‌شود.

آنان اظهار داشتند که کشورهای جهان باید به اوضاع داخلی افغانستان توجه کنند و طالبان و مجاهدین جنگ افروز را وادارند که به افغانهای دموکرات و وطنپرست اجازه دهند تا در افغانستان نظام دموکراتیک واقعی را تأسیس نمایند. □



The Revolutionary Association of the Women of Afghanistan (RAWA) staging a rally in Peshawar on Saturday.

RAWA stages rally against Taliban in Peshawar

From Shamim Shahid

PESHAWAR — In connection with the Black Day on completion of Mujahideen's fourth year rule over Afghanistan, hundreds of Afghan women, girls and children staged a demonstration at Peshawar on Saturday morning.

The demonstration was organised by the Revolutionary Association of

Foreign countries are responsible for empowering Mujahideen and Taliban over Afghanistan", were common slogans, chanted during the around two hours, first of its kind demonstration at Peshawar.

From Defence Colony till Peshawar Club at several points, the demonstration were addressed by a women sitting in a vehicle. She addressed the processionists in three languages Urdu,

Consulate General situated on Is' road. The procession was div Khyber Road and almost pr chanted slogans agains government on arriv Iran's Culture Ce Syed Road. Re 10 minutes responsib shed a and

The Nation 28 APRIL 1996

«نیوز»، ۲۸ اپریل ۱۹۹۶

«راوا» علیه رهبران افغان اعتراض نمود

RAWA protest against Afghan leaders

Bureau Report

PESHAWAR: Hundreds of Afghan women staged a demonstration in Peshawar on Saturday to protest against the fundamentalist Afghan leaders and their anti-human policies.

On the call of Revolutionary Association of the Women of Afghanistan (RAWA), more than 200 demonstrators gathered outside Gora Kabristan at Jamrud Road, Saturday morning. They marched towards Sunehri Masjid Road in the cantonment area where they were addressed by the RAWA leaders.

The demonstrators were chanting slogans against the mujahideen leaders and carrying placards and banners, inscribed with anti-mujahideen slogans. Three effigies, resembling the Engineer Hekmatyar, Afghan president Rabbani and Ustad Sayyaf were hanged atop an open vehicle.

Meanwhile, a statement issued by the RAWA said the the Afghan leaders are killing innocent people for their vested interests and to please their masters. It also lambasted at the United Nations and Organisation of Islamic Conference (OIC) for having failed to settle down the Afghan issue.

The statement alleged that the UN is giving false hopes to the people of Afghanistan and its efforts ... repeated failures. It added that ... ignoring the half of the ... democratic forces ... recent ... war



Afghan women protesting against fundamentalist Afghan leaders in Peshawar on Saturday.

... It added that the jihadi leaders ...ave lost their trust by violating ...eir agreements in the past and have proved themselves as power hungry and stooges of foreign countries.



پشاور ـ صدها زن افغان بروز شنبه در پشاور تظاهراتی براه انداختند تا علیه رهبران افغان بنیادگرا و سیاستهای ضد بشری آنان به اعتراض پردازند.

بنا به تقاضای «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا) صبح روز شنبه بیش از ۲۰۰ مظاهره کننده در بیرون گورا قبرستان واقع در جمرود رود جمع شده بودند. آنان بسوی سنهری مسجد رود در مرکز شهر راه پیمایی نمودند.

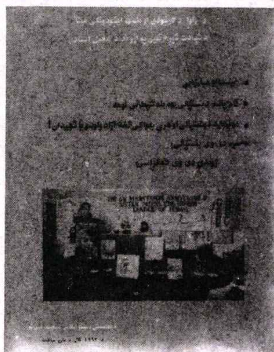
مظاهره کنندگان علیه رهبران مجاهدین شعار می‌دادند و پلاکارت‌ها و پرچم‌هایی با خود حمل می‌کردند که شعار های ضد مجاهدینی در آن حک گردیده بود. آنان سه آدمک شبیه حکمتیار، رئیس جمهور افغانستان ربانی و سیاف را در بالای موتری اعدام نموده بودند.

ضمناً، اعلامیه‌ای توسط «راوا» پخش گردید که در آن گفته شده بود که رهبران افغان بخاطر منافع مغرضانه و فردی خویش، و خشنود کردن اربابان شان مردم بی‌گناه را به قتل می‌رسانند. در اعلامیه از سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) و ملل‌متحد بخاطر ناکامی شان در حل مسئله افغانستان نیز انتقاد شده بود.

در اعلامیه ادعا شده بود که سازمان ملل به مردم افغانستان امیدهای کاذب می‌آفریند و تلاشش مکرراً دچار شکست می‌گردد. در اعلامیه علاوه شده بود که سازمان ملل نصف جمعیت افغانستان و نیروهای دموکراتیک را نادیده می‌گیرد.

اعلامیه‌ی «راوا» در مورد گفتگوهای اخیر میان حکمتیار و ربانی بخاطر صلح، خاطرنشان ساخت که مذاکرات مذکور خود فریبی‌ای بیش نیست.

در اعلامیه آمده بود که رهبران جهادی با نقض معاهدات شان در گذشته اعتبار خویش را از دست داده اند و خود را بمثابه قدرت‌طلبان و نوکران کشورهای خارجی‌به اثبات رسانیده اند. □



سندی به زبانهای پشتو و فارسی حاوی اسناد محفل ششمین‌سالروز شهادت مینا

جهت دریافت آن بما بنویسید



«جهاد»، ۲۸ اپریل ۱۹۹۶

برگزاری مظاهره با شکوه توسط «راوا»، انتقاد شدید از بنیادگرایان افغانستان

آدمک های ربانی، سیاف و گلبدین را به دار زدند، کودکان سرودهای ملی خواندند.

پشاور (جهاد نیوز) ـ «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» روز قبل در پشاور مظاهره باشکوهی را به راه انداخت. بیش از هزار زن و کودک شرکت کننده، وحشیگری بنیادگرایان را محکوم کردند. این مظاهره از گورا قبرستان شروع و در صدر به پایان رسید. شرکت کنندگان پلاکارت‌ها و تصاویری از ویرانی‌های کابل و شهیدان را حمل می‌کردند. در جریان مظاهره اعضای «راوا» نظرات خود را ارائه نمودند و کودکان «مکتب وطن» مربوط «راوا» سرودها و ترانه های ملی اجراء کردند. زمانیکه مظاهره در مقابل خانه فرهنگ ایران رسید، شرکت‌کنندگان تظاهرات بر ضد حکومت فاشیستی و مداخله آن در افغانستان شعار دادند. در تظاهرات آدمک‌های بدار زده شده‌ی ربانی، سیاف و گلبدین توجه همه را به خود جلب کرده بود. «راوا» با وجود تهدیدهای بی‌شمار سال قبل بنیادگرایان وحشی، با برگزار کردن تظاهرات برای بار دوم در شهر پشاور پاکستان ثابت کرد که بدون هیچگونه ترسی از تهدیدهای بنیادگرایان علیه آنان مبارزه خواهد کرد و اخوانی‌های مزدور نمی‌توانند در راه شان موانع ایجاد کنند. □



جمعیت انقلابی زنان افغانستان کے زیر اہتمام احتجاجی مظاہرے کا منظر

"راوا" کے زیر اہتمام زبردست مظاہرہ، افغان بنیاد پرستوں پر کڑی تنقید

پشاور (جہاد نیوز) افغان خواتین کی انقلابی جمعیت نے گزشتہ روز پشاور شہر میں ایک شاندار مظاہرے کا اہتمام کیا مظاہرہ میں شریک ہزار سے زائد خواتین بچوں اور بچیوں نے افغانستان پر بنیاد پرستوں کی جارحیت کی مذمت کی یہ مظاہرہ [illegible] سے شروع ہو کر صدر میں اختتام پذیر ہوا۔ مظاہرہ کے شرکاء نے پلے کارڈز، کابل اور شہیدوں کی تصویریں اٹھا رکھی تھیں۔ مظاہرہ کے دوران راوا کے ممبران نے تقریریں کیں راوا کے وطن سکول کے بچے و بچیاں نے ملی نغمے اور نظمیں پیش کیں۔ جلوس خانہ فرہنگ ایران پہنچا تو شرکاء نے فاشسٹ حکومت اور افغانستان پر مداخلت کے خلاف نعرے لگائے۔ مظاہرہ میں ربانی، گلبدین اور سیاف کے پھانسی پر لٹکائے ہوئے پتلے لوگوں کی توجہ کا خاص مرکز بنے رہے راوا نے پچھلے سال بھی وحشی بنیاد پرستوں کی بے شمار دھمکیوں کے باوجود اس سال پھر پشاور شہر میں مظاہرہ کر کے ثابت کیا کہ وہ بنیاد پرستوں کے ہر قسم کے گھٹیا اور اوچھے ہتھکنڈوں سے بے خوف بنیاد پرستوں کی خلاف اپنی جدوجہد جاری رکھیں گی اور اخوانی پشتونوں کے اعمال ان کی راہ میں رکاوٹ نہیں ...



«اساس»، ۲۸ اپریل ۱۹۹۶

تظاهرات اعتراضی زنان آزادیخواه افغان، شعارها علیه رهبران جهادی

مظاهره از طرف «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» برگزار شده بود، ضمن بنیادگرا خواندن نیروهای جهادی، کلمات شدید را علیه آنان بکار بردند

پشاور ـ تحت اداره «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» روز گذشته در پشاور زنان آزادیخواه افغان مظاهره اعتراضی‌ای به راه انداختند. تظاهرکنندگان علیه رهبران نیروهای مختلف جهادی شعار می‌دادند و در ضمن بنیادگرا نامیدن آنان، از کلمات شدیدی علیه آنان استفاده می‌کردند. آنان طی اعلامیه‌ای گفتند که مردم افغانستان فعلاً نظر به حاکمیت چهارده ساله وطنفروشان خلقی و پرچمی، با شرایط سیاهتر و تلختری مواجه اند. و نیروهای مختلف با کمک بی‌حساب نظامی باداران خارجی در افغانستان جنگ را ادامه می‌دهند. زنان افغان گفتند که سازمان ملل متحد هم تا حال غیر از اینکه به مردم امید کاذب بیآفریند، نقش دیگری نداشته و تلاشهای آن محکوم به شکست است زیرا علاوه بر در نظر نگرفتن نصف نفوس کشور و انکار نقش نیروهای دموکراتیک، از مداخله وسیع کشورهای خارجی ابا ورزیده است. □

آزاد خیال افغان خواتین کا احتجاجی مظاہرہ، مجاہد لیڈروں کے خلاف نعرے

[illegible]

پشاور (بیورو رپورٹ) جمعیت انقلابی زنان افغانستان کے زیر اہتمام گزشتہ روز پشاور میں افغانستان سے تعلق رکھنے والی آزاد خیال خواتین نے پشاور میں احتجاجی مظاہرہ کیا مظاہرین نے افغان مجاہدین کے مختلف گروپوں کے لیڈروں کے خلاف نعرہ بازی کی اور انہیں بنیاد پرست قرار دیتے ہو[illegible] کے خلاف نازیبا الفاظ استعمال کئے افغان خواتین نے ایک پریس ریلیز میں کہا ہے کہ آج افغانستانی عوام خلقی اور پرچمی وطن فروشوں کے چودہ سالہ دور اقتدار سے زیادہ سیاہ اور کڑے حالات میں دوچار ہے اور مختلف گروہ اپنے بیرونی آقاؤں کی بے تحاشا اور فوجی امداد کے ساتھ افغانستان میں لڑائی جاری رکھے ہوئے ہیں افغان خواتین نے کہا کہ اقوام متحدہ نے بھی اب تک افغان عوام کے لئے جھوٹی امیدیں پیدا کرنے کے سوا اور کوئی کردار ادا نہیں کیا ہے انکی کوششیں شکست سے ہمکنار ہوں گی کیونکہ وہ آدھی آبادی کو نظرانداز کرنے اور جمہوری قوتوں کے کردار سے انکار کے علاوہ بیرونی ملکوں کی وسیع مداخلت کی مذمت نہیں کرتی





آزاد خیال افغان خواتین پشاور میں احتجاجی مظاہرہ کر رہی ہیں

«پاکستان»، ۲۸ اپریل ۱۹۹۶

تظاهرات زنان افغان
در مقابل خانه فرهنگ ایران در پشاور

زنان علیه رئیس جمهور برهان‌الدین ربانی، گلبدین حکمتیار و پروفیسور سیاف شعار میدادند
زنان پلاکارت‌هایی رابر ضد جنگ داخلی بلند کرده بودند
ایران با وجودیکه کشور همسایه و برادر است باز هم در پی سودجویی از جنگ داخلی افغانستان است، بیانیه‌ی زنان سخنران

پشاور ـ زنان افغان در مقابل خانه فرهنگ ایران طی مظاهره بزرگی علیه ایران شعار دادند. تظاهرکنندگان متعلق به «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا) بودند. طبق گزارش به روز شنبه صدها زن افغان تظاهراتی بزرگی را در پشاور براه انداختند. تظاهرکنندگان علیه جنگ داخلی جاری بنیادگرایان در افغانستان وعلیه ربانی، گلبدین حکمتیار و سیاف شعار میدادند. مظاهره از گورا قبرستان شروع و در مقابل خانه فرهنگ ایران به پایان رسید. شرکت‌کنندگان پلاکارت ها و شعارهایی را حمل می‌کردند که در آنها نوشته بودند: «به جنگ طولانی داخلی پایان بخشید، بنیادگرایان مرده باد، شهید مینا زنده باد». تظاهرکنندگان در مقابل خانه فرهنگ ایران و علیه حکومت ایران شعارهای شدیدالحنی میدادند. سخنرانان ضمن بیانیه‌یی به شرکت‌کنندگان گفتند که مسئولین سانحه‌های ۲۷ و ۲۸ اپریل (۷ و ۸ ثور) باید شدیداً مجازات شوند. آنان گفتند که در همین روز نیروهای مذهبی بنیادگرا در افغانستان قدرت را بدست گرفتند و کابل و سایر شهرها را در دریایی از خون غرق کردند و تا حالا در هر شهر و کوچه و بازار افغانستان بوسیله مذهبی‌های جنون‌زده، کودکان یتیم، زنان بیوه و والدین بی فرزند میشوند. آنان ضمن محکوم کردن حکومت ایران گفتند که باوجود کشوری همسایه و برادر بودن، ایران در تلاش است تا از جنگ داخلی جاری در افغانستان سود برد و بنابرین بنیادگرایان دیوانه قدرت به قتل عام مردم بیگناه افغانستان مصروف اند. کشورهایی که در پی سؤاستفاده از مردم افغانستان بخاطر منافع خودی اند به یاد داشته باشند که هیچگاه نخواهند توانست کامیاب شوند. آنان گفتند که ربانی، پروفیسر سیاف و گلبدین طی چار سال زیر نام اسلام با چنان بی رحمی‌ای به کشتار مردم مصروف اند که در هیچ نقطه‌ای از دنیا نظیر ندارد. یکی از سخنرانان گفت که حکومت ایران فراموش نکند که دیگر هرگز قادر نخواهد شد سرزمین افغانستان را بخاطر جنون مذهبی خود استعمال کند. □

پشاور میں افغان خواتین کا ایرانی ثقافتی مرکز کے سامنے مظاہرہ

خواتین صدر برہان الدین ربانی، گلبدین حکمت یار اور پروفیسر سیاف کے خلاف نعرے لگا رہی تھیں؛ خانہ جنگی کے خلاف پلے کارڈ بھی اٹھا رکھے تھے

ہمسایہ برادر ملک ہونے کے باوجود ایران افغان خانہ جنگی میں مفاد حاصل کرنے کی کوشش کر رہا ہے؛ خواتین مقررین کا خطاب

روزنامہ پاکستان
THE DAILY Pakistan
28 APRIL 1996

«کسوتی»، ۲۸ اپریل ۱۹۹۶

جنگ در افغانستان، تظاهرات زنان در پشاور

دستهای ربانی، حکمتیار، سیاف و طالبان به خون مردم بی‌گناه افغانستان آغشته اند
طالبان جاهل حق حکمروایی در افغانستان را ندارند، بیانیه رهبران «راوا» به تظاهرکنندگان

کسوٹی
28 APRIL 1996



افغان خواتین کی تنظیم راوا کا احتجاجی جلوس پشاور کلب روڈ سے گزر رہا ہے

افغان جنگ، پشاور میں خواتین کا مظاہرہ

ربانی، حکمت یار، سیاف اور طالبان کے ہاتھ بے گناہ افغان عوام کے خون سے رنگے ہوئے ہیں

طالبان جاہل ہیں انہیں افغانستان پر حکومت کا کوئی حق نہیں، مظاہرین سے راوا کی رہنماؤں کا خطاب

پشاور (وقائع نگار) افغانستان میں اسلامی انقلاب کے چار سال مکمل ہونے پر پشاور میں جمعیت انقلابی زنان افغانستان راوا کے زیر اہتمام سینکڑوں افغان خواتین نے احتجاجی مظاہرہ کیا۔ اس ضمن میں ہفتہ کے روز گورا قبرستان کے قریب سے راوا کی رہنماؤں جمیلا حبیب، صائمہ کریم اور سعیدہ کی زیر قیادت ایک بڑا احتجاجی جلوس نکالا گیا۔ راستے میں خواتین اور افغان طالبات اور طلباء نے افغان رہنماؤں صدر ربانی، انجینئر گلبدین حکمتیار، استاد سیاف، کریم خلیلی اور طالبان کے خلاف زبردست نعرے بازی کی۔ افغان خواتین مظاہرین نے ہاتھوں میں بینرز اور پلے کارڈز اٹھا رکھے تھے جس پر افغانستان میں خانہ جنگی کی ذمہ داری افغان رہنماؤں پر ڈالی گئی تھی اور کابل میں تباہی کا ذمہ دار انہیں ٹھہرایا گیا تھا۔ احتجاجی جلوس میں شامل خواتین نے امریکن قونصلیٹ کے قریب پہنچنے پر امریکہ کے خلاف زبردست نعرہ بازی کی۔ احتجاجی جلوس پشاور صدر میں خانہ فرہنگ ایران کے سامنے ایک بڑے جلسہ کی صورت اختیار کر گیا۔ اس موقع پر افغان خواتین مقررین نے خطاب کرتے



افغان خواتین تنظیم راوا کے احتجاجی جلوس میں افغان لیڈروں کے پتلوں کو پھانسی دے رہی ہیں

پشاور ـ به خاطر تقبیح چهارمین سال حکومت بنیادگرایان در افغانستان صدها زن افغان تحت اداره «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» در پشاور دست به تظاهراتی اعتراضی زدند. که از گورا قبرستان آغاز شد و جمیله حبیب، صایمه کریم و سعیده اداره آن را به عهده داشتند. در جریان راهپیمایی زنان و شاگردان افغان بر ضد انجنیر گلبدین حکمتیار، رئیس‌جمهور ربانی، کریم خلیلی، استاد سیاف و طالبان شعار می‌دادند. زنان مظاهره کننده شعارها، پلاکارت‌ها و تصاویری را حمل می‌کردند که در آن ها رهبران افغان مسئول جنگ داخلی در افغانستان قلمداد شده بودند. زنان تظاهرکننده زمانیکه نزدیک قنسلگری امریکا رسیدند علیه امریکا شعار دادند. تظاهرات مذکور در مقابل خانه فرهنگ ایران به یک اجتماع بزرگ تبدیل شد. در این موقع زنان سخنران افغان گفتند که دستان ربانی، گلبدین، سیاف و طالبان به خون افغانهای بیگناه آغشته اند که قبلاً تشنه خون یکدیگر بودند اما اکنون بخاطر منافع خود می‌خواهند با هم نزدیک شوند. آنان گفتند که ما آزادی می‌خواهیم زیرا بعد از رفتن روسها آزاد نشدیم. سخنرانان اظهار داشتند که طالبان جاهل اند و قادر به حاکمیت در افغانستان نیستند زیرا در مناطق تحت کنترول خود زندگی را برای مردم و بخصوص زنان جهنم ساخته اند. در این مورد باید کشورهای که خود را علمبردار حقوق بشر می‌نامند توجه کنند. «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا) این تظاهرات را بخاطر تقبیح ۸ ثور ۱۹۹۲ روز برقراری حکومت «اسلامی» در افغانستان، برگزار کرد. بعداً تظاهرات با آرامش پایان یافت. □

«جنگ»، ۲۸ اپریل ۱۹۹۶

مظاهره زنان افغان

صدها زن مربوط «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» روز شنبه علیه بنیادگرایی و معاهده‌ای که بین گلبدین و ربانی طی شد به تظاهرات اعتراضی بزرگی دست زدند. تظاهرات از گورا قبرستان شروع شد که شرکت کنندگان پلاکارت‌ها و آدمک‌های حلق آویز شده‌ی ربانی، گلبدین حکمتیار و سیاف را حمل می‌کردند. آنان خواهان اعدام گلبدین شدند و علیه حکومت کابل شعار می‌دادند. تظاهرات از مناطق مختلف گذشته به صدر پشاور رسید. در آنجا رهبران زن افغان در خطاب به شرکت کنندگان گفتند که رهبران افغان جز خون ریزی کار دیگری نکردند از اینرو هیچگونه حق حاکمیت در افغانستان ندارند. □

افغان خواتین کا مظاہرہ

پشاور (نمائندہ جنگ) جمعیت انقلاب زنان افغا...
سینکڑوں خواتین نے ہفتے کے روز پشاور میں افغان صدر ربانی ا...
یار کے درمیان مجوزہ معاہدے اور بنیاد پرستی کے خلاف ز...
احتجاجی مظاہرہ کیا اس سلسلے میں تہکال پایاں پشاور سے ایک ...
نکالا گیا جس کے شرکاء نے ہاتھوں میں ربانی، گلبدین حکمت یار
پروفیسر ... کو پھانسی پر لٹکائے ہوئے پتلے اور پلے کارڈز اٹھا رکھے
... ربانی اور حکمت یار کو پھانسی دینے کا مطالبہ کیا
...ف نعرے لگائے جلوس مختلف علاقوں سے
... "راوا" کی خاتون افغان رہنماؤں نے
...تے ہوئے کہا کہ افغان لیڈروں نے
...چھ نہیں کیا اس لئے انہیں افغانستان کی



28 APRIL 1996

«خبرین»، ۲۸ اپریل ۱۹۹۶

تظاهرات اعتراضی زنان افغان در پشاور، شعار علیه دولت ایران

اعتراض علیه مداخله ایران در افغانستان و سازش تازه طالبان با ایران؛ تظاهرکنندگان در مقابل خانه‌ی فرهنگ ایران شعارهای «مرگ بر خلیلی» و «مرگ بر ایران» را دادند، زنان تظاهرکننده آدمک‌های ربانی، گلبدین و سیاف را به دار زده بودند، رهبری تظاهرات را صایمه کریم رهبر سازمان افغانی «راوا» به عهده داشت

پشاور ـ سازمان زنان مترقی افغانستان، «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا) در روز شنبه تظاهرات با شکوهی را در شهر پشاور برگزار کرد. این تظاهرات اعتراضی از گورا قبرستان شروع و در مقابل خانه‌ی فرهنگ‌ایران در صدر به پایان رسید. زنان در مقابل خانه‌ی فرهنگ‌ایران علیه ایران شعار دادند و سازش تازه طالبان را با ایران محکوم نمودند. تظاهرکنندگان تقریباً یک میل راهپیمایی کردند. آنان بالای یک لاری، میز خطابه‌ی خود را زیر آفتاب درست کرده بودند که در میان مظاهره حرکت می‌کرد و بر آن بلندگو نصب بود. در مقابل تظاهرات یک موتر دیگر در حرکت بود که حامل زنان پلیس و دنده‌های بانسی بود.

رهبر «راوا» صایمه کریم در وسط همه حرکت می‌کرد و بوسیله تلفن بی‌سیم با رهبران خود رابطه داشت. او سخنرانی نکرد. در بالای لاری‌ای که در میان تظاهرات روان بود آدمک‌های گلبدین حکمتیار، استاد سیاف و رئیس جمهور ربانی را با ریسمان به گردنشان به دار زده بودند. زنان افغان طی سخنرانی در مقابل خانه‌ی فرهنگ ایران حکومت ۴ ساله بنیادگرایان را شدیداً مورد انتقاد قرار داده و مداخله تمام کشورها منجمله ایران را در افغانستان محکوم کردند. در تظاهرات کودکان هم شرکت داشتند و در اطراف مظاهره نوجوانان افغان برای حفظ امنیت به نظر می‌خوردند. آنان نشریات خود را نیز به فروش می‌رساندند. جوانان افغان جز به خبرنگارانی که قبلاً برایشان کارت داده شده بود به کس‌دیگری اجازه نزدیک شدن به تظاهرات نمی‌دادند. در جریان این تظاهرات دو کیلومتری راه عبور و مرور یکطرفه وسایل نقلیه بند شده بود. تظاهرات به صورت صلح آمیز پراکنده شد. □

افغان خواتین کا پشاور میں احتجاجی مظاہرہ ایرانی حکومت کیخلاف نعرے بازی

طالبان کے ساتھ ایران کے نئے سمجھوتے اور افغانستان میں مداخلت کیخلاف مظاہرین نے خانہ فرہنگ کے سامنے "مرگ بہ ایران" "مرگ بر خلیلی" کے نعرے لگائے

پشاور (رپورٹنگ ایجنسی) افغان ترقی پسند خواتین کی تنظیم جمعیت انقلابی زنان افغانستان (راوا) نے ہفتہ کے روز پشاور میں زبردست احتجاجی مظاہرہ کیا جلوس نکالا اور جلسہ منعقد کیا احتجاجی جلوس گورا قبرستان سے شروع ہو کر خانہ فرہنگ ایران پشاور صدر کے سامنے اختتام پذیر ہوگیا۔ جلوس کی شرکاء خواتین نے خانہ فرہنگ ایران کے سامنے حکومت ایران کے خلاف سخت نعرے بازی کی اور طالبان کے ساتھ ایرانی مداخلت کی شدید مذمت کی جلوس کی شرکاء خواتین فارسی میں نعرے لگا رہی تھیں، مرگ بہ ایران مرگ بہ خلیلی جلوس کی شرکاء نے تقریباً پونے میل کا راستہ دھوپ میں طے کیا ان کے ارد گرد افغان نوجوان بھی تھے جبکہ انہوں نے ایک ٹرک پر سٹیج تیار کیا تھا جو جلوس کے درمیان چل رہا تھا جس پر لاؤڈ سپیکر نصب تھے جبکہ جلوس کے آگے ایک بند گاڑی حفاظت کے طور پر جاری تھی جس میں بانس کے ڈنڈے رکھے ہوئے تھے جس میں لیڈی پولیس بھی تھیں۔ جلوس کی شرکاء سارے راستے پر انجینئر گلبدین حکمت یار، استاد سیاف اور صدر ربانی کے خلاف نعرے بازی کر رہی تھیں جمعیت انقلابی زنان کی سربراہ صائمہ کریم جلوس کے درمیان میں جاری تھیں اور موبائل فون پر اپنے قائدین سے رابطہ رکھے ہوئے تھیں۔ انہوں نے اس دوران تقریر نہیں کی خواتین کے جلوس کے ساتھ جو ٹرک رواں دواں تھا اس پر صدر ربانی گلبدین حکمت یار اور استاد سیاف کی تصاویر لٹک رہی تھی انہیں اس سے اس انداز میں لٹکایا گیا تھا اور پھانسی گھاٹ کے طور پر رسیاں ان کے گلوں میں ڈال کر ان پتلوں کو پھانسی دی گئی تھی۔ مقرر خواتین نے خانہ فرہنگ ایران کے سامنے خطاب کرتے ہوئے افغانستان میں چار سالہ دور حکومت کو سخت تنقید کا نشانہ بنایا اور افغانستان میں ایران سمیت دیگر ممالک کی مداخلت کی مذمت کی گئی۔ جلوس کے پیچھے وہ بسیں بھی حرکت پذیر تھی جن میں یہ خواتین [illegible] بیٹھ کر چلی گئیں اس دوران چھوٹے چھوٹے [illegible] تھے جبکہ خواتین کے جلوس کے ارد [illegible] لیئے موجود تھے اس دوران وہ [illegible] نوجوان سوائے ان صحافی [illegible] دیے گئے تھے کر [illegible]

جمعیت انقلابی زنان افغان راوا کے جلوس کے دوران گلبدین حکمت یار صدر ربانی اور استاد سیاف کے پتلوں کو پھانسی پر لٹکایا ہوا ہے

28 APRIL 1996

دافغانی زنانه وو مظاهره او شعارونه

دوی دافغان زنانه وو او سنی تر ملا دعربو دجاهلیت له دوری نه کړونه

مظاهره کوونکو چیغی وهلې چې د دوی په منسبت د نساړی سه خبرېږی

افغان زنانه وو به وطن کی د سولی او د ښځو د عادلانه حقوقو غوښتنه کړله

په پيښور كې يو شمير افغانی مهاجرو ښځو او پيغلو په افغانستان کی دخونړيو جګړو ددوام او دافغانانو په تيره بيا مهاجرو افغانی ښځو دوږ په ورځ زياتيدونکو ستونزو او کړاو له امله پرون سهار په پيښور کی دمظاهری او مارش په کولو سره خپله اعتراض څرګند کړ دپامير ورځپاڼی خبريال چې په صدر کی دافغانی ښځو دمظاهری شاهد وو ليکی يو زيات شمير افغان ښځی په داسی حال کی چې يو شمير شعارونه يی په لاس کی وو دپيښور ښار دمرکزی واټونو څخه په تيريدو سره دصدر په بازار کی سره راټولی وی او غوښتل يی چې خپل مارش او مظاهره دښار نوروواټونو ته هم اوږده کړی او په ترتيب دافغانستان دروانو حالاتو او ستونزو له امله خپل خپګان خپل اعتراض او خپل درد اواز دپيښور ښاريانو او نورو نړيوالو ته ورسوی دمظاهره کوونکو په ډله کی دميندو او پحو ښځو په مينځ کی پيغلی هم شاملی وی دوی دپيښور ښاريان له خپلو مصيبتونو دجګړی له امله دراپيداشوو ستونزو او کړاوونو څخه خبرول او دوی يی شاهدان نيول چې په افغانانو په تيره بيا په ښځو باندی څومره لويی ستم او عذاب روان دی خبريال زياتوی دمظاهره چيانو په لاسو کی دغو شعارونو دسړی پاملرنه ځانته اړوله په افغانستان کی دخارجی مداخلی مخه ونيول شی موږ ډير زر په افغانستان کی سوله غواړو. مړه دی وی هغه کسان چې جګړی ته لمن وهی موږ په افغانستان کی ديوه ملی زعامت غوښتونکی يو. او له لس کونو داسی نور شعارونه يوی افغانی پيغلی چې خپل نوم يی رانسيه وښود او يو شعار يی په لاس کی و زموږ خبريال ته داسی وويل: په افغانستان کی داسی ځوکلنی جګړی ددی وطن هر شی ټول مادی او معنوی شمنی دخاورو سره برابرد کړه ډيرو افغانانو خپل ژوند له لاسه ورکړ ډيری ميندی بوری شوی ډيری ښځی کوندی او زيات شمير خويندی بی وروڼو شولی زيات شمير ماشومان يتيمان او بدمرغه شول د همدی بد مرغه جګړی ددوام له امله ډير افغان ورونه او خويندی په ګاونډيو او نورو هيوادو کی د مهاجرت کی له فقر بدمرغی لوږی او بی چاره کی نه ډک ژوند تيروی راضيی خوږ په داسی حال کی چې دکرمی او مخامخ لمر دلګيدو له امله يی په مخ باندی خولی راماتی وی زياته کړه نن په پيښور کی افغانی مهاجری خويندی او ميندی راټولی شوی او دهمدی بدمرغيو په باب دخلکو سره دردړه حواله کوی او خپل درد اواز نړيوال ته رسوی چې نور په دوی رحم وشی نور ددوی په وطن کی جګړه ختمه او سوله راشی يوی بلی مظاهره کوونکی ميرمن سعديه احمدزی زموږ دخبريال په خبرو کی وايی زه په پيښور کی دافغانستان دښځو دانقلابی جمعيت په نمايندګی له تاسو څخه هيله کوم چې زموږ دمظاهری هدف دافغانی ميرمنو له ستونزو او مصيبت نه دډک ژوند سناريو دخپلی ورځپاڼی له لاری خپره کړی زموږ داعتراض اواز او درد حال خپور کړی تاسو پخپله پوهيږی په افغانی ټولنه او ددی ټولنی په نيمائی جمعيت يعنی ښځو باندی څومره کړاو او نادودی تيريږی دڅومره ناخوالو او بدمرغيو سره اخته دی جنګ دافغانستان ټول خلك بدمرغه کړل خو موږ ښځی يی دټولو نه زيات په بد مرغيو او ستونزو اخته کړی يو دی زياته کړه کومی ستونزی چې دهجرت په حال کی په افغانی ښځو تيريږی دابه يوی خواته کښيږدو تاسو پخپله شايد ياستی چې په افغانستان کی څومره لويی وحشت او بربريت روان دی دښځو حقوق دښځو ازادی او حتی دښځو عفت تر پښو لاندی شوی او کيږی اصلا نن دتنظيمونو او دارډه ماراتو داقتدار په نتيجه کی دښځو انسانی کرامت او شرافت دسوال سره مخامخ دی دوی اصلا ښځه دخدای بنده او مخلوق نه ګڼی او دعربو دجاهليت دوران ډير شرف پری لری ميرمن سعديی احمدزی څرګنده کړه په افغانستان کی بايد يو افغانی او اسلامی دولت ټينګ شی څو زموږ انسانی او اسلامی حقوق اعاده شی موږ نه ديوه داسی موجود په صفت چې د ټولنی نيمائی برخه تشکيلوو دقدر اهميت او ارزښت په سترګو وکتل شی موږ هيله لرو چې تنظيمونه وسله والی ډلی ګاونډی هيوادونه او هغه څوك چې په افغانستان کی جګړی بدمرغيو مصيبت او ناامنی ته لمن وهی لږ سوچ وکړو او لږ په موږ ورحميږی نور دوی افغان مظلوم ملت افغانی باشهامته ښځی خويندی او ميندی ونه ځوروی پريږدی چې دی غمجن او دردمن اولس ته نوره سوله راشی او نيکمرغی راشی دی په پايی کی وويل موږ دغه مظاهره او مارش په افغانستان کی دروانی جګړی او دسولی په ضد دمخالفتونو له امله دافغانی ښځو داعتراض په نامه جوړ کړی دی



28 APRIL 1996

په پيښور كې دافغان زنانه وو دانقلابي جمعيت اعلاميه

یوازی په غوڅی مبارزی سره کیدای شی نا ناریان دیستی کندی نه و غورځول سی

نن دمذهبي فاشستانو دتياره درګيری دواکمنی څلورمه کاليزه ده ددی مودی په لړ کی زموږ خلکو دخلق او پرچم دهيواد پلورنکو د۱۲ کلنی واکمنی په پرتله ډيری ترخی او لاتوری شپی ورځی ليدلی دی. په جګړی کی سنکيلی خواوی که له اخوانی او وهابی جنبش څخه وی يا وحدتی يا طالبی هريو دخپلو بهرنيو بادارانو دپراخو مالی او پوځی امکاناتو له برکته په دی توانيدلی دی چې په افغانستان کی دتبريزو او مذهبی کړغيرنو جګړو تنور هماغسی تود وساتی دوی له ټاکلو او وسلو پرته له منځه تلونکی او ځلم ګڼدونکی دی. دبيلګی په ټول که نن ګلبدين او ددم باند راپاربدلی او يوی غاړی ته شوی سبب يی دانه دی چې ماهيت يی بدل شوی او ياد سړی وژنی او يا ورانکاری څخه موږ شوی او توبه يی ايستلی ده. بلکی ترټولو لوی دليل يی دادی چې دخپلو بادارانو له مخکی يو بل دوران تيروی په ورځو کی بيا ګورو چې دا هيواد پلورونکی ځواکونه يو بل سره سولی او يو والی له پاره نخری کوی، ګلبدين او ربانی دا دواړه رسوا جنايتکاره تګماران غواړی يو دبل سره غاړه غړی شی. طالبان دخليلی دوحدت له ګوند سره يو ځای کيږی. طالبان ربانی ته سترګه وهی او دوستم امريکاته ځان رسوی ترڅو دهم غاړو دبادار زړه لا ډير ځانته راکاږی دجګړی پای ته رسولو او دروغی جوړی دپاره ددی ځواکونو هلو ځلو ته بايد اميد ونه لرو ځکه هغوی په بهرنيو مرستو پوری تړلی او په اولسی پرګنو کی دهيښی ځای نه لری خو دجګړی دپای ته رسولو او دهغو ځواکونو دروغی جوړی له پاره دغو هڅو ځلو ته اميد تړل چې په بهرنيو مرستو پوری تړلی او په اولسی پرګنو کی دهيښی ځای نه لری پرته له خام فکری بل څه نه دی ځکه په څومره اسانی سره چې دوی ترون سره کوی په هماغه اسانی سره يی بيرته ماتوی دپاکستانی عربی او ايرانی بادارانو په وړاندی ددوی داړو ترو ماتونی او دمکی په قسم او قرار پښه ايښودل يی لا تراوسه خلکو نه دی هيرکړی. ددوی بادران پخپل منځ کی په اسانی نه شی جوړيدی نو مزدوران به يی څنګه يوی پخلاينی ته سره ورسيږی وسله والو ډلو دواکمنی، څوکی پيښو سيمه ييز امارت او نورو مزه څکلی ده او دی ته تيار دی چې دخپلو ترلاسه کړو امتيازاتو دساتلو دپاره هم خپلی وينی تويی کړی. مړه دی وی بنسټ پالان او ددوی بهرنی انډيوالان ټينګ دی وی دافغانستان ددموکراتيکو او انقلابی ځواکونو يو والی. ژوندی دی وی ازادی دموکراسی او ټولنيز يووالی



28 APRIL 1996

راوا افغانستان کښې د ښځو د ازادئ د پاره ځان وقف کړے دے - صائمه کريم

افغان ګوندونه يو بل سره د سولې او يو والي نخرې کوي دا ټول د افغان قام دوستان نه دي

د ملګرو ملتونو سازمان هم د هيلو نه علاوه بل هيڅ نه دي کړي او هلې ځلې ئې ماتې خوړونکي دي

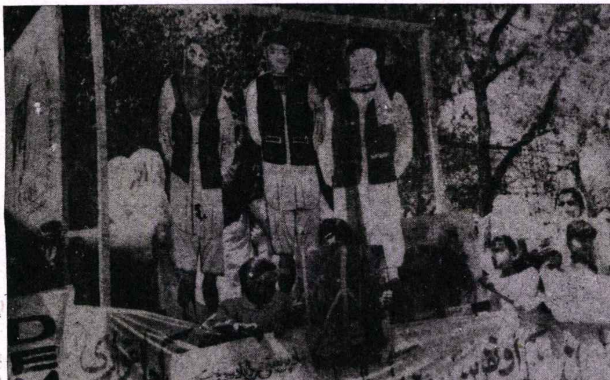
پښښور (پ ر) د افغانستان د راوا ګوند د مشرئ لاندې يوه ډيرنه مظاهره وشوه چې پکښې د زرونه زيانتوښځو او جينکو ګډون وکړو دوی په افغانستان د مذهب پرستو د جارحيت مزمت وکړو دې مظاهره کښې ګډون کوژنکو په لاسونو کښې پلې کارډونه نيولی ؤ چې وړاندې د ګوند د مشرې شوې مشرې ميښا عکسونه ؤ په دے موقعه د ګلبدين حکمتيار، ربانی و سياف ګروپاکو ته اور پورې کړے شو په دے موقعه د جمعيت انقلابی زنان افغانستان مشرې صائمه کريم خپله وينا کښې ووئيل چې نن د مذهبي فاشيستانو د تورې کرګرې واکمنې څلورمه کليزه ده د دے مودے په لړکښې زمونږ خلګو د خلق او پرچم د هيواد پلورو د ځوارلس کلنې واکمنې په پرتله لا ډيرے ترخےاو ډيرے تورے شپے ورځے ليدلے دی. جګړے کښے ښکيلے خواوی که له اخوانی او وهابی جنبش څخه وی او يا وحدتی او طالبی هر يو د خپلو بهرنيو بادارانو د پراخو مالی او فوځی امکاناتو له برکته په دے توانيدلی دی چې افغانستان کښے د تبريزو او مذهبي کرغيړنو جګړو تنور هم هغسے تود وساتی. په دے ورځو کښے بيا ګورو چې دا هيواد پلوری ځواکونوه يو بل سره د سولے او يو والی له پاره نخرے کوی. ګلبدين او ربانی دا دوه رسوا جنايتکاره ټکماران غواړی يو بل سره غاړه غړی شی. طالبان د خليلی د وحدت له ګوند سره د ناوے پلاز ته ننوځی. ربانی طالبانو ته سترګه وهی او دوستم امريکا ته ځان رسوی ترڅو د هم غاړو د بادار زړه لا ډير ځان ته راوکاږی. خو د جګړے پائے ته رسولو او د هغو ځواکونو د روغے جوړے له پاره دغو هلو حلو ته اميد تړل چې ژوند او مړينه ئے په بهرنيو مرستو پورے تړلے او په اولسی د هغو ځواکونو د روغے جوړے له پاره دغو هلو ځلو ته اميد تړل چې ژوند او مړينه ئے په بهرنيو مرستو پورے تړلے او په اولسی پرګنو کښے د پښے ځائے نه لری پرته له خام فکری بل څه نه ده څکه. څومره آسانئ باندے چې دوی تره کوی په هومره آسانئ سره ئے بيرته ماتوی د پاکستانی، عربی او ايرانی بادارنو په وړاندے د دوی د ارو ترو ماتونی او مکے کښے په قسم او قرآن باندے پښنه ايښودل ئے لاتراوسه خلکو هير کړی نه دی. د دوی باداران په خپل منځ کښے په آسانئ نشی جوړيدلے ترڅو ئے مزدوران هم په اوږد محالی پخلاينی بريالی شی. هر سر باندے او نږدے هم لاسونی د واکمنئ څوکئ پيښو، سيمه ايز امارت او نورو مزه څکلی او دے ته تيار دی چې د خپلو ترلاسه کړو امتيازونو د ساتنے له پاره ان خپلے وينے تويے کړی.

دا خاينان هيله لری چې هر کله د دوی زړه وغوښتل او د سولے دورے ئے پورته کړے بايد خلک خوشحالی وکړی او نذر ورکړی. خو په دے نه پوهيږی چې زمونږ د هيواد تاريخ لاتراوسه له دوی څخه رټلے شوے او کرغيړن موجودات نه دی ليدلے نه پوهيږی چې زمونږ د ښوونځی ماشومانو ته هم څرګنده شوے ده کله چې دوی په داسے ځان ځانی او يو بل نس څيرلو شرائطو کښے دومره جانيتونه او هرزګی کوی نو هغه وخت به لا څه وکړی چې که په دله ايزه توګه خلکو ته ورخوشی شی زمونږ خلک خپل خلاصون او سوکالئ د دغو خرورو په پخلاينی کښے نه بلکے د دوی په بشپړه له مينځه تللو کښے وينی.

د ملګرو ملتونو سازمان هم ئے له دے چې خلکو ته دروغجنی هيلے پيدا کړے نور څه ئے نه دی کړی او هلے ځلے ئے ماتے خوړونکی دی ځکه سره له دے چې د هيواد نيميائی نفسوس ئے په پام کښے نه ده نيولے او د ډيموکريتکو ځواکونو نقش ئے له پام غورځولے د بهرنيو هيوادونو پراخه لاس وهنے ئے هم نه دی غندلی او نه د جنګی جنايتکارانو په څير د جهادی جمبرانو د محاکمه کولو غوښتو کښے دی.

د اسلامی هيوادونو سازمان (OIC) هم د سولے او افغانستان د لانجے د حل له پاره هيڅ يو پل اوچتولے نشی څکه. دغه يو جهادی امير ځنځير له دوی څخه دبو هيواد په لاس کښے ده چې د خپلو کتو د برابرولو له پاره ئے سره جنګوی. ربانی او برخوالی ئے په مذبوحانه ډول د پاکستانيانو دلاس وهنے په ضد د خلکو افغانی نيشنلستی احساساتو ته لمن وهی ترڅو خپلے په وينو لړلے او شرمونکی واکمنی باندے څادر وغوړوی خو ايا هغه کسان چې د خپل بدن هره توته ئے له نورو سره ګروی او د هيواد او خلکو په وړاندے دنه بخښونکو خيانتو تاپے ئے پرے وچولے لګيدلے وی د دے حق لری چې د نيشنلزم او هيواد پالنے خبرے وکړی؟ د ربانی او ونده والو اغيزلی او کرکنده نيشنلستی او پاکستانی ضد نارے سورے په داسے حال کښے چې په خپله ئے ځان د ايران او هند او فرانسے او روسی ترپښو لاندے اچولے هيڅکله د هيواد له پاره نه دی. د افغانستان خلک به يوه شيبه هم د ربانی او برخوالو غوندے ناوړو تباه کوژنکو د سرتيرو په ليکه کښے د پاکستان ضد جګړے کولو ذلت ته تير نه اوځی بوازے د ربانی ګلبدين او نورو اخوانی شرمښانو لاش باندے تيريدلو سره به زمونږ خلک د هر بهرنی هيواد د لاس وهنے د بندولو توان مومی. طالبانو قندهار کښے په هلے تماشے لاس پورے کړے دے هغوی د څو سوؤ کسانو په ګډون يوه غونډه علمائے کرامو په نوم جوړه کړه او په دے ترڅ کښے چې ملا عمر نومی ئے د امير المؤمنين په نوم اعلام کړو خپل جهادی او دينی او قبادی وړور استاد

←



د جمعيت انقلاب زنان افغانستان د لاتلے وستلے شوی جلوس په بنياد پرستئ او مرکونو کښے د ګکم افغانی مشرانو ګلبدين حکمتيار، استاد ربانی او سياف ګروپاکو له احتجاجی تيزندی ورکوی

ربانی ئے وېللو او عن د هغه په ضد ئے جهاد اعلان کړو خو ښاغلی طالبانو له پاده هاسی چی پرچمی او خلقی هیواد پلورو هم د برچی او پیسو په زور دا راز غونډے جوړے کړی خو خلاصون ئے ونه موند او بو دا راز ربانی او ونډه وال او ګلبدین او نور خاینان هم کولے شی په سلګونو ځان پلوری ملایان او مولویان سره راټول کړی خو دا یا هغه د خپلے خوښے په اصطلاح فتوا صادره کړی آیا د ربانی او ونډه لرونکو د اهل حل و عقد ملنډے د دوی د دولت د تل پاتے والرے او کلاشنکوفے بو موتی عناصر که له قمچین او یا ګولۍ څخه کار واخلی او یا له دوه مخے او دوکے څخه او یا که هم له بو موتی جوړ جاړے کونکی او تسلیم طلب روشنفکرانو څخه واکمنی به ئے له څو ورځو زیاته نه وی او نه به له تره کی او امین او ببرک او نجیب څخه غوره برخلیک ولری. د افغانستان د ښځو انقلابی جمعیت له اولسی پرګنو سره یو غږ دا څرګاکونه د خلکو د اصلی او قسم خوړلو دښمنانو په څېر پېژندلی او بے له هیڅ تکنے توبه او د رک په محکومیت څخه بوه پوته هم څه کم کړل؟ ملا عمر خان باید وپوهیږی تر هغه وخته چی ئے ډالرو او کلاشنکوف ته ډډه لګولے وی هر راز ننداره چی وغواړی سوولے شی. او خپل ځان د تولے نړۍ مشر او یا د خپلے خوښے سره سم بل هر څه ونوموی خو باید په دے داده واوسی چی په هیڅ رنګه نشی کولے خپل ډیموکراسی دښمنی ، ښځے او د منځنی پېړۍ ابز تور زور زیاتے عر اوږد کړی. د تاریخ حکم داسے دی چی بهرنی څواکونو پورے تړلے او له سره تر پونده مرتجع ، منلو او د رذیلانه ګواښونو توطئو لاندے راتلو سره سره خپل ځان داخوانی جنایتکارانو په وړاندے مبارزے او رښتنی آزادی او ډیموکراسی ته رسیدلو له پاره وقف کړی. هغه ورځ لرے نه ده چی د غوانی داوومے او اتمے فاجعے جوړونکو په غاړو کښے زمونږ د خلکو پړی غوټه شی او د دغو دوږ تورے او ډېرے تورے ورځو خپکے د تل له پاره زمونږ د ملت له ذهن څخه لرے شی.



17 APRIL 1996

دپاکستان روشن خیاله وکیلان دے د افغان زنانو کړمو ته پاملرنه وکړی - "راوا"

افغان زنانو تل د افغانستان د آزادۍ او جمهوریت لپاره قربانۍ ورکړی دی ولے افغان اسلامی تنظیمونه او خائن بنسټپال رهبران د دوی په حقوقو تیرے کوی

دافغانستان لانجے حل لاره براخے قومی او جمهوری قوتونو په یو والی کښے نغښتے ده. پیښور بار ایسوسی ایشن ته د صائمه کریم وینا

پیښور (هـ خ) افغانستان کښے افغان زنانو سره د افغان خاین بنسټپالو لخوا شوو تیریو او زور ظلم ته دے د پاکستان جمهوریت پسند مامورین سمدستی پاملرنه وکړی او افغان ښځو ته ورپیښو کړمو حل کولو کښے دے دوی سره مرسته وکړی دا خبرے پرون د پیښور ډسټرکټ بار ایسوسی ایشن لخوا د افغانستان د ښځو تنظیم جمعیت انقلاب زنان افغانستان په درناوی کښے جوړه شوے دستوره د راوا غړی صائمه کریم وکړے. دے ووئیل چی د افغان زنانو د افغانستان په آزادۍ کښے سرو سره اوږه په اوږه جنګ کړیدے او غټے قربانۍ ئے ورکړیدی ولے د روسیانو د وتلو نه پس د اسلامی پارټو خاین بنسټپالو مشرانو د افغان زنانو په حقوقو تیرے وکړو او د دوی عزت ئے لوټ کړو اود بنیادی ، حقوقو نه ئے محرومه کړے دے د پېښور بار ډسټرکټ ایسوسی ایشن منته وکړه چی دوی ته د راهللو موقع ور کړه او د دوی کړمے ئے واوریدے د ے، ووئیل چی مونږ ستاسو د زړه له کومے مننه ځکه کوو چی تاسو یو داسے ، تنظیم ته د خبرو کولو بلنه ورکړه چی ، د روسانو د تیری راسے د افغانستان د آزادۍ او جمهوریت غوښتونکی ، تنظیم په څېر ډېر وحشیانه او غیر انسانیانه ډک او ډېرسپک تورونه پرے لګولے کیږی او حملے ورباندے کیږی او د " راوا " دښمنانو د دوی د چړ کولو سرټیټ ساتلو لپاره بېه هـ رے وسلے لاس پورے کړیدے ستاسو څخه زمونږ شکریه ځکه د معنی ډکه او غیرتشریفاتی ده چی خپل نیک نیت سره د داسے تنظیم د راهللو جرأت وکړو چی د افغانستان تاریخ تر ټولو تیاروفاشیستی او خونړیو شرائطو کښے د جمهوریت بیرغ اوچت ساتلے او د دهشت ګردو په منګلو کښے بندو ښځو د دفاع لپاره ئے خپل آزادی غوښتونکی غږ په ملی او نړیوال کچ اوچت کړیدے دے زیاته کړه چی د اسلامی پارټی خاین بنسټپال رهبران او د دوی بهرنی باداران د افغانستان او افغانانو د تباهی اصلی ذمه وار دی دے ووئیل چی د ظاهر شاه رانګ د لویے جرګے راهلل کیدل او د بنسټپالو ترمینځ دسپیتان جګړو بندولو لپاره د ملګرو ملتو د امن فوځ میشت کیدل د ټولو خامیو او نیمګړتیاو باوجود د د بنسټپالو په پرتله زمونږ خلکو ته منلی دی ځکه خلک مجبور شویدی چی د بد او بدترو څخه یو غوره کړی دے ووئیل چی د افغانستان د لانجے د حل لاره یواځے د افغانستان د نیشنل او جمهور قوتونو په یو موټی کیدلو او یو والی کښے نغښتی ده کوم چی به د بنسټپالو په ضد په غوځو جوګه خپله نه خلاصدونکی مبارزه پرمخ بیاری او زیاربه او هاسی تر څو بنسټپالی په سر کښے لافوځی اړخه شنډ کړی دوی د پاکستان او پیښور ډسټرکټ بار ایسوسی ایشن باخبره روشن خیالاتو چی تل ئے د رجعت پسندو ملایانو او بنسټپالو په تېر د نه منلو څېره ګزار کړیده او خپل اغیزون غږ ئے د فاشیتو رژیمونو او فوځیانو په ضد او کړیدے چی افغانستان کښے څوک هم پرینږدی چی د ډیموکراسۍ او دښځو حقوقو خلاف د ډېرو ناولو دښمنانو واکمن ته د رسیدلو په لار کښے ټول انسان او آزادی غوښتونکی ارزښتونه او ضوابط تر پښو لاندے کړل دا د پاکستان د موکراسی غوښتونکو روش فکرو ذمه واری ده ئے نه وروستو د پیښور بار صدر مسعود الرحمان ایډوکیټ د " راوا " تنظیم غړو ته د هر قسمه مرستے او ملاتړ یقین ورکړو ده په دے موقعه وئیل چی افغان زنانه هم زمونږ وروندے او میاندے دی او ددوی په مونو او کړمو کښے مونږ برابر دوی په شریک یو.

«پاکستان آبزرور»، ۲۸ اپریل ۱۹۹۶

«راوا» طی تظاهراتی حاکمان افغان را شدیداً انتقاد نمود

پشاور ـ «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا) بروز شنبه در پشاور تظاهراتی اعتراضی‌ای علیه حاکمان بنیادگرای افغانستان و سیاست‌های ضد انسانی آنان براه انداخت.

هزاران زن و طفل افغان علیه دسته‌ی حاکم و سایر گروههای درگیر شعار می‌دادند. راه‌پیمایی اعتراضی که از گورا قبرستان آغاز گردید در مرکز شهر، جاییکه اعضای «راوا» به سخنرانی پرداختند خاتمه یافت.

زمانیکه تظاهرکنندگان به خانه‌ی فرهنگ ایران رسیدند، علیه دولت ایران شعار داده از ایران خواستند تا در امور داخلی افغانستان مداخله نکند.

قابل یادآوریست که اعتراض‌کنندگان آدمک‌های برهان‌الدین‌ربانی، گلبدین‌حکمتیار و سیاف راکه به دار آویخته شده بودند با خود حمل می‌کردند.

آنان از چهار سال شوم گذشته یاد کردند که در جریان آن مردم افغانستان با تلخترین تجربه‌ها مواجه بوده اند.

آنان در مورد کوشش‌های سازمان ملل بخاطر اعاده صلح در افغانستان اظهار ناامیدی کرده و ابراز داشتند که سازمان ملل برای مردم افغانستان صرف امید کاذب می آفریند.

آنان از نقش سازمان کنفرانس اسلامی نیز انتقاد کرده مدعی شدند که سازمان مذکور بخاطر اعاده صلح و حل مسئله‌ی افغانستان اقدامی به عمل آورده نمی‌تواند زیرا بعضی اعضای سازمان مذکور گروههای درگیر را حمایت می‌کنند. □

RAWA rally flays Afghan rulers

BUREAU REPORT

PESHAWAR—The Revolutionary Association of the Women of Afghanistan (RAWA) held a protest rally here Saturday against what they called the fundamentalist Afghan rulers and their anti-human policies.

Thousands of Afghan women and children raised slogans against the ruling junta and different warring factions. The protest march which commenced from Tehkal Payan culminated at cantonment where the RAWA leaders addressed the gathering.

The demonstrators when reached the Iranian Cultural Centre raised slogan against Iranian government and asked Iran not to

Afghanistan, they said, during these years, the people had the most bitter experiences.

They expressed disappointment over the UN effort to restore peace in Afghanistan and said, the world body is going to create only false hope for the Afghan people.

They also lamented the role of Organisation of Islamic Conference and alleged that it could not take any measures for peace and solution of the Afghan problem, because according to its mem

Pakistan Observer
28 APRIL 1996

«دان»، ۲۸اپریل ۱۹۹۶

زنان علیه سیاست های‌دولت افغانستان اعتراض نمودند

پشاور، ۲۷ اپریل ـ «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا) بروز شنبه در پشاور تظاهراتی براه انداخت تا علیه هجوم مجاهدین در ۲۸ اپریلِ چهارسال قبل بعد از فروپاشی دولت کابل اعتراض نماید.



صدها اعتراض‌کننده که در تظاهرات شرکت کرده بودند راه‌پیمایی شان را از گورا قبرستان آغاز و نزدیک کلب پشاور خاتمه دادند. طی این تظاهرات آنان رژیم ربانی، رهبران جنبش طالبان و گلبدین حکمتیار را انتقاد کرده مسئول خونریزی جاری در افغانستان دانستند.

آنان به نشانه‌ی اعتراض آدمک های رئیس جمهور افغانستان ربانی، رسول سیاف متحدنزدیک وی و رهبرگروه‌اپوزیسیون حکمتیار رابه دارآویخته بودند.

سخنگویان با انتقاد از سازمان ملل بخاطر مساعی جاریش برای اعاده صلح در افغانستان اظهار کردند که سازمان ملل برای مردم افغانستان امیدهای کاذب می‌دهد، زیرا با حضور سه رهبر فوق‌الذکر حل مسئله افغانستان خارج از انتظار می‌باشد. □

DAWN 28 APRIL 1996

Women protest against Afghan govt policies

Bureau Report

PESHAWAR, April 27: The Revolutionary Association of the Women of Afghanistan (RAWA) took out a demonstration here on Saturday to protest against the fall of the government of Afghanistan to Mujahideen on April 27 four years back.

The procession of about hundred protesters, marched, which was started from Gora Qabristan and terminated near the Peshawar Club, criticised the Rabbani regime, leaders of the Taliban movement and Gulbadin Hekmatyar and held them responsible for the on-going bloodshed in Afghanistan.

As a mark of protest they also hanged to death the effigies of the Afghan President Burhanuddi[n] Rabbani, his close ally Abdul Ra[sul] Sayaf and leader of the oppositi[on] group Engineer Gulabad[in] Hekmatyar.

The speakers also criticised [the] United Nations for its on-goi[ng] efforts to restore peace [in] Afghanistan and said that it [is] creating false hopes for the pe[ople] of Afghanistan as in the pres[ence] of the three said leaders sol[ution] to the Afghan problem [is far] from expectations.

«مشرق»، ۲۸ اپریل ۱۹۹۶

اعتراض زنان افغان علیه مجاهدین در پشاور

شعارها علیه ایران و نیروهای درگیر جنگ؛ آدمک‌های ربانی، حکمتیار و سیاف به دار زده شدند

پشاور ـ تحت اداره «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» به مناسبت سالگره پایان حکومت کمونیستی در افغانستان تظاهراتی اعتراضی در پشاور براه انداخته شد که در آن هزاران زن و کودک شرکت داشتند. آنان حاکمیت و جنایات بنیادگرایان در افغانستان را محکوم کرده و علیه آن شعار دادند. زنان مظاهره‌کننده آدمکهای ربانی، گلبدین و استاد سیاف را به دار زده‌بودند و علیه آنان شعار می‌دادند. شرکت‌کنندگان تظاهرات در حالیکه پلاکارت‌ها و تصاویر مینا را حمل می‌کردند، در هرجایی سخنرانی داشته و اعلامیه‌های به زبان‌های اردو، پشتو، انگلیسی و فارسی را پخش می‌کردند. در این مظاهره کودکان مکتب سرودها و ترانه‌های میهنی خواندند. زمانیکه تظاهرات از مقابل خانه فرهنگ ایران می‌گذشت علیه رژیم ایران شعار داده از ایران خواستند تا به مداخله خود در افغانستان پایان دهد. شرکت‌کنندگان تظاهرات به خبرنگاران خاطرنشان ساختند که با وجود تهدیدهای بنیادگرایان برگزاری تظاهرات برای بار دوم در شهر پشاور بیانگر اینست که ما از تهدیدهای آنان ترسی نداریم و گفتند که به مبارزه خود علیه بنیادگرایان ادامه خواهند داد. □

پشاور میں افغان خواتین کا مجاہدین کے خلاف احتجاج

متحارب دھڑوں اور ایران کے خلاف نعرے بازی ربانی حکمت یار اور سیاف کے پتلے لٹکائے گئے

پشاور (جنرل رپورٹر) افغان خواتین کی انقلابی تنظیم راوا کے زیر اہتمام افغانستان میں کمیونسٹ حکومت کے خاتمے کی سالگرہ کے موقع پر پشاور میں احتجاجی مظاہرہ کیا گیا جس میں ہزاروں افغان خواتین بچے اور بچیاں شامل تھیں جنہوں نے افغانستان پر مبینہ بنیاد پرستوں کے قبضے اور جارحیت کی مذمت کی اور ان کے خلاف زبردست نعرہ بازی کی مظاہرہ کرنے والی خواتین نے افغانستان کے صدر پروفیسر برہان الدین ربانی اور گلبدین حکمتیار اور استاد سیاف کے پتلوں کو بھی پھانسی پر لٹکایا اور ان کے خلاف زبردست نعرہ بازی کی احتجاجی جلوس کے شرکاء نے پلے کارڈ اور مینا کی تصاویر اٹھا رکھی تھیں ...



پشاور میں راوا کے مظاہرے میں ربانی حکمتیار اور سیاف کے پتلوں کو پھانسی دی جا رہی ہے

«نیوز»، ۱۷ اپریل ۱۹۹۶

هیاهو و جنجالِ عامل جماعت اسلامی در جریان جلسه‌ی هیئت وکلا در پشاور

جلسه‌ای دراتاق هیئت وکلای محاکمات بخش در پشاور زمانی برای مدتی دچار اغتشاش گردید که تعدادی از قانوندانان علیه سخنان یک زن افغان در مورد رهبر جماعت اسلامی، قاضی حسین‌احمد و رهبران مجاهدین افغان اعتراض نمودند.

زمانی که صایمه کریم از اعضای «راوا» نطقش را به اعضای انجمن هیئت وکلای بخش پشاور پایان بخشید، داد و فریاد شروع شد. با وجود تقاضاهای مسعودالرحمن‌خان رئیس هیئت وکلا، قانوندانانی که علیه سخنان عضو «راوا» اعتراض نمودند از ابراز نقطه نظرات خویش امتناع ورزیدند.

قانون‌دانانی که توسط فداگل از جماعت اسلامی رهبری میشدند از انتقاد صایمه از رهبر جماعت اسلامی سناتور قاضی حسین‌احمد مبنی براینکه او رهبران مجاهدین افغان راحمایت و تربیت می‌کند، خشمگین بودند.

عضو «راوا» همچنان ادعا نمود که رهبران مجاهدین افغان مثل گلبدین، مجددی، ربانی، سیاف، کریم خلیلی وغیره مسئول خونریزی در افغانستان اند. او از مینا، بنیانگذار «راوا»، که ادعا نمود توسط «بنیادگرایان» کشته شد نیز یاد نمود.

با وجود هیاهو و جنجال، هیئت نمایندگی «راوا» آرامش خود را حفظ نمود. لحظه‌ای که صایمه سخنرانیش را تمام نمود، فداگل از رئیس هیئت وکلا تقاضا نمود تا توضیح دهد که آیا او (صایمه) از طرف انجمن دعوت گردیده بود و یا بنا به خواست خود نطق کرد. او قسمتی از سخنرانی عضو «راوا» که در آن از هیئت وکلا بخاطر دعوت وی جهت ایراد سخنرانی تشکر گردیده بود اشاره نموده گفت که: «بنظر من او از هیئت وکلا درخواست نموده بود تا از وی دعوت بعمل آید و اگر چنین باشد، او در نطقش دروغ گفت.»

بخاطر این موضوع رئیس هیئت وکلامسعود الرحمن توضیح داد که هر رهبری که خواهان سخنرانی برای‌هیئت وکلا باشد، از اورسماً دعوت می‌گردد. رئیس افزود: «حتی قاضی حسین‌احمد از ما تقاضا نمود تا برایش دعوت نامه‌ای رسمی بفرستیم.» رئیس انجمن حقوق‌دانان ملی (NLF) سیدرحمن و شماری از افراد دیگر نیز کوشیدند تا مشتی قانوندانانی راکه توسط فداگل رهبری می‌شدند ساکت نمایند اما موفق نگردیدند.فدا داد زد که:«ما از اینکه رهبران افغان را تربیت نموده‌ایم مفتخریم، آنان (راوا) تنها از قتل مینا یاد کردند، اما در مورد ۱/۵ ملیون قربانی جنگ افغانستان چی.»

با مداخله‌ی قانوندانان ارشد، جلسه از بهم خوردن نجات یافت و به آرامی پایان گرفت.

قبلاً صایمه در سخنرانیش از خبرنگاران خواست تا بخاطر کمک به زنان افغان که از دست «رهبران» شان رنج و عذاب می‌بینند، اقدام کنند. او همچنان از قانوندانان تقاضا نمود تا «راوا» را در پیگیری دوسیه‌ی قتل میناکه در محکمه عالی کشور جریان دارد کمک نمایند. □

Uproar at Peshawar bar address

From Abdullah Jan

PESHAWAR: A meeting at the bar room of district courts in Peshawar was marred for a while Tuesday when a couple of lawyers objected to an Afghan lady's remarks about Jamaat-e-Islami chief Qazi Hussain Ahmad and mujahideen leaders of Afghanistan.

The hue and cry started when Saima Karim, leader of the Revolu- … Association of Women of … (RAWA) finished her … rs of the District … awar. Despite … ident Ma- … yers

She also alleged that the Afghan mujahideen leaders like Gulbadin, Mojaddedi, Rabbani, Sayyaf, Karim Khalili etc. are responsible for the bloodshed in Afghanistan. She also mentioned the murder of the founder of RAWA, Khor Meena who she alleged was killed by the 'fundamentalists'.

Despite hullaballoo, the RAWA delegation kept calm.

The moment Saima wound up her speech, Fida Gul asked the bar president to explain weather she was invited by the association or came to address them on her own. He referred to the part of the RAWA leader's speech wherein she … invited for the purpose. "Even Qazi Hussain Ahmad had asked us to extend him a formal invitation to address the bar," added the president. The National Lawyers' Forum (NLF) president Syed Rehman and couple of others also came to the dias to calm down the handful of Fida-led lawyers, but to no avail.

"We are proud to have trained Afghan leaders," roared Fida and added, "They (RAWA) only mention the murder of Meena, what about the 1.5 million victims of Afghan War".

Interference by the senior lawyers saved the meeting from complete disruption and it ended …

THE NEWS 17 APRIL 1996

«مسلم»، ۱۷ اپریل ۱۹۹۶

نگرانی «راوا» در مورد جنگ داخلی افغانستان

پشاور ـ ۱۶ اپریل: «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» در حالیکه در مورد وضع نابسامان افغانستان جنگ‌زده نگرانیش را ابراز نمود، گروههای مذهبی را مسئول ویرانی و دوام جنگ داخلی در افغانستان محسوب کرد.

صایمه کریم عضو «راوا» ضمن نطق در انجمن هیئت وکلای پشاور (PDBA)، سخنرانی‌ای ایراد نمود که در آن مداخله‌ی کشورهای خارجی را در امور داخلی افغانستان شدیداً محکوم کرد. او اظهار داشت که در اثر یک دهه جنگ بین گروههای قدرت‌طلب میلیونها فرد بی‌گناه یا به قتل رسیده و یا معیوب گردیده اند. □

Concern over Afghan infighting

BUREAU REPORT

PESHAWAR, April 16: Expressing concern over the lingering situation of the war-torn Afghanistan, the Revolutionary Association of Women of Afghanistan (RAWA) has held the religious groups responsible for the destruction and prolonging the civil war in Afghanistan.

Addressing the District Bar Association Peshawawr here Tuesday, the association chief, Saima Karim Strongly condemned the interference of the foreign pow- … the internal affairs. She said … [illegible]

THE MUSLIM 17 APRIL 1996

RAWA stages demo against continuous war in Afghanistan

THE MUSLIM 28 APRIL 1996

BUREAU REPORT

PESHAWAR, April 27: Revolutionary Association of the Women of Afghanistan (RAWA) took out a big protest procession here on Saturday, against four-year long civil war in Afghanistan.

Procession began from Tehkal Payan and marched on the University Road. The protestors were chanting slogans against the foreign interference and Afghan leaders. They hanged the effigies of President, Burhanuddin Rabbani, Gulbadin Hekmatyar and Abdul Rab Rasul Sayyaf. The processionists also chanted slogan against several countries accusing them of providing financial help and arms support to the warring factions.

It is worth-mentioning here that the RAWA kept secret the time and place of demonstration



Activists of RAWA protesting continuous civil war in Afghanistan, in Peshawar on Saturday

Afghan nation for achieving their vested interests. Terming Rabbani, Gulbadin and Taliban militia

Islam. They alleged that the so-called leaders signed an agreement in Makkah and Madina,

Criticising the role of the United Nations (UN) the speakers viewed that it was going to create only false hope for the Afghan People and its efforts were bound to fail. They described the so-called Jihad leaders as war criminals.

They said that President Rabbani and his allies were fueling people's sentiments against Pakistan just to cover their own treacherous and bloody rule. They claimed that the people of Afghanistan would never fight against Pakistan. They said that all the warring faction leaders were accusing each other only for deciving the general masses and in this regard a few days back in Kandahar the Taliban Shoora termed Ustaad Rabbani as an outlaw.

Expressi...

«مسلم»، ۲۸ اپریل ۱۹۹۶

«راوا» علیه جنگ متداوم در افغانستان تظاهراتی براه انداخت

پشاور، ۲۷ اپریل ـ «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا) روز شنبه در پشاور تظاهراتی اعتراضی وسیعی علیه چهارسال جنگ‌داخلی طولانی در افغانستان براه انداخت.

تظاهرات از گوراقبرستان شروع شد و تظاهرکنندگان به سوی یونیورستی‌رود راهپیمایی نمودند. اعتراض‌کنندگان علیه مداخله‌ی خارجی و رهبران افغان شعار می‌دادند. آنان آدمک‌های ربانی، حکمتیار و سیاف را به دار آویخته بودند. تظاهرکنندگان علیه چندین کشور دیگر نیز شعار می‌دادند و آنان را متهم به تأمین کمکهای مالی و تسلیحاتی به گروههای درگیر کردند.

قابل یادآوریست که «راوا» وقت و محل تظاهرات را بنا به دلایل امنیتی مخفی نگهداشته بود و حتی پولیس از آن اطلاعی دقیق نداشت.

سخنگویان در سخنرانی هایشان جنگ جاری را شدیداً محکوم دانسته و مدعی شدند که باصطلاح رهبران مذهبی بخاطر دست‌یابی به منافع مغرضانه و فردی شان علیه ملت افغانستان توطئه می‌چینند. آنان در حالیکه ربانی، گلبدین و ملیشاهای طالبان را دست نشاندگان خارجی می‌خوانند، اظهار داشتند که جنگ مداوم، کشور را در پرتگاه سقوط اجتماعی و اقتصادی قرار داده است.

سخنگویان گفتند که رهبران متخاصم زیر نام اسلام احساسات مردم را تحریک می‌کنند. آنان مدعی شدند که باصطلاح رهبرانی که در مکه و مدینه پیمان امضاء کرده بودند طی ساعاتی آنرا نقض کردند. آنان اظهار داشتند که شاهد هیاهوی بنیادگرایان بخاطر «صلح و وحدت» اند. و در حالیکه تمامی ملت در آرزوی یک لقمه نان و یک قطره آب است بنیادگرایان علیه همدیگر فتوا صادر می‌کنند.

سخنگویان در حالیکه از نقش سازمان ملل انتقاد نمودند معتقدند که سازمان ملل برای مردم افغانستان صرف امید کاذب بوجود می‌آورد و مساعی‌اش محکوم به شکست است. آنان باصطلاح رهبران جهادی را جنایتکاران جنگی خواندند.

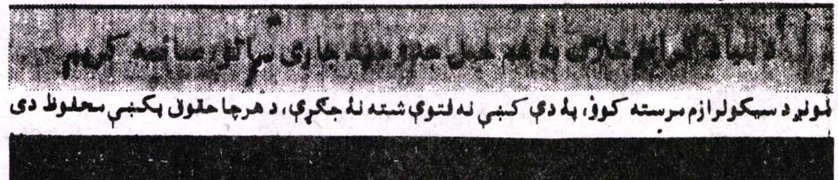
آنان گفتند که رئیس جمهور ربانی و متحدانش احساسات مردم را علیه پاکستان محض بخاطر پوشاندن حاکمیت خونین و خاینانه‌ی خود دامن می‌زنند. مردم پاکستان هرگز علیه پاکستان نمی‌جنگند. آنان اظهار نمودند که همه رهبران گروههای درگیر همدیگر را صرف بخاطر اغفال مردم اتهام می‌زنند و در این رابطه چند روز قبل شورای طالبان در قندهار استاد ربانی را یاغی نامید.

سخنگویان در حالیکه نگرانی خویش را از نقش سازمان کنفرانس اسلامی ابراز می‌کردند مدعی شدند که سازمان مذکور هیچگونه اقدامی بخاطر اعاده صلح و حل مسئله اتخاذ نمی‌تواند زیرا بعضی اعضای آن نوکرانی در میدان جنگ دارند که بخاطر منافع مغرضانه‌ی بادارانشان می‌جنگند. □

وحدت
17 APRIL 1996



د جمعیت انقلابي زنان افغانستان (راوا) مشر صائمه کریم او د ډسترکټ بار ایسوسي ایشن صدر مسعود الرحمان بار ته خطاب کوي (فوټو محمد شهزاد)



... د بنیاد ګرایانو خلاف به هم خپل جدوجهد جاري ساتلو صائمه کریم

مولږ د سیکولرازم مرسته کوو، په دې کښې نه لتوې شته نه جګړې، د هرچا حقوق پکښې محفوظ دي

د هغه خلقو هیواد کښې هیڅ محبوبیت نه لري، په دوی دې بین الاقوامي عدالت کښې مقدمه وچلولې شي

پېښور (پرېشان داؤدزي) د جمعیت انقلابي زنان افغانستان (راوا) ترجمانې صائمه کریم وئیلي دي چې د افغانستان په جګړه مارو دې د انصاف په بین الاقوامي عدالت کښې مقدمه وچلولې شي دا عناصر د افغانانو قتلان او د افغانستان په بربادۍ کښې د کمیونستانو نه په هیڅ ډول کم نه دي دا ولې ئیلي په هیواد کښې هیڅ محبوبیت نه لري ځکه چې د خارجي باداراوو په اشارو ئې هیواد او ملت د بدمرغۍ او تباهۍ سره مخ کړې دې د سه شنبې په ورځ پېښور کښې د کلانو ته خپل خطاب کښې محفوظ دي بلکې کړکې، جګړې او لتوې هم لشته دې ووئیل چې د پاکستان لخوا د جګړه مارو ډلو مشران د خاص سلمنو په حیث سائل او د «وی ائي پی» په شان درناوے ورکول د افغانستان د خاموش اکثریت د رائې توهین دے دې زیاته کړه چې راوا د کمونستانو په ضد هم خپله نه بخلا کیدونکې مبارزه کښې بې کچه قربانۍ ورکړې دي او د بنیاد ګرانو خلاف به هم خپل جدوجهد جاري ساتي دې ووئیل چې د افغانستان صلحه دوست، ملتپال او روښان فکره خلق د جګړه او ورو ولې ځکه سخت نفرت کوي او د جګړه مارو مشرانو قطعا د مشرانو په صفت نه پیژني. صائمه کریم ووئیل چې د راوا په ضد کوم ظلمونه شوي دي هغه د افغانستان په جګړه کښې د شوو جنایتونو د تاریخ یو بدترین او کرغیړن باب دے دې ووئیل چې زمونږ رهبره «مینا» د دوو ملګرو سره په کوټه کښې قتل کړے شوه او قاتلان نیولے شوي هم وو خو د جګړه مارو هغه د یو سرا پسټلي ډلې مشر په خپل اثر رسوخ، سازشونو او دولت مجرمان خلاص کړل دې ووئیل چې هم هغه مجرمان په یو بل جرم کښې نیول شوي دي مونږ حقوق بوهانو (وکیلانو) ته اپیل کوو چې په دې مسئله کښې د حق او انصاف ملګرتیا وکړي چې قاتلان خپل انجام ته ورسي دې وکیلانو ته دا خواست هم وکړو چې د پاکستان حکومت ته په کلکه ووائي چې په افغانستان کښې د لاس وهنې ځځه لاس واخلي افغانانو سره په روغه جوړه او یو ځلملي جمهوري حکومت قائمولو کښې دې ووئیل چې زمونږ په ضد دا الزام سکوت بې اساسه دے چې کوندې مونږ د اسلام د سپیڅلي دین مخالف یو دې زیاته کړه چې دا نظ هم بې ځایه دے چې بنیاد پرست یو مکمل او پوخ مسلمان ته وئیلے شي ځکه چې د نړۍ په بیلا بیلو سیمو کښې د مختلفو عقیدو بنیاد پرستو او خصوصاً په افغانستان کښې ثابته شوې ده چې بنیاد ګران ترکومه حده د اسلام په احکاماتو او تعلیماتو عمل کوي دې ووئیل چې په فلسطین او کشمیر کښې کیدونکي ظلمونه او جنایتونه هم د یهودو او هندوانو د بنیاد پرستۍ نتیجه ده دې ووئیل چې جګړه مارې ډلې د اقتدار هوس دومره سرسام کړي دي چې کله د یو بل په وینو لړه سر بیرې او د یو بل په ضد د کفر فتوې صادروي او کله یو بل له د تش په نوم وروري لاسونه ورکوي دې زیاته کړه چې مونږ د سیکولرازم مرسته کوو خو د دې مطلب دا نه دے چې سیکولرازم بې دینۍ ته وائي بلکې په کومو ملکونو کښې چې دا نظام نافذ دے هلته نه صرف هرچا حقوق

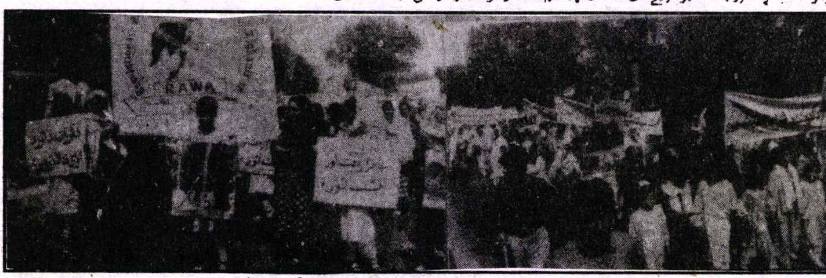
وحدت
28 APRIL 1996

امن او ډیموکراسي د جګړه مارو خاتمې سره تړلې ده، راوا

د بنیاد ګرانو په موجودګۍ کښې افغانستان له بدبختۍ ځخه نه شي خلاصیدے

ملل متحده او او.ئی.سی نه افغان لانجه هواره کړه او نه ئې د خارجي مداخلو مخه ونیوله

پېښور (پرېشان داؤدزي) جمعیت انقلابي زنان افغانستان (راوا) یو ځل بیا وئیلي دي چې دوی به د افغاني بنسټ پالو جګړه مارو ډلو په ضد خپل نه بخلا کیدونکې جدوجهد په هر قیمت جاري ساتي. دوی ووئیل چې د افغانستان د مسئلې هوارے او د هیواد ودانۍ او د خلقو د ژوند او حقونو خوندي کدل په دې کښې نه دي چې جګړه مارې ډلې د بهرنو باداراانو په هلو ځلو خپلو کښې بخلا شي. بلکې امن، ارامۍ، ودانۍ او ډیموکراسي د جګړه مارو خاتمې سره تړلې ده. دا وینا د «راوا» مخکښو زنانه وجمیله جبیب، صائمه کریم او نورو د شنبې په ورځ د یوې درنې احتجاجي مظاهرې په دوران کښې وکړه. د زنانه ؤ ښځو او ماشومانو دا جلوس د نورد کودتا او د مجاهدینو لخوا د کابل د نیولو د ورځې (اتو ښتم اپرېل) د غندنې لپاره وستلے شوے ؤ د یونیورستي روډ کورا قبرستان نه سحر نهه بجې راروان شوي جلوس کښې په سوونو زنانه ؤ انجونو او ماشومانو ګډون درلود. مظاهره په صدر بازار کښې پاتې ته ورسیده. زنانه و، انجونو او ماشومانو چې په لاسونو کښې کوم بینرونه او پلے کاردونه نیولي وو په هغو مختلفي نعرې درج وې چې یوځو دادي «اتم د ثور او ورځ د ثور نه زیاته توره او کرغېړنه ورځ ده. په اتم د ثور کابل ته د بنسټپالو ننوتل په کلکه غندو، د بنیاد ګرانو په موجودګۍ کښې افغانستان له بدبختۍ ځخه نه شي خلاصیدے. د افغانستان ټول قومونه د جګړه مارو په ضد یوموټي دي. د ښځو شرکت نه غیر هیڅ یو انقلاب نه کامیابیږي. صلحه د ټولو ریښتینو افغانانو غوښتنه ده. مونږ امن، ودانۍ او برابري غواړو. د افغانانو د قتلان او د هیواد د بربادۍ مسئولین دې د انصاف په بین المللي عدالت کښې محاکمه شي، دیموکراسي پاینده باد». دوی په لاره د خانه فرهنګ ایران مخې ته هم احتجاجي مظاهره وکړه، دوی د طالبانو خلاف هم نعرې ووهلې او زیاته ئې کړه چې دا ډله هم د مساواتو، دیموکراسۍ، روښانفکرۍ او د ښځو د بشري حقونو قسم خوړلي دښمنان دي، دوی په افغانستان کښې د لاس وهونکو هیوادونو په ضد سخت احتجاج او په ملل متحد او د اسلامي هیوادونو په سازمان (او ائی سی) سخت ټکونه وکړل او وې وئیل چې دا قوتونه نه صرف دا چې د افغانستان د لانجې د حل د پاره ځه قدم نه پورته کوي بلکې د خارجي مداخلونو مخه ئې هم اونه وهله. دوی ووئیل چې د طالبانو لخوا په قندهار کښې د عالمانو د کانفرنس په نوم غونډه هم د داسپاد رباني او د هغه د اندیوالانو د اهل حل وعقد د شورۍ په څیر یوه لوبه بوله ده. چې هیڅ یو ریښتوني، بااحساسه او په خپله خاوره او ملت مئین افغان ته د منلو وړ نه ده. دوی زیاته کړه چې هغه وخت لرې نه دے چې د ځوابي داووښې او امې ورځې د مسئولینو په غاړو کښې به زمونږ د خلقو بېرې غوټه شي او د بهرنو باداارانو به لاسو کښې لوبیدونکي به خپل انجام ته اورسي. یاد دې وي چې «راوا» دا مظاهره د اختر له کبله یوه ورځ مخکښې وکړه.



د جمعیت زنان انقلاب افغانستان په اهتمام پېښور کښې د شوې مظاهرې دوه عکسونه (فوټو محمد شهزاد)

«فرنتیرستار»، ۱۷ اپریل ۱۹۹۶

زن افغان ملاها و پاکستان را مورد حمله قرار داد

پشاور ـ مردم افغانستان هرگز بنیادگرایان را اجازه‌ی حاکمیت بر کشورشان نخواهند داد. آنان این عناصر را بخاطر تنگ‌نظری و تفسیر غلط شان از دین اسلام حتماً رد می‌کنند.

عبارات فوق توسط صایمه کریم یکتن از اعضای «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا) در جریان سخنرانی‌اش در انجمن هیئت وکلای پشاور، بروز سه‌شنبه گفته شد.

او تمامی رهبران جهادی افغان را متهم به ایجاد بی‌ثباتی نموده آنان را عامل ایجاد اوضاعی خواند که هر آن رو به وخامت می‌رود. صایمه اظهار داشت که به اصطلاح رهبران مذهبی واقعیت‌ها را نادیده می‌گیرند زیرا بنابر ادعای وی حرص و آز قدرت تمامی آنان را کور نموده است و هر کدام در تلاش است تا در کاخ ریاست جمهوری راه یابد.

هچنان او مدعی گردید که پاکستان در صدد تحمیل حکومت ملایان بالای مردم افغانستان می‌باشد. «چرا این افراد تنگ‌نظر در پاکستان رأی نیاوردند تا زمام قدرت را بدست گیرند.»

صایمه معتقد بود که مردم افغانستان هرگز به این رهبران اعتماد نمی‌کنند و بنام مذهب فریب نمی‌خورند.

او از همه نیروهای دموکراتیک افغانستان مصرانه تقاضا نمود تا تحت یک پرچم متحد گردند و راه را جهت اعاده صلح در افغانستان هموار کرده و بخاطر خاتمه‌ی جنگ مداوم تلاش ورزند.

او اظهار نمود که وحدت نیروهای دموکراتیک، سرانجام هماهنگی، صلح، برادری و مساوات در میان صفوف ملت افغانستان به ارمغان خواهد آورد.

صایمه گفت: «آن روز دور نیست که برای همه‌ی این به اصطلاح رهبران افغان در خاک افغانستان جایی نباشد. مردم و تاریخ افغانستان آنان را بخاطر اعمال زشت شان در جریان چند سال اخیر هرگز نمی‌بخشند.»

او اعلام داشت که مردم قاتلان هزاران فرد بی‌گناه افغانستان را نخواهند بخشید. □

Afghan lady lashes out at mullahs, Pakistan

Star News

PESHAWAR Afghan people will never allow fundamentalists to rule over their land They will certainly reject these elements for being narrow-minded and for their misinterpretation of the holy religion of Islam

This was stated by Saima Karim, member Revolutionary Association of the Women of [illegible]hanistan (RAWA) while ad-[illegible] Peshawar District [illegible] Tuesday [illegible] Afghan [illegible] name of religion

She urged upon all the democratic forces of Afghanistan to get united under a single banner and pave way for peace in Afghanistan and help end the unabated war there

She predicted that the unity of democratic forces will ultimately bring harmony, peace, brotherhood and equality in the ranks of Afghan nation

"The day w[illegible] when all these so-called Afghan leaders would find no place inside Afghanistan" said Saima adding that the people and history of Afghanistan would never for-

THE FRONTIER STAR
28 APRIL 1996

افغان پارٹیاں ملکی بقاء کیلئے قائم کریں، صائمہ کریم

پشاور (جنرل رپورٹر) افغانستان کی تمام سیاسی پارٹیاں اپنے اختلافات بھلا کر ملک کے امن کے لئے اپنی کوشش شروع کریں۔ ان خیالات کا اظہار پشاور بار ایسوسی ایشن میں جمعیت انقلابی زنانہ افغانستان (راوا) کی قائد صائمہ کریم نے اپنے خطاب کے دوران کیا۔ جس کی دعوت پشاور بار کے صدر مسعود الرحمان اور جائنٹ سیکرٹری شعیب جان نے دی تھی۔ صائمہ کریم نے کہا۔ کہ افغانستان کو کھنڈرات میں بدل گیا ہے۔ اور وہاں کی عورتوں کی عصمتیں روزانہ لوٹ رہی ہیں۔ اور تمام پارٹیوں کا اعادہ [illegible] ہوئے کہا۔ اپنے اقتدار کی کوشش میں لگے ہوئے ہیں۔ ہزاروں نہیں بلکہ لاکھوں افغان باشندے شہید ہو چکے ہیں۔ ہمارے نظر میں افغانستان کے مسئلے کا حل تمام جمہوری قوتوں کے متحد ہونے میں ہے۔ تخریبکاروں کو جڑ سے اکھاڑ پھینکے اور جمہوریت کے لئے کوشش شروع کریں [illegible] انقلابی زنانہ افغانستان کی تنظیم [illegible] حقوق کے لئے کوششیں کرتی [illegible] پچاس سال سے رجعت پسند [illegible] رکھا۔ بنیادی تباہی افغانستان میں [illegible]

17 APRIL 1996

«بشارت»، ۱۷ اپریل، ۱۹۹۶

صایمه کریم: برای بقای کشور احزاب افغانی تأسیس کنید

امریکا حالا هم مستقیماً در افغانستان مداخله می‌کند

پشاور ـ تمام احزاب سیاسی افغانستان با فراموش کردن اختلافات خود باید در راه برقراری صلح در کشور مبارزه را شروع کنند. این نظرات را صایمه کریم رهبر «راوا» طی خطابش به انجمن هیأت وکلای پشاور اظهار داشت. او از سوی رئیس انجمن مسعودالرحمن و سکرتر انجمن شعیب‌جان دعوت شده بود. صایمه کریم گفت که افغانستان را به ویرانه تبدیل کرده اند و به ناموس زنان هر روز تجاوز صورت می‌گیرد. او اظهار داشت که همه احزاب برای گرفتن قدرت می‌کوشند. صدها نه بلکه هزاران افغان شهید شده اند. به نظر ما حل مسئله‌ی افغانستان صرف با اتحاد نیروهای دموکراسی‌خواه میسراست تا خرابکاران را از بین ببرند و دموکراسی تأمین گردد. در پاکستان تقریباً از ۵۰ سال است که مولوی های مرتجع از قدرت بدور نگهداشته شده اند. ویرانی و تباهی اساسی در افغانستان توسط امریکا انجام گرفته است. □



کتابی شامل تصانیف و نظم های سروده‌ی اعضاء و هواداران «جمعیت انقلابی زنان افغانستان»

جهت دریافت آن برای ما بنویسید

«نیشن»، ۱۷ اپریل ۱۹۹۶

The Nation

17 APRIL 1996

Afghan Jehad leaders termed power hungry

From Miangul Naeem

PESHAWAR - The Revolutionary Association of Women of Afghanistan (RAWA) has discribed all the "Jehadic" leaders as fascist, power-hungry and against women rights and alleged "These fundamentalists humiliated the Afghan women, killed the innocent people and turned the prosperous Afghanistan into the city of ghosts in their tussle for power".

Addressing the lawyers of Peshawar District Bar Association, spokeswoman of RAWA, Saima Karim in her six pages long speech narrated heart-rendering stories the people of Afghanistan faced during the last four years and also came down hard on neighbouring countries for trying to impose fundamentalist government in Afghanistan.

Soonafter her speech, pre-JI lawyer raised hue and cry by posing undue questions on the PDBA president and the guests however the Bar members and senior lawyers came to the rostum and affectively tackled the situation.

The RAWA spokesman pointed out

رهبران جهادی افغان تشنه قدرت خوانده شدند

پشاور ـ «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا) تمامی رهبران «جهادی» را فاشیست، قدرت‌طلب و مخالف حقوق زنان توصیف نموده ادعا کرد که «این بنیادگرایان زنان افغان را بی‌سیرت نموده، مردم بی‌گناه را به قتل رسانیده، افغانستان سعادتمند را در اثر جنگ قدرت به شهر ارواح مبدل کرده اند.»

صایمه کریم سخنگوی «راوا» در جریان سخنرانی به قانون‌دانان انجمن هیئت وکلای پشاور، که شامل شش صفحه می‌شد از داستانهای دلخراشی که مردم افغانستان در جریان چهارسال اخیر با آن مواجه گردیده اند حکایت کرد. و همچنان کشورهای همسایه را بخاطر تلاش آنها جهت تحمیل دولت بنیادگرا در افغانستان سرزنش نمود.

بزودی بعد از سخنرانی، قانون‌دانان مربوط جماعت اسلامی با مطرح نمودن سؤالات بی‌ربط از رئیس هیئت وکلا و مهمانان، سر و صدا براه انداختند، اما اعضای هیئت وکلا و قانون‌دانان ارشد روی ستیج آمده اوضاع را در کنترول گرفتند.

سخنگوی «راوا» در مورد نقش رهبران مهم افغان ـ حکمتیار، ربانی و رسول‌سیاف به تناقضاتی اشاره نموده و آنان را بخاطر غصب قدرت، ویرانی کشور و قتل افغانان بی‌گناه با حیل مختلف مسئول خواند.

از یکطرف این رهبران مردم را بخاطر قیام علیه کمونیزم و سوسیالیزم تحریک نمودند اما از طرف دیگر، هر زمانی که قدرت شان دچار مخاطره می‌گردید با استفاده از هر فرصتی با رهبران بدنام کمونیستها اتحاد می‌کنند. صایمه گفت: «اتحاد ربانی با دوستم و اتحاد حکمتیار با شهنوازتنی و سپس با رشید دوستم دلایلی اند مبنی بر نقش غیراسلامی، غیردموکراتیک و ریاکارانه‌ی آنان.»

او از این که تمامی دولت‌های پاکستان و نیز مردم از زمان آزادی تا امروز برای به قدرت رسیدن بنیادگرایان رأی نداده اند اما در جریان ده سال اخیر همه دولت‌های پاکستان کوشیده اند تا بنیادگرایان و نیروهای غیردموکراتیک را در افغانستان تحمیل نمایند، انتقاد کرد.

او اظهار داشت: «اینکه گلبدین حکمتیار نوکر پاکستان بود و همیشه بوسیله پاکستان تربیت و پرورش یافته مسئله‌ای پوشیده نیست. سایر کشورهای همجوار مثل ایران، عربستان‌سعودی، هند و روسیه نیز از هیچ نوع کمک به چاکران نازدانه‌ی افغانی‌شان مضایقه نکردند.» □

«مشرق»، ۱۷ اپریل ۱۹۹۶

مرتجعین مسئول ویرانی افغانستان اند، صایمه کریم

وکلای روشنفکر باید برای برقراری صلح در افغانستان همکاری نمایند. خطاب به انجمن هیأت وکلای پشاور کوشش وکلای مربوط جماعت اسلامی برای ممانعت از سخنرانی زن افغان باعث سروصدا در انجمن قانون‌دانان شد.

افغانستان کی تباہی کے ذمہ دار رجعت پسند ہیں، صائمہ کریم

روشن خیال وکلا افغانستان میں قیام امن کیلئے تعاون کریں، پشاور ڈسٹرکٹ بار سے خطاب

مشرق — 17 APRIL 1996

پشاور ـ مسئول ویرانی افغانستان مرتجعین تاریک فکر اند، که پایه قدرت خود را براجساد هزاران افغان استوار کرده و برای خوش ساختن باداران خارجی به منافع ملی پشت پا زده اند. این نظرات را رهبر «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» طی خطاب در انجمن قانون دانان پشاور بیان داشت. در این موقع از طرف وکیلی مربوط جماعت اسلامی پاکستان علیه حضور و سخنرانی صایمه کریم اعتراضاتی صورت گرفت که باعث سروصدا در انجمن گردید، ولی بعداً وکلای دیگر مسئله را حل کردند. صایمه کریم با محکوم کردن زبان هرزه و تهدیدهایی که از طرف بنیادگرایان علیه «راوا» روا داشته می‌شود گفت که آنان به هیچ قیمتی با وطنفروشانی که برای منافع باداران خارجی کار می‌کنند، سازش نخواهند کرد. او اضافه کرد که بنیادگرایان در ضدیت با زن و دموکراسی، زیر نام دین و گرم نگهداشتن بازار جنگ و دامن زدن خصومت بین افغانها نقش جاسوسان امریکا را بازی می‌کنند، او تأکید ورزید که همانطوریکه وکلای روشنفکر در پاکستان نقش اساسی را در بستن راه بر مرتجعان بازی می‌کنند، باید برای برقراری صلح و دموکراسی پایدار در افغانستان نیز کمک کنند. □

«فرنتیرپست»، ۱۷ اپریل ۱۹۹۶

«راوا» از سیاست پاکستان در رابطه با افغانستان انتقاد کرد

RAWA criticises Pakistan's policy on Afghanistan

The Frontier Post
17 APRIL 1996

F.P. Report

PESHAWAR — Revolutionary Association of Women of Afghanistan (RAWA) has said that West has so far never seriously extended support to the democratic forces in Afghanistan.

Addressing to Peshawar ...trict Bar Association a leader ...AWA, Saima Karim said ... failed to check ... Afghanistan, ... increase it ... stan. She ... leaders ... war.

that since its birth fundamentalists' were always discouraged but on the other hand Pakistan policy- makers had been trying to impose fundamentalists' rule in Afghanistan. She said that RAWA was not affiliated with any particular group and its only aim was to establish democratic system in Afghanistan. She said that RAWA preferred secularism with other system as it guaranteed equal rights to every citizen, irrespective of religion, race and language. India was heading towards disaster because it had abandoned its secular policies. She ...

...talism.

She narrated the sorry st... women in Afghanistan ar... that at the hands of ... women rights were ... Women were not allowe... offices and a ban had... posed on the women ... colleges by the fact ... in Afghanistan, she ...

The function w... disturbance wh... longing to Jar... jected the ... bearers for ... leaders for ... the be...

پشاور ـ «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا) اظهار داشت که غرب تا هنوز از نیروهای دموکراتیک افغانستان بطور جدی حمایت نکرده است.

صایمه‌کریم یکتن از اعضای «راوا» که در برابر هیئت وکلای پشاور، خطابه‌ای ایراد می‌نمود ابراز داشت که اگر غرب بنیادگرایی را در افغانستان کنترول نکند نفوذ ایران در کشور جنگ‌زده بزودی افزایش می‌یابد. او گفت که رهبران فعلی افغان بشمول گلبدین حکمتیار، ربانی، احمدشاه مسعود، استاد سیاف و رشیددوستم مسئول تباهی و کشتار در افغانستان اند. عضو «راوا» تمامی کشورهایی راکه از این رهبران حمایت می‌کنند نکوهش نمود.

صایمه بخصوص از پاکستان انتقاد کرده گفت که از بدو پیدایش پاکستان، بنیادگرایی همیشه در این کشور تضعیف گردیده اما سیاستمداران پاکستان می‌کوشند تا حاکمیت بنیادگرایی را در افغانستان تحمیل کنند. او اظهار نمود که «راوا» با هیچ گروهی بخصوص رابطه نداشته و یگانه هدفش تأسیس سیستم دموکراتیک در افغانستان می‌باشد. وی گفت که «راوا» سکیولاریزم را نسبت به سیستمهای دیگر ترجیح می‌دهد زیرا سکیولاریزم بدون درنظرداشت مذهب، نژاد و زبان ضامن حقوق مساوی همه‌ی اتباع کشور می‌باشد. هند از آنجاییکه از سیاستهای سکیولاریستی‌اش دور شده به سوی فاجعه و بدبختی روان است.

صایمه در ضمن انتقاد از سیاست دوگانه‌ی غرب ابراز داشت که بسیار جالب است که غرب از یک جانب بنیادگرایان را حمایت می‌کند اما از جانب دیگر مخالف بنیادگرایی است.

او از وضع فاجعه‌بار زنان در افغانستان تذکر داده گفت که حقوق زنان بوسیله‌ی جنگ سالاران نقض گردیده است. آنان اجازه ندادند تا زنان به دفترها، مکاتب و فاکولته‌ها بروند.

زمانیکه یک قانون‌دان مربوط جماعت اسلامی در مورد دعوت اعضای «راوا» جهت ایراد سخنرانی به هیئت وکلا، علیه سازماندهندگان اعتراض نمود محفل دچار اغتشاش و همهمه گردید.

فداگل (وکیل) در جریان محفل مکرراً از سازماندهندگان سؤال می‌کرد تا توضیح دهند که آیا اعضای «راوا» از جانب هیئت وکلای پشاور دعوت شده اند و یا اینکه بنا به خواست خود آمده اند. او همچنان خواست تا برایش فرصت سؤال کردن داده شود. □

«نوای وقت»، ۱۷ اپریل ۱۹۹۶

رهبران افغان ضد حقوق و آزادی زنان اند

17 APRIL 1996

صایمه کریم:
«راوا» برای تأمین حقوق زنان در افغانستان مبارزه می‌کند

پشاور ـ صایمه کریم سرپرست «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا)، تعصب و پابندی‌های رو به افزایش بر زنان در افغانستان را شدیداً محکوم کرد. او روز سه‌شنبه در انجمن هیأت وکلای پشاور سخنرانی می‌کرد. در این موقع علاوه بر تعداد زیادی وکلا، اعضای «راوا» نیز حضور داشتند. صایمه کریم گفت که «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا) که در سال ۱۹۷۸ تأسیس شده است برای حقوق زنان می‌رزمد و نظر به روش خاص سیاسی خود مورد قهر و خشم احزاب بنیادگرا قرار می‌گیرد ولی استوارانه و تنها علیه توطئه‌ها و تهدیدهای نیروهای مرتجع مقابله می‌کند. وی صدر ربانی، حکمتیار، سیاف و طالبان را متهم کرد که نه تنها دشمن حقوق و آزادی زن اند بلکه آشکارا مخالفت خود را با دموکراسی هم نشان می‌دهند. او گفت که افغانستان قربانی شهوت قدرت طلبی نیروهای سودپرست می‌شود. او گروه‌های جهادی را مسئول بحران و جنگ داخلی فعلی در افغانستان قلمداد نموده ابراز داشت که این گروه‌ها گاهی بر یکدیگر فتوای کفر صادر کرده، اعلان جهاد می‌کنند و گاهی هم دوباره باهم متحد می‌شوند و موضع شان هر روز تغییر می‌کند. او گفت که این وضع بیانگر سیاست خودخواهانه‌ی آنان است. او گفت که آنان هر روز به ما اتهامات می‌زنند و در برابر ما موانع ایجاد می‌کنند. حتی سه تن از همراهان ما را به شهادت رسانیدند لیکن با وجود این ما استوار و اراده ما محکم است. او از انجمن وکلا خواست تا بخاطر محکوم شدن قاتلین مینا به مجازات، «راوا» را در قضیه که فعلاً در محکمه عالی پاکستان درجریان‌است، کمک کنند. □

«پاکستان آبزرور»، ۹ مارچ ۱۹۹۶

تعهد «راوا» برای درهم کوبیدن بنیادگرایان

پشاور ـ «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا) هشتم مارچ روز جهانی زن را بـه آرزوی واژگونی بینادگرایـان و بـرادران طـالب آنـان در افغانستان برگزار کرد. «راوا» اظهار داشت کـه تـا وقتی میهن شان (افغانستان) از چنگال بنیادگرایان رهایی نیافته، آنان هیچگونه عید و یـا نـوروزی نخواهند داشت. آنان قسم یاد نـمودند کـه هشتم مارچ روز جهانی زن را فقط با تشدید مبارزه علیه بنیادگرایان و صاحبان خارجی شان بشکل شایسته گرامی می‌دارند.

«راوا» طی اعلامیه‌ای به مناسبت روز جهانی زن گفت که ما امسال هشـتم مارچ را در حالی برگزار می‌کنیم که مردم ما و بخصوص زنان پامال شده‌ی ما در زنجیرهای خاینان بنیادگرا و مزدوران شان دست و پا زده و آخرین بقایای تمدن و فرهنگ در کشور ما بی‌شرمانه نابود می‌شود. اعلامیه افزود کـه در سـالهای گذشته میهنفروشان خلقی و پرچمی زیر ماسک «سوسیالیزم» و «خلق» مردم ما را قصابی نموده زندگی شان را تیره و تار کرده بودند و حالا انواع بنیادگرایان بد ذات زیرنام دین و مذهب مشغول ارتکاب جنایات نهایت شنیع علیه مردم ما اند.

«راوا» با انتقاد شدید از نقش تنظیم های جهادی افغانستان ابراز داشت که این روزها بنیادگرایان در مورد صلح قوله می‌کشند، اما نـه جـناح دولت و نـه جناح مخالف کوچکترین اراده‌ای بخاطر قطع جنگهای برادرانه‌ی جهادی ندارند. آنان ادعا نمودند که طالبان در مـواردی بـیش از بـرادران بـنیادگرا ضـد زن و ضد علم و فرهنگ اند. طالبان نه‌تنها دروازه‌های مـؤسسات تـعلیمی را بـسته اند بلکه زنان را نیز زندانی خانه ساخته برده‌ی مرد اعلام نموده اند.

«راوا» در مورد مداخله‌ی خارجی در افغانستان ابراز انزجار نـموده گـفت که دولت پاکستان از یکسـو ادعـا مـی‌دارد کـه طـرفدار هـیچ گـروه افـغان نمی‌باشد اما از جانب دیگر از حکمتیار و دوستم بـه مـثابه «اشـخاص بسـیار مـهم» اسـتقبال مـی‌کند. آنـان گـفتند کـه گـلبدین، دوسـتم و سـایر «رهبران» افغان بشمول ربانی، سیاف، خلیلی وغـیره کـثیفترین دشـمنان مـلت افغانستان اند.

«راوا» پیشنهاد کرد که اگر دولت پاکستان واقعاً می‌خواهد تا همچون دوست مردم ما عمل نماید، باید از همدستی با ایران، عربستان سعودی و سـایر دولت های فاشیستی جهت حمایت از بنیادگرایان احتراز جسته و در عـوض بکـوشد تمامی این سرکردگان اخوانی را به عنوان جنایتکاران جنگی مورد تعقیب قانونی قرار داده پشت میز محاکمه کشاند. □

Pakistan Observer
9 MARCH 1996

RAWA vows to stamp out fundamentalists

BUREAU REPORT

PESHAWAR Revolutionary Association of the Women of Afghanistan (RAWA) celebrated the March 8 International Women Day with pledge to topple what it called fundamentalists and their Talib brothers in Afghanistan and stated that unless their homeland ... traitors, fundamentalists and their stooges, and the last remnants of civilisation and culture in our country are shamelessly being destroyed and added in past years the traitor Khalqis and Parchmis under the mask of socialism and working people stabbed the people and made their life miserable. Now dif- ... the women behind the home walls and proclaimed that women are men's slaves.

Expressing resentments over the foreign interference in Afghanistan, they stated that government of Pakistan on the one hand claims that it does not favour any warring factions in Afghanistan but on the ...

«مسلم»، ۸ مارچ ۱۹۹۶

«راوا» اسلامیستها را مسئول جنگ در افغانستان دانست

«جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا) ضمن ابراز نگـرانـی در مورد جنگ جاری در افغانستان مدعی شـد کـه جـاسوسان و دلالان خـارجـی زیـرنام سـوسیالیزم و کـمونیزم کشـور را غـارت و حـالا اسلامیست‌ها همان نقش را زیر نام اسلام بازی مـی‌کنند. «راوا» طـی انتشار اعلامیه‌ای به مناسبت روز جهانی زن، اظهار کـرد کـه مـردم افغانستان هشتم‌مارچ را در حالی تجلیل می‌کند که به اصطلاح علمای دین با نقض کلیه موازین انسانی و اخلاص بر آنان وحشت و قساوت اعمال می‌دارند. «راوا» گفت که اسلامیستها بخاطر صلح کوشش‌هایی بی‌ثمر انجام داده نه گروه‌های رقیب و نه دولت کـابل در مـورد خـتم جنگ صادق نیستند.

«راوا» مدعی شد که طالبان بـا بـازداشـتن زنـان از رفـتن بـه مؤسسات تعلیمی، آنان را از کسب علم و معرفت محروم می‌سازد.

«راوا» با محکوم ساختن مداخله‌ی خارجی در افغانستان مـدعی شد که دولت پاکستان از یکسو در مورد عدم مداخله در امور داخلی افغانستان بـیاناتی صادر می‌نماید و خواهان استعفای رئیس جمهور ربانی می‌گردد، اما از سـوی دیگـر از گلبدین‌حکمتیار و همراهانش در اسلام‌آباد استقبال می‌کند. «راوا»مدعی است که دولتهای خارجی به عبث می‌کوشند تا دولت افغانستان را به گروههای مزدور شان واگذارند.

«راوا» معتقد است که اگر دولت پاکستان می‌خواهد به مثابه دوست مردم افغانستان پنداشته شود، باید از تبانی با سایر دولتهای فاشیستی جهت حمایت از بنیادگرایان احتراز جوید. □

RAWA blames Islamists for Afghan war

BUREAU REPORT

PESHAWAR, March 7: Expressing concern over the ongoing civil war in Afghanistan, the Revolutionary Association of the Women of Afghanistan (RAWA), has alleged that the foreign agents and brokers had looted the country in the name of socialism and communism and now the Islamists are playing the same role in the name of religion.

In a statement issued on the occasion of International Women's Day, the associations said that the people of Afghanistan were ... mosphere when these so-called religious scholars and ulema had let loose cruelty and barbarism on them and were violating all the human norms and morality. The association said that the Islamists were making futile efforts of peace, but neither the rival groups nor the Kabul administration was sincere to put a halt to war.

The Taliban, the RAWA alleged, did not allow the Afghan women to get knowledge by stopping them to enter into the educational institutions.

Condemning the foreign ... ference in Afghanistan, ...

hand the ... was givin ... interferen ... of Afgha ... the resig ... Burhanud ... the other ... Hekmaty ... at Islamal ... foreign ... futile ... ge

THE MUSLIM
9 MARCH 1996

«خبرین»، ۱۷ اپریل ۱۹۹۶

دست پروردگان قاضی حسین احمد افغانستان را به دوزخ بدل ساخته اند، صایمه کریم

مسئول خرابی‌های اوضاع افغانستان همین افراد اند، دست گلبدین، ربانی و سیاف با خون افغانها رنگین است



قاضی حسین احمد کے تربیت یافتہ لوگوں نے افغانستان کو جہنم بنا دیا ہے، صائمہ کریم

افغانستان کے حالات کی خرابی کے ذمہ دار یہی لوگ ہیں، حکمت یار، ربانی اور سیاف کے ہاتھ افغانیوں کے خون سے رنگے ہیں

17 APRIL 1996

پشاور ـ صایمه کریم رهبر «جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا) گفت: در بدترشدن اوضاع افغانستان دست پروردگان قاضی‌حسین‌احمد بزرگترین نقش را دارند، آنها از افغانستان جهنمی ساخته اند و همین افراد زیرنام جهاد افغانستان را به آتش جنگ داخلی سوق داده اند، وی ضمن سخنرانیش در محفلی که از طرف «دسترکت بار ایسوسی‌ایشن پشاور» به ریاست مسعودالرحمان رئیس آن انجمن برگزار شده بود، اظهارداشت: مردم افغانستان را مسئول خرابی اوضاع داخلی کشورشان دانستن کاملاً نابجاست. حقیقت این است که گلبدین حکمتیار، برهان‌الدین ربانی، رسول‌سیاف و دیگر همدستان به آرزوی قدرت تا آنجا پیش رفته اند که دست‌های شان بخون افغانها آلوده شده است. و همین عناصر بخاطر منافع خود غیرت ملی شان را به مخاطره انداختند. خود و حتی حامیان شان یعنی مردم پاکستان را تا کنون فریب داده اند. این ها همان افرادی اند که گاهی گلوی یکدیگر را پاره می‌نمایند و گاهی برسر میز منافع دوست همدیگر می‌شوند. همین‌ها برای نابودی و تسلیم شدن سازمانهای دمکراتیک در برابر خود، هر وسیله‌ای را استفاده کردند. □

«خبرین» ۱۷ اپریل ۱۹۹۶

بیانیه صایمه کریم در انجمن هیأت وکلای پشاور، سؤال و جواب وکیل نظم رابرهم زد

آیا شما دعوت برای سخنرانی را داده بودید یا خودشان آمده بودند، وضع را روشن بسازید، پرسش از رئیس انجمن اینان مهمانان ما اند هرکس می تواند بیانیه بدهد، وکیل های ارشد نگذاشتند سؤال و جواب ادامه یابد

پشاور ـ بروز سه شنبه تحت اداره انجمن هیأت وکلای پشاور، بعد از بیانیه رهبر «راوا» زمانی سروصدا برپا شد که یکی از وکیلان از رئیس انجمن پرسید که صایمه کریم و دوستانش را شما دعوت کرده اید یا خودشان آمده اند؟ وکیلان ارشد در پاسخ گفتند که اینان مهمانان ما اند و اگر ما دعوت کرده باشیم یا به خواست آنان اینکار شده باشد فرقی نمی‌کند. ما به شمول قاضی حسین‌احمد همه را دعوت می‌دهیم. این نشست سیاسی نیست. وکلا می‌خواستند از صایمه کریم سوالاتی بکنند ولی وکلای ارشد مسئله را حل کردند. □



صائمہ کریم کا ڈسٹرکٹ بار پشاور سے خطاب، وکیل کے سوال جواب نے معاملہ گڑبڑ کردیا

یہ ہماری مہمان ہیں ہر کوئی خطاب کرسکتا ہے، سینئر وکلاء نے "پوچھ گچھ" کا سیشن نہ ہونے دیا

17 APRIL 1996

صائمہ کریم "خبریں" کو انٹرویو دے رہی ہیں

در شماره بعدی «پیـــام زن»:

- داکتر نجیب، زندانی یا مصاحب احمدشاه‌مسعود؟
- داکتـر جـاویـد، از قهارعـاصی تـا سمنـک‌پـزی، از سمنک‌پزی تا کجا؟
- گلبدین: تروریزم، هیرویین، وابستگی و منافقت

  ـ حقایق تازه در باره «عظیم جهادی رهنما» و رابطه‌اش با سیا و آی‌اس‌آی از زبان ارباب
- اسحق‌نگارگر چگونه با حربه‌ی ادبیات و دیـن خـود را فاجعه‌آمیزتر از پیش مسخ می‌کند
- «سیاه اگر سرخ بپوشد، خر بخندد»
- افغانستان د بشر د حقوقو فاجعی په‌اړوندنـړیوال‌مسئولیت
- «شتـر در خواب بینـد پنبـه‌دانه»
- افغـانان ترتـولو توربخته زیارایسـتونکی

Revolutionary Association of the Women of Afghanistan
RAWA
جمعیت انقلابی زنان افغانستان
۱۳۵۶

PAYAM-E-ZAN (The Massage of Woman)

A Publication of the Revolutionary Association of the Women of Afghanistan (RAWA)

No.43 June 1996

عکس ها از «پیام زن»



زن و مرد تیره‌بختی که با تسلط بنیادگرایان جنایت پیشه
در غم نان و پوشاندن دلبندان شان می‌سوزند



این پدیده‌ها ماسک دژخیمان جهادی را با «انقلاب اسلامی» شان صدباره می‌درد. و بهمین خاطر هم است که ما همآواز با مردمِ در دوزخ ما تا سرنگونی تمامی خاینان بنیادگرا این واقعیت را فریاد خواهیم کرد که

۸ ثور سیاهتر از ۷ ثور!